

سنة



# نظام ناعادلانہ جهانے

و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

نویسنده:

نورالحق طاہر

## معرفی کتاب:

عنوان: نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

نویسنده: نورالحق طاهر

بازخوانی و تدقیق: نصیر احمد نویدی

کمپوز:

برگ آراء: نورالله افروز

ناشر:

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: عقرب ۱۴۰۳ هـ ش

تیراژ: ۵۰۰ جلد

همه حقوق چاپ و نشر محفوظ به نویسنده است.

اهداء!

این کتاب را به مادر قهرمانم، که بخاطر تربیت و تعلیم ما مشکلات زایدالوصفی را متحمل گردید، و تمام زندگی اش را وقف سعادت و خوشبختی ما نمود، و به تمام مجاهدین گمنام راه آزادی و استقلال کشور و شهدای فلسطین، که جان های شیرین شان را برای عزت و اعتلای اسلام قربان نمودند، اهدا می نمایم!



## تقریظ !

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله و على آله و أصحابه أجمعين اما بعد:

کتاب حاضر، دومین اثریست که از قلم محترم نورالحق طاهر، به چاپ می رسد. کتاب اول که سال گذشته ۱۴۰۲ هه ش، تحت عنوان (پیدایش جریان چپ، ظهور، اوج و سقوط کمونیزم) در کابل به چاپ رسید، با قبول وسیع هموطنان در داخل و خارج مواجه گردیده، نسخه های متعدد آن بنابر تقاضای هموطنان چیز فهم، به کشور های اروپایی و امریکا فرستاده شد.

اینک کتاب دوم با عنوان گیرای ( نظام نا عادلانه جهانی، و ناکامی آن در حل مسایل بشری) و محتوای غنی، در حالی به نشر میرسد، که ناکامی نظام عالمی حاکم، در برقراری صلح و امنیت بین المللی، نسبت به هر وقت دیگری، آشکار تر شده است. رژیم غاصب و اشغالگر صهیونستی از یکسال به این طرف، سرزمین غزه را مورد تاخت و تاز وحشیانه قرار داده و از ارتکاب هیچ نوع وحشت و جنایتی درین جغرافیای کوچک عالم اسلامی، دریغ نمی ورزد. بیشتر از چهل هزار انسان، که بیشتر شان را کودکان و زنان تشکیل می دهند، هدف حملات هوایی و زمینی اردوی اسرائیل قرار گرفته و به قتل رسیده اند، در حالی که نزدیک به ۹۰ هزار انسان دیگر، زخمی و معلول گردیده، خانه و کاشانه خود را از دست داده اند. اکثر مناطق غزه، از تسهیلات ضروری زنده گی چون آب و برق محروم بوده، مکاتب، شفاخانه ها و مساجد بی شماری منهدم گردیده اند. تمام حملاتی که اسرائیل طی این مدت در غزه انجام داده است، تحت عنوان جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و تصفیة قومی قرار می

ب/// نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

گیرد که نظیر آن جز در جنایات هتلر، موسیولینی و پنوشه در دنیای معاصر کمتر دیده شده است. اما متأسفانه نظم عالمی حاکم نه تنها کار مؤثری برای خاتمه دادن به اینهمه جنایت و نسل کشی انجام نداده است، که تعداد زیادی از کشورها و مؤسسات بین المللی به شکل مستقیم یا غیر مستقیم، در حمایت از اسرائیل قرار دارند و روی جنایات آن پرده می اندازند. درین میان، شورای امنیت سازمان ملل متحد که وظیفه آن حفظ صلح و امنیت بین المللی است، به علت نفوذ غرب بر آن، واستفاده ظالمانه آمریکا از حق ویتو، نتوانسته است جلو جنایات اسرائیل را بگیرد و یا حد اقل آتش بسی به وجود آورد که جلو ریخته شدن خون های بیشتر را بگیرد. با وصف قرارداد مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر توقف حملات اسرائیل، این جنگ ظالمانه هنوز علیه مردم بی دفاع فلسطین ادامه دارد و محکومیت اسرائیل و بنیامین نتنیاہو، صدر اعظم جنایت کار رژیم صهیونستی توسط (محکمه بین المللی عدالت) نیز نتوانست کوچک ترین تغییری را در وضعیت ایجاد نماید. جالب تر اینکه نتنیاہو که در جنایت دست کم از هتلر ندارد، به کانگرس امریکا دعوت می شود، آنجا به ایراد سخن رانی می پردازد و با کف زدن های پیہم سناتوران امریکایی، دستش برای انجام جنایت های بیشتر در فلسطین، آزاد تر ساخته می شود. شاید همین تشویق های کانگرس من های امریکایی بود که نتنیاہوی خون خوار را به ترور های بیشتر، از جمله ترور رهبر فرزانه ملت فلسطین، اسمعیل ہنیه (رحمه الله) نیز تشویق نمود.

تمام این واقعیت ها و حقائق ناگفته زیادی دیگر، نشانه آنست که نظام حاکم جهانی دیگر قادر به حفظ صلح و امنیت در کره خاکی نیست. این سیستم نمی تواند با ملت های جهان تعامل یک سان نماید و نظم



نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ج

بین المللی را قائم نگهدارد و نه هم قادر است که عدالت و امنیت را برای بشریت به ارمغان آورد. موضوع اصلی کتاب حاضر نیز، انتقاد از نظام حاکم جهانی و شرح خلل هایی است که در پیکر آن وجود دارد. محتوای کتاب در مجموع در مورد ناکارایی نظم حاکم و تأکید روی ضرورت تغییر عاجل و فوری آن می باشد.

فصل اول کتاب با این سوال آغاز می یابد، که چرا باید نظام حاکم فعلی تغییر نماید؟ که طی آن یک تازی جهان غرب در سیاست دنیا مورد گفتگو قرار گرفته و نقش سازمان ملل سازمان ملل متحد از چندین وجوه، به نقد گرفته می شود. فصل دوم کتاب، روی ریشه های تاریخی جهان غرب و تجارت برده تمرکز می کند، و از خلال آن به اثبات می رسد که شگوفایی اقتصادی و ثروت های لایتناهی موجود در قاره اروپا، محصول برده داری و غصب سرزمین های بیگانه، در امریکا، اروپا و آسیا می باشد.

نویسنده، از ارتباط مستقیم تجارت برده و نقش استعمار کهن، ر راه اندازی انقلاب صنعتی پرده برداشته، حقائق تاریخی ناگفته ای را درین مورد به تصویر می کشد.

فصل سوم کتاب به استعمار جدید و نقش آن در عقب مانده گی ملل غریب، اختصاص داده شده است.

درین فصل روی عوامل متعددی چون کنترل شرابین اقتصادی ملت ها، کنترل بر مؤسسات اقتصادی جهان، سوء استفاده از اعطای قروض و برهم زدن بیلانس صادرات، واردات و غیره عوامل، به عنوان اسباب عقب مانی ملل فقیر، یاد آوری صورت گرفته است.

د // نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

فصل چهارم کتاب به تهاجم فرهنگی و نیرنگ فروش سلاح بالای ملل ضعیف و مشتعل ساختن جنگ های منطقوی اختصاص داده شده که با ارقام و احصائیه های تکان دهنده ای همراه می باشد. فصل پنجم به عوامل عمده عقب مانی ملت ها اختصاص داده شده که عبارت از: مداخله و تجاوز، کودتا ها و ایجاد پایگاه های نظامی در نقاط مختلف جهان می باشد. فصول بعدی نیز به نحوی، تفصیل بیشتر مطالب ذکر شده، از زاویه های دیگر و با ابعاد متفاوت تر می باشند.

در حالی که برای نویسنده کتاب، از الله متعال، طول عمر و برکت بیشتر در علم و عمل آرزومندم، خواننده گان عزیز را به خواندن کتاب تا اخیر، توصیه می نمایم. محتویات این کتاب مارا قادر خواهد ساخت تا تصور بهتری از دنیای خود داشته باشیم، با عیب ها و نواقص نظام موجود جهانی آشنا شویم و با طرح های تفصیلی بخاطر بیرون رفت ازین معضلات، آشنایی حاصل نماییم.

کمال فقط و فقط از آن الله جلّ جلاله می باشد، امکان اشتباهات و خطاء های غیر عمدی درین کتاب نیز وجود دارد. امیدواریم خواننده گان چیز فهم، ملاحظات و انتقادات شان را در مورد محتویات کتاب با ما شریک سازند، تا در چاپ های بعدی مورد عنایت قرار گیرند.

والله المستعان

نصیر احمد نویدی

مسئول انجمن تاریخ افغانستان

مرکز مطالعات استراتیژیک و منطقوی

اسد ۱۴۰۳ ه ش / اگست ۲۰۲۴ م

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه:	۱
فصل اول!	۱۲
چرا باید نظام حاکم فعلی تغییر یابد؟	۱۲
دلایل موجه ومنطقی این تغییر!	۱۲
عدم موثریت سازمان ملل!	۱۳
قضاوتهای جانبدارانه محاکم بین المللی!	۲۳
نظم جهانی موجود، میراث خور استعمار کهن!	۲۴
طرق نفوذ استعمار نوین و جدید در کشورهای عقب مانده!	۲۵
۱- به قدرت رساندن اجنتان:	۲۵
۲- استفاده از زور، برای مسلط ساختن مزدوران خویش!	۲۵
۳- از طریق صدور سرمایه:	۲۶
۴- از طریق تهاجم فرهنگی و پیشبرد جنگ فکری:	۲۶
فصل دوم!	۳۱
تجارت برده و استعمار کهن!	۳۱
۱- تجارت برده:	۳۱
منافع اقتصادی برده داری برای غرب!	۳۵
زوال تجارت برده داری:	۳۸
ضرر و نقصان برده داری، برای قاره افریقا و مردم آن!	۳۹
۲- استعمار کهن!	۴۱
اهداف استعمار:	۴۵

- ۴۶ ..... صدمه و ضرر استعمار برای مستعمرات!
- ۵۷ ..... فصل سوم!.....
- ۵۷ ..... نظام جهانی موجود و استعمار نوین:.....
- ۵۷ ..... تاثیرات اقتصادی!.....
- ۵۹ ..... بی‌عدالتی در تجارت بین‌المللی!.....
- ۶۱ ..... عوامل سهم‌ناپذیر کشورهای عقب‌مانده در تجارت جهانی:.....
- ۶۴ ..... قروض خارجی و سود هنگفت آن!.....
- ۶۴ ..... سطح قروض بعضی کشورهای غریب:.....
- ۷۰ ..... تاثیرات (سود) بر شهروندان طبقات متوسط و پایین، در غرب: ...
- ۷۱ ..... سرمایه‌گذاری‌های خارجی!.....
- ۷۵ ..... قراردادهای یک‌جانبه استعماری!.....
- ۸۰ ..... فصل چهارم!.....
- ۸۰ ..... تهاجم فرهنگی، جنگ فکری، فروش سلاح و رول آن در عقب.....
- ۸۲ ..... وظایف مادیای غربی!.....
- ۸۶ ..... کردار منفی مادیای شیطانی غربی!.....
- ۸۹ ..... تهدید صلح جهانی از طریق نظامیگری!.....
- ۹۳ ..... ساعت آخرالزمانی، و قریب بودن نابودی جهان!.....
- ۹۴ ..... خطر زباله‌های اتمی!.....
- ۹۵ ..... فروش سلاح و ارتباط آن با جنگ‌ها در جهان:.....
- ۱۰۱ ..... دلایل وضع عدم محدودیت بر تولید و فروش سلاح!.....
- ۱۰۳ ..... فصل پنجم!.....
- ۱۰۳ ..... سه عامل عمده دگر تقویت عقب‌ماندگی:.....
- ۱۰۳ ..... مختصر تجاوزات وحشیانه استکبار بر کشورهای غریب!.....

- کودتاهای صورت گرفته علیه کشورهای عقب مانده:..... ۱۰۶
- موجودیت پایگاههای نظامی استعماری :..... ۱۰۹
- جنگ وسیله تهدید نفوس کشورهای عقب مانده!..... ۱۱۱
- استخبارات:..... ۱۱۳
- ترور شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... :..... ۱۱۵
- فرار مغزها:..... ۱۱۸
- فصل ششم!..... ۱۲۲
- کی‌ها به کی کمک می‌کنند؟..... ۱۲۲
- شمال، به جنوب کمک می‌کند، یا اینکه برعکس؟..... ۱۲۲
- از درک سود کمرشکن قرضه‌ها:..... ۱۲۲
- از درک سرمایه‌گزاری‌ها :..... ۱۲۲
- از درک عقد قراردادهای استعماری:..... ۱۲۳
- از درک فرار سرمایه‌های دزدی شده:..... ۱۲۳
- از درک انتقال سرمایه از کشورهای غریب!..... ۱۲۴
- از درک فروش سلاح :..... ۱۲۴
- از درک خرید مواد خام کشورهای غریب به نرخ ارزان :..... ۱۲۴
- از درک فروش اموال لکس و مصرفی غیر ضروری!..... ۱۲۵
- از درک فرار مغزها :..... ۱۲۵
- مسئله تغییر موسم و گرم شدن زمین!..... ۱۳۰
- ایجاد بحران‌ات جعلی اقتصادی!..... ۱۳۳
- بی‌پروایی غرب در ضایع شدن مواد غذایی، مصرف کالوری بیش... ۱۳۵
- کمک ناچیز اقتصادی و مالی غرب به کشورهای عقب مانده :..... ۱۳۷
- مصارف بیجا و بیمورد نگهداری حیوانات و پرندگان خانگی در..... ۱۳۸

- ۱۳۹ ..... شراب نوشی!.....
- ۱۴۱ ..... فصل هفتم!.....
- ۱۴۱ ..... بیشترین متضررین در نظام بر حال :.....
- ۱۴۲ ..... تشویش تاریخی و احساس خطر غرب از تمدن اسلامی:.....
- ۱۴۳ ..... سیاست دشمنانه غرب علیه اسلام، طی دوران تاریخی و قرون ..... ۱۴۳
- ۱۵۳ ..... تلف شدن حقوق مسلمان ها، در اثنای تقسیم هند:.....
- ۱۶۹ ..... فصل هشتم!.....
- ۱۶۹ ..... عوامل داخلی تاثیرگذار بر عقب ماندگی:.....
- ۱۷۱ ..... مصارف بلند نظامی:.....
- ۱۷۱ ..... فرهنگی:.....
- ۱۷۳ ..... فصل نهم!.....
- ۱۷۳ ..... حل معضلات موجود در بطن نظام بر حال:.....
- ۱۷۳ ..... راه حل معضلات ناشی از موجودیت نظام موجوده جهان:.....
- ۱۷۷ ..... ضرورت آمدن تغییرات و اصلاحات:.....
- ۱۷۷ ..... بخش سیاسی:.....
- ۱۷۸ ..... اصلاحات پیشنهادی برای حل معضلات موجود در سازمان ملل ..... ۱۷۸
- ۱۷۸ ..... تفکیک صلاحیت ها بین مجمع عمومی و شورای امنیت: ..... ۱۷۸
- ۱۷۸ ..... پیشنهاد اصلاحی و راه حل موضوع:.....
- ۱۷۹ ..... تثبیت سهمیه کشورها در بودجه ملل متحد:.....
- ۱۸۰ ..... راه حل های ناتوانی سازمان ملل متحد در حل معضله عقب ..... ۱۸۰
- ۱۸۲ ..... بیعدالتی در انتخاب سرمنشی:.....
- ۱۸۵ ..... مسله اقتصادی و مالی !.....
- ۱۸۸ ..... بهتر ساختن شرایط سرمایه گزاری ها :.....

- تجدید نظر در عقد قراردادهای استخراج معادن و منابع طبیعی: ۱۹۰
- برخورد باتهاجم فرهنگی، و رویکرد مخرب میدیای غربی:..... ۱۹۲
- راه حل کم کردن تهاجم فرهنگی و زایل ساختن اثرات سو میدیای ۱۹۴
- عوامل خارجی موثر در کمتر شدن اثر و رسوخ فرهنگ غربی:..... ۱۹۷
- خوداری از نظامیگری، مسابقات تسلیحاتی و تجارت سلاح!..... ۱۹۸
- اقدامات جدی، برای جلوگیری از تباهی جهان:..... ۱۹۹
- مبارزه با نقش مخرب استخبارات غربی:..... ۲۰۱
- ممانعت از فرار مغزها:..... ۲۰۲
- منافع حاصله اقتصادی غرب از کشورهای عقب مانده:..... ۲۰۴
- جلوگیری از اسراف مواد غذایی، و ضیاع ان:..... ۲۰۷
- گرم شدن زمین و تغییر خطرناک موسم:..... ۲۰۹
- جلوگیری از ایجاد بحرانات عمدی اقتصادی:..... ۲۱۱
- فصل دهم..... ۲۱۲
- کمک ناچیز غرب به محو کمپاین پروسه عقب ماندگی:..... ۲۱۲
- امکانات بالقوه غرب برای مساعدت:..... ۲۱۲
- غرب چه مسولیت در قبال کشورهای عقب مانده دارد؟..... ۲۱۷
- فصل یازدهم..... ۲۱۹
- نقش مردم و دولت های غریب در محو پدیده عقب ماندگی:..... ۲۱۹
- علل عمده عقب ماندگی!..... ۲۱۹
- عوامل تاثیرگزار بر فقروعقب ماندگی:..... ۲۲۲
- راه حل های پدیده عقب ماندگی در داخل ممالک:..... ۲۲۳
- طرق اشتغال زایی جهت بلند بردن عاید:..... ۲۲۴
- مسایل فرهنگی!..... ۲۴۴

- نقش دین ومذهب در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردمان..... ۲۴۷
- عملکرد افراطی حزب (BJP) هندو، عامل افزایش معضلات هند!. ۲۵۲
- پیشنهاد (BJP) برای مسلمانان مقیم هند :..... ۲۵۴
- دین مبین اسلام در مبارزه علیه فقر، گرسنگی و عقب ماندگی!. ۲۵۹
- فصل دوازدهم..... ۲۶۴
- خلص مطلب و نتیجه گیری:..... ۲۶۴
- الف: ازدرك تولید ناخالص داخلی هنگفت!..... ۲۶۹
- ب: از درك جلوگیری از اتلاف مواد غذایی و پرخوری!..... ۲۷۰
- ت: از درك جلوگیری از مصارف بیهوده تفنی و بعضن مضر..... ۲۷۰
- ث: کم کردن از مصارف شراب نوشی، تجارت جنسی، شرط..... ۲۷۱
- ج: کاستن از مخارج نظامی و جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی!... ۲۷۱
- اقدامات غرب در جهت آوردن اصلاحات عمیق درسیستم..... ۲۷۴
- یک خبر خوش منحيث اخريں نکته قابل تذکر!..... ۲۷۶
- ماخذ و منابع :..... ۲۷۹



## مقدمه:

الله (ج) کاینات، و منجمله کره زمین را خیلی زیبا خلق نموده، برای رفع ضروریات زندگی انسان ها و سایر موجودات زنده نعمات و مواد غذایی فراوان شامل غله جات، میوه جات، گوشت حیوانات بری و بحری، لبنیات و ... حاوی پروتین ها، چربی ها، ویتامین ها، کربوهیدریت ها، مواد معدنی، آب، و... ضرورت مخلوقات را خلق نموده که برای همه آنها کفایت می کند. عناصرمختلف که دروجود آمدن تمدن بشری خیلی موثر و کارآمد تمام شدند، مثل آهن و... خلق شده است، هوا و موسم کره زمین خیلی گوارا و برای زندگی زنده جانان خیلی مناسب می باشد.

هکذا غذا برای حیوانات بری و بحری هم به اندازه کافی موجود است و سیستم زنجیره غذایی در طبیعت فعال است، ضمنن بشر با فعالیت های اقتصادی خود به تولید نعمات مادی، واریه خدمات میپردازد، که ارزش سالانه جهانی آن بالغ بر (۱۰۰) هزار میلیارد دالر می گردد، که به طور اوسط برای هر باشنده جهان، که فعلن تعداد آنها (۸) میلیارد نفرمی باشد، (۱۲،۵) هزار دالر میرسد، که کاملن کافی می باشد، از لحاظ تیوری ادعا کرده می توانیم، که انسان ها کره زمین در یک محیط دلخواه و با موجودیت وسایل و امکانات کافی، زندگی خوش و آرام را باید بگذرانند!

## ولی بدبختانه اینطور نیست!

واقعیت زمینی بیانگر نکته برعکس آن است! امروز جهان ما برای اکثریت مطلق مردم آن (۸۰٪) از هر لحاظ، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، حقوق بشری، وضعیت تعلیم و تربیه، و... ناخوشایند و ناراحت کننده است، عقب ماندگی گریبانگیر اکثریت

کشورها در آسیا، آفریقا و بعضی مناطق امریکای مرکزی و جنوبی می‌باشد، از رفاه اقتصادی و موجودیت سهولت‌های زندگی مدرن درین مناطق خبری نیست، فقر بیداد می‌کند، (یک میلیارد انسان، خاصتن اطفال، گرسنگی میکشند، بی سوادی درین مناطق گسترده است، امراض گوناگون به دلیل کمبود خدمات صحی، داکتر و دوا تلفات دارد، اکثرن جنگ‌های داخلی و نیابتی دوامدار در کشورهای عقب مانده رخ داده وبه یک مسئله عادی مبدل شده و قربانی فراوان می‌گیرد.

اکثریت رژیم‌های این کشورها دست نشانده و مدافع حقوق استعمار گران(نوین) میباشند، صنعت خیلی ضعیف و برابر به هیچ است، صادرات صرفن دربرگیرنده مواد خام بوده و با قیمت نازل بفروش میرسد، به شمول نفت. عاید سرانه مردم این کشورها خیلی پایین و بعضن در حدود (۵۰۰) دالر در سال بوده که از اوسط جهانی ان (۱۲،۵) هزار دالر خیلی پایین می‌باشد، در حالیکه عاید کشورهای پیشرفته (۱۰۰) مرتبه بیشتر ازان می‌باشد، سطح مصرف در کشورهای عقب مانده بسیار پایین است، مصرف یک طفل امریکایی (۵۰) برابر یک طفل هندی می‌باشد. اوسط مصرف انرژی، مثلن برق، در کشورهای عقب مانده کمتر از (۵۰۰) کیلو وات) در سال می‌باشد، در حالیکه عین مصرف برای کشورهای پیشرفته (المان ۶ هزار، کانادا ۱۲هزار، ایالات متحده امریکا ۱۴ هزارو ناروی ۲۳ هزار کیلو وات می‌باشد، اوسط جهانی آن درحدود (۳) هزار کیلو وات) قرار دارد. مصرف کالوری مورد نیاز حتمی یک انسان(مرد با فعالیت زیاد از ۲۲۰۰ کالوری، زن خانه دار از ۱۶۰۰ کالوری و اطفال از ۱۲۰۰ کالوری ) باید به بالا باشد، ولی بدبختانه در کشورهای فقیر این نورم پاینتر از اندازه معین ان بوده، که سو تغذی شدیدی رادر اطفال بوجود می‌آورد، در حالیکه یک امریکایی (۳۷۵۰) کالوری را در روز بدست می‌آورد، علاوتن

بیشتر از (۱) میلیارد تن مواد غذایی باالایر غفلت و بی‌اعتنایی، در جهان ازبین می‌رود.

تفاوتها و تبعیض‌ها در سایر بخش‌های زندگی مردم کشورهای پیشرفته و عقب مانده خیلی فاحش می‌باشد، چنانچه بیکاری در کشورهای پیشرفته اوسطن در حدود (۵٪) می‌باشد، ولی این فیصدی در کشورهای عقب مانده تا (۴۰٪) نیروی کار فعال بالا می‌رود، در کشورهای غنی اکثریت مطلق مردم موتر شخصی دارند، چنانچه در امریکا (۸۹٪)، کانادا (۷۹٪)، المان (۶۳٪) مردم واسطه نقلیه شخصی دارند، ولی مردم در کشور هند (۲٪)، بنگله دیش (۲۰٪)، یوتوپیا (۰،۱٪) موتر شخصی دارند. اکثریت مردم کشورهای عقب مانده بی‌سواد اند، به همین گونه کیفیت و کمیت خدمات صحی درین کشورها با کشورهای پیشرفته تفاوت دارد. زراعت عقب مانده و به شیوه‌های سنتی کشت وکار صورت گرفته و حاصلات آن در مقایسه به کشورهای پیشرفته خیلی پایین می‌باشد، و کفاف مصارف کشور را نکرده و سالانه اسعار خارجی به مقدار زیاد برای خرید غله جات پرداخته می‌شود. تجارت به دلیل پایین بودن سطح صادرات و بلند بودن زیاد واردات همیشه به بیلانس منفی مواجه می‌باشد، وضع مالی این کشورها خوب نبوده و بودجه دولتی با کسر مواجه می‌باشد، و دولت‌ها برای پوره کردن مصارف مملکت به اخذ قرضه با سودهای گزاف از کشورها و مراکز مالی غربی رو میاورند، کشورهای جنوب (عقب مانده) در حدود (۲۶۰۰) میلیارد دالر از کشورهای شمال (کشورهای غنی) مقروض اند، که تنها تادیه پول‌های (سود) ان سالانه بالغ بر (۱۳۰) میلیارد دالر می‌شود.

در بخش سیاسی موسسه ملل متحد که به ارزیی قائم کردن صلح، تحکیم ارتباط فی مابین کشورهای جهان، مبارزه علیه فقر و گرسنگی

تاسیس شده بود، در پیشبرد اهداف خود ناکام مانده و به یک وسیله تامین منافع کشورهای پیشرفته تبدیل شده است، مردم جهان عقب مانده به دلیل مداخلات بیرونی در انتخاب زعامت سیاسی ملی، سالم و دور از فساد موفق نمی گردند.

تجارت و فروش سلاح مقدار متنابهی از پول و دارایی کشورهای غریب را بلعیده و در پهلوی آن وقوع جنگ‌های نیابتی هست و بود شانرا به باد فنا داده است.

تاراج منابع طبیعی و معادن کشورهای عقب مانده توسط خارجیان و به کمک اجنتان داخلی آنها، باعث اتلاف سرمایه هنگفت این ممالک گردیده و می گردد، شرکت ها و سرمایه داران بیرونی درین عمل نابخشودنی سهیم اند.

چور و چپاول ثروت مستعمرات سابقه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین توسط استعمارگران قدیم، باعث رونق و آبادی غرب گردید، ولی باعث ویرانی مستعمرات گشت، که فقر موجوده ناشی از آن است، قابل تذکر است که چور و چپادل خاتمه نیافته، اکنون این وظیفه را استعمار جدید با شیوه‌های متفاوت و ظالمانه تر به پیش می برد.

خلاصه مصایب و مشکلات فراوان دامنگیر (۸۰٪) مردم جهان می باشد.

سوال پیدا می شود که، با وجود فراوانی نعمات مادی، سرمایه و پول و امکانات فراوان چرا این معضلات در جهان وجود دارند؟

و چرا راه حل برای آن پیدا نمی شود؟

دلیل، موجودیت بی عدالتی در توزیع نعمات مادی، بی تفاوتی در مورد فقر موجود در جهان، اعمال تبعیضات، فراموش کردن معنویات و تفوق مادیات پرستی، عدم احترام به حقوق انسانی، منفعت جویی، حرص و آز

بیحد، قدرت طلبی، موجودیت مفکوره برتری نژادی و قومی، بی اعتنائی در مورد محیط زیست و تغییرات موسمی و... می باشد.

عوامل منفی فوق باعث گردیده، که تفاوت فاحش و ناروا در زندگی انسان‌های ساکن کره خاکی از لحاظ مادی (اقتصادی)، اجتماعی، سیاسی، بشری، محیط زیستی و... بوجود آید، عامل عمده و بنیادی در بوجود آمدن این پدیده‌های منفی، نظام موجوده حاکم بر جامعه انسانی است. این سیستم و نظام مسلط بر مقدرات انسان‌ها عبارت از مفکوره سرمایه داری است، که از مدت (۳۰۰) سال به اینسو بر جهان حکمرانی می کند، این نظام توسط کشورهای غنی (عمدتاً) و سکتور خصوصی آن مشتمل بر بانکداران صاحبان صنایع بزرگ، شرکت‌ها، جوامع مدنی، سازمان‌های حقوق بشری، ارگان‌های نظامی و دستگاه‌های استخباراتی و... پیش برده شده و توسط میدیای پر قدرت حمایت می گردد، با وجود در اقلیت قرار داشتن، به کمک قدرت سیاسی، نظامی، سرمایه و تکنالوژی پیشرفته بر اکثریت مردم جهان حکمرانی کرده و همه چیز را در جهت منافع اقلیتی خود بکار می اندازند.

سازمان ملل متحد با تمام دستگاه عریض و طویل خود منحصت خدمت گذار و مدافع حقوق این نظام باطل و غاصب قرار دارد.

این نظام ظالم و جهانخوار که کنترل جهان را در دست خود دارد، برای دوام و بقای سیطره خود بردنیا، تمام تلاش خود را بعمل می آورد و درین راه از تمام وسایل (اکثر غیر انسانی) کار می گیرد، در حقیقت اینها میراث خور استعمار قدیم اند، که امروز در قالب (استعمار نوین) اهداف شیطانی کشورهای اروپایی و امریکا را پیش میبرند، این اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدولوژیکی، فرهنگی، مذهبی، و... بوده و خیلی گسترده می باشد و عبارت است از:

- تامین منافع (۲۰٪) مردم خود، و قربانی ساختن منافع اکثریت مطلق باقیمانده.
- تلاش برای دوام نفوذ خود بالای دولت‌های کشورهای جهان با استفاده از امکانات اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی.
- بکار گرفتن همه امکانات برای تهیه و اکمال مواد خام مورد ضرورت صنایع عظیم خود از کشورهای فقیر.
- در مبارزه علیه عقب ماندگی و فقر در جهان تلاش جدی نه نموده و اصلن به دوام آن کوشا است، به همین منظور تلاش نهایی بعمل می‌آید، تا از صنعتی شدن کشور عقب مانده جلوگیری بعمل آید.
- برای روی کار آوردن دست نشاندگان خود در کشورهای دگر از هر نوع اقدامات، حتی کودتا، خوداری نه می‌کند، مثل مصر، چلی و ... .
- موسسه ملل متحد را تحت کنترل خود قرار داده و وسیله پیشبرد اهداف نا میمون خود می‌سازد، بهترین مثال آن عدم عکس العمل مناسب از طرف ملل متحد در قبال تجاوز خونین اسرائیل بر غزه می‌باشد، زیرا امریکا با (وتو) از برقراری آتش بس جلوگیری کرده و می‌کند.
- براه انداختن جنگ‌های نیابتی بی‌شماری در جهان در گذشته و حال .
- و به منظور حصول اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی، فروش سلاح در زمینه هدف اصلی می‌باشد.
- بدترین خصلت نظام جاری مسلط بر جهان، درین است که در موجودیت آن عقب ماندگی، فقر، گرسنگی، و ... در دنیا از بین نمی‌رود، زیرا اینکار به نفع آنان نمی‌باشد، اگرچه به نفع ( ۸۰٪ ) مردم است، این خصوصیت ضد انسانی این نظام و طرفداران بیگانه از بشردوستی آن، تبدیلی و جای‌گزینی آن را با یک سیستم انسانی و قابل تحمل برای اکثریت مردم، لازمی می‌سازد.

در ذهن عده از مردم حتمن خطور می کند که انقلابات متعدد صنعتی، که فعلن ما در مرحله ششم آن قرار داریم، و پیشرفت تخنیک و تکنالوژی به سویه عالی امروزی در دوران همین نظام بدست آمده است و چرا باید در صدد تغییر و تبدیل آن باشیم؟

ما منکر این واقعیت بزرگ نمی‌باشم، اختراعات و اکتشافاتی که طی (۲۶۴) سال اخیر، از شروع انقلاب اول صنعتی (۱۷۶۰) الی اکنون بوقوع پیوسته باعث تغییرات بزرگ در زندگی بشر شده و انسانها به مدارج عالی ترقی و پیشرفت نائل شده اند، اعتراض ما درین است، که از مزایا و پیشرفت تکنالوژی فیصدی کوچکی مردم و آنها در کشورهای غنی مستفید شده اند، هر آنچه است، قدرت سیاسی، اقتصادی و... در دستان مردم کشورهای غنی قرار دارد، آنها از مزایای زندگی عصری امروزی شامل معاش و عاید بلند، مسکن مناسب، خوراک کافی و مقوی، موتر شخصی، کار مناسب، موجودیت خدمات خوب صحی، شرایط خوب تعلیم و تربیه برای اطفال، وقت کافی برای تفریح و سفر به خارج، موجودیت آزادی بیان، حق انتخاب زعیم دلخواه، خوشحال بودن مردم وعدم موجودیت افسردگی، نبودن جنگ‌ها و عدم آشنایی به کلمه مهاجرت و بی خانمان شدن، ارزش داشتن زندگی یک انسان و... بهره می برند، ولی برعکس در زندگی اکثریت مردم جهان در جنوب آسیا، آفریقا و بعضی کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی ازین سهولت‌های اثری کمتری دیده شده، فقر، گرسنگی و درد و رنج و جنگ و... صحنه‌های عادی در زندگی اینان می‌باشد، خوشی از خانه‌های این مردم رخت سفر بر بسته و به اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده، افسرده ترین مردم جهان

را تشکیل میدهند، درحالیکه اینها هم حق دارند از حقوق بشری برخوردار شده و به صفت یک انسان با آنان برخورد شود.

بدبختانه انسان‌ها که دارایی، پول و امکانات وسیع را در اختیار دارند، در مقابل مصائب زندگی این تیره بختان بی تفاوت بوده و احساس مسولیت ندارند، غریبان با هزینه نمودن صدها میلیارد دلار سالانه، صدها میلیون سگ، گربه و پرندگان را در خانه‌های خود نگهداری میکنند، ولی در قصه طفل گرسنه آفریقایی نمی‌باشند، مریضی سگ یک فرد اروپایی و امریکایی بیشتر از مرگ یک انسان در ممالک فقیر نزد اینان اهمیت دارد! مسئله تغییرات آب و هوا و گرم شدن موسم که ناشی از استعمال بی رویه مواد سوخت فوسیلی توسط کشورهای بزرگ صنعتی می‌باشد، به یک بحران بزرگ محیطی، که آینده بشریت را به خطر جدی مواجه ساخته است، مبدل شده است، بنان همچو یک سیستم که علاقه مند به درک درد و بدبختی هم‌نوع خود نباشد، نمیتواند معضلات آنها را هم حل کند، سردمداران نظام جهانی نه تنها ارزشمند از بین بردن عقب ماندگی در جهان نمی‌باشند، بلکه قصدن موانع بزرگ درین راه خلق میکنند، در موجودیت آنها این مصایب گم شدنی نمی‌باشد، هدف و غایه نهایی بحث موجود ما نه تنها رهایی از شر نظام موجوده می‌باشد، بلکه مبارزه با عقب ماندگی هم جز اصلی موضوع ما می‌باشد، البته ناگفته نباید گذاشت که موانع و معضلات سد راه از بین بردن عقب ماندگی دلایل و وجوهات داخلی هم دارد، که به آن هم پرداخته می‌شود.



نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۹

سگ ها در اروپا به دربار سطنتی راه پیدا کرده، و زندگی شاهانه دارند! ولی .....



... طفل گرسنه افریقایی آخرین نفس های خود را می کشد، و لاشخور که منتظر مرگ وی است!



درپیدایش (رنسانس یا دوره نشاط ثانوی)، که در ابتدای قرن (۱۷) از ایتالیا شروع شد، و انقلاب صنعتی اروپا، که چهره جهان بالاثرا آن تغییر بزرگی نموده و تمدن امروزی از آن شکل گرفت، از دو عامل مهم و اساسی، که همه به آن اذعان میکنند، یاد آوری می نمایم:

### دو عامل در شکل گیری رنسانس و تمدن جدید اروپایی:

#### ۱- انتقال آثار و کتاب‌های علمی یونان قدیم و آثار علمی دانشمندان

##### مسلمان به اروپا:

بعد از انحطاط تمدن با اهمیت یونان، صدها سال از لحاظ فرهنگی و تمدنی یک دوره فترت و رخوت در اروپا پدید آمد، و در آنجا هیچ یک قوم یا مملکتی پیدا نشد که تمدن یونانی را ادامه دهد، بعد از ظهور اسلام مسلمانان به ترجمه آثار مذکور به عربی اقدام نموده، نه تنها از نابودی آن جلوگیری نمودند، بلکه علما و دانشمندان اسلامی با مطالعات و تحقیقات خود بخش قابل ملاحظه به علوم و فنون اضافه کردند، خاصتن در بخش های طب، نجوم، کیمیا، فزیک، جغرافیه، ریاضی و... این گنجینه علوم بالاثرتماس اروپائیان با اندلس اسلامی و جنگ‌های صلیبی به اروپا انتقال یافت، که در ایجاد تمدن اروپایی نقش عمده داشت.

#### ۲- رول مواد خام و ثروت و سرمایه مستعمرات در ترقی و پیشرفت

##### اروپا!

شکی نیست، که انقلابات صنعتی اول (۱۷۶۰ - ۱۸۵۰) و دوم (۱۸۵۰ - الی اوایل قرن ۲۰) در اروپا بوجود آمد، ولی در اروپای آنوقت مواد خام مورد ضرورت صنایع نوپا به قدر کافی موجود نبود، صرف ذغال سنگ، آهن و پشم (مورد ضرورت صنایع نساجی پشمی) وجود داشت، و بقیه مواد خام

خاصتن پنبه و نیشکر به دلیل اقلیم سرد اروپا در آنجا پیدا نمی‌شد و سرمایه کافی هم موجود نبود، برای کسب مواد خام و سرمایه، کشورهای اروپایی با استفاده از قوه نظامی خود دست به کشور کشایی زدند، کشورهای بی‌شماری در قاره جدید امریکا، افریقا، آسیا و استرالیا به مستعمرات ممالک اروپایی مبدل شدند، این مستعمرات منبع خوب کسب مواد خام و سرمایه برای استعمارگران اروپایی شدند، به اساس گزارش (ایندیپندنت فارسی مورخ ۱۳ جنوری ۲۰۲۲) تنها استعمار بریتانیا از مستعمره هند خود بین سال‌های (۱۷۶۵-۱۹۳۸)، در مدت (۱۷۳) سال بیشتر از (۴۵) هزار میلیارد دالر به نرخ امروزی، را به تاراج برده و در پیشبرد اقتصاد خود از آن کار گرفت، در حالیکه انگلیس و سایر کشورهای استعماری بیشتر از (۱۵۰) مملکت را مستعمره ساخته بودند، هکذا همین کشورها از تجارت برده (۱۴۴۳ - الی اواسط قرن ۱۹) میلیاردها دالر را به جیب زدند، (در مورد درفصل‌های بعدی به تفصیل صحبت خواهد شد). به این حساب کشورهای فقیر در ترقی کشورهای اروپایی سهم داشته اند، و یک نوع سرمایه‌گزاری ناخواسته صورت گرفته است، بنان کشورهای عقب مانده بالای کشورهای غنی حق بزرگ دارند که باید توسط کشورهای اروپایی ادا شود!

## فصل اول !

### چرا باید نظام حاکم فعلی تغییر یابد؟

#### دلایل موجه و منطقی این تغییر !

اکنون میپردازیم به ذکر مطالب پیرامون خلا، نواقص، کارشکنی، بی تفاوتی، بی کفایتی، ناتوانی، عدم اخلاص، منفعت جویی اقلیتی، تبعیض، برخورد دوگانه و بکارگیری معیارهای دوگانه در قضایای مشابه، بی‌علاقه گی به مسئله عقب ماندگی، جنگ افروزی و به خطر انداختن صلح جهانی و... موجود در نظام برحال، که در هر بخش زندگی امروزی نمایان است :

نظام موجوده بیشترین تلاش را بعمل آورده و می‌آورد، تا تمام کشورهای جهان را زیر سیطره و کنترل خود در آورد، برای تحقق این هدف وسایل و افزارهای مختلف، از بکارگیری دیپلوماسی، تبلیغات و نشرات، استعمال فشار و تهدید استفاده شده و می‌شود، ایالات متحده امریکا من حیث بزرگترین قدرت جهان در پیشاپیش این جریان قرار دارد، که مخصوصاً بعد از سقوط نظام شوروی، یک تاز این میدان گردیده است، البته چین هم یک قدرت بزرگ نو ظهور بوده سعی در محدود ساختن دایره نفوذ امریکا دارد، منتهی رقابت چین برای کشورهای عقب مانده کدام مفادی ندارد، زیرا چین هم تلاش در توسعه نفوذ خود دارد.

تلاش‌های فوق الذکر دوام سیاست استعمار قدیم در شکل و شمایل جدید باشیوه خیلی مخرب تر، در جهت تامین اهداف غیر انسانی قدرت های غاصب است، اکثریت کشورهای عقب مانده از هر لحاظ، چنان

مرعوب قدرت کشورهای بزرگ شده اند، که حتی در بدترین حالت و وضعیت هم صدای اعتراض و شکایت را بلند کرده نمیتوانند، چنانچه در قضیه قتل عام فلسطینیان توسط دولت صهیونیستی که در آن هزاران فلسطینی کشته و یا شدیدن زخمی شده اند، و باریکه غزه به ویرانی مبدل گشت، اکثریت کشورهای اسلامی از ترس غرب و امریکا در موضوع یا خاموشی اختیار کرده و یا اینکه یک عکس العمل خیلی ضعیف از خود نشان داده اند.

به این ترتیب اکثریت ملل فقیر جهان، بیشتر از (۱۵۰) مملکت تحت تاثیر قدرت‌های بزرگ قرار دارند، حتی بالای یک تعداد کشورهای پیشرفته در اروپا و آسیا مثل جرمنی، جاپان، کوریای جنوبی تایوان هم نظریات، افکار و طرز تفکر امریکا تحمیل می‌گردد.

### **عدم موثریت سازمان ملل !**

در بخش سیاسی و در سطح جهانی، استفاده غلط از موجودیت سازمان ملل متحد و بکارگیری از آن به نفع قدرت‌های بزرگ باعث ایجاد خلای بزرگ شده است، سازمان ملل متحد با یک هدف انسانی و اجندای بشر دوستانه ذیل در اکتوبر (۱۹۴۵) تاسیس شد:

- ۱ - حفظ صلح و امنیت بین المللی.
- ۲ - توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها، بر اساس احترام بر اصل برابری حقوق متقابل.
- ۳ - همکاری در حل مسائل بین المللی، که دارای زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، بشری و انسان دوستانه باشد.



در منشور ملل متحد صریحاً تذکر یافته، که اختلافات فیما بین کشورها از راه مسالمت آمیز حل و فصل شده، و هیچ کشور حق ندارد که تمامیت ارضی ملل دیگر را پایمال کند، اگر این اجندا و خط و مشی، که بر اساس آن موسسه ملل متحد تشکیل شده بود، در عمل صادقانه پیاده میشد، در دنیا مشکل عمده باقی نمی ماند، زیرا از یک سو صلح و امنیت بین المللی تضمین میشد، و از طرف دیگر بر اساس احترام متقابل و حقوق برابر، روابط نیک و حسنه بین کشورهای مختلف جهان ایجاد شده و یک فضای صلح صمیمیت بر قرار می گردید، هکذا برای حل معضلات حاد جامعه امروزی مثل فقر، گرسنگی، بی سوادگی، بیکاری، تبعیض، در مجموع علیه پدیده عقب ماندگی مبارزه مشترک، پیگیر، جدی، مخلصانه و موثر صورت می گرفت، که حتمن نتیجه مثبت به بار می آورد، هم چنان اختلافات احتمالی بین کشورهای جهان از راه های مفاهمه و مذاکره حل شده و ضرورت برای استعمال قوه بین دو کشور باقی نمی ماند، و هیچ کشوری بالای کشوری دیگری حق تجاوز و تعدی را نمی داشت.

متاسفانه کار ملل متحد به دلایل گوناگون ذیل، طوریکه لازم بود پیش گرفته و این سازمان به یک ارگان دست نشانده، بیکاره، وهزینه آور مبدل شده است:

۱- مداخلات کشورهای غنی، خاصتن قدرت‌های پنجگانه دارنده سلاح اتمی ( ایالات متحده امریکا، چین، روسیه، بریتانیا، و فرانسه) در امور سازمان ملل متحد.

۲ - مشکلات تشکیلاتی، خاصتن صلاحیت بیحد شورای امنیت و حق استعمال بیجای ( وتو ) توسط قدرت‌های پنجگانه، و بی صلاحیت بودن مجمع عمومی.

۳ - بی کفایتی، بی توجه ای، و ناکامی در حل مسائل اقتصادی جهان، خاصتن عقب ماندگی، گرسنگی، بی سوادی، و ... .

۴ - ناتوانی در حل معضلات جهانی و اختلافات فیما بین کشورهای جهان، طی (۷۹) سال موجودیت سازمان ملل متحد جنگ‌های بی‌شماری در جهان اتفاق افتاده، که میلیون‌ها انسان طی آن از بین رفتند، ولی موسسه ملل متحد در جلوگیری از آن ناکام ماند.

۵ - بی‌عدالتی در انتخاب سرمنشی ملل متحد و نادیده گرفتن حق مسلمانان درین مورد.

ملل متحد من حیث یک سازمان معتبر بین المللی نتوانسته مطابق (مطابق لایحه وظایف خود) عمل نماید بلکه درین مدت طولانی در خدمت قدرت‌های بزرگ قرار داشته است، پنج عضودارنده سلاح اتمی وعضو دایمی شورای امنیت ( ۲،۵٪ ) اعضای ملل متحد، اراده خود را بر بقیه ( ۹۷،۵٪ ) تحمیل می نمایند، که به هیچ وجه منصفانه و عادلانه نمی‌باشد. موجودیت و عملکرد شورای امنیت سراسر به خاطر تامین منافع قدرت‌های بزرگ می‌باشد، در قضیه تجاوز خونبار اسراییل بر باریکه

غزه، ایالات متحده امریکا با استعمال حق (ویتو) مانع برقراری آتش بس شده، و در حقیقت مسول مرگ هزاران فلسطینی و نابودی غزه می باشد، صلاحیت بیحد کشورهای بزرگ در شورای امنیت ملل متحدعامل بسیاری از بحران‌های جهانی می‌باشد، شورای امنیت صلاحیت تمام اجرات را به عهده دارد، در حالیکه فیصله‌های مجمع عمومی با (۱۹۳) عضو قدرت اجرایی نداشته و صرفن جنبه مشورتی دارد.

### مشکلات تشکیلاتی:

موسسه ملل متحد از (۶) ارکان ذیل تشکیل شده است:

الف - مجمع عمومی

ب - شورای امنیت

ث - شورای اقتصادی و اجتماعی

ج - شورای حقوق بشر

چ - دبیرخانه (سکرتیرت)

ح - دیوان بین المللی عدالت

صلاحیت‌های سازمان ملل متحد طوری تنظیم شده که فیصله‌های مجمع عمومی با (۱۹۳) عضو دائمی و دو عضو ناظر (سازمان آزادی بخش فلسطین PLO و واتیکان) حیثیت اجرایی نداشته و صرف جنبه مشورتی دارد، برعکس شورای امنیت با داشتن ۵ عضو دائمی و ۱۰ عضو علی‌البدل، تمام فیصله‌های اجرایی، قابل تطبیق و الزام اور ملل متحد را صادر میکنند، استفاده از حق (ویتو) توسط (۵) قدرت دائمی شورای امنیت مسئله جنجال بر انگیز می‌باشد، که یک امتیاز خاص برای آنها شمرده شده که



بیشتر از (۲۶۰) بار در طول تاریخ ملل متحد بکار برده شده است، آخرین بار ایالات متحده امریکا در مسئله تجاوز اسرائیل علیه غزه بکار رفت، و از برقراری آتش بس جلوگیری نمود، امریکا برای تامین منافع اسرائیل و با استفاده از حق ویتو خود جنایت بزرگ را انجام داد، ازینکار باید جدن جلوگیری میشد!

اصولن حق ویتودر اثنای تشکیل سازمان ملل متحد در سال (۱۹۴۵) توسط (۵) قدرت پیروز جنگ دوم جهانی (ایالات متحده امریکا، اتحاد شوروی، چین، بریتانیا، و فرانسه) بالای سایر ملل جبرن قبولانده شد، در حالیکه در ان تاریخ صرف ایالات متحده امریکا قدرت اتمی بود، شوروی در سال ۱۹۴۹ و سه قدرت دگر بعدن صاحب بمب اتمی شدند، در منشور ملل متحد کلمه (ویتو) گنجانده نشده، ولی ذکر شده که هر فیصله و قطعنامه شورای امنیت با اکثریت (۹) رای به تصویب رسیده میتواند، به شرط اینکه رای مخالف پنج قدرت بزرگ در آن شامل نباشد، رای ممتنع وعدم شرکت در جلسه رای گیری، مخالفت محسوب نمی گردد، چنانچه در سال ۱۹۵۰ در شروع جنگ کوریا، درغیاب نماینده شوروی، شورای امنیت فیصله کرد، که قوای ملل متحد بر علیه کوریای شمالی وارد جنگ شود، همان بود که (۲۱) مملکت تحت بیرق ملل متحد برضد کوریای شمالی وارد پیکار شدند. هکذا ملل متحد و خاصتن شورای امنیت وسیله گشته برای تطبیق خواستهای قدرت‌های بزرگ، خاصتن امریکا، وضع تحریمات و قیودات علیه روسیه، ایران، کوریای شمالی، ویزیویلا، کیوبا، افغانستان، سوریه و... را میتوان از آنجمله شمرد.

ضرورت تغییر وکم کردن صلاحیت‌های شورای امنیت و قدرت‌های بزرگ و افزودن به صلاحیت‌های مجمع عمومی بعدن در بخش پیشنهادات اصلاحی مفصلن ارایه خواهد شد.

در مبارزه علیه مصایب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، گرمایش درجه حرارت و تغییر اقلیم زمین، حقوق بشری، صحتی و ... هم کارکرد سازمان ملل درخشان نمی‌باشد، اصولن کمپاین علیه فقر، گرسنگی و در مجموع علیه پدیده عقب ماندگی کامیاب به نظر نمی‌رسد، باوجودیکه ( ۵۵٪ ) بودجه ملل متحد، صرف امور بشردوستانه و انکشافی در کشورهای عقب مانده می‌شود، با نهم معضلات فوق نه تنها کم نشده بلکه روز تا روز افزایش می‌یابد، زیرا پول مذکور خیلی ناچیز بوده و برای هر فرد کشورهای عقب مانده ( ۵.۴ ) دالر می‌رسد، و هرگاه مبلغ مذکور تنها برای گرسنگان جهان مدنظر گرفته شود، در حدود ( ۲۸ ) دالر می‌شود، که باز هم خیلی ناچیز است، و بعضن کم‌ها به مسایل سیاسی وابسته گردیده، و تحت فشار قدرت‌های بزرگ مقدار آن محدود می‌گردد، مثال برجسته آن وضعیت موجود افغانستان است، بقیه معضلات مثل مبارزه علیه بی‌سوادی، امراض، ساخت زیر بناها و ... به حال زار خود باقی می‌ماند. اکثریت مطلق مردم جهان که در کشورهای عقب مانده مسکن‌گزین هستند، به حالت ناگوار اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، تولید ناخالص پایین، زراعت عقب مانده و عنعنوی، عاید سرانه کمتر از ( ۲ ) دالر) در روز، صنعت خیلی ضعیف، کمبود خدمات صحتی، کمبود خوراک و مقدار پایین مصرف کالوری، بی‌سوادی، بیکاری، موجودیت جنگ‌های تحمیلی، مهاجرت‌ها و ... ، خلاصه پدیده عقب ماندگی حاد دام‌نگیر ( ۸۰٪ ) مردم جهان است، ولی ملل متحد به تعقیب سیاست‌های استعماری نوین قدرت‌های بزرگ و سردمداران نظام موجود، اراده قوی به مبارزه علیه پدیده عقب ماندگی را ندارد. در مسئله گرمایش زمین که برای باشندگان آن خیلی خطرناک و مرگبار می‌باشد، و مسبب اصلی آن

قدرت‌های بزرگ صنعتی اند، رول موسسه ملل متحد خیلی ضعیف بوده، و نزد امریکا و شرکای صنعتی اش بی اهمیت می‌باشد.

خلاصه ملل متحد در حل این معضلات ناتوان است، زیرا خود جز نظامی است، که اراده بهبود زندگی اکثریت غریب جهان را ندارد، سرمنشی های ملل متحد به خواست قدرت‌های بزرگ مقرر میشوند و حرفشنوی کاملی از آنها دارند، صرف (داک‌هامر شولد سویدنی) دومین سرمنشی این سازمان در مقابل خواست‌های بیمورد قدرت‌های بزرگ ایستادگی کرد، وی سیاست مستقل و دور از فشار این قدرتها را اختیار نموده بود، ولی بدبختانه این کار وی زیاد دوام نکرد و در بحران کانگو، حین سفر به منطقه طیاره وی بالائرتوطیه (سی آی ای) وتوسط شورشیان طرفدار استعمارگران غربی در سپتامبر ۱۹۶۱ سرنگون ساخته شده و کشته شد.

یکی از وظایف عمده سازمان ملل متحد مانع شدن از بحرانات بین المللی و جلوگیری از جنگ‌ها بین کشورهای جهان می‌باشد، ولی متاسفانه طی (۸ دهه) موجودیت سازمان ملل متحد، جنگ‌های خانمانسوز و خونین متعدد بوقوع پیوست که بالائثرآن میلیونها انسان بیگناه کشته شدند، طی جنگ سرد (۱۹۴۹ - ۱۹۹۲) مدت (۴۳) سال جنگ‌های خونین بی‌شماری آتی در جهان رویداد:

- ۱ - جنگ کوریا (۱۹۵۰ - ۱۹۵۳)، کشته شدگان (۳) میلیون نفر.
- ۲ - جنگ اول و دوم هندوچین (۱۹۴۵ - ۱۹۵۶ - ۱۹۷۵)، کشته شدگان بیشتر از (۳) میلیون نفر.
- ۳ - جنگ الجزایر (۱۹۵۴ - ۱۹۶۲)، کشته شدگان (۱،۵) میلیون نفر.
- ۴ - سه بار جنگ هند و پاکستان (۱۹۴۷ - ۱۹۶۵ - ۱۹۷۱)
- ۵ - جنگ‌های متعدد در افریقا و ...

سازمان ملل متحد نه تنها نتوانست طبق لایحه وظایف خویش، ازین جنگ‌ها جلوگیری نماید، بلکه در جنگ کوریا فریق یکی از طرفین جنگ، امریکا قرارگرفته و علیه جبهه مخالف آن کوریای شمالی و اتحاد شوروی جواز لشکرکشی را صادر نمود.

سربازان حافظ صلح ملل متحد که در نقاط بحرانی جهان، ظاهر بنام تامین صلح انجام وظیفه مینمایند و سالانه در حدود (۲۰٪) بودجه عمومی سازمان را که بالغ بر (۷۷) میلیارد دالر می باشد، مصرف مینمایند، و فعلاً در سه قاره و در (۱۶) نقطه مستقر هستند، چندان کارنامه درخشانی ندارند، در اثنای جنگ بوسنیا به تعداد (۳) هزار نفر از جنگجویان مسلمان تسلیم شده به قوای صربی به حضور داشت قوای صلح ملل متحد ( از کشورهایند ) اعدام شدند، هکذا افسران قوای صلح در سو استفاده از پول‌های تخصیص یافته (پروگرام نفت برای غذا) بعد از جنگ اول خلیج، در عراق دست داشتند.

موضوع خیلی حساس دیگری که بیانگر موجودیت تبعیض در رهبری سازمان ملل می باشد، عبارت است از انتخاب سرمنشی و موجودیت بی عدالتی وعدم توجه به حقوق دگران در تعیین آن است، طی (۷۹) سال و (۱۵) دوره انتخابات سرمنشی یکنفر هم از مسلمانان تعیین نشده، که آشکارا نشان دهنده تبعیض و ائتلاف حق مسلمانان می باشد، باید درین مدت به تناسب نفوس در جهان، (۴) نفر از مسلمانان من حیث سرمنشی تعیین میشدند، کاندیدهای مناسب هم از جمله مسلمانان در سازمان ملل موجود بودند و استند، چنانچه ( عبدالرحمن پڑواک ) نماینده افغانستان در ملل متحد، که یک دوره ( ۱۹۶۵- ۱۹۶۶ ) من حیث ریس مجمع عمومی ایفای وظیفه کرد، کاندید مناسب برای این کرسی بود.



محترم عبدالرحمن پژواک نماینده دائمی افغانستان در موسسه ملل متحد، دهه (۶۰) عیسوی!

شخص نشسته در پهلولی وی (اوتانت) سرمنشی برمایی آنوقت ملل متحد .

غرب خود را تابع دو نورم اساسی میداند، که سازمان ملل متحد هم به ان متعهد می باشد:

۱ - دیموکراسی

۲ - دفاع از حقوق بشر

دیموکراسی در داخل کشورهای غربی موجود بوده و اصول آن هم مراعات می شود، البته با درک این حقیقت که در بزرگترین دیموکراسی غربی (ایالات متحده امریکا) شخصی که حد اقل میلیونر نباشد، ریس جمهور شده نمیتواند. حقوق بشر (خاصتن حقوق سفیدپوستان) هم تا اندازه زیاد در داخل این ممالک به دیده قدر دیده می شود، ولی در مورد سایر نژادها، سیاه پوستان، رنگین پوستان، مهاجرین و پیروان سایر مذاهب (خاصتن مسلمانان) از تبغیض کار گرفته شده و حتی بارها عبادت گاهها

و کتاب‌های مقدس مورد بی احترامی قرار گرفته و می‌گیرد، گروه‌های راست افراطی، پولیس و محاکم قسمن درینمورد مسول میباشند، هکذا در سایر نقاط دنیا اقلیت‌های مذهبی مورد تعدی و تجاوز قتل و غارت قرار میگیرند، تازه ترین مثال ان تجاوزبرغزه و حملات امریکا در بحیره احمر و سایر نقاط شرقمیانه می‌باشد، ولی عکس العمل ملل متحد و خاصتن نهاد حقوق بشرآن در رابطه برابر به هیچ است، که نشان دهنده بیکارگی، بیکفایتی و بی تفاوتی این سازمان جهانی می باشد، بیشترین پایمالی حقوق بشر در حق مسلمانان صورت می‌گیرد، چنانچه حقوق انسانی ( ۲۰۰ ) میلیون مسلمان هندوستان توسط حکومت نرنندرا مودی وهندوهای متعصب زیرپا می‌گردد، یک میلیون اقلیت مسلمان در میانماربعد از قتل و کشتار زیاد به بنگله دیش تبعید گردیدند، مسلمانان اویغور در سنکیانگ چین ( ترکستان شرقی ) مجبور به ترک اسلام ساخته میشوند، هزاران مسلمان در چیچین به قتل رسیدند، وضع مسلمانان در مرکز و جنوب افریقا هم از لحاظ بشری خوب نیست، انچه با اقلیت مسلمان در اروپای با تهذیب (بوسنیا) صورت گرفت، و طی آن دوصدهزار نفرمسلمان سلاخی شدند،ازکسی پنهان نمی‌باشد، ولی متاسفانه نهاد حقوق بشری ملل متحد در تمام این موارد خاموش بوده و است.

یکی ازعواملی که باعث زور گویی و قدرت چلانی قدرت‌های بزرگ در سازمان ملل می‌گردد، تادیه فیصدی بیشتر مصارف سازمان ملل می‌باشد، چنانچه امریکا ( ۲۴٪ ) مصارف را میپردازد، بقیه کشورهای بزرگ هم سهم زیاد در ان دارند، معمرالقذافی رهبرسابق لیبیا میگفت (( دلیل زورگویی امریکا و قدرت‌های بزرگ پرداخت سهم بلند درمصارف ملل متحد است، من حاضر استم که قسمت زیاد پول‌های مذکور را بپردازم، تا اینها اختیار دار ملل متحد خود را ندانند! ))

این موضوع با سهمگیری کشورهای مثل عربستان، امارات، قطر، ایران، اندونیزیا، برازیل، افریقای جنوبی، هند و ... در پرداخت سهمیه بهتر حل شده میتواند!

### قضاوت‌های جانبدارانه محاکم بین المللی !

برای حل و فصل مسایل و پرابلم‌های ایجاد شده بین کشورهای مختلف جهان ظاهراً محاکم بین المللی وجود دارند، ولی قضاوت این محاکم هم تحت تاثیر کشورهای بزرگ و زورگو قرار دارد، بهترین و تازه ترین مثال فیصله‌های نه چندان خوب این محکمه بین المللی (لاسه) در کشور هالند، در قضیه نسل کشی و قتل عام مسلمانان فلسطین در غزه بود، هیچ کشور اسلامی از ترس امریکا جرعت اقامه دعوی علیه اسراییل را پیدا نکرد، خوشبختانه حکومت افریقای جنوبی اینکار را کرد، ولی قضاوت عادلانه که انتظار میرفت صورت نگرفت، اسراییل محکوم نشد، ازختم جنگ و آتش بس حرفی زده نشد، صرف همینقدر گفته شده که اسراییل کاری نکند که نسل کشی ازان برداشت شود، ضمن این محاکم ازترس امریکا نمیتوانند که ناتنیا هو را منحیث مجرم جنگی اعلان کنند، هکذا در قضایای مشابه دگر هم فیصله‌های این محاکم به نفع قدرت‌های زورگو بوده است، چنانچه اقامه دعوی سرنگونی عمدی یک طیاره مسافربری ایران و مرگ تقریبین (۲۶۰) سرنشین بیگناه توسط امریکا در اثنای جنگ ایران عراق، در محاکم بین المللی نتیجه مطلوب را به بار نیاورد!

این است نظام غیر عادلانه موجود جهانی!

خلاصه سازمان ملل متحد با عملکرد ضعیف، تشکیلات ناقص موجود و نفوذ قدرت‌های بزرگ، درد کشورهای عقب مانده را دوا نتوانسته و ضرورت به اصلاح عمیق و بنیادی دارد!

## نظم جهانی موجود، میراث خور استعمار کهن!

غرب از امکانات وسیع اقتصادی، تخیکی، تکنالوژیکی و مدیریتی برخوردار است و میتواند با استفاده از آن در حل مسایل، مشکلات و مصایب حاد جامعه بشری شامل، گرسنگی، فقر، بی سوادى و در مجموع علیه پدیده عقب ماندگی، که دامنگیر اکثریت مطلق جهانیان است، مبارزه موفقانه انسانی را به پیش ببرد، بدبختانه غرب نه تنها علاقه و اراده جدی را درین راستا از خود نشان نمیدهد، بلکه برعکس در اکثر موارد از امکانات فوق الذکر بر علیه منافع اکثریت مردم جهان (کشور های غریب) و به نفع خویش کار گرفته و می‌گیرد، چنانچه اکثریت معضلات موجود اقتصادی (ایجاد بحران‌های کاذب اقتصادی)، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، ایجاد جنگ‌های تحمیلی و نیابتی در نتیجه اقدامات عمدی غرب بوجود آمده، پدیده عقب ماندگی کاهش نیافته بلکه بر عکس خلا بین کشورهای غنی و عقب مانده و غنی و غریب روز تا روز بیشتر گردیده است.

استعمار کهن چندین قرن اکثریت مناطق جهان را تحت کنترل خود داشته و طی آن میلیونها انسان مستعمرات را به قتل رسانده و ثروت و دارایی به ارزش هزاران میلیارد دالرانان را به تاراج برده و با آن کشورهای خود را آباد ساخته، و به ترقی و پیشرفت بزرگ دست یافتند، ولی نتیجه استعمار طولانی برای مردم مستعمرات جز رنج، فقر، گرسنگی، بی سوادى، عقب ماندگی و... چیز دیگری نبود! و استعمارگران متمدن ملک‌های ویران را در عقب جا گذاشتند!

با آزادی یافتن مستعمرات، که الی اخیر دهه (۷۰)، قرن (۲۰) تکمیل شد، این امیدواری بوجود آمد، که این کشورها با رهایی از یوغ استعمار و



دستیابی به آزادی سیاسی و حق تعیین سرنوشت، قادر خواهند شد تا کشورهای خویش را به ترقی و پیشرفت نایل سازند، ولی بیخبر از اینکه استعمار از (در) برآمده بود، ولی از (دریچه) دوباره داخل شد! این داخل شدن از دریچه به چند شکل بود.

## طرق نفوذ استعمار نوین و جدید در کشورهای عقب مانده!

### ۱- به قدرت رساندن اجنتان:

این اشخاص در طی مدت طولانی استعمار، در دربار، دستگاه حکومتی و استخبارات، مکاتب و ادارات تعلیمی خاص و حتی در خود کشورهای استعمارگر تربیه شده و نسل در نسل وفاداری خود را به باداران غربی خود نشان داده بودند، مثل خاندان بهوتودر پاکستان، خاندان هاشمی در اردن، رهبران تونس، مملکت افریقای مرکزی و غیره، این خائنین برخلاف منافع ملی کشور خود و به نفع کشور استعماری سابق عمل میکردند و میکنند، اهداف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، مذهبی و ... استعمار نوین خیلی خوب و به قیمت خیلی ارزان در وجود این اجنتان بدست میاید! حتی که بعضی قوانین دوره استعمار هنوز هم در بعضی از این کشور مرعی الاجرا است، در محاکم پاکستان قانون قضا بریتانیا هنوز هم معتبر و مرعی الاجرا است! این اجنتان بعضی از طریق انتخابات پراز تقلب به کرسی قدرت نشاند می شوند.

### ۲- استفاده از زور، برای مسلط ساختن مزدوران خویش!

کشورهای عقب مانده که سیاست ملی و بر مبنای منافع ملی برقرار نمایند با عکس العمل خصمانه کشورهای غربی مواجه شده و در نتیجه

کودتا سرنگون ساخته شده و رژیم دلخواه استعمار در انجا مستقر می شوند، مثلن حکومت محمد مصدق در ایران، سلوادورالنده در چیلی، محمد مرسی در مصر، ویا اینکه با حمله مستقیم انرا سرنگون ساخته می شوند، دولت صدام حسین در عراق و حکومت امارت اسلامی افغانستان در (۲۰۰۱) از مثال های ان اند!

### ۳- از طریق صدور سرمایه:

صدور سرمایه بیشتر و بهتر از فرستادن سرمایه در تامین منافع غربیان رول دارد، کارگرو مواد خام ارزان و در دسترس، قیمت پایین کرایه زمین و جایداد، موجودیت قوانین مساعد سرمایه گزاری، تکس ومالیه خیلی پایین و بعضن گریزازان، پیشانی باز و لب خندان حاکمان فاسد همه و همه دست بدست هم داده وباعث می گردد که سرمایه گزار بیشتر از وطن خود در اینجا مفاد کند، علاوتن غربیان با صدور سرمایه برین کشورها ورهبران آن نفوذ همه جانبه را بر قرار می سازند.

### ۴- از طریق تهاجم فرهنگی و پیشبرد جنگ فکری:

تهاجم فرهنگی مخرب تر از تهاجم نظامی بوده، واثرات سو آن بدتر از انفجار بم راکت و گلوله های توپ می باشند، رادیو تلویزیون، فلم، ویدیو، سی دی، دی وی دی، کتاب، مجله، اخبار، انترنت، یوتیوب و... همه در خدمت فرهنگ منحط و فاسد غربی بوده وسی در ان است که مردم سایر فرهنگ هاو مذاهب و نژادها را تحت تاثیر قرار دهند، مسلمانان و خاصتن جوانان تارگت اصلی این کارزار لعنتی می باشند، کوشش این است تا مردم از ارزش های خوب فرهنگی و خاصتن مذهبی خود دور ساخته شده وبه فرهنگ الوده و کثیف غربی متمایل گردند، بیشترین

تبلیغات جوانان را به سوی همجنس بازی، مسایل آزادی سکس قبل از ازدواج، دور ساختن از ازدواج وتشکیل فامیل، دور ساختن از معنویات و جلب توجه شان صرفن به مادیات، بیگانه ساختن از بزرگان، واحترام نگذاشتن به والدین و... همه اهداف این تهاجم ضد اخلاقی می باشد، امروز دشمن در خانه های ما از طریق تکنالوژی پیشرفته خویش برعلیه ارزش های عقیدتی، اخلاقی، ملی و .... ما برعلیه ما می جنگد، و سعی دارد که اخلاق، افکار، طرز زندگی بی بند و بار و فرهنگ منحط غربی را برتر از آنچه ما داریم، نشان دهد، درین راه تا اندازه موفق هم شده اند، از طریق نفوذ بر افکار یک تعداد اقشار مهم و خاصتن رهبران یک تعداد کشورهای اسلامی، خاصتن عربی، جانبداری آنان را در مورد موقف کشورهای غربی بدست آورند، این مردمان ورهبران با پشت کردن با عقاید اسلامی و ملی، علنن از سیاست های غیر انسانی کشورهای مستبد اروپایی، امریکایی و حتی اسراییلی جانبداری می کنند، تعدادی از کشورهای عربی دولت اشغالگر و جنایتکاراسرائیل را به رسمیت شناخته واز مسله فلسطین وبیت المقدس( قبله اول مسلمانان ) درگذرشته وحتى در نشرات رسمی خود علیه فلسطینیان تبلیغات نموده و ازموقف اسرائیل طرفداری می کنند، موضوع درینجا خاتمه نیافته ودروازه های سرزمین مقدس اسلامی را برای محافل عیاشی و فحاشی به سبک غربی باز نموده اند، این است نتیجه تهاجم فرهنگی وجنگ فکری استعمار جدید، که به مراتب خطرناک تر از اثرات استعمار مستقیم کهن می باشد، طی جنگ های قبلی اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷و ۱۹۷۳) کشورهای عربی با قطع صادرات نفتی و بلند بردن قیم نفت تا چهار برابر قیمت قبلی آن، عکس العملی درقبال تجاوز اسرائیل و حمایت غرب از آن نشان دادند، ولی با گذشت (۵۰) سال از آن تاریخ، نه تنها رهبران موجوده عربی از فلسطینیان

طرفداری نه می کنند، بلکه بی صبرانه منتظر شکست مقاومت و ختم جنگ به نفع اسراییل هستند، تا مناسبات احسنه با یهودان، این دشمن قسم خورده و قاتل بیشتر از (صد) هزار مسلمانان، برقرار سازند، این است نتیجه تلاش نیم قرن کارزار غرب علیه مسلمانان!



هدف از جنگ فکری، تخریب مغزهای مردمان کشورهای غریب، خاصتن جوانان مسلمان است!

۵ - اکمال دوامدار مواد خام: اطمینان از صدور منظم مواد مورد ضرورت صنایع غرب، که برای آنها اهمیت حیاتی دارد، و از سر راه برداشتن هر نوع موانع درین راه، این قضیه باعث می شود که کشورهای غریب صرف منحیث ممالک زراعتی تا ابد باقیمانده و اکمالات مواد خام غرب را ادامه دهند، و خواب صنعتی شدن را فراموش کنند.

### ۶ - قرارداد استخراج معادن!

با استخراج مواد معدنی کشورهای عقب مانده به نرخ بسیار پایین، مثل نفت، گاز، لیتیوم وغیره، از یکطرف منافع اقتصادی غربیان تامین می گردد، و از طرف دیگر کشور مورد نظر تحت تاثیر عمیق غرب قرار می گیرد.

#### ۷ - تداوم استثمار، مانع بزرگ در عقب ماندگی در جهان !

نکته اصلی و خیلی بارزدر اهداف استعمار نوین این است که این نظام در استثمار و مکیدن خون مردم سرزمین‌های فقیر ظالمانه تر از نظام استعماری کهن عمل می‌کند، استعمار کهن با دزدیدن سرمایه‌های مستعمرات، غرب را اباد ساخت واستعمار نوین امروزی با بیرون کشیدن هزارها میلیارد دلاراز کشورهای غریب مانع بزرگ در راه رشد و ترقی این کشورها شده وعامل بزرگ در عقب ماندگی انها محسوب می‌گردد.

#### ۸ - بکار گیری از قدرت اقتصادی، در جهت تحقق اهداف !

غرب بر امکانات بزرگ مالی و اقتصادی در جهان نفوذ و کنترل دارد، منابع مالی و بانک‌های بزرگ که دارای سرمایه هنگفت میباشند، توانایی قرضه دهی‌های بزرگ را داشته و اکثر کشورهای دست کمک به سوی آنها دراز مینمایند، شرایط قرضه دهی با سود فراوان و اکثرن با شرایط سیاسی همراه می‌باشد، مسایل تجارت جهانی و قوانین حاکم بر آن همه درکنترول قدرت‌های غربی اند و به دلخواه آنان طرح و تدوین گردیده و منافع آنها را در بر می‌گیرد، اکثرن قرضه ها بعد از تحمیل شرایط دلخواه غرب، به کشور عقب مانده داده می‌شود، این شرایط برای کشور قرضه گیرنده خیلی نقصان ده بوده و حتی در تصمیم گیری های خیلی حیاتی و مهم کشور غریب تاثیر گزار می‌باشد.

#### ۹ - از طریق ایجاد و خلق بحران‌های عمدی اقتصادی !

بحران های عمدی اقتصادی به کشورهای رو به انکشاف ضربه سخت را وارد نموده و حتی دولتها را به افلاس و ورشکستگی قریب می‌سازد، برای

بیرون رفت ازین حالت بحرانی کشورهای غریب بازهم دست کمک را به غرب دراز نموده وبه این ترتیب نفوذ غرب بازهم بیشتر می گردد.

#### ۱۰ - وغیره.

در اینجا بحث استعمار نوین را موقتاً متوقف ساخته ویک اندازه به عقب میرویم و سری به دوره تجارت برده و استعمار کهن میزنیم و می بینیم که چه جنایاتی از طرف کشورهای به ظاهر متمدن اروپایی در حق مردم مستعمرات در آسیا افریقا و امریکا صورت گرفته است، بعدن دوباره به بحث استعمار نوین و سیستم موجود جهانی پرداخته وبه تأثیرات سو این نظام ازهر لحاظ، ابر جهان عقب مانده میپردازیم.

## فصل دوم !

### تجارت برده و استعمار کهن !

#### ۱ - تجارت برده:

برده و برده داری از ابتدای تشکیل اجتماعات بشری و از زمانیکه زندگی به شکل قبیلوی بوده وجود داشته و تا امروز هم دوام دارد، منظور ما درین بحث تجارت برده (SLAVE TRADE) است که منحصیث اقدامات دسته جمعی کشورهای اروپایی، و قسمن کلیسا از (۱۴۴۲ - الی اواخر قرن ۱۹) پیش برده میشد، و طی این مدت میلیونها انسان بیگناه سیاه پوست از افریقا به قاره جدید امریکا انتقال داده شده و منحصیث برده بفروش رسیده و از آنها در مزارع، معادن و خانههای سفیدپوستان کار گرفته میشد. همزمان با سقوط خلافت اسلامی در اندلس (اسپانیه)، اواخر قرن (۱۵) و اندک مدت قبل از آن، کشورهای اروپایی، ابتدا پرتگال و اسپانیه و بعدن کشورهای فرانسه، بریتانیا، هالند، المان بلژیک و دنمارک شروع به برده گیری از ممالک اسلامی شمال افریقا نمودند، درین راستا این کشورها از فتوای کلیسا، که برده ساختن و تاراج اموال مسلمانان را مشروع میدانست، هم برخوردار بودند، بعدن کلیسا خود مستقیمن به برده داری و تجارت برده رو آورد.

بعد از کشف قاره امریکا (۱۴۹۲) کشورهای اروپایی به مستعمره ساختن و به اسارت کشیدن مردم آن آغاز کرده و به تاراج ثروت فراوان آن پرداخته و از راه اروپا انتقال دادند، بعدن استعمارگران اروپایی با استفاده از آب و هوای مساعد قاره جدید، به کشت پنبه، نیشکر، برنج، قهوه و سایر نباتات در آنجا شروع کردند، برای کشت و زراعت و برداشت حاصل آن و کار در خانه های استعمارگران به کارگران فراوان و با انرژی و قوی ضرورت بود، نفوس مردم محلی (سرخپوستان) باالتر تلفات در جنگ‌ها، کشتار توسط استعمارگران و امراض کشنده انتقال شده توسط اروپاییان، کم شده و مساعد اینکارها نبود، بنان استعمار گران متوجه افریقا شدند، که باشندگان آن قوی هیکل و از عهده اینکارها بدر شده می توانستند، و به این ترتیب تجارت منحوس برده که در تاریخ یک رویداد خیلی غیر انسانی و لکه ننگین برای اروپاییان می‌باشد، شروع شد، که بیشتر از (۴۰۰) سال دوام کرد و طی آن اضافه تر از (۲۰) میلیون انسان از افریقا به امریکا انتقال داده شده و در بازارهای آنجا منحصیث برده بفروش رسیدند، (%۳۰) مجموع این نگون بختان را مسلمانان تشکیل میدادند، اما مالکان انها، جبرن آنان را عیسوی میساختند، زیرا در مسلمانان روحیه مقاومت در برابر ظالمان، مخصوصن عیسویان موجود می‌باشد، در حالیکه برده عیسوی نه تنها مقاومتی در مقابل اربابان ظالم عیسوی مذهب خود نشان نمیدادند، بلکه به اساس تبلیغ کشیشان که در حقیقت پیش قراولان استعمار و استبداد بودند، که میگفتند (( کسی به روی ات به سیلی زد، به عوض انتقام، طرف دگر روی ات را برایش دور بده، تا سیلی دوم را هم بزند!) عمل میکردند.





قرار گرفتن برده ها در داخل کشتی انتقال به صوب امریکا، درحالیکه به زنجیر بسته می بودند!

در ابتدا اروپایان با حمله به مناطق ساحلی افریقا مردم بیچاره را دستگیر نموده و به امریکا انتقال میدادند، ولی اینکار تلافی برای خود اروپایان هم به همراه داشت و پروسه کند به نظر میرسید، بعدن ایده شیطانی به فکر سوداگران مرگ اروپایی رسید، انها شروع به خریداری اسیران جنگ‌های ذات البینی قبیله‌های متخاصم افریقایی نمودند، اینکار باعث تشدید مخاصمات و جنگ‌های قبیله‌ای شده انسان‌های بی‌شماری در آن تلف شده، و بعضن همه اعضای قبیله مغلوب شامل زنان و کودکان به اسارت گرفته شده وبالای اروپایان فروخته میشدند، قسمت عمده صادرات اروپا به افریقا شامل تفنگ باروت و جنگ افزار و شراب میشد، که باعث تشدید دشمنی مزید بین اقوام وقبایل گردیده و فضای دائمی جنگ و خونریزی قرن‌ها بر منطقه مستولی بود.

تاجران مرگ بعد از تسلیمی بردگان آنان را توسط آهن گداخته، مثل چهار پایان، نشانی میکردند و بعدن در کمپ ها و قلعه‌های حفاظت برده‌ها نگهداری شده و راجستر میشدند، و از طریق گمرک‌های سرحدی بعد از تادیه محصول در کشتی‌ها بار شده و به صوب امریکا روانه میشدند، جای ضیق و تنگ در انبارخانه‌ها، شرایط خراب تغذیه، نبود ادویه لازم و حوادث بحری باعث مرگ و میر میلیونها برده حین انتقال شده است. اولین کشتی برده‌ها در سال ۱۵۲۶ توسط پرتگالی‌ها به طرف امریکا حرکت کرد.

کشتی‌های برده‌ها بیشتر در اطراف کارابین، خاصتن در شمال وینزیویلا و یا کیوبا لنگر میانداختند، و در همین جاها برده‌ها به شکل (بولی، لیلام و مزایده) به فروش میرسیدند، ظالمانه این بود که اکثرن فامیل‌ها در نتیجه طرزالعمل فروش ازهم جدا میشدند، زیرا خریداری که مرد فامیل را گرفته بود از خریداری زن و یا طفل آن ابا میورزید، و یا برعکس فردی که زن را خریداری کرده بود از گرفتن شوهر و طفل خوداری میکرد، و به این ترتیب فامیلها طور غیر انسانی از هم جدا ساخته میشدند.



صحنه لیلام یک برده زن، سیاه پوست!

ازبرده‌ها در کشتزارهای پنبه، نیشکر، برنج، تنباکو، قهوه، استخراج معادن، کار در امور ساختمانی، بنادر، امورخانگی، امور نظیفاتی، وغیره کارهای شاقه و طاقت فرسا کار گرفته میشود. در اثنای کار در کشتزارها برده‌ها حق صحبت با همدیگر را نداشته و صرف اجازه آوازخوانی را داشتند، ساعات کار خیلی طولانی و خوراک مناسب به برده‌ها داده نمی‌شد، وضع مسکن شان هم نا مناسب و غیر صحی میبود، لت و کوب برده توسط مالک یک امر عادی بود و اعتراضی شنیده نمی‌شد، جزای فرار مرگ بود، درمورد زندگی برده‌ها کتاب‌های زیادی نوشته که کتاب (کلبه عمو توم) نوشته خانم (هریت بیچر استو) خیلی مشهورمی‌باشد، که در سال ۱۸۵۲ نشر شده وبه تعدادخیلی زیاد بفروش رفت و گفته می‌شود که یکی از علل جنگ داخلی امریکا (۱۸۶۰ - ۱۸۶۵) شمرده می‌شود.

### منافع اقتصادی برده داری برای غرب!

یک برده در افریقا تقریباً به (۳۰) دالر آنروزی خریداری میگردید، قیمت فروش آن در بازارهای امریکا حد اقل به (۳۰۰) دالر میرسید، طی دوران برده داری تخمیناً در حدود (۲۰) میلیون برده در امریکا به فروش رسیده است، به حساب ساده مقدار پول مذکور بالغ بر (۶) میلیارد دالران وقت می‌گردید، که به پول امروزی بیشتر از (۶) صد میلیارد دالر می‌شود، علاوتن برده داری به یک بازار و مارکیت داخلی بسیارخوب داد و ستد مبدل شده بود، نه تنها برده‌های بالغ بلکه اولاد نو تولد آنها هم برده محسوب شده و توسط مالکان آنها مورد داد و ستد واقع میشدند، به تصاویرتاریخی ذیل توجه کنید:



تجارت برده برای اروپا خیلی سودمند تمام شد، اروپایان با پول که از فروش برده‌ها بدست می‌آوردند، پنبه، شکر، تنباکو، قهوه، برنج و سایر مواد گرمسیری مورد ضرورت را از امریکا بدست آورده و آنرا به اروپا انتقال میدادند، که از یک سومواد خام صنایع بدست آمده ورشد فوق العاده در آن صورت گرفته، واز طرف دگر باعث بلند رفتن سطح زندگی مردم شده و شهرهای گسترش فوق العاده نمود، ضمن تجارت به اوج خود رسید.



در ابتدای قرن (۱۸)، تعداد کشتی‌های تجارتي انگلیس در حدود (۱۷) هزار بود، ولی در اواخر قرن (۱۸) این تعداد به (۳۷۰) هزار رسید، که رشد (۲۲) مرتبه ای را نشان می‌داد، که عامل مهم در آن تجارت برده بود، این تجارت وسود ناشی از آن باعث ایجاد یک مثلث بزرگ تجارتي گردید، بعد از انتقال برده از افریقا به غرب، مواد تجارتي از انجا به انگلیس و سایر کشورهای اروپایی انتقال یافته، و از انجا مواد تجارتي بیشتر ( اسلحه، باروت و مشروبات الکلی ) به افریقا صادر شده، و با پول ان دوباره برده‌ها به امریکا انتقال میافت.

### زوال تجارت برده داری:

برخلاف ادعای سردمداران غربی، که گویا کوشش‌های آنها بخاطر تحقق حقوق بشر و جلوگیری از یک ظلم و ناروای بزرگ، باعث لغو تجارت برده شد، عوامل اصلی زوال تجارت برده موارد آتی اند:

- ۱ - کاهش اهمیت اقتصاد پلانت کاری، (مزارع بزرگ زراعتی)، که کاهش سود آوری تجارت برده را بدنبال داشت.
- ۲ - وقوع موج بزرگ شورش برده‌ها در پلانت‌ها.
- ۳ - اوج گیری تجارت جهانی تریاک ، از اواخر قرن (۱۸) و اوایل قرن (۱۹).
- ۴ - دگرگونی در ساختار اجتماعی و فرهنگی غرب طی سده (۱۹)، خاصتن گسترش شهرها و افزوده شدن به نفوس شهری که برده داری به شکل کلاسیک آن مناسب حال آن نبود، البته برده داری به اشکال دگر امروز هم در جوامع غربی دوام دارد.

## ضرر و نقصان برده داری، برای قاره افریقا و مردم آن!

چهار قرن تجارت برده برای افریقا تاوان خیلی بزرگ اجتماعی اقتصادی سیاسی را بدنبال داشت، که اثرات شوم آن تا حال هم دوام دارد:

۱- برده شدن ده‌ها میلیون انسان خاصتن جوانان باعث ضایع شدن سرمایه بزرگ انسانی و تضعیف نیروی کاردر بخش بزرگی از افریقا شده، ضمنن بالای نسل‌های بعدی افریقایی هم تاثیر ناگوار گذاشت.

۲- مصایب بزرگ اجتماعی به دلیل بروز جنگ‌های قبیلوی و خانگی دامنگیر افریقا شده که در نتیجه آن میلیون‌ها انسان ازبین رفته و دشمنی های زیادی را بار آورد، که تا حال اثرات آن باقیمانده است.

۳- طی این چهار صد سال هیچ نوع کار بنیادی برای ترقی افریقا صورت نگرفت.

۴- اشنایی اروپایان با قاره افریقا طی این مدت طولانی تجارت برده، زمینه ساز اشغال تمام افریقا توسط کشورهای اروپایی گردیده، و افریقا کلن به مستعمره اروپایان تبدیل شد.

۵- افریقا عقب مانده ترین قاره‌ها بوده و بیشترین تعداد گرسنه‌ها را درخود جا داده، بیشترین امراض کشنده در افریقا وجود دارد، میراث شوم دوره طولانی تجارت برده و استعمار مستقیم بعدی قاره توسط اروپایان می‌باشد.

۶- زندگی در اسارت ده‌ها میلیون برده انتقال داده شده به امریکا و نسل‌های بعدی آن خیلی درد آور و بر سیاه پوستان رنج فراوانی را حین دوران برده داری متحمل گشتند، که خیلی طاقت فرسا و غیر انسانی بود.

تعصبات و تبعیض هنوز هم در جامعه امریکا علیه سیاه پوستان به اشکال گوناگون ادامه دارد، خاصتن این سلوک غیر انسانی در برخورد خشن پولیس و فیصله های غیرمنصفانه محاکم امریکا اکثرن به چشم می خورد!



مرد بیگناه سیاه پوست ( جورج فلوید) در ماه می (۲۰۲۰) زیر فشار پای پولیس نژاد پرست سفید پوست امریکایی، جان داد!

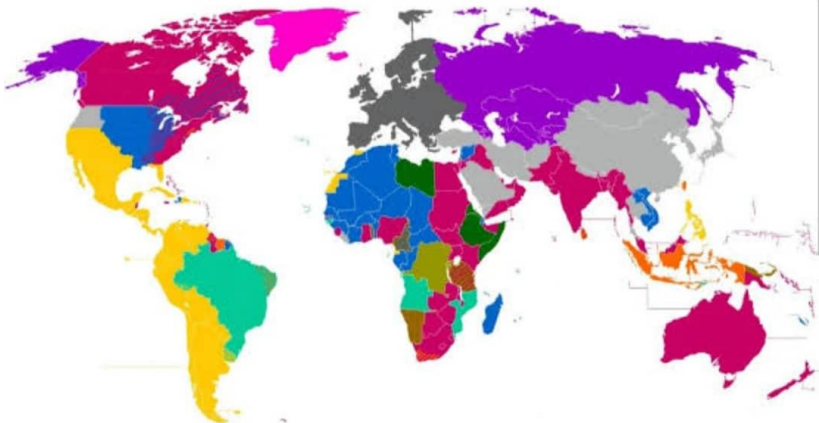
خلاصه تجارت چهار قرنه برده‌ها، لکه ننگین و داغ بزرگی است بر پیشانی غربیانی که دعویدار حقوق بشری اند! ضمنن عامل مهمی در عقب ماندگی افریقا شمرده می‌شود، که موضوع اصلی درین بحث می‌باشد.



## ۲ – استعمار کهن!

برای شناخت بهتر چهره غیر انسانی (استعمار نوین) اولن به عملکرد وحشیانه استعمار گران اروپایی در دوره طولانی استعمار میپردازیم. استعمار، سابقه کهن دارد، مقصود ما درین بحث مطالعه تاریخ استعمار از قرون (۱۵ و ۱۶) عیسوی به بعد می باشد، که اروپایان در حدود (۱۳۰) کشور را با بیشتر از (۱۲۰) میلیون کیلومتر مربع وسعت در چهارقاره تحت سلطه و کنترل خود در آورده بودند. کشورهای مهم استعماری عبارت بودند از بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، پرتگال، هالند، بلجیم، روسیه، دنمارک، ایتالیه، المان.

# European Colonialism



فعالیت‌های استعماری کشورهای اروپایی زمانی بیشتر توسعه یافت که راه‌های عنعنوی تجارت از راه خشکه با شرق (کشورهای اسلامی، چین و هندوستان) یا راه ابریشم، به دلیل جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۵ – ۱۲۹۱)، و

بعدن جنگ‌های ترک‌های عثمانی علیه اروپا (از قرن ۱۴ عیسوی به بعد) نا امن گردیده واروپایان در صدد یافتن راه‌های بدیل شدند، اینبار کوشش آنها این بود، تا از طریق بحربا هندوستان ارتباط پیدا کنند.

سفرهای دریایی اروپائیان در ابتدا شکل اکتشافی و پژوهشی داشت، که در نتیجه آن کریسف کلمب در سال (۱۴۹۲) توانست براعظم امریکا را کشف کند، ولی وی اشتباهن فکر میکرد که به هندوستان رسیده است، وازینرو مردم آن را (indianer) یعنی ساکنان هند، نامید، ولی بعدن (امریکو ویکسپوچی) دریانورد دگر، اشتباه وی را اصلاح کرده و گفت که این یک قاره جدید است و نام امریکا هم از نام وی گرفته شده است.

تمام سرزمین جدیدن کشف شده امریکا، از شمالی ترین نقطه (کانادا) تا جنوبی ترین بخش آن (ارجنتاین) از طرف کشورهای اروپایی اشغال شده وبه مستعمرات مبدل گشت، چنانچه اسپانیا از مکزیکو وبخش‌های از ایالات متحده امریکا امروزی، تا امریکای مرکزی و امریکای جنوبی را اشغال کرد، پرتگال برازیل را از خود ساخت، ایالات متحده امریکا و کانادا بعد از کشمکش زیاد بین بریتانیا و فرانسه، به بریتانیا تکیه کرد.

آفریقا به اساس فیصله کنفرانس سال (۱۸۸۴) برلین، بین قدرت‌های اروپایی بریتانیا، فرانسه، المان، بلژیک، ایتالیا، پرتگال و اسپانیا تقسیم گشت، المان که تحت زعامت (بیسمارک) من حیث یک قدرت بزرگ مطرح شده بود هم به جمع ممالک استعمارگر پیوست، قابل تذکر است که مدت‌ها قبل از فیصله این مجلس، فرانسه وارد آفریقا شده، والجزایر و تونس را در سال (۱۸۳۰) اشغال نموده بود، ضمن یک تعداد کشورهای اروپایی از زمان تجارت برده در سواحل غربی آفریقا حضور کمرنگی داشتند، ولی بعد ازین تاریخ آفریقای ازاد، بالاثرفیصله کشورهای متمدن اروپایی به غلام و برده مبدل گشته و استعمارگران سرنوشت میلیون‌ها

انسان بیگانه را به بازی گرفتند، طی این دوران نکبت بار، نقصان فراوان جانی و مالی به این قاره وارد گشت.

سرازیر شدن دریانوردان اروپایی به سوی قاره آسیا، خاصتن شبه قاره هند، همزمان بود با کشف و اشغال قاره امریکا، پرتگالیان اولین دریانوردان بودند که به سوی خلیج فارس و سرزمین هندوستان رسیدند، در سال (۱۵۱۱) پرتگالیان بندر (گوا) در هند را بدست آوردند، و ضمن به جاوه اندونیزیا هم رسیدند، بعدن انگلیسها، فرانسویان، هالندیان و دگران هم سر رسیدند، نمایندگان انگلیسها در ابتدای قرن (۱۷) به اجازه دربار، با جهانگیر امپراطور مغولی هند داخل تماس شدند، فرانسویان هم داخل مروده با دربار مغولی هند شده که در نتیجه این تماسها تفاهماتی بین جوانب بوجود آمده و اروپایان اجازه فعالیتهای تجارتي را بدست آوردند. انگلیسها با تشکیل کمپانی هند شرقی در (۳۱ دسامبر ۱۶۰۰) ابتدا به شکل تجارتي فعالیت داشتند، ولی بعد از ضعف دولت گورگانی، قصد اشغال هند را نموده و آهسته، آهسته با چال و نیرنگ نفوذ خودرا بالای حاکمان محلی در بنگال تحمیل نموده و قدرت بزرگ نظامی را بوجود آوردند، انگلیسها در سال (۱۷۵۷) در نبرد (پلاسی) شجاع الدوله نواب بنگال را شکست داده و کلکته را اشغال نمودند، دلیل شکست دراین جنگ خیانت (میر جعفر) قومندان جنگ شجاع الدوله بود، کمپانی تمام هند را اشغال نموده و الی (۱۸۵۷) که دولت بریتانیا عملن اداره هند را بدست گرفت، برهند حکمرانی میکرد.

بقیه کشورهای آسیایی مثل برما، سریلانکا، مالایا، اندونیزیا، فیلیپین، فارموسا، قسمت‌های از چین، سواحل شرقی خلیج آهسته، آهسته به کام استعمارگران اروپایی فرورفتند.

روسیه از زمان پطر کبیر، و ملکه کاترین به طرف شرق (سایبریا و آسیای میانه) پیشروی نموده و سرزمین‌های وسیعی (بیشتر سرزمین‌های مسلمانان) را تحت کنترل خود در آورد.

بعد از شکست خلافت عثمانی طی جنگ اول جهانی، سرزمین فلسطین، شام عراق لبنان توسط انگلیس و فرانسه اشغال شد. استرالیا هم از قرن (۱۷) به بعد آهسته، آهسته توسط بریتانیه به مستعمرات آن اضافه شد.

استعمارگران با مستعمرات برخورد دوگانه داشتند، آن مستعمرات که نفوس محلی آن از لحاظ تعداد کم بود، و یا هم بالاثر جنگ‌های استعماری، امراض کشنده انتقال شده توسط اروپایان، و یا هم در نتیجه کارهای فوق العاده شاقه در معادن و مزارع، تعداد زیاد آنها از بین رفته، و تعداد استعمارگران بر آنها بیشتر بود، مثل کانادا، ایالات متحده امریکا، استرالیا، نیوزیلند، درین کشورها استعمارگران با کار و فعالیت زیاد و تلاش همه جانبه تمدن‌های بزرگی را با وجود آورده، و پدیده عقب ماندگی درین کشورها به نظر نمیرسد، سیاست‌های استعماری درین مستعمرات اعمال نمیگشت، تادیه تکس و مالیه ظالمانه نبوده و متعادل می بود. در سایر مناطق مستعمراتی، مثل هندوستان، افریقا، امریکای مرکزی، جنوب امریکا، که نفوس محلی خیلی زیاد بود، استعمارگران در صد ترقی و پیشرفت تمام مملکت نبودند، و صرف به ایجاد نمونه وی مظاهر تمدن جدید، که به جزایر کوچکی در یک بحر بزرگ مشابه بود، اقدام کردند، مکاتب برای همه نبود و بی سوادی هیچگاهی از بین نرفت، از مکاتب و ادارات عالی تحصیلی بیشتر برای تربیه قشر مزدور و فرمانبردار خود

استفاده میکردند، گرسنگی هیچگاهی از بین نرفت، خدمات صحتی برای همه یکسان میسر نمی شد، اعمار سرک و خط ریل بیشتر به خاطر اهداف نظامی و سوق و انتقال بموقع عساکر از یک منطقه به منطقه دگر میبود و... اعمال سیاستهای استعمارگرانه و حصول تکسهای غیر عادلانه و بالاتر از توان مردم و برقراری تجارت غیر عادلانه بین مستعمرات و مملکت استعمارگر، وضعیت اقتصادی مستعمرات را روز بروز بدتر میساخت، قسمت زیاد تکس و مالیه تحصیل شده به مملکت مبدا استعماری ارسال میشد و یا هم صرف مصارف نظامی گردیده و مقدار کم آن در داخل مستعمره مصرف میشد، ورود امتعه کشور استعمارگر باعث نابودی جنس مشابه آن در داخل مستعمره میشد.

ما از بعضی خدمات استعمار گران در مستعمرات منکر نیستیم، ولی این خدمات اندک بوده و آنهم با مصالح استعماری انها تطابق داشت، ولی استعمار گران طی حضور چند صد ساله در مستعمرات جنایاتی فراوان در حق مردم آن روا داشتند، در پهلوی تلفات جانی میلیونی و پایمالی گسترده حقوق بشری، اقتصاد این کشورها هم تباه شده، و راه پیشرفت و ترقی آنان مسدود شد.

### اهداف استعمار:

اروپای غربی (کشورهای عمده استعماری) به لحاظ داشتن منابع طبیعی خیلی غنی نمی باشد، بجز از ذغال سنگ، آهن، چوب (ذخایر نفتی و گاز بعدن کشف شد) دگر مواد مورد ضرورت صنایع وجود نداشت، هکذا به دلیل موسم سرد بعضی نباتات خیلی مهم، از قبیل پنبه، نیشکر، قهوه، کاکا، میوههای ستروس کیله و... در آنجا نمیرویند، با شروع انقلاب صنعتی اول (۱۷۶۰) به مواد مذکور اشد ضرورت احساس میشد، همان بود

که استعمارگران به فکراشغال سرزمین‌های گرم مثل هندوستان، افریقا و... افتادند، تا مواد مورد نیاز صنایع نو پا خویش را بدست آورند، ضمن سرمایه کافی برای براه انداختن چرخ صنعت اروپا وجود نداشت، با اشغال سرزمین‌های بیگانه این اهداف استعماری اروپایان تحقق یافته و مواد و سرمایه خیلی زیاد به سوی اروپا سرازیرگشت، که باعث رونق اقتصادی آن گردید، در حقیقت خون مردم مستعمرات در رگ‌های صنعت اروپا جریان پیدا کرده وانرا در حرکت آورد. ثروت بی‌شماری از مستعمرات چپاول گردیده که مقدار آن بالاتر از تصور می‌باشد، به اساس گزارش‌های مستند، انگلیس‌ها طی دوران استعماردر هندوستان ثروتی معادل (۴۵) تریلیون یا (۴۵هزار) میلیارد دالر را به یغما برده اند، مبلغ مذکور از تولید مجموعی ناخالص داخلی سالانه فعلی ایالات متحده امریکا وچین (۲۹٪) بیشتر می باشد، در صورتیکه پول مذکور بالای نفوس موجوده (۱.۴۵) میلیاردی هند تقسیم شود برای هر نفر (۳۱ هزار) دالر میرسد. این ثروتی است که از یک کشور مستعمره دزدیده شده است، در جهان بیشتر از (۱۳۰) کشور مستعمراتی وجود داشت! این ثروت ودارایی‌ها باعث آبادی و ترقی غرب شد، ولی بر عکس به عقب ماندگی ممالک مستعمره افزوده و حالت زار امروزی این کشورها ناشی از آن است، هدف استعمار کاملن واضح شد، تقویت کشورهای استعماری نه ترقی و آبادی مستعمرات!

### صدمه و ضرر استعمار برای مستعمرات!

#### ۱- کشتارمیلیون‌ها انسان بیگناه:

مقاوت در مقابل متجاوزین، و دفاع از وطن در مستعمرات، با عکس العمل شدید استعمارگران مواجه شده و میلیونها انسان بیگناه درین ضمن

کشته شدند، مثالهای افغانستان، الجزایر، لیبیا و ... پیش نظر ما و شما است، در هندوستان هم میلیونها هندی صرف در اواخر قرن (۱۹ و اوایل قرن ۲۰) به دلایل گوناگون از بین برده شدند، یکی آن هم ایجاد قحطی های عمدی توسط استعمارگران بود، چنانچه در بنگال هندوستان طی جنگ دوم جهانی ، به دلیل قحطی عمدی ( ۴ ) میلیون نفر از بین رفتند ، زیرا چرچیل صدراعظم وقت بریتانیا کشتی های انتقال گندم به بنگال را به انتقالات جنگ مصروف ساخته بود.

اکثریت مردم بومی در ایالات متحده امریکا و استرالیا بدستان استعمارگران قتل عام شدند، سایر مستعمرات هم وضعیت بدتر را تجربه کردند.



چرچیل صدراعظم وقت بریتانیا، در سال ۱۹۴۳ برای مرگ میلیونها انسان در بنگال تحت استعمار انگلیس، مسول بود!

## ۲- چور و چپاول ثروت، دارایی‌ها، مواد خام، معادن مستعمرات:

قبلن صرف در مورد غارت دارایی‌های هندوستان توسط استعمارگران انگلیسی یادآور شده بودیم، تمام مستعمرات در امریکا، افریقا، آسیا و استرالیا هم توسط استعمارگران اروپایی مورد چور و چپاول قرار گرفته و ثروت و دارایی‌های آنها شامل طلا، نقره، مواد خام، غله جات، ادویه جات، مواشی، آثار تاریخی به کشورهای اروپایی فرستاده شدند. طلا و نقره قاره امریکا در مرحله اول توسط پرتگال و اسپانیه و بعدن توسط انگلیس و فرانسه مورد چپاول قرار گرفت، معادن سرشار قاره افریقا، خاصتن الماس، طلا و بعدن نفت از چور و چپاول استعمارگران در امان نماند، حتی اکنون هم شرکت‌های غربی در تباری با رهبران فاسد کانگواختیار معادن الماس آنرا در اختیار دارند، در سایر کشورهای افریقایی وضع بدتر از ان است، افریقا بیشتر از هر قاره دگرضربه‌های اقتصادی اروپایان را تحمل کردند، اولن در دوره تجارت برده و بعدن در دوران استعمار مستقیم، آسیا هم ازین لعنت بدور نماند، در مورد هندوستان یکی دو مثال تذکر یافت، بایدگفته شود که هند در دوره پادشاهی شاه جهان و اورنگزیب، در اواخر قرن ( ۱۷ ) غنی ترین کشور جهان شناخته شده، و بنابر ارقام ارابه شده توسط غربیان (۲۶٪) تولید ناخالص دنیا در هندوستان تحت حکمرانی مسلمانان مغولی بدست می آمد، ولی در زمان ختم اشغال چند صد ساله انگلیس‌ها، این رقم به (۳٪) تنزل کرد، فعلمن هم هندوستان (۳،۶٪) تولید ناخالص دنیا را مالک می‌باشد. اکثریت مطلق موزیم‌های دولتی و شخصی از آثار تاریخی کشورهای مستعمره مملو می‌باشد، چنانچه الماس کوه نورکه قرن‌های متمادی در کشورهای هند، ایران و افغانستان دست بدست میگشت، بلاخره بدست انگلیس‌ها رسیده و اکنون زینت بخش تاج ملکه می‌باشد! زمانی خبرنگاری از یکی از صدراعظم‌ان انگلیس پرسیده بود، که چرا غنایم



دزدی شده به کشورهای اصلی شان مسترد نمی‌شود؟ وی در جواب گفته بود ((در آن صورت موزیم‌های ما کاملن خالی میشوند)).

### ۳ - ایجاد قحطی‌های عمدی:

قسمت زیاد محصولات زراعتی دهاقین بنام باج از آنها گرفته میشود، اینکار باعث کمبود غله ودانه شده، و بعضی باعث بروز قحطی و مرگ و میربی شماری میگردد.

### ۴ - اخذ تکس‌های نقدی:

وضع تکس ها وجرایم گوناگون باعث خرابی وضع اقتصادی مردم مستعمرات شده و فقر تشدید می شد.

### ۵ - مجبور ساختن دهاقین به کشت مواد مخدر(تریاک):

قسمت زیاد زمین‌های مرغوب زراعتی دهاقین هندی به کشت کونار اختصاص میافت، اینکار باعث میشود که کشت غله و دانه کمتر گردیده که در بروز قحطی رول داشت، از طرف دگرتریاک برای اهداف غیرانسانی معتاد ساختن مردم سایر کشورها استفاده میشود، مقدار زیاد به سایر کشورها صادر میشود، طوریکه بخش اعظم صادرات هند برتانوی به چین را همین تریاک تشکیل میداد، هدف از آن معتاد و غیر فعال ساختن جوانان چین بود، تا استعمار بدون مقاومت قادر به اشغال سر زمینهای آنان شود، جنگ تریاک بین انگلیس و چین در اواسط قرن (۱۹) خیلی مشهور می‌باشد، که در نتیجه منطقه‌هانکانگ طور غرامات به انگلیس واگذار شد.

### ۶ - عدم رشد صنایع داخلی، به دلیل واردات از اروپا:

واردات بی رویه امتعه کشور اشغالگر، باعث کندی رشد و انکشاف صنایع داخلی مستعمرات، مخصوصن صنعت نساجی، وحتى نابودی آن شد.

## ۷- ترویج جبری عیسویت:

مردم جبرن در مستعمرات عیسوی ساخته میشدند، مخصوصن در افریقا و امریکا، با اینکاربه اصطلاح با یک تیر دو فاخته را می زدند، از یکسو عیسویت گسترش می یافت و از طرف دگر با عیسوی شدن، روح مقاومت هم در مردم مستعمرات می مرد، واینکار به نفع استعمار بود، تا اواخر قرن (۱۵) عیسویت گسترش جهانی نداشته و صرف قاره اروپا را در بر میگرفت، ولی با شروع کشور گشایی‌ها ی استعماری ورسیدن اشغالگران به امریکا، افریقا و اسیا عیسویت گسترش فوق العاده یافته و میلیونها مردم مستعمرات، که تعداد آنها به مراتب بیشتر از نفوس مسیحیان اروپا بود به عیسویت جلب شدند، کلیسا در حقیقت پیش قراول استعمار بود، و راه را برای استعمار هموار می ساخت، ولی عیسوی شدن مردم مستعمرات کدام درد آنها را دوا نکرده بلکه به مصایب آنها افزود.

در مورد توجه تانرا به گفتار تاریخی جموکنیایاتا اولین ریس جمهور کینیا بعد از استقلال، معطوف می داریم:



کلیسا در دوران تجارت برده و هم در دوران اشغال کشورهای عقب مانده، یکجا با استعمارگران گام برداشته و در این عمل غیر انسانی آنان مستقیم شریک بود!

#### ۸ - تفرقه بیانداز و حکومت کن!

استعمارگران برای دوام سلطه و اقتدار خویش، وبه منظور جلوگیری از قیام‌ها و خیزش‌های احتمالی مردمی در مستعمرات، سیاست منافقانه تفرقه افگنی را در بین اقوام مختلف و پیروان ادیان مختلف بکارانداخته و اختلافات و پرابلم‌های بزرگی را درجوامع مذکور خلق نمودند، این سیاست‌ها تا امروز هم در بعضی مناطق ادامه دارد، چنانچه دامن زدن به اختلافات هندو و مسلمان در برصغیر، نه تنها در موجودیت استعمارگران انگلیسی دوام داشت، بلکه تا امروز هم این اختلافات در بین هند و پاکستان و خاصتن مسئله کشمیر، منحنیث زخم ناسور باقیمانده از دوره استعمار دوام دارد، و تاکنون باعث سه جنک خونین بین این دو همسایه گردیده است، مسئله خط دیورند منبع اختلاف (۷۷) ساله بین افغانستان و پاکستان می‌باشد، همچنان تغییرات عمدی در سرحدات کشورهای افریقایی توسط استعمارگران موجب کشمکش‌های بزرگ گردیده، که تا امروز دوام دارد.

#### ۹ - تربیه قشروفادار به استعمارگران :

استعمارگران جزایری از تمدن عصری، خاصتن ادارات تعلیمی و تحصیلی را در مستعمرات بوجود می‌آوردند، که بیشتر از آن به منظور تربیت قشرهای از جامعه که وفاداری شان به سردمدارن استعماری معلوم می‌بود، کار گرفته میشد، همین قشر، بعد از خروج استعمارگران وبه

حمایت آنان به قدرت رسیده، و در تامین منافع باداران شان، و پرکردن جیب‌های خویش میکوشیدند و میکوشند، واستعمار نوین بدینترتیب با مصرف خیلی کمتر نسبت به استعمار مستقیم به اهداف خود نایل میشود، مثلن در هند فامیل نهرو، در پاکستان فامیل بهوتو و رهبران مسلم لیگ، رهبران سیاسی بعد از سقوط امان الله خان، در اردن خاندان ملک حسین، هکذا در تونس، الجزایر، مصر، ایران تحت زعامت خاندان پهلوی، کانگو، فلیپین، افریقای مرکزی و... این قشر خیانت پیشه در جهت منافع قدرت‌های سابقه استعماری کوشیده، و ضمن خودهم به فساد لوده بوده و به دزدی ثروت کشور خود میپرداختند می پردازند، در وجود انها اهداف کشورهای استعماری سابقه بهتر برآورده می‌شود، اکثرین رهبران سکولر جهان اسلام در جوانی در دامن غرب تربیه شده، و بعد از به قدرت رسیدن به پیاده ساختن اهداف غیراخلاقی جامعه غرب بهتر از دوران استعمار مستقیم عمل کرده اند، مثل ولیعهد سعودی، رهبران مصر، الجزایر و... یکتعداد ازین کشورها که دارای نظام شاهی اند، نسل در نسل در خدمت غرب قرار دارند، ولی در یکتعداد کشورها، که ظاهرین دارای نظام جمهوری و انتخابی استند، از چال و ترفند عجیبی کار گرفته می‌شود، رهبری احزاب وفادار به غرب، که همیشه در انتخابات جعلی برنده میباشند، به شکل میراثی تنظیم می‌شوند، چنانچه در پاکستان رهبری احزاب ( پپلز پارتی و مسلم لیگ) به این شکل در آورده شده است، بعد از ( ذوالفقار علی بهتو) رهبری حزب به دخترش (بینظیر بهتو) و بعد از وی این عهده به نواسه اش (بلاول بهتو) رسید، هکذا در حزب (مسلم لیگ) قیادت از نواز شریف به برادرش (شهباز شریف و دخترش مریم نواز) رسید، در هند هم وضع بر همین منوال است، در مصر (حسن

مبارک) در نظر داشت که پسر خود را جانشین خود سازد، که با وقوع بهار عربی در اینکار موفق نشد.

یک چال و نیرنگ دگر استعمار در جهت تربیه قشر وفادار به خود، کشاندن جوانان کشورهای عقب مانده (از لحاظ مادی و فکری) به داخل کشورهای خود، بنام تربیه کدر فنی بود، که برای این منظور بورس های فراوان به اختیار این کشورها گذاشته می شد، و به این ترتیب جوانان زیادی عازم کشور استعماری می گشتند. در دوره اول زمامداری داوود خان (۱۹۵۳ - ۱۹۶۴) هزاران افغان برای آموختن تحصیلات عالی در بخش نظامی و ملکی عازم شوروی شدند، اکثریت این جوانان، که فاقد عقاید محکم اسلامی بودند، به اساس پلان منظم ادارات استخباراتی و ایدولوژیکی شورویان، متمایل به عقیده کمونیستی شده و در برگشت برای ایجاد یک دولت کمونیستی طرفدار شوروی، در افغانستان تبلیغ و تلاش می نمودند، مخصوصن افسران کمونیست در اردوی افغانستان خیلی فعال بودند، کودتاهای (۲۶ سرطان ۱۳۵۲ داوود خان، و ۷ ثور ۱۳۵۷) به کمک شوروی، و توسط همین اجنتان تربیه شده در خاک روسیه صورت گرفت، خساره خیلی زیادی که ازخیانت این مزدوران به کشور ما وارد گشت، برهمه گان آشکار است.

یک چال و نیرنگ موثر غرب برای در دام انداختن رهبران مستعمرات سابقه، ازدواج زنان تبعه کشورهای غربی (در حقیقت جاسوسان)، با رهبران این کشورها می باشد، چنانچه دو خانم ملک حسین پادشاه سابق اردن تبعه انگلیس، خانم اول عمران خان زن یهودی هم تبعه انگلیس، و خانم احمد سوکارنو رهبر سابق اندونیزیا همه خارجیان مشکوک بودند، دروجود این رهبران خاین، منافع اقتصادی و سیاسی استعمار گران سابق به خوبی برآورده می شود.

مستعمرات سابق به شکلی از اشکال با کشورهای اروپایی پیوند دارند، مستعمرات (۵۶ گانه) سابق انگلیس بنام کشورهای (کمون ویلت یا مشترک المنافع) ارتباط خود را با استعمارگر سابق برقرار داشته اند، فرانسه در افریقا رابطه مستحکم با مستعمرات سابق دارد، برای برگرداندن اجیران خود بر سر قدرت، در افریقای بعد از استقلال (۵۶) کودتا علیه رهبران ملی آن صورت گرفت، که (۶۱٪) آن به طرفداری فرانسه صورت گرفته است، یکی از منافع فرانسه این است، که مستعمرات سابق افریقایی مکلف به انتقال ذخایر اسعاری خویش در بانک‌های فرانسوی میباشند. امروز هم فرانسه ارتباط قوی با مستعمرات سابقه خود در افریقا، و مستعمرات خورد و کوچک ماورای ابحار دارد، که تعداد آن به (۸۸) می رسد.

خساره دگری که استعمارگران حین خروج به مستعمرات رساندند این بود، که این ممالک را مکلف به تادیه قیمت تاسیسات ساخته شده توسط استعمارگران (مثل تعمیر مکاتب شفاخانه‌ها و...) می نمودند، در صورت انکار مستعمره، استعمارگران آن تاسیسات را از بین می بردند، چنانچه امریکایان در اثنای خروج از افغانستان ، اکثر طیارات و تجهیزات در میدان‌های هوایی را از بین بردند!

#### ۱۰- پایمالی حقوق بشری انسان‌های ساکن مستعمرات :

برخورد استعمارگران با مردم مستعمرات کاملن غیر انسانی و دور از کرامت انسانی بود، اروپایان استعمارچی خود را برتر ازین مردم دانسته و معتقد بودند که اینها بی عقل و بی استعداد میباشند، و برای بردگی و نوکری آفریده شده اند، چنانچه زمانی ( چرچیل) صدراعظم بریتانیا در پارلمان کشوردر مورد هندی‌ها گفته بود (( من از هندی‌ها متنفرم، آنها مردمی

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۵۵

جانوربا دین بدوی هستند، مقصر قحطی هم خود آنان هستند، که مثل خرگوش زاد و ولد میکنند! (( این بود نظر یک شخصیت برجسته، به اصطلاح یک کشور متمدن در مورد انسان‌های مستعمرات!



برخورد غیرانسانی استعمارگران با مردم مستعمرات، ازین تصویر بهتر معلوم می‌گردد!

خلاصه دوره استعمار مستقیم، جمع دوره تجارت برده، تاریکترین و ننگینترین دوره در تاریخ بشریت بوده، که اکثریت مطلق ساکنان کره زمین، تلخ‌ترین مصایب و بدبختی‌ها را از دول اروپایی دیده‌اند، این دوره از یکسو با آزار، اذیت و کشتار مردم مستعمرات همراه بود، و از طرف دیگر ثروت و دارایی‌های بی‌اندازه زیاد آنها توسط استعمارگران به یغما رفت، این عوامل فقر شدید، گرسنگی و بلاخره عقب ماندگی را برای ملل اسیر

به ارمغان آورد و نتیجه شوم این دوره نکبت بار جلو چشم ما است، اگر اروپایان در مدت طولانی استعمار خود، حداقل سعی در بهبود وضع زندگی مردمان محلی مینمودند، به یقین که وضع این کشورها به حالت موجوده نمیبود و تغییر کیفی زیادی در زندگی این مردم پدیدار میگشت، ولی بدبختانه استعمارگران حریص به فکر خود و ممالک خود بودند، و تا آخرین قطره خون مستعمرات را مکیدند!

آنچه بیشتر باعث تاسف و آزردهی عمیق خاطر مردم مستعمرات سابقه می‌گردد، این است که ممالک استعماری از جنایات انجام داده درین کشورها نادم و پشیمان نبوده و هیچگاهی هم معذرت و بخشش نخواسته اند، چنانچه دولت فرانسه در مقابل تقاضای مکرر الجزایر در مورد معذرت خواهی از جنایات دوران استعماری شان میگویند، در فکر گذشته نباشید و به آینده بنگرید! قتل (۱،۵) میلیون الجزایری توسط اشغالگران، نزد فرانسه کاملن بی تفاوت می‌باشد.

اگر آزار اذیت ظلم و ستم در حق کشورهای عقب مانده توسط اروپایان، با لغو تجارت برده و ختم دوره استعمار مستقیم پایان میافت، بازهم جای شکر میبود، ولی بدبختانه استعمار نوین و نظام موجوده حاکم بر جهان، در قالب یک میراث خور ذیحق، به دوام سیاست‌های ظالمانه پدران خویش پرداخته و به دوشیدن کشورهای سابق مستعمراتی ادامه میدهند، و در راه ترقی و پیشرفت این ممالک مانند یک سد ایستاده اند، هیچگاهی اراده نه نموده اند که در ازبین بردن فقر درجهان تلاش صادقانه نمایند. بنان تغییر همچو یک نظامی که به ضرر اکثریت مردم جهان عمل می‌کند، ضرورت اجتناب ناپذیر بوده و وظیفه ایمانی و وجدانی حلقات بشردوست این است، که جای آنرا با یک نظام عادلانه و انسانی تعویض نماید!



## فصل سوم !

### نظام جهانی موجود و استعمار نوین:

بعد از ختم بحث تجارت برده و استعمار مستقیم و تأثیرات مخرب آن بر کشورهای عقب مانده اکنون دوباره بر میگردیم به بخش نظم موجود جهانی و استعمار جدید (نوین)!

در ابتدا بحث تأثیرات نظام موجوده بالای جهان عقب مانده را از نگاه سیاسی مطالعه نمودیم اکنون جوانب اقتصادی اجتماعی فرهنگی ایدولوژیکی و ... آنرا مطالعه مینماییم.

### تأثیرات اقتصادی !

#### نفوذ بر مراکز مالی جهانی :

مهمترین عامل که سلامت نظام غرب را تضمین کرده و در مقابل کشورهای عقب مانده سلاح خیلی موثر پنداشته می شود، مسئله اقتصاد و قدرت مالی قوی آنها می باشد، بانک جهانی، صندوق بین المللی وجهی پول، موسسات قوی و معتبر مالی، بانک های بین المللی با هزاران میلیارد دالر سرمایه، همه وابسته به غرب اند، ضمن تجارت و تعرفه های بین المللی، سرمایه گزاری ها، مسئله وام و قروض کمک های خارجی و ... همه در کنترل و نفوذ غرب میباشند، به اساس تفاهم بین ایالات متحده امریکا و اروپا، دو موسسه خیلی مهم مالی جهان، بانک جهانی تحت نفوذ مستقیم امریکا بوده و رهبری آن توسط امریکا تعیین می گردد، و صندوق وجهی بین المللی پول در کنترل اروپایان قرار دارد، این که چه مقدار قرضه و به

کدام ممالک داده شود، متعلق به همین دو گروپ فوق الذکر می‌گردد، اعطای وام‌ها با تادیه تکت پولی (سود) کمرشکن همراه بوده و ضمن با شرایط و مطالبات سنگین سیاسی اجتماعی ایدولوژیکی و... همراه می‌باشد، چنانچه بلند بردن قیمت مواد اولیه مورد ضرورت جامعه، مثل مواد ارتزاقی، تیل و ... از جمله شرایط گرفتن وام می‌باشد، اینکار باعث تورم و بلند رفتن قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم شده و سطح زندگی شهروندان مملکت پایین می‌آید و نآرامی‌های را هم به بارمی‌آورد، در ممالک اسلامی علاوه بر شرایط فوق الذکر، مسئله عدم تطبیق شریعت اسلامی، وضع قیودات بر تعلیم و تربیه اسلامی، احزاب و مدارس اسلامی هم جز شرایط می‌گردد، ولی بدبختانه روی مسئله مهم عدم تادیه تکسها، مطابق به مکلفیت، توسط سرمایه داران و شرکت‌های بزرگ که به شکلی از اشکال با غرب پیوند میداشته باشند، مطالبه صورت نمی‌گیرد، بحث مفصل در بخش (قروض خارجی) بعدن صورت می‌گیرد، علاوتن دالر منحیث با اهمیت ترین ارز حرف اول را می‌زند، و اکثر معاملات و داد و ستد بین کشورها به دالر صورت می‌گیرد، اصولن بانکنوت‌های قابل چلش در دست مردم کاغذی بیش نیست، و برای سهولت در دادوستد اختراع شده است، پشتوانه بانکنوت‌ها طلا می‌باشد، هر کشور به اندازه ذخیره طلای خود بانک نوت چاپ کرده میتواند، دالر هم تا سال (۱۹۷۲) تابع همین قاعده و اصول بود، ولی درین سال که اوج جنگ ویتنام بود، و مصارف امریکا خیلی بلند رفته و بودجه دولت دچار کسر شدید بود، ریچارد نکسون رییس جمهور وقت امریکا برخلاف قرارداد سال ۱۹۴۴ (بریتن وود) رابطه دالر و ذخیره طلا را از بین برد، از آن به بعد چاپ دالر هر اندازه که باشد تابع اندازه و مقدار ذخیره طلای امریکا نمی‌باشد!

## بی‌عدالتی در تجارت بین‌المللی!

تجارت در زندگی امروزی جهان رول به سزایی دارد، هر کشوری که تجارت آن رونق بیشتری داشته باشد، مخصوصاً صادرات آن، و آنهم تولیدات صنعتی، کشور مذکور به شگوفایی اقتصادی میرسد، یک خصوصیت بد نظام برحال موجودیت عدم توازن در تجارت جهانی می‌باشد، کشورهای پیشرفته با داشتن (۲۰٪) نفوس (۷۰٪) و کشورهای عقب مانده با (۸۰٪) نفوس (۳۰٪) تجارت دنیا را در اختیار دارند، به این ترتیب سهم کشورهای عقب مانده به اندازه نفوس شان نمی‌باشد.

دلیل عمده سطح پایین تجارت و صادرات کشورهای عقب مانده زراعتی بودن کشورها می‌باشد، بیشترین فیصدی صادرات شانرا مواد زراعتی و مواد خام تشکیل میدهد، که طبعاً قیمت آن در بازار جهانی پایین می‌باشد، و سالانه نزول مزید هم می‌کند، کشور عقب مانده مثل افغانستان برای خریداری یک عراده تراکتور مجبور است (۵۰) تن انگور صادر کند، از طرف دیگر تولیدات زراعتی تابع آب و هوا بوده و خشک سالی‌ها بالای آن تاثیر منفی دارد، عدم رشد سکتور صنعت درین کشورها در پهلوی موجودیت عوامل داخلی تاثیرات خارجی زیادی دارد، کشور های متری برای در حرکت در آوردن چرخ صنعت خود به مواد خام کشورهای غریب اشد ضرورت دارند، بنان در صورت صنعتی شدن کشورهای عقب مانده مواد خام در داخل ممالک مصرف شده، و کشورهای پیشرفته به قلت آن مواجه خواهند گشت، که این مسئله به هیچ وجه برای آنها قابل تحمل نمی‌باشد، بنان به هر وسیله که باشد موانع واردات مواد خام را از بین می‌برند، بدین ترتیب کشورهای غریب در موجودیت این چنین یک نظام ظالم باید تا ابد با عقب ماندگی زندگی بسر برده و حسرت صنعتی شدن را تا ابد بخورند.

## ارقام مقایسوی تجارت بین المللی:

برای دانستن بهتر و خوبتر تفاوت ها درین مسئله به یک سلسله ارقام مقایسوی تجارت جهانی توجه نمایید:

### الف - کشورهای عقب مانده:

#### ۱ - افغانستان

صادرات (۱،۵) میلیارد دالر

واردات (۸) میلیارد دالر

بیلانس منفی (۶،۵) میلیارد

#### ۲ - پاکستان

صادرات (۲۱) میلیارد دالر

واردات (۵۰) میلیارد دالر

بیلانس منفی (۲۹) میلیارد دالر

#### ۳ - یوگندا

صادرات (۱،۶) میلیارد دالر

واردات (۳،۶) میلیارد دالر

بیلانس منفی (۲) میلیارد دالر

#### ۴ - نایجر

صادرات (۱) میلیارد دالر

واردات (۱،۵) میلیارد دالر

بیلانس منفی (۰،۵) میلیارد دالر

**ب : ارقام کشورهای پیشرفته :**

۱ - چین

صادرات (۳۰۲۶) میلیارد دالر  
واردات (۲۰۵۵) میلیارد دالر  
بیلانس مثبت (۹۷۱) میلیارد دالر

۲ - جرمنی

صادرات (۱۶۲۶) میلیارد دالر  
واردات (۱۱۷۱) میلیارد دالر  
بیلانس مثبت (۴۵۵) میلیارد دالر

۳ - پولند

صادرات (۳۱۷) میلیارد دالر  
واردات (۲۵۷) میلیارد دالر  
بیلانس مثبت (۶۰) میلیارد دالر

۴ - ایالات متحده امریکا

صادرات (۱۷۵۰) میلیارد دالر  
واردات (۲۴۰۷) میلیارد دالر  
بیلانس منفی (۶۵۷) میلیارد دالر

**عوامل سهم ناچیز کشورهای عقب مانده در تجارت جهانی:**

- صدور مواد خام که به تناسب مواد پخته (صنعتی) دارای قیمت کمتری اند.

- موجودیت ضعیف سکتور صنعت.
  - موجودیت موانع گمرکی کشورهای پیشرفته در مقابل امتعه نیمه صنعتی و صنعتی کشورهای عقب مانده.
  - عدم توانایی رقابت در صحنه تجارت جهانی.
  - متنوع نبودن اقلام صادراتی.
- ممانعت سازمان تجارت جهانی (WTO) کشورهای عضو را از اتخاذ سیستم‌های حمایتی صنایع داخلی، اینکار به ضرر صنایع نوپای کشورهای عقب مانده تمام می‌گردد.
- قیمت مواد خام در جهان خیلی پایین می‌باشد، حتی نرخ نفت و گاز که ماده حیاتی در جهان امروزی شمرده شده و بیشتر در ممالک غریب، خاصن بعضی کشورهای اسلامی پیدایش دارد، قیمت آن به تناسب سال‌های قبل که تا (۱۵۰) دالر در یک بیرل (۱۵۸) لیتره رسیده بود، تنزل کرده و فعلاً به (۸۰) دالر خرید و فروش می‌گردد، در حالیکه قیمت محصولات صنعتی ساخت غرب سال به سال بلند می‌رود، کشورهای غربی با به کار گیری سیاست‌های ظالمانه و غیر عادلانه تعرفه‌های گمرکی خویش، کشورهای عقب مانده را مجبور به صدور مواد خام به عوض محصولات صنعتی و نیمه صنعتی می‌سازند، طور مثال، مصر یک کشور بزرگ صادرکننده پنبه به غرب می‌باشد، تعرفه گمرکی ممالک غربی در مقابل آن خیلی بلند نمی‌باشد، ولی اگر کشور مصر بخواهد بالای پنبه خویش یک فیصد عمل صنعتی را اجرا کرده و آنرا به نخ تبدیل نموده و به غرب صادر کند، در گمرکات آنها، بالای آن محصول گمرکی خیلی زیادتر به تناسب پنبه وضع می‌گردد، که برای کشور مصر نقصان ده تمام می‌شود، بنان مصر ناگزیر می‌شود که دوباره پنبه را صادر کند، کشورهای غربی آهن، مس و غیره معدنیات را به شکل ابتدایی که از معدن

استخراج می‌شود وارد میکنند، هرگاه در کشور منبع بالای مواد مذکور پروسس صنعتی انجام گرفته و از آن سیخ گول انگلارن و... ساخته شود، کشورهای صنعتی از وارد نمودن آن خوداری می‌می‌نمایند.

تفاوت واردات بر صادرات (بیلانس منفی) برای کشورهای عقب مانده خیلی نقصان ده می‌باشد، زیرا کشور مجبور است برای تهیه اسعار مورد ضرورت واردات دست به استقراض بزند، و اسعار خارجی زیادی را از دست بدهد، برای جلوگیری ازینکارکشور مورد نظر باید به تهیه بدیل آن در داخل کشور بکوشد، یادآوری مثال افغانستان درین مورد خیلی مناسب است، مقدار زیاد پول واردات ما را مواد نفتی و گاز، مواد ساختمانی، سمنت و سیخ گول سنگ‌های مرمر و... تشکیل میدهد، که ارزش سالانه واردات آن بیشتر از (۳) میلیارد دالر می‌گردد، افغانستان منابع کافی نفت وگازو امکانات توسعه و رشد فابریکات تولید سمنت را دارد و ضمن معادن کافی آهن دارد، با توجه دولت به انکشاف صنایع مذکور و تولید آن در داخل مملکت، میلیاردها دالراسعار خارجی پس انداز شده و تفاوت منفی تجارت بهبود قابل ملاحظه خواهد یافت، علاوتن برای ده‌ها هزار نفرزمینه کار ایجاد می‌گردد، و بهبود وضع معیشتی مردم را بدنبال میداشته باشد، ضمن کوشش شود تا از واردات اشیای لوکس، تجملی و مصرفی صرف نظر شده و به آن واردات ارجعیت داده شود که باعث تقویت بخش تولیدی در کشور گردد، اینکار هم از یکسو باعث می‌شود تا بیلانس (منفی) تجارت به سوی مثبت شدن برود از طرف دگر سکتور صنعت تقویت گردد.

استعمار جدید با تمام نیرو و توان کوشش دارد، تا از صنعتی شدن کشورهای عقب مانده، که باعث به مصرف رسیدن مواد خام در داخل این ممالک می‌گردد و رشد صادرات آنها را به دنبال دارد، با طرق و وسایل مختلف جلوگیری کند،

این سیاست خیانتکارانه غرب در حق کشورهای غریب عامل عمده در عقب ماندگی آنان محسوب می‌گردد و چهره غیر انسانی، بی تفاوت، و بی پروا کشورهای غنی را در حق اکثریت مردم جهان نشان میدهد.

### قروض خارجی و سود هنگفت آن!

ملل غریب به دلیل کمبود سرمایه در داخل کشور، ناگزیر اند تا از منابع خارجی (کشورها و بانک‌های غربی، بانک جهانی، ای ام اف و ...) قرضه بگیرند، ظاهرن استقراض پول یک عمل خوب و بجا بوده و ممد پیشرفت و ترقی کشورهای قرضه گیرنده پنداشته می‌شود، ولی بدبختانه در عمل، در کشورهای عقب مانده اکثرن این طور نیست، فیصدی سود این قروض خیلی گزاف و کمرشکن بوده و از توان کشورهای غریب خیلی بلند می‌باشد، همین دلیل است که سطح قروض ممالک غریب سال به سال بلند رفته و توان باز پرداخت آن وجود ندارد و کشورهای مقروض، حیثیت (گرو) را در مقابل دولتها و موسسات مالی پیدا میکنند.

به سطح قروض بعضی کشورها توجه نمایید:

### سطح قروض بعضی کشورهای غریب :

پاکستان (۸۳) میلیارد دالر، مصر (۸۴) میلیارد دالر، قزاقستان (۱۶۵) میلیارد، اردن (۲۷) میلیارد دالر، یمن جنگزده (۷) میلیارد، بنگله دیش (۲۷) میلیارد، مکسیکو (۴۳۵) میلیارد، ارجنتاین (۳۶۵) میلیارد، هند (۵۱۳) میلیارد افغانستان (۶) میلیارد.

باگذشت زمان هیچ نوع کاهشی در سطح قروض این کشورها رونما نگردیده، بلکه برعکس به مقدار آن روز تا روز افزایش بعمل می‌آید، چنانچه مقدار قروض پاکستان در دهه (۹۰) در حدود (۴۰) میلیارد دالر بود، بعد



از گذشت (۳۰) سال مقدار آن دوچند گردیده و به اصطلاح، پاکستان زیر قرض غرب (گور) شده است، بسیاری از سایر کشورها هم وضعیت مشابه دارند، هیچ نوع امیدواری موجود نمی‌باشد که سطح این قروض پایین آید، زیرا در تحت نظام موجوده راه حلی برای این معضله جهانی سراغ شده نمیتواند بعضی دلایل بلند رفتن قروض مورد نظر عبارت اند از:

- ۱- سود گزاف قرضه‌ها.
  - ۲- موجودیت فساد در ادارات دولتی قرضه گیرنده، و عدم استفاده درست از قروض خارجی.
  - ۳- تحمیل شرایط ناگوار بالای کشورهای قرضه گیرنده از طرف موسسات مالی غرب.
  - ۴- وضعیت خراب اقتصادی کشورهای قرضه گیرنده، سقوط نرخ پول مملکت در مقابل اسعار خارجی.
  - ۵ - نبودن سیستم مناسب تحصیل عواید از منابع داخلی، طبقه سرمایه دار و غنی به دلیل داشتن نفوذ بی حد در دولت، تعلقات حزبی و موجودیت فساد، تکس خیلی ناچیز می پردازند، و بیشترین فشار را درینمورد طبقه پایین دست و غریب متقبل می شوند.
- مقدار سود قروض خیلی بلند بوده و کشورهای قرض گیرنده با اخذ قرضه جدید صرفن میتوانند تا سود قروض قبلی را تادیه کنند، و اصل قرض سابقه به حال خود باقیمانده و با افزوده شدن قرضه جدید بالای آن، سطح قروض سال به سال بالا می رود، و پولی از قرضه باقی نه میماند که از آن در پیشبرد پروژههای انکشافی کار گرفته شود، پاکستان سالانه در حدود (۴ الی ۵) میلیارد دالر از منابع مالی غربی قرضه اخذ میدارد، از این مقدار فیصدی زیاد آن برای بازپرداخت سود قروض (۸۳) میلیارد دالری مصرف می‌شود، سالانه در حدود (۶ الی ۱۰٪) در قروض پاکستان

افزایش بعمل آمده و به این حساب بعد از گذشت چند سال محدود سطح قروض پاکستان دو برابر گردیده و مردم پاکستان تا ابد از شر و لعنت این پروسه شوم رهایی نمیابند، و وضعیت سایر کشورهای غریب قرضه گیرنده بر همین منوال می باشد.

در پهلوی آن چه گفته شد، منابع قرضه دهنده شرایط خیلی سخت، مخرب و غیر قابل تحمل از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و ... را بر کشور قرضه گیرنده تحمیل می کند، مثلا: در پاکستان جلوگیری از سبیدی (کمک حکومت به مردم بی بضاعت)، بلند بردن نرخ اقلام ضروری زندگی یومیه، مثل پترول، دیزل، گاز، برق، گندم و .... باعث انفلاسیون شدید گردیده و بلند رفتن لجام گسیخته قیمت ها طی (۳۰) سال گذشته خیلی زیاد بود، چنانچه نرخ مواد سوختی (۲۰) مرتبه، نرخ یک قرص نان و یک کیلو گوشت (۱۵) مرتبه بلند رفته و نرخ تبادله ای کلدار در مقابل دالر (۱۰) مرتبه پایین آمده است، که به این ترتیب بازپرداخت قروض و سود ناشی از آن را خیلی مشکل و حتی ناممکن می سازد، زیرا قبلن پاکستان یک دالر را به (۲۷) کلدار میخرید و اکنون ناگزیر است برای خرید یک دالر (۲۷۰) کلدار بپردازد.

هدف غرب هیچگاهی ترقی کشورهای غریب را در بر نه می گیرد، بنان اقشارمردم در کشورهای عقب مانده از طریق اعمال فشار برحکومات خویش، آنان را به اتخاذ سیاست های عاقلانه اقتصادی وا دارند، تا تلاش لازم بعمل آورند، که از منابع داخلی (مخصوصن جمع آوری تکسها) عواید به دست آورده و کسر بودجه خود را بپوشانند و با این کار ضرورت به اخذ قرضه از خارج پایان میابد، در ایالات متحده امریکا (۹۰٪) عواید دولت از تکسها به دست میاید، ولی در کشورهای عقب مانده فیصدی خیلی کمی

از مردم تکس میپردازند، غربیان از اتخاذ سیاست‌های جمع آوری تکس در کشورهای غریب طرفداری نمیکنند.

موجودیت فساد در دولت‌های کشورهای عقب مانده، رول عمده در عدم استفاده درست از قرضه‌های بیرونی را دارد، بیشترین این حکومتها به شیوه‌های غیر دموکراتیک ( کودتاها، جنگ‌های داخلی و قومی) به قدرت رسیده اند، و احياناً اگر هم از طریق انتخابات بمیان آمده باشند، توام با تقلب و فریب و دزدی اراء به قدرت رسیده اند (همانند انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی دوره‌های کرزی و اشرف غنی)، طبعن همچو حکومتها به جز پرکردن جیب‌های خویش، دگر کاری نداشته وقسمت زیاد قرضه و کمک‌های خارج را چور و چپاول نموده و در راه آبادی کشور از آن استفاده درست صورت نه می گیرد، و اگر هم احزاب سیاسی از طریق انتخابات به قدرت رسیده باشند، پول قرضه‌ها به اساس اولویت‌های سیاسی و تعهدات حزبی، بدون در نظر داشت اصول اقتصادی و ضرورت جامعه، به مصرف رسیده و نتیجه مطلوب اقتصادی از آن به دست نمیآید، بعد از تغییر حکومت‌ها که در نتیجه انتخابات و یا فشار بیرونی و قوای مسلح صورت می‌گیرد، (همچون عزل عمران خان)، اداره جدید ترجیحات خود را مدنظر گرفته و اکثرن پروژه‌های حکومت قبلی ناتمام رها می‌شود، به این ترتیب مصارف صورت می‌گیرد، ولی عواید لازم مطلوب از پروژه‌ها به دست نیامده و باز پرداخت قرضه‌های خارجی نا ممکن می‌گردد، به دلایل فوق داخلی و خارجی قروض گرفته شده به عوض آوردن رفاه و ترقی در یک جامعه، باعث بروز بدبختی و فاجعه اقتصادی گردیده، کشور عقب مانده تحت فشار قروض خارجی کمر خم نموده و با گذشت هر سال مقدار مقروضیت آن زیاد شده و توان باز پرداختش نا ممکن می‌گردد، و کشورهای غریب تحت تاثیرمراجع قرضه دهنده در آمده و مجبور از آنها

حرفشنویی و اطاعت کنند، به این ترتیب استقلال سیاسی خویش را از دست میدهند! سیستم موجود قرضه دهی به نفع کشورهای غربی بوده که اقلیت کوچک را تشکیل میدهند، ولی اکثریت مطلق کشورهای عقب مانده از آن متضرر میگردند.

بعد از وضاحت کامل موضوع یک نکته روشن می‌گردد که در وجود نظام موجوده جهانی راه حل این معضله سراغ شده نه میتواند، زیرا خود نظام باعث این بحران گردیده است، بنان به خاطر رفاه اکثریت مطلق مردم جهان، چاره جز تغییر نظام موجوده عالمی نداریم!

موجودیت فساد در مسئله قروض و کمک‌های خارجی در افغانستان را بهتر است از زبان زمامداران برجسته امریکا و رژیم اشرف غنی بشنویم، مایک پمپئو وزیر خارجه سابق امریکا در کتاب خود، که جدیدن به چاپ رسیده است، اشرف غنی را یک سیاستمدار متقلب، دزد و یک شخص آلوده به فساد یاد کرده است، بالمقابل امرالله صالح معاون سابق اشرف غنی مایک پمپئو را دروغگو خوانده و امریکایان را بانی فساد در افغانستان دانسته است، صالح میگوید: امریکایان قراردادهای بزرگ را به افغان‌های میدادند که بی سواد بوده و از اصل قضیه آگاه نمی بودند، صالح میگوید اگر اینطور نیست، امریکا چرا لیست قراردادیان خود را افشا نمی‌کند؟ قراردادیانی که هر یک از برکت این معامله آلوده به فساد میلیونر شدند، این است اقرار زمامداران درجه اول سابق رژیم‌های امریکا و افغانستان که با شهادت دادن علیه یکدیگر از موجودیت فساد گسترده در سوء استفاده از پول‌های کلان پرده می‌بردارند! در موجودیت همچو فساد گسترده نتیجه ندادن قرضه و کمک خارجی یک امر واضح است.!

ناگفته نباید گذاشت مقدار سودی که غربیان از کشورهای قرضه گیرنده سالانه به دست می‌آورند، بیشتر از مقدار تمام کمک‌های بلا عوض غربیان

به این کشورها می‌باشد، که در حدود (۱۳۰) میلیارد دالر است، در حالیکه صرف مقدار پول حاصله از سود قرضه‌های غرب، که کشورهای غریب می‌پردازند، بیشتر از (۲۰۰) میلیارد دالر است، قروض با(سود) گزاف و کمرشکن امروز برای کشورهای غریب به یک طوق لعنت بزرگ تبدیل شده است، مقدار قروض جنوب (کشورهای عقب مانده) در مقابل شمال



(کشورهای غنی) به رقم سرسام آور (۲۶۰۰) میلیارد دالر رسیده است، هر فرد کشورهای عقب مانده در حدود (۵۰۰) دالراز ممالک غنی مقروض اند، اکثر کشورهای مقروض توان بازپرداخت سود را از بودجه خود ندارند، چه رسد به اصل قرضه، این کشورها از قروض جدید صرف برای تادیه سود قروض سابقه استفاده میکنند، تا زمانیکه این نظام متکی بر سود بر جهان حاکم است، کشورهای غریب از بار این قروض نجات نه می‌یابند، با دیدن حالت زار ممالک عقب مانده کاملن ثابت می‌گردد، که حرام بودن سود یک امر اجتناب ناپذیر و بجا بوده و تا زمانیکه نظام سودی پا بر جا است، حالات مردم جهان بهبود، نه خواهد یافت، راه حل آن، کارو بار بانک‌ها بر اصل (غیر سودی) می‌باشد. امروز در جهان بیشتر از

صدها) بانک، بغیر از سود کارو بار خویش راپیش میبرند، و از جمله بانک های موفق و منفعت آور شناخته می شوند.

جدول ۱: وضعیت مناطق مختلف از نظر تعداد بانکهای اسلامی و داراییها

منطقه جغرافیایی	تعداد بانکهای اسلامی	کل داراییها (میلیون دلار)		داراییهای منطبق بر شریعت (میلیون دلار)		سهم بانکداری اسلامی در هر منطقه
		۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۶	
اروپای غربی	۱۳	۸۷۵۶۳۹۴۵	۴۴۶۶۶	۴۳۰۸۸	۰/۰۵	
خاورمیانه	۱۰۵	۳۷۱۱۷۹۰	۸۸۴۹۰۶	۱۰۲۶۹۲۴	۲۸	
کشورهای آسیای مرکزی و شرق دور	۵۴	۷۹۸۶۹۲۳۱	۱۹۴۵۳۲	۲۳۰۹۷۲	۰/۳	
افریقا	۳۲	۲۰۶۲۳۰۳	۲۸۲۰۳	۲۵۲۷۷	۰/۳	
مجموع	۲۰۴	۱۷۲۲۰۷۲۶۹	۱۱۵۲۲۸۷	۱۳۲۶۲۶۱	۰/۶	

### تأثیرات ( سود ) بر شهروندان طبقات متوسط و پایین، در غرب :

نه تنها کشورهای غریب و افراد آن از نظام سودی در عذاب اند، بلکه بیشتر شهروندان ساکن کشورهای پیشرفته به این لعنت گرفتار اند، در غرب نه تنها بانک ها بر اصول سود فعال اند، بلکه فروشگاههای مختلف فروش موتر، تجهیزات و وسایل مورد ضرورت در خانهها، موبایل و ... همه به طور قرضه این خدمات را انجام میدهند، و پول آن به اساس قسط ( البته با افزودی مقدار زیاد سود) قابل پرداخت می باشد، بادر نظر داشت زندگی تجملی و مصرفی غرب و مسایل هم چشمی، هر فامیل از درک خرید تجهیزات و اجناس سود زیاد می پردازند، که مقدار سالانه آن بالغ بر صدها میلیارد دالر می گردد، برای تادیه پول اجناس مذکور و سود ناشی از آن شهروندان غرب مجبور اند تلاش فوق العاده نمایند، که اینکار باعث فشار فوق العاده بر آنان گردیده و مشکلات روحی و روانی زیاد را باعث می گردد.

نظامی که مشکلات اکثریت مردم کره زمین را حل کرده نتواند، منطقی اجازه دوام حکومت خویش را ندارد!

## سرمایه‌گذاری‌های خارجی!

اصولن سرمایه‌گذاری خارجی رول عمده در ترقی یک کشور، پایین آمدن سطح بیکاری، بهبود صادرات، معرفی تکنالوژی جدید و ... دارد، چنانچه کشورهای غنی میلیاردها دالر در کشورهای دگر سرمایه‌گذاری کرده اند، ایالات متحده امریکا با (۳۵۰۰) میلیارد دالر، فرانسه با (۱۸۰۰) میلیارد دالر، بریتانیه با (۱۷۰۰) میلیارد دالر و المان با (۱۵۰۰) میلیارد دالر در سر فهرست قراردارند، بیشترین کشورهای جذب کننده سرمایه خارجی عبارت اند از ایالات متحده امریکا، کشورهای اروپایی، جاپان، استرالیا و بقیه کشورهای ترقی یافته. سالانه دوثلث سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای انکشاف یافته با (۲۰٪) نفوس جهان صورت می‌گیرد، و کشورهای عقب مانده با داشتن (۸۰٪) نفوس جهان، صرف یک ثلث این سرمایه‌گذاری را جذب میکنند، سرمایه‌گذاری در کشورهای ترقی یافته خیلی موثر تمام می‌گردد، و هر دو جانب ( سرمایه دهنده و سرمایه گیرنده) ازان نفع سرشار میبرند، و در ترقی این کشورها، و مخصوصن معرفی تکنالوژی جدید خیلی نقش ارزنده دارد.

متاسفانه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عقب مانده کارایی و موثریت لازم را ندارد، و مقدار ان هم به تناسب کشورهای پیشرفته کمتر است، دلایل متعدد داخلی و خارجی درین امر دخیل اند، موجودیت رژیم‌های دیکتاتوری، غیر مردمی و اکثرن بی ثبات یکی از دلایل عمده عدم جذب سرمایه خارجی و موثریت ان می‌باشد، موجودیت جنگ‌ها، نا آرامی‌ها، بحرانها و کشمکش‌های سیاسی (مثال سودان و پاکستان) باعث دوری سرمایه‌گذاران خارجی می‌گردد، با وجود مشکلات فوق هرگاه سرمایه داران خارجی حاضر به سرمایه‌گذاری شوند، مسئله فساد فراگیر حاکم درین ممالک، مانع بزرگ در پیشبرد پروژه‌ها مثلن احداث یک فابریکه

می‌گردد، رشوه برای اخذ زمین مناسب، رشوه برای تامین برق و گاز و سایر ضروریات مورد نیاز وغیره. گریبانگیر سرمایه گزاران می‌گردد. سرمایه گزاران هم با استفاده از فساد شایع درین ممالک حد اکثر استفاده را به نفع خود می‌نمایند، بیشترین مفاد را سرمایه گزاران از سرمایه‌گذاری مستقیم بدست می‌آورند، مثلن احداث فابریکات، استخراج منابع نفت و گاز وسایر معادن و... به نسبت سرمایه‌گذاری غیر مستقیم، مثلن سرمایه‌گذاری در بازار بورس واسهام، زیرا در سرمایه‌گذاری مستقیم مدیریت و تصمیم‌گیری در اختیار سرمایه‌گزار می‌باشد. طبقه حاکم فاسد کشورهای عقب مانده، برای منافع شخصی خویش از منافع ملی گذشته و بیشترین فیصدی عواید حاصله یک قرارداد را به خارجیان واگذار نموده وسهم ناچیزی برای ملت بیچاره خود باقی می‌گذارند، در مسئله قرارداد نفت ایران با بریتانیه، سهم انگلیس از عواید فروش نفت ۸۴٪ و از ایران (۱۶٪) بود!

به این ترتیب، حرص و آز سرمایه‌گزاران برای حصول مفاد بیشتر، با استفاده از وضع نا به سامان واغشته به فساد مملکت دست بدست هم داده و از سرمایه‌گذاری نتیجه مطلوب برای کشور عقب مانده بدست نه می‌آورد، طبق ارقام بدست آمده مفاد سرمایه‌گذاری در یک کشور عقب مانده، خیلی بیشتر از مفاد سرمایه‌گذاری در وطن اصلی شان می‌باشد.

در پهلوی موجودیت رژیم‌های الوده به فساد، عدم موجودیت ویا نادیده گرفته شدن قوانین مرتبط به تنظیم و اداره سرمایه‌گذاری خارجی، معافیت قضایی سرمایه‌گزار خارجی (در صورت ارتکاب جرم در داخل مملکت عقب مانده محکمه شده نمیتواند)، فرار مالیاتی و... باعث می‌گردد، که سرمایه‌گزار درین معامله دست بالا را داشته باشد.



در صورت ارتکاب جرم و بروز اختلاف، و قضاوت در محاکم خارج، در اکثر موارد برد با سرمایه گزار می‌باشد، زیرا انها با داشتن پول فراوان بهترین وکلا را برای پیشبرد دعوی خود انتخاب نموده، از عدم بیطرفی و تبعیض قضاوت غربی در قبال غیر سفیدپوستان سود جسته و معامله را به نفع خود خاتمه داده و یک پول ناچیز را من حیث توان می‌پردازند.

مردم کشورهای غریب در همچو وضعیتی قادر به دفاع از حقوق خود نمی‌باشند، زیرا نه توان مالی دارند و نه هم از طرف مراجع ذیربط خارجی حمایت میشوند.

با وجود مشکلات فوق الذکر سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور عقب مانده، سود و عایدات بیشتری به تناسب کشور منبع به بار می‌آورد، به دلایل اتی:

✓ مزد پایین کارگر، یک کارگر هندی دهم حصه مزد یک کارگر امریکایی را هم نه می‌گیرد.

✓ قیمت پایین زمین مورد نیاز فابریکه، گدام، پارکنگ و غیره

✓ قیمت پایین انرژی مورد نیاز (برق، گاز، تیل، ذغال سنگ)

✓ قیمت پایین مواد خام.

سطح پایین تکس ها و مالیات دولتی، علاوتن بعضن سرمایه داران با تبارنی با مامورین مفسد محلی و جعل اسناد (کم نشان دادن عواید) گریز مالیاتی را انجام میدهند.

مسایل ایمنی و حفاظتی صحت و حیات کارگر، محیط فابریکه و محل کار (طور مثال یک معدن) کمتر مدنظر گرفته می‌شود، و طبعن مصارف سرمایه گزار پایین می‌آید، هکذا عدم توجه جدی به مسئله محیط زیست و الوده نساختن ان، که برای کشور عقب مانده ضروری و حیاتی است، عواقب خیلی ناگوار و مرگباری را برای این کشورها بوجود آورده است.

یک مثال برجسته عدم مراعات نکات ایمنی مسئله سرایت گاز از فابریکه امریکایی (یونین کارباید) تولید مواد کمیایو حشره کش، در بهوپال هندوستان بود، در شب‌های (۳ و ۲) دسمبر سال ۱۹۸۴ عیسوی گاز کشنده از فابریکه خارج شده، و ابر گاز زهری بالای شهر در حرکت در آمد، در مرحله اول در حدود (۶) هزار انسان جان باختند، در روزهای بعدی (۱۶) هزار نفر دگر هم مردند، در حدود (۶۰۰) هزار نفر هم معیوب و معلول گشتند، دلیل این بدترین حادثه صنعتی عدم مراعات اقدامات ایمنی و بی توجهی و غفلت امرین امریکایی فابریکه بود.

امریکایان هیچگاهی قصور و گناه خودرا درین حادثه نپذیرفته و انرا یک حادثه طبیعی غیر قابل جلوگیری می دانستند، در حالیکه دلایل این حادثه همانا کمبود اقدامات احتیاطی و عدم مراعات شرایط ایمنی بود.



این انسان‌های بیچاره که بینایی چشمان خود را از دست داده اند، از جمله صدها هزار نفر هندی بودند، که در نتیجه حادثه نشر گاز زهری از فابریکه یونین کارباید امریکایی در شهر بهوپال هند، معیوب گشتند!

دعوی این حادثه (۲۰) سال را در بر گرفت، در اخیر شرکت امریکایی برای هر متضرر این حادثه المناک صرف در حدود (۶۵۰) دالر امریکایی پرداخت نمود!؟

هرگا این قضیه در یک کشور اروپایی و یا امریکا رخ میداد، برای هر نفر حتمن یک میلیون دالرمناحیث تاوان پرداخت میشد، این است اثبات دروغ غربیان در مورد حمایت از حقوق بشرو نداشتن تبعیض در بین انسانها!

مفاد فعالیت فابریکه یونین کارباید برای مردم و مملکت هند به تناسب به ضرر ناشی از انتشار گاز از آن وکشته شدن هزاران نفر و معلولیت صدها هزار انسان، خیلی ناچیز بود!

این است نتیجه سرمایه گزاری خارجی با مدیریت غلط و عدم توجه به حیات انسان و محیط زیست یک کشور عقب مانده!

### قرادادهای یک جانبه استعماری!

اکثریت کشورهای عقب نگهداشته شده، دارای منابع سرشار طبیعی مثل نفت و گاز، آهن، مس، لیتیوم، طلا، الماس، سنگهای قیمتی و ... میباشدند، کشورهای پیشرفته، (خاصتن غربیان) با استفاده از اثر و رسوخ خود بالای رژیمهای دست نشانده و فاسد و غیر ملی این کشورها وبا دادن رشوه و وعده حمایت سیاسی به زمامداران آنها، قرادادهای طویل المدت رابا آنها به امضا رسانده و نفع فراوان اقتصادی را برای سالیان متمادی بدست آورده و می آورند.

در سال (۱۹۰۱) عیسوی، حکومت قاجاری ایران امتیاز استخراج نفت ایران رابه شرکت ( داری) بریتانیا واگذارکرد، مدت اعتبار قراداد (۴۰) سال را در بر میگرفت، بر طبق قراداد سهم ایران ازین قراداد (۱۶٪) بود،

که هیچگاهی کاملن پرداخت نشد، سال‌های زیادی انگلیسها نفت ایران را در اختیار داشتند، و منافع اقتصادی فراوان انرا به جیب میزدند، تا آنکه بالاثر اقدامات یک ایرانی وطندوست و متعهد به منافع ملی کشور (داکتر محمد مصدق، صدراعظم منتخب)، نفت ایران ملی شد، و اختیار ان بعد از گذشت (۵۰) سال به مردم ایران تعلق گرفت، عواید حاصله نفت ایران، بعد از ملی شدن ان، در زندگی ایرانیان تحول بزرگی را بمیان آورد، ولی استعمار گران غربی و خاصتن انگلیسها که عقده (داکتر مصدق) را به دل داشتند، طی کودتای توسط دستگاه استخبارات امریکا(سی آی ای) حکومت قانونی مصدق را در سال (۱۹۵۳) عیسوی ازبین برده و جاسوس شناخته شده خویش (رضا شاه) را دوباره به قدرت رساندند!

نفت فراوان وارزان ایران، بریتانیا را موفق ساخت تا درجنگ بین المللی اول (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) و جنگ بین المللی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) علیه جرمنها پیروز شود، در حالیکه یکی از دلایل عمده شکست جرمنها عدم دسترسی به نفت کافی بود.

داکتر محمد مصدق به جرم دفاع از منافع ایران به سه سال حبس محکوم شده، و بعدن مدت (۱۰) سال را درقریه ابایی اش به تبعید بسر برده، و در سال (۱۳۴۵) شمسی وفات کرد.

در عقد قراردادهای نفتی ایران زمان قاجاریه و رضا خان، پول‌های زیادی به طور رشوت به زمامداران ایرانی پرداخته شده بود.

وضع عربستان سعودی در رابطه به عقد قرارداد نفتی با غربیان بدتر از ایران بود، در دهه (۲۰)، قرن (۲۰) عیسوی، که بحران بزرگ اقتصادی گریبانگیر جهان گردیده بود، عربستان دست کمک به سوی امریکا دراز کرد، امریکا در بدل ان، تقاضای اخذ امتیازاستخراج نفت سعودی را نمود، ملک عبدالعزیز پادشاه سعودی این پیشنهاد امریکا را پذیرفته و

امتیاز نفت سعودی را در بدل پول ناچیز سالانه (۱۳۰) هزار دالر به امریکا واگذار نمود، و (شرکت استاندارد اویل) کار استخراج نفت را در سال (۱۹۳۲) عیسوی آغاز کرد، امریکاییان مدت (۲۰) سال به غارت ثروت نفتی عربستان ادامه میدادند، بعد از ملی شدن نفت ایران، سعودی‌ها هم کمی جرعت پیدا کرده و از امریکاییان تقاضای پول بیشتر را نمودند. در ایران جریان‌های مخالف عقد قرارداد ظالمانه نفتی موجود بوده، و در نتیجه مبارزات آنها نفت ایران ملی شده و منافع مردم ایران تا حدی تامین گشت، ولی در حکومت مستبد سعودی امکان مبارزه سیاسی موجود نبوده و امریکاییان بدون تحمل کدام فشار سیاسی، به دزدی نفت سعودی سالیان متمادی ادامه دادند.

سایر کشورهای دارای منابع نفتی قابل اهمیت، مثل عراق، کویت، امارات، قطر، الجزایر، لیبیا، نایجریا، ویزیویلا، اندونیزیا و ... هم در معامله قراردادهای نفتی وضع بهتر از ایران و سعودی نداشتند و ندارند. مواد معدنی غیر نفتی هم از جمله پیداوار مهم یک تعداد کشورهای غریب می‌باشد، چنانچه اورانیوم، الماس، طلا، سنگ آهن، بوکسایت، و ... از جمله پیداوار مهم در افریقا اند، ولی بدبختانه اکثریت مطلق این مواد با تبانی با رهبران فاسد این کشورها، توسط استعمارگران سابق استخراج و به نرخ ارزان برده می‌شود، درین معامله کشور (متمدن) فرانسه و استعمارگر سابق، در صف اول قرار دارد، الماس کانگو که ارزش سالانه آن در مارکیت جهانی بیشتر از (۲۰) میلیارد دالر است، ولی فرانسویان آنرا به پول ناچیز، البته با تادیه کمیشن به رهبران حکومتی، بدست می‌آورند، مردم کانگو بهره‌زین ثروت خود نداشته و در حالت خیلی ناگوار و با تحمل گرسنگی زندگی بسر می‌برند، یک شرکت متعلق به رییس جمهور سابق فرانسه (ژسکار دستن) درین معامله خاینانه سهیم است، همینطور مواد سوخت ریاکتورهای اتمی

فرانسه که (از لحاظ تعداد دستگاه) در جهان مقام اول را دارد، از معادن اورانیوم آفریقا به قیمت خیلی نازل تامین می‌شود.

افغانستان هم متأسفانه از جمله همین ممالک شمرده می‌شود، که منابع طبیعی آن در گذشته به قیمت پایینتر از مارکیت جهانی معامله شده، است. در گذشته‌ها (زمان ظاهرشاه، داوود خان و دوران کمونیستها) سروی و تفحص منابع طبیعی بیشتر توسط همسایه شمالی قدرتمند (اتحاد شوروی وقت) انجام میشد، کار متخصصین سایر کشورها (مخصوصاً متخصصین کشورهای عضو ناتو)، بالخصوص در شمال افغانستان با عکس العمل منفی شورویان مواجه میشد، روسها هم بیشتر منابع را مورد اکتشاف قرار میدادند، که برای خود آنها مفید تمام میشد، (مثل گاز و نفت)، و آنهم در مجاورت سرحداتش، همان بود که ولایات شمالی ما مورد اکتشاف قرار گرفته و در نتیجه آن منابع بزرگ از گاز در جوزجان کشف و از نیمه دوم دهه چهل شمسی استخراج آن شروع شد، در حالیکه به اساس مطالعات مستقل نفت و گاز در ساحات کتواز، هلمند، هرات نیز موجود اند. گاز افغانستان (۴۶٪) ارزانتر از نرخ گاز صادراتی ایران به شوروی، محاسبه میشد، در حالیکه میتر گردش آن هم در خاک ازبکستان شوروی وقت قرار داشت.

علاوه از نفت و گاز، افغانستان از لحاظ داشتن منابع طبیعی مثل مس، آهن، ذغال سنگ، لیتیوم، طلا، نقره، لاجورد، بیروچ، زمرد، سنگ‌های مرمر، تالک، و... خیلی غنی است، که ارزش آن به اساس سنجش‌های (ناسا) بیشتر از (۳۰۰۰) میلیارد دالر می‌گردد، مخصوصاً ذخایر لیتیوم که از هرات الی کنرها به طول (۷۰۰) کیلومتر و عرض (۵۰) کیلومتر موقعیت دارد، و به اندازه نفت سعودی ارزش دارد، طی ماه‌های اخیر چندین قرارداد استخراج نفت و گاز، ذغال سنگ، آهن و... به امضا رسیده است، البته شرط

اساسی درین رابطه باید مراعات دو اصل عمده باشد، یکی نرخ مناسب، دوم حتی الامکان پروسس مواد خام در داخل مملکت صورت گرفته و از صدور مواد خام، که طبعن قیمت آن نازل می‌باشد، خوداری شود.

مشکل کشورهای غریب تنها در عقد قراردادهای فروش مواد خام به نرخ ارزان نمی‌باشد، بلکه این کشورها مکلف ساخته میشوند، که امتعه وارداتی مورد ضرورت خویش را هم طبق نرخ دلخواه کشورهای غنی از همین کشورها تهیه کنند، بعد از جنگ اعراب و اسرایل در سال (۱۹۷۳) کشورهای اوپک (ممالک صادر کننده نفت) قیمت نفت خام را از (۳) دالر دربریل به (۱۱) دالر بلند بردند، چهاربرابردن قیمت نفت کشورهای صادرکننده نفت را خیلی پولدار ساخت، شاه ایران به خریداری سلاح‌های مختلفه سنگین (توپ، تانک، هلی کوپتر، طیارات جت، و حتی کشتی‌های بزرگ جنگی) پرداخت، این تجهیزات همه از امریکا، انگلیس، فرانسه، المان، و به قیمت‌های گزاف خریداری شد، این خریداری‌ها بالااثر تقاضای غرب صورت میگرفت، زیرا با تقویت نظامی ایران از یک سو خلای نظامی ناشی از خروج قوای انگلیس از شرق کانال سویز (مخصوصن خلیج فارس) پر میشد، از طرف دگر حس تفوق جویی وسلطه طلبی شاه در منطقه ارضا میشد، چنانچه اشغال جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک وابوموسی در خلیج متعلق به اعراب، نتیجه همین توسعه طلبی شاه بود، ومهمتر از همه عاید سرشاری از فروش تجهیزات نظامی نصیب غرب می شد.

خلاصه عقد قراردادهای یک جانبه، که در فوق به تفصیل به آن پرداخته شد، مانع بزرگ در راه رشد کشورهای غریب محسوب می‌شود، زیرا بالااثر آن سرمایه هنگفت کشورهای غریب توسط کشورهای غنی به تاراج رفته و وضعیت اقتصادی کشورهای عقب مانده، به عوض بهبود، بدتر می‌گردد.

موجودیت این مناسبات غیر عادلانه و غیر انسانی، تسلط نظام موجود جهانی را به چالش میکشد.

## فصل چهارم !

تهاجم فرهنگی، جنگ فکری، فروش سلاح و رول آن در عقب ماندگی: علاوه از بکارگیری فشار اقتصادی و سیاسی، فشار رسانه‌های غربی هم کردار مهمی در پیشبرد اهداف استعماری ادا کرده و می‌کند! رسانه‌های قوی غربی از پایه‌های خیلی محکم نظام موجوده بوده و در پیشبرد اهداف شوم و غیر انسانی و دوام و بقای آن خیلی موثر و کارآمد می‌باشد.

برای اینکه بدانید غولها، اربابان و صاحبان رسانه‌های غربی، مخصوص امریکایی چه توانایی و امکانات جهنمی و شیطانی در اختیار دارند، به معلومات ذیل توجه نماید:

شش هولدینگ بزرگ، (هولدینگ به سازمانی گفته می‌شود، که چندین شرکت رسانه ای را زیر اثر خود داشته، وانرا مدیریت کند) عبارت اند، از) تایم وارنر، (سی بی اس)، (کام کاست)، (والت دیسنی)، (نیوز کاپوریشن) و (ویاکام)، این هولدینگ‌های شش گانه، (۹۰٪) قدرت رسانه ای امریکا را تشکیل داده، و (۲۳۲) مدیر اجرایی ان، به اصطلاح خوراک معلوماتی (۲۲۷) میلیون امریکایی را کنترل میکنند، عواید سالانه آنها بیشتر از (۲۷۶) میلیارد دالر می‌باشد.

هکذا رسانه‌های اروپایی و استرالیایی هم از قدرت زیادی در جهان امروزی برخوردارند، وهمه در دفاع از منافع غرب قرار دارند، طور مثال (بی بی سی) منحیث یک رسانه قدیمی غربی با داشتن (۳۵) هزار پرسونل، برای تمام جهان و خاصتن کشورهای اسلامی، نشرات مختلف دارد، این رسانه یکی از خطرناکترین رسانه‌های غربی علیه کشورهای



اسلامی، و کشورهای عقب مانده بوده، زیرا انگلیس‌ها از دوران طولانی چند صد ساله استعماری خویش، شناخت بسیار خوب ازین مردمان دارند و با استفاده ازین تجربه، تبلیغ خیلی موثر در جهت منافع غرب مینماید، و تبلیغات انها خیلی مخرب تر از رسانه‌های امریکایی می‌باشد، درتبلیغ و نشر مطالب خلاف عفت و اخلاق جامعه، مثلن همجنس بازی، ازبین بردن اهمیت و ارزش ازدواج و تشکیل خانواده، ترغیب به عیسویت، تشویق به شراب نوشی و... خیلی فعال است، اینها ازداشتن وجدان انسانی محروم و از بیان حقیقت خوداری کرده و آنچه را به نفع نظام بدانند به خوراک مردم میدهند، در قضیه تجاوز اسرایل علیه فلسطینیان درغزه، که یک تراژیدی بزرگ در جنگ‌های واقع شده در جهان می‌باشد و هزاران نفر کشته زخمی ناپدید و میلیونها نفر آواره گشتند، مدیای غربی واقیعت را دگرگون نشان میدهد، تمام جنایات اسرایل را دفاع از خود دانسته و چهره مظلومانه از اسرایل پیش میکشد، این مدیا با مخالفت با آتش بس در مرگ فلسطینیان بیگناه مستقیمن شریک اند.

درجمله کشورهای اسلامی تبلیغات زهراگین غربی علیه ایران، افغانستان، ترکیه، پاکستان خیلی واضح است، اینها علیه حکومت یکساله داکتر مرسی مرحوم در مصر، تبلیغات خیلی فراوان مینمودند، و در تشویق کودتا (سی سی) رول داشتند.

یک تعداد نشرات در کشورهای عقب مانده هم تحت تاثیر رسانه‌های غربی قرار دارند، منجمله تلویزیون طلوع و موبی گروپ، که از سوی (مرداک یهودی) و هولدنک وی (نیوز کارپوریشن) تمویل می‌گردد، در هندوستان تلویزیون مشهور و پر بیننده (ستار پلس) هم ازین جمله است. تهاجم فرهنگی غرب از طریق همین مدیا صورت می‌گیرد، وهدف ازان ترویج فرهنگ منحط غربی در تمام کشورهای جهان است.

کوشش مدیای غربی ان است، تا با تحت تاثیر قرار دادن اذهان و افکار مردم جهان، آنان را از ارزش‌ها و باورهای دینی و اخلاق پسندیده شان دور ساخته و به فرهنگ پست غربی متمایل ساخته، و در جهت منافع خود از آنها کار بگیرند، تعداد زیاد رسانه‌های محلی، احزاب به اصطلاح دیموکراتیک، جوامع مدنی، سازمان‌های بنام حقوق بشر، سازمان‌های مدافع حقوق زنان همه و همه به شکلی از اشکال با آنها وابسته اند، جوانان که شبانه روز وقت با ارزش خود را با دیدن فلم‌ها، ویدیوها مستهجن غربی می‌گذرانند، بیشترین تاثیر منفی را پذیرا میشوند، زمانی استعمار با فرستادن تریاک به کشورهای شرقی (خاصتن کشورچین) اذهان و مغزهای آنان تخدیر می نمود، ولی فعلن اینکار را با تهیه فلم‌ها، ویدیوها ی مستهجن و خلاف اخلاق و پخش آن از ذرایع مختلف مثلن یوتیوب وغیره انجام میدهند!

ما ( خاصتن جوانان ) اصلن متوجه این عمل شیطانی که ایمان، اخلاق، رسم و رواج‌های پسندیده ما را مورد تهاجم قرار میدهد، نیستیم!

### وظایف مدیای غربی!

دفاع از سیستم ناعادلانه موجود جهانی، که صرف منافع (۲۰٪) مردم غنی و کشورهای غربی را تامین می‌کند، ولی اکثریت مطلق مردم کشورهای غریب، که محروم از مزایای یک زندگی خوب استند، در ان فراموش شده اند.

دفاع از ارزش‌های غربی و تعمیم فرهنگ غربی.

تحت تاثیر قرار دادن مردم، رهبران، احزاب سیاسی، جوامع مدنی و... کشورهای جهان.

تهیه نمودن خوراک معلوماتی جهانیان، طبق دلخواه خود، و با در نظر داشت منافع غرب .

تبلیغ و تروج فحشا، بی حیایی در جوامع بشری، خاصن حمایت از همجنس بازی، تشویق جوانان به گریز از ازدواج رسمی و تشکیل خانواده

و ترغیب آنان به ارتباطات خارج از ازدواج، حمایت از سقط جنین، تغییر جنسیت و غیره.

با استفاده از نفوذ گسترده در انتخابات کشورها اعمال نفوذ کردن، و کاندید مورد نظر غرب را بر قدرت آوردن، حتی اینکار در انتخابات استرالیا از طرف (مرداک) وبا استفاده از نفوذ رسانه اش صورت گرفت. تبلیغات نا روا و دروغ پراگنی و پخش اکاذیب علیه حکومتات و مردم که نخواهند نفوذ غرب و امریکا را پذیرا شوند، مثل ایران، کیوبا، نیکارگوا، کوریای شمالی، امارت اسلامی، مصر (تحت زعامت داکتر مرسی)، ترکیه (پایین آمدن نرخ لیره ترکیه در مقابل دالر، بیشتر ناشی از تبلیغات مدیای غربی است، تا عوامل اقتصادی)، روسیه، و ... .

زمینه سازی برای مداخله نظامی امریکا و غرب، مثال های مهم آن تجاوز امریکا و شرکا به افغانستان و عراق می باشد. یکماه بعد از تخریب برج های دوگانه مرکز تجارت جهانی در نیویارک، بدون موجودیت کدام سند و شواهد معتبر و بدون موجودیت فیصله یک محکمه با اعتبار و بی طرف بین المللی، و صرف با استناد با آنچه مدیای غربی ادعا میکرد، بالای افغانستان حمله صورت گرفت، و طی بیست سال، بیشتر از (۲۵۰) هزار افغان را به قتل رسانده شدند، یک فلم ساخته شده درهالیوود (توطیه) واضحن خود غربیان را مسول وقایع (۱۱) سپتمبر میدانند.

مدیای غربی دعوا داشت، که صدام حسین به سلاح کشتار دسته جمعی (کمیای، بیولوژیکی، اتمی) دست یافته است، تجاوز سال (۲۰۰۳) امریکا و شرکا بالای عراق بر مبنای همین ادعای کاذب استوار بود، با گذشت بیست سال ازین تجاوز امریکا، تا امروز یک عدد سلاح اتمی، کمیای و بیولوژیکی در عراق بدست نیامد، بکار این بود، که امریکا و غربیان معذرت خواسته و با قبولی تاوان جنگ از عراق خارج میشدند. تبلیغ تبعیض نژادی، تبلیغ غیر مستقیم ادعای برتری سفید پوستان بر سایر

نژادها، حل نشدن مشکل نژادی سیاه پوستان امریکایی، ناشی از کردار منافقانه میدیا می‌باشد.

ترویج اسلاموفوبیا (ترس از اسلام و مسلمانان)، عملکرد زشت میدیای غربی در مخالفت با اسلام، باعث گردیده و می‌گردد، که غربیان ازما ترس داشته و احساس تنفر کنند، این عمل باعث تشویق گروه‌های راست افراطی مسیحی غربی شده، مسلمانان و مساجد به دفعات و کرات مورد حمله قرار گرفته و میگیرند.

پیشبرد جنگ فکری علیه کشورهای دگر، خاصتن ممالک اسلامی.

غلط ثابت شدن ادعاهای غرب، مبنی بر حمایت از دیمو کراسی و حقوق بشر، که این دو اصل بنیاد فکری جوامع غربی را میسازد، ولی زمانیکه پای منافع غربیان در بین باشد، از حکومت‌های دیکتاتوری و ناقض حقوق بشری حمایت بعمل می‌آورد، حمایت از اسرائیل، حکومت مصر، ایران تحت زعامت رضا شاه، حکومت فاسد کرزی و غنی و غیره، ازین نمونه‌ها اند!

حکومت (مودی) از بزرگترین ناقضان حقوق بشر در جهان می‌باشد، (۲۰۰) میلیون مسلمان هند با تبعیض شدید مواجه بوده، از حقوق انسانی خویش محروم استند، مساجد مورد حمله قرار گرفته، قران پاک به آتش کشیده می‌شود، مسلمانان کاملن به حاشیه رانده شده اند، ولی به دلیل اینکه هند شریک بزرگ تجارتي و سیاسی غرب می‌باشد، میدیای غربی بر تمام پایمالی حقوق مسلمانان در هند چشم‌های خودرا بسته اند، و حالت زار مسلمانان هند در میدیای غربی منعکس نه می‌شود، و جهان ازان آگاه نیست.

رسانه‌های مرداک در هند خیلی قوی اند، شبکه‌های تلویزیونی متعلق به وی بیشتر از (۷۰۰) میلیون بیننده دارد، مرداک بامصرف (۲،۶) میلیارد دالر پخش بازی‌ها لیک برتر کرکت هند را برای (۵) سال در انحصار خود در آورده است، که بیشتر از (۴۰۰) میلیون بیننده دارد!

## نقشه تسلط رسانه ای (مرداک) در سراسر جهان!

# نقشه امپراتوری غول رسانه‌ها

روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها در این عصر عصر انفجار دیجیتال با هم رقیب شده‌اند. این رسانه‌ها در حال حاضر با هم رقابت می‌کنند. در حالی که در سال ۱۹۹۹ میلادی، تنها ۱۰۰ میلیون نفر در جهان به اینترنت دسترسی داشتند، اکنون این رقم به بیش از ۲ میلیارد نفر رسیده است. این امر باعث شده است تا رسانه‌های دیجیتال به یکی از قویترین ابزارهای تبلیغاتی و بازاریابی در جهان تبدیل شوند. در حالی که در سال ۱۹۹۹ میلادی، تنها ۱۰۰ میلیون نفر در جهان به اینترنت دسترسی داشتند، اکنون این رقم به بیش از ۲ میلیارد نفر رسیده است. این امر باعث شده است تا رسانه‌های دیجیتال به یکی از قویترین ابزارهای تبلیغاتی و بازاریابی در جهان تبدیل شوند.

این‌ها همان مرداک‌ها هستند



### مشخصات «نیوزگورپوریشن»

- تاسیس: سال ۱۹۹۶ در نیویورک
- مدیرعامل: رابرت مرداک
- دفتر اصلی: نیویورک، آمریکا
- سراسر جهان: رابرت مرداک، مدیر عامل
- زبان: انگلیسی
- ساخته شده توسط: رابرت مرداک
- تعداد کارکنان: ۵۱ هزار نفر



**تاریخچه:** نیوزگورپوریشن در سال ۱۹۹۶ میلادی در نیویورک تاسیس شد. این شرکت در ابتدا به عنوان یک شرکت رسانه‌ای کوچک شروع کرد، اما به سرعت به یکی از بزرگترین شرکت‌های رسانه‌ای جهان تبدیل شد. این شرکت در سال ۱۹۹۶ میلادی، نیوز پاپر را خریداری کرد و به یکی از بزرگترین شرکت‌های رسانه‌ای جهان تبدیل شد.

**مالکیت:** رابرت مرداک، مدیر عامل نیوزگورپوریشن، مالک اصلی این شرکت است. او در سال ۱۹۹۶ میلادی، این شرکت را خریداری کرد و به یکی از بزرگترین شرکت‌های رسانه‌ای جهان تبدیل شد.

**فعالیت:** نیوزگورپوریشن در زمینه‌های مختلف رسانه‌ای فعالیت می‌کند. این شرکت در زمینه‌های مختلف رسانه‌ای فعالیت می‌کند. این شرکت در زمینه‌های مختلف رسانه‌ای فعالیت می‌کند.

**بازار:** نیوزگورپوریشن در سراسر جهان فعالیت می‌کند. این شرکت در سراسر جهان فعالیت می‌کند. این شرکت در سراسر جهان فعالیت می‌کند.

**تعداد کارکنان:** نیوزگورپوریشن در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۱ هزار نفر کارکنان داشت. این شرکت در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۱ هزار نفر کارکنان داشت.

**سرمایه:** نیوزگورپوریشن در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه داشت. این شرکت در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه داشت.

**اموال:** نیوزگورپوریشن در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار اموال داشت. این شرکت در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار اموال داشت.

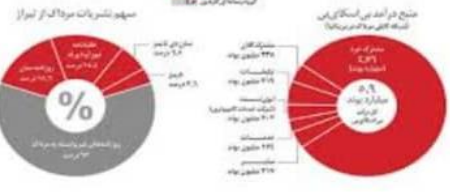
**ساخته شده توسط:** نیوزگورپوریشن در سال ۱۹۹۶ میلادی، توسط رابرت مرداک ساخته شد. این شرکت در سال ۱۹۹۶ میلادی، توسط رابرت مرداک ساخته شد.

**تعداد کارکنان:** نیوزگورپوریشن در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۱ هزار نفر کارکنان داشت. این شرکت در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۱ هزار نفر کارکنان داشت.

**سرمایه:** نیوزگورپوریشن در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه داشت. این شرکت در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه داشت.

**اموال:** نیوزگورپوریشن در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار اموال داشت. این شرکت در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۱۰۰ میلیارد دلار اموال داشت.

**ساخته شده توسط:** نیوزگورپوریشن در سال ۱۹۹۶ میلادی، توسط رابرت مرداک ساخته شد. این شرکت در سال ۱۹۹۶ میلادی، توسط رابرت مرداک ساخته شد.



### کردار منفی میدیای شیطانی غربی !

قبلن تذکر یافت، نظام موجود جهانی از منافع اقلیتی کشورهای غنی پشتیبانی کرده و به هیچ وجه به نفع اکثریت مردم غریب جهان نبوده و مانع بزرگ پیشرفت جهان عقب مانده شمرده می‌شود، میدیای غربی با تمام قوت ازین نظام دفاع نموده و در صدد تقویت ان می‌باشد، وبه این ترتیب منحیث مدافع این نظام در مقابل کشورهای عقب مانده صف بندی نموده است.

جای استعمار کهن را استعمار جدید گرفته است، هدف باز هم غارت منابع کشورهای غریب می‌باشد، منابع خام ان‌ها به قیمت خیلی نازل خریداری می‌گردد، و در عوض ان ملل غریب مکلف به خریداری تجهیزات، اکثرن سلاح غربی اند، میدیا پشتیبان این عملکرد استعمار جدید است.

تجارت جهانی غیر عادلانه می‌باشد، سهم کشورهای عقب مانده به تناسب نفوس در ان خیلی پایین است، و بیشترین سهم در آن در اختیار کشورهای پیشرفته است، هراندازه تجارت یک کشور، و مخصوصن صادرات ان زیاد شود، وضعیت از عقب ماندگی به سوی ترقی تغییر می‌کند، رسانه‌های غربی به دوام وضعیت موجوده کوشا استند.

تلاش کشورهای مترقی برین است، که کشورهای روبه انکشاف تا ابد در سکتور زراعت مصروف بوده و منحیت اکمال کننده مواد خام مورد ضرورت صنایع عظیم غرب باقی بمانند، و به هروسيله که شود از صنعتی شدن این کشورها جلوگیری می‌کنند، درین راستا میدیا همگام و همکار قوی کشورهای غربی است.

گرسنگی دامنگیر بیش از یک میلیارد از مردم، مخصوصن در افریقا و جنوب اسیا می‌باشد، به اساس احصایه رایه شده توسط ملل متحد، میلیون‌ها نفر بعد از بروز مرض (کرونا) به تعداد گرسنگان جهان اضافه شده است، ولی میدیای غربی در مورد این پدیده منفی خاموشی اختیار کرده، و طبعن مردم تحت پوشش این رسانه‌ها هم در مورد کمتر با خبر میشوند، برای میدیا و مردم غرب اخبار جنگ یوکرین ویا رسوایی جنسی (دونالد ترامپ) خیلی اهمیت دارد، تا گزارش گرسنگان افریقا.

فقر در جهان بیدامی‌کند، سطح فقر در یکتعداد کشورها را ملاحظه کنید:

نایجریا (۷۰٪)، (صومالیه (۷۰٪)، و... به اساس ارزیابی ملل متحد، افراد کشورهای غریب که عاید روزانه آنها کمتر از (۱،۹۸) دالر امریکایی باشد، تحت خط فقر قرار میگیرند.

کشورهای غنی با امکانات فوق العاده مالی و اقتصادی که در اختیار دارند، کمک لازم وبه اندازه کافی برای محو فقر انجام نمیدهند، کمک سالانه از طرف کشورهای پیشرفته به کشورهای غریب به هیچ وجه بسنده نیست، کشورهای غنی با این امکانات خویش میتوانند که در محو فقر و گرسنگی از آن کار گیرند، ولی کوشش جدی درینمورد صورت نمی‌گیرد و میدیا هم در مورد بی تفاوت است.

میدیای غربی در ایجاد بحران‌های مصنوعی در مناطق حساس، زمینه سازی برای فروش سلاح، هموار ساختن بستر برای مداخلات نظامی، وجنگ افروزی قدرت‌های غربی، خاصتن امریکا، مهارت زیاد دارند.

در اثنای جنگ سرد و به نام ترس از کمونیزم اولین پیمان نظامی ( ناتو ) در سال ۱۹۴۹ تاسیس شد، و تحت نام دفاع از جهان آزاد، و خاصتن اروپای غربی سلاح و تجهیزات فراوان بالای کشورهای اروپایی فروخته شد، ضمنن بالای کشورهای خارج از پیمان ناتو، مثل عراق ( قبل از سال ۱۹۶۰)، ایران، تحت زعامت شاه، تایوان، فلپین، و... هم منحیث همپیمانان امریکا در مبارزه علیه کمونیزم سلاح و تجهیزات زیادی امریکایی فروخته شد. جنگ ایران عراق به تحریک امریکا صورت گرفته، که در ان تلفات میلیونی انسانی متوجه هردو مملکت شده، و بیشتر از (۱۰۰۰) میلیارد خساره مالی هم به انها رسید، تجاوز سال (۲۰۰۳) غرب بالای عراق به بهانه اینکه صدام به سلاح کشتار دسته جمعی دست یافته است، همه وهمه نتیجه دروغ پراگنی میدیای غربی بود، طی این جنگ هزاران عراقی بیدفاع کشته شده، مملکت تبه گردیده، تاریخ (۵۰۰۰) ساله ان به خاک برابر شد، اقتصاد مملکت ازبین رفته و وقفه بزرگی در پیشرفت مملکت رخ داده و حالت اقتصادی و معیشتی مردم خیلی تنزل کرد، همچنان الهام بخش تجاوز امریکا بر افغانستان پروپاگندهای غلط میدیای غربی بود، موجودیت (۲۰) ساله امریکا در افغانستان باعث کشتار مردم بیگناه، تباهی اقتصاد و رسیدن فقر به اوج ان گردید.

غربیان برای تامین منافع خویش همیشه دنبال یک دشمن میباشند، قبلن شوروی دشمن غرب و امریکا شناخته میشد، فعلمن مسلمانان منحیث دشمنان غرب قلمداد میشوند، درین دشمن تراشی ها میدیا دست قوی دارد!

خلاصه میدیای قدرتمند غربی در برخورد ( شمال و جنوب، یا غنی و غریب )، در کنار غنی استاده و از منافع ان دفاع می کند، و به این ترتیب در تضاد با منافع کشورهای غریب قرار گرفته و سد راه پیشرفت ان



می‌گردد، مدیای غربی آنچه را لازم میدانند به مردم پیش می‌کند، ضمنی قابل تذکر میدانم که از نقش منفی (اورینتالیستها) یا شرق شناسان در جهت دشمنی با جهان اسلام هم یادآور شوم، این مردم به ظاهر عالم و دانشمند، سالها درباره شرق و خاصتن مسلمانان مطالعه و تحقیق نموده، به عوض آنکه نتیجه مطالعات خود را به اختیار علم دوستان قرار دهند، آنرا در خدمت دولتها و خاصتن دستگاههای استخباراتی غربی می‌گزارند، تا آنها با استفاده از آن بر علیه جوامع اسلامی از آن کار گیرند.

### تهدید صلح جهانی از طریق نظامیگری!

پدیده شوم موجود دگر در نظام منحوس جهانی، جنگ طلبی ایجاد فضای رعب و وحشت، خطر جنگ اتمی، وسوق بشریت به سوی تباهی و بربادی است!

موجودیت هزاران بمب اتمی و سایر سلاحهای کشتار دسته جمعی (کمیای و بیولوژیکی) نزد کشورهای بزرگ، درحالت که تشنج و بحران بر روابط جهانی حاکم است و خطر گسترش جنگهای منطقوی (یوکرین، غزه و...) به سایر نقاط جهان خیلی محتمل است، صلح جهان به تهدید جدی مواجه بوده و بشریت به سوی نابودی می‌رود، این همه ناشی از موجودیت مفکوره (ملیتاریستی) نظامی گری در بین قدرتهای بزرگ نظام برحال می‌باشد، تلاش کشورهای بزرگ برای گسترش نفوذ خود خارج ازساحه سرحدات خویش، باعث ایجاد رقابت شدید دربین آنان شده و مسابقه شدید تسلیحاتی را بوجود آورد، که بالاثرا آن جنگ سرد (۴۳) ساله بوجود آمد، که نتیجه آن پرشدن زراد خانه کشورهای رقیب ازسلاحهای هستوی است، طی این دوران خطرناک تنها ایالات متحده امریکا بیشتر از (۵۷۰۰) میلیارد دالر صرف ساختن تسلیحات ذروی و

متعارفی و حفظ و نگهداشت آن نموده است، که برای هر نفر امریکایی مبلغ (۲۱) هزار دالر خرچ برداشته است، مخارج شوروی وقت هم در همین حدود بود، با مصرف این پول‌های گزاف در بخش غیر نظامی امکان محو عقب ماندگی از جهان متصور بود.

هرکشوری حق دارد برای دفاع از خود قوای مسلح و نیروهای دفاعی داشته باشد، ولی اگر این قوا فراتر از ضروریات دفاعی کشور باشد، ازان بوی توسعه طلبی و جنگ افروزی بالا می‌شود، همین نظامی گری‌ها و علاقه به توسعه نفوذ، دوبار جهان را طی قرن (۲۰) به جنگ جهانی سوق داد، که طی آن و جنگ‌های نیابتی بعدی بیشتر از (۱۳۰) میلیون انسان قربانی گردیدند، درین جنگ‌ها هر نوع سلاح مخرب و کشنده کار گرفته شده و حتی بمب‌های اتمی هم از طرف امریکا علیه جاپان در حال شکست کار گرفته شد، امروز هم استعمال بیدریغ قوه در مقابل مخالفین سیاست غرب و شرکایش صورت می‌گیرد، طی تجاوز اخیر اسرایل بیشتر از (۷۰) هزار تن مواد منفجره بالای غزه انداخته است که چهار برابر طاقت بمب اتمی پرتاب شده بالای جاپان طی جنگ دوم می‌باشد، به این حساب برای هر کیلومتر مربع غزه (۲۰۵) تن بمب استعمال شده که بر ای هر فرد ساکن غزه (۳۱) کیلو گرام میرسد، درین جنایت شنیع اسرایل علیه مردم بیگناه فلسطین غرب و خاصتن امریکا مستقیمن شریک استند، نه تنها با ارسال سلاح و تجهیزات رژیمن صیهونیستی را کمک میکنند بلکه در شورای امنیت ملل متحد با ویتوهای مکرر جلو آتش بس را گرفته اند، اسرایل به حمایت بیدریغ امریکا به تقاضاهای مکرر جامعه جهانی در مورد آتش بس اعتنا نکرده حتی به فیصله محکمه بین المللی (لاسه) بی اعتنایی نموده است. عدم برقراری آتش بس در غزه می تواند دامنه جنگ را به سایر کشورهای منطقه هم برساند، چنانچه لبنان مورد تجاوز اسرایل

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۹۱

قرار گرفته و خسارات جانی و مالی فراوانی به آن وارد گردید و یک جنگ تمام عیار در شرق میانه شعله ور شده است.



ویرانه‌های شهر هیروشیما، بعد از بمباران اتمی ماه اگست سال ۱۹۴۵!



ویرانه‌های غزه بعد از بمباری‌های یهودان!  
در بین هردو تباهی تفاوت کمتر دیده می‌شود!

طی جنگ‌های کوریا ویتنام و حتی جنگ اخیر غزه، زمزمه‌های استعمال بمب اتمی شنیده می‌شود، هنوز هم مسابقات شدید تسلیحاتی در بین

کشورها ادامه داشته و سالانه بیشتر بر (۲۶۰۰) میلیارد دالر امریکایی صرف مسایل نظامی می‌گردد، هیچ نوع کوشش جدی در جهت خلع سلاح صورت نمی‌گیرد، کشورهای عقب مانده هم در مسابقات تسلیحاتی و خرید اسلحه از دگر کشورهای عقب نه میمانند، حتی بعضی کشورهای غریب الی (۳۰٪) بودجه عمومی خویش را صرف امور نظامی میکنند، این خود باعث عقب مانی مزید می‌گردد، با صرفه جویی حد اقل (۳۰٪) مصارف نظامی، که (۷۸۰) میلیارد دالر می‌گردد، میتوان در فقر زدایی، بخش تعلیم و تربیه، صحت عامه و... ازان کار گرفته، و وضعیت اقتصادی کشورهای عقب مانده را بهبود قابل ملاحظه بخشید، ولی بدبختانه بحران‌های جهانی و منطقوی، مسایل سیاسی، اقتصادی وایدولوژیکی یک وضعیت و فضای نا مطمین را بوجود آورده و ممالک مختلف برای بقای خود، دست به خریداری سلاح و تجهیزات نظامی میزنند.



قبرستان صدها طیاره جنگی فعال امریکایی، که به مصرف میلیارد ها دالر ساخته شده بودند، جای آنرا طیارات عصری تر و گران تر گرفته اند!

بعد از فروپاشی شوروی و از بین رفتن پیمان نظامی ( وارسا) در اواخر قرن ( ۲۰) بکار بود که پیمان ( ناتو ) هم انحلال خودرا اعلام میکرد، ولی بر عکس غرب انرا گسترش داده وحتى کشورهای عضو پیمان سابق وارسا راهم در عضویت خود پذیرفت، جنگ یوکراین هم ناشی از همین جنگ طلبی و تجارت سلاح غرب نشات می کند، بدبختانه تجارت سود اور (۴۰۰) میلیاردی سالانه فروش سلاح، باعث می گردد، که کشورهای غنی و نظام سرمایه داری بر معایب و ضررهای ان چشم پوشی کنند، نظام موجود جهان را به سوی تباهی می برد، ورهایی ازین بدبختی ها تنها در تغییر نظام سراغ شده میتواند!

### ساعت آخرالزمانی، و قریب بودن نابودی جهان !

یک تعداد دانشمندان خیر اندیش، برای اینکه خطرات مرگبارنظامیگری در موجودیت هزاران بمب اتمی وسایر سلاح های کشنده کشتار دسته جمعی را خوبتر نشان دهند، یک ساعت دیواری را مدنظرمیگیرند، وتصور میکنند که ساعت ( ۱۲) نیمه شب پایان زندگی در کره زمین است.

بشر با اقدامات خطرناک محل امنیت جهانی، صلح را طور جدی به خطر انداخته و احتمال جنگ اتمی را خیلی زیاد ساخته است، فعلمن وضع جهان انقدر بحرانی و متشنج است که عقربه های ساعت خیلی به ساعت (۱۲) نیمه شب ( شروع جنگ اتمی و تباهی بشریت ) نزدیک شده، و صرف (۹۰) ثانیه به (۱۲) شب باقیمانده است، این مثال گویا، بیانگر این موضوع است که قدرت های بزرگ با اتخاذ سیاست های توسعه طلبانه خویش جهان را به پرتگاه نابودی قریب ساخته اند.



### خطر زباله های اتمی !

یک خطر عمده دگرهم بشریت را تهدید می کند، آن عبارت است از زباله های اتمی که بعد از استفاده از یورانیم در دستگهای تولید انرژی اتمی بوجود می آید، زباله های مذکور خاصیت پرتوافشانی اشعه رادیو اکتیف را داشته، که برای زنده جانان خطرناک و کشنده است، مقدار زباله های مذکور از ابتدا الی اکنون به بیشتر از ( ۲۰۰ ) هزارتن رسیده است، خاصیت پرتو افشانی این مواد الی ( ۱۰ هزار سال ) دوام می کند، و بعدن از بین می رود، نگهداری آن در دوران ( ۱۰۰ ) قرن که طی آن ( ۴۰۰ ) نسل بشر زندگی خواهند کرد، خیلی دشوار و خطرناک است. خطرات این زباله ها برای کشورهای رو به انکشاف درین است، که بعضی کشورهای غنی، با تباری با رهبری مفسد کشورهای غریب، این زباله ها را طور مخفیانه در قلمرو این کشورها دفن می کنند.

## فروش سلاح و ارتباط آن با جنگ‌ها در جهان:

یکی از عوامل دگر خارجی عقب ماندگی ارتباط فروش سلاح و جنگ‌ها در کشورهای غریب می‌باشد، کشورهای استعماری در اثنای موحودیت خود در مستعمرات از سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن! کار میگرفت در اثنای خروج اجباری، استعمارگران از منافقت کار گرفته و سنگ تهداب بحرانات بعدی در مستعمرات را گذاشتند، آنها با آوردن تغییرات در سرحدات اصلی کشورها، و تقسیم ناقص بین دو مملکت یا دو قوم ویا دو مذهب، باعث ایجاد بحران‌ها و جنگ‌های خونین بعدی شدند، در افریقا بعد از آزادی، کشورها و قوم‌های متعدد درگیری‌های خونین باهم پیدا کردند، چنانچه اختلافات بین مراکش و موریتانیا با صحرا، زدوخورد سرحدی مراکش و الجزایر، سودان شمالی و جنوبی، جنگ لیبیا و چاد و کشتار و قتل عام سال ۱۹۹۴ قوم توتسی بدست قوم هوتو در راوندا وغیره، بزرگترین اختلاف سیاسی و مذهبی را انگلیسها در شبه قاره هند بجا گذاشتند، تقسیم قاره به اساس مذهب صورت گرفت ولی برخلاف، در عمل این تقسیمات به ضرر مسلمانان تمام شد، کشمیر که اکثریت آن مشتمل بر مسلمانان است توسط هند قبضه شد، سرزمین حیدر آباد در دکن هند منحیث یک مملکت آزاد به مسلمانان داده شده بود، ولی حکومت در آنجا بیش از یکسال دوام نیاورد، و توسط ( سردار پتیل) معاون صدراعظم و وزیر داخله حکومت نهرود در سال (۱۹۴۸) اشغال شد، هکذا خط دیورند بین افغانستان و پاکستان منحیث مسئله لاینحل و جنجالی باقیمانده است. تمام اختلافات ایجاد شده توسط استعمار کهن و استعمار جدید منبع جنگ و جدال‌های بی‌شماری در دنیا شده ومی‌شود، تمام این مسایل قصدن ایجاد شده، فرصت خوبی است برای فروش سلاح و مداخله

سیاسی کشورهای غنی، ارتباط مستقیم جنگ‌ها در کشورهای عقب مانده با فروش اسلحه یک امر انکار ناپذیر می‌باشد. تجارت پرسود سلاح، سالانه (صدها) میلیارد دلار را نصیب کشورهای صادر کننده می‌کند.

طبق پلان غرب، برای فروش سلاح باید منظم در جهان جنگ‌ها و بحران‌های سیاسی بین ممالک جهان، خاصتن کشورهای افریقایی، آسیایی، امریکای مرکزی و جنوبی جریان داشته باشد، تا تقاضا بری فروش سلاح بوجود آید، و منافع کشورهای پیشرفته تامین گردد.

تجارت سلاح خیلی پر منفعت می‌باشد، و کشورهای زیاد دگر هم در آن سهیم اند، طور مثال سوئیس که یک کشور بیطرف و کوچک شمرده می‌شود، چهاردهمین کشور صادر کننده اسلحه در جهان می‌باشد، و سالانه در حدود (۱) میلیارد دلار صادرات اسلحه دارد!

زمانیکه تجارت سلاح از رونق بیفتد، کشورهای صادر کننده ان، مخصوصن ایالات متحده امریکا، در صدد ایجاد جنگ‌ها و بحران‌ها در جهان می‌گردند، تازه ترین مثال دامن زدن امریکا به جنگ یوکرین می‌باشد، سال‌های (۲۰۲۰ - ۲۰۲۱)، به دلیل شیوع مرض (کرونا) بحران شدید در جهان بوجود آمد، کشورهای جهان همه تلاش خود را برای مقابله با این (اپیدمی) جهان شمول معطوف ساختند، و طور تعجب برانگیزی منازعات و بحران‌های سیاسی در جهان فروکش کرد، اینکار برای بقیه جهان یک خبر خوش بود، ولی برای فروشندگان اسلحه این تاجران مرگ، یک خبر ناخوش بود، زیرا سلاح و تجهیزات جنگی انها از فروش باز مانده و همه در گداهها جابجا شده بودند، این وضع برای کشورهای صادر کننده سلاح، بالخصوص برای ایالات امریکا و مالکان صنایع سلاح سازی ان قابل تحمل نبود، همان بود، که امریکا با حيله و نیرنگ و تحریک



پوتین، آتش جنگ را در یوکرین بر افروخت، ولادیمیر زلنسکی، ریس جمهور یوکرین، قبل از شروع جنگ، چند بار از جنگ افروزی امریکا شکایت کرد، ولی سودی نبخشید، و جنگ آغاز گشت، نتیجه چه شد؟ هزاران فرد از هردو طرف جنگ، کشته شدند، بیشتر شهرها و زیر بناهای اقتصادی یوکرین نابود گشت، تخمین زده می‌شود، که خرابی جنگ تا کنون بیشتر از (۵۰۰) میلیارد دالر خساره را متوجه اقتصاد یوکرین نموده است، ولی در جانب مقابل، امپریالیزم جنگ افروز امریکا از مرگ و خرابی دگران سودجسته و تمام سلاح‌های انبار شده ان بفروش رسید، و صدها میلیارد دالر عاید را نصیب آنان ساخت، فعلم صنعت اسلحه سازی امریکا، به دلیل دریافت فرمایشات فراوان الی (۳) سال آینده مصروف است، سلاح و مهمات امریکایی که تسلیم یوکرین گردیده و می‌گردد، در ختم جنگ، و در صورت پیروزی (یوکرین) قیمت تمام ان حصول خواهد شد، بازسازی خرابی جنگ هم بدست امریکا و به مصرف یوکرین، صورت خواهد گرفت.

همچنان سایر جنگ‌های منطقوی، در آسیا و افریقا، زاده همین پالیسی غرب و امریکا می‌باشد، جنگ‌ها در کشورهای اسلامی، افغانستان، عراق، سوریه، یمن، سومالیه، لیبیا، سودان، مالی و یکتعداد کشورهای دگر، همه و همه نتیجه دخالت غرب است، همچنان نا ارامی‌های سیاسی و وضعیت خراب اقتصادی بعضی کشورهای دگر اسلامی هم نتیجه همین دخالتها در امور داخلی این کشورها می‌باشد، مثل پاکستان، ترکیه، تونس، بنگله دیش، لبنان، ایران، اردن، و ... با اینکارهای خود غرب چندین نشان را به یک تیر می‌زند.

غرب با فروش سلاح، از یک سو عاید افزایی نموده و از طرف دگر با ایجاد بحران‌های قصدی در کشورهای اسلامی این ذهنیت را خلق می‌کند، که جنگ‌های تمام ناشدنی یک خصوصیت فطری جامعه اسلامی است! ولی

کشورهای غیر اسلامی بی‌شماری در افریقا و امریکا هم ازین دسایس غرب و امریکا در امان نمانده و جنگ‌ها و بحران‌های ایجاد شده توسط این دشمنان بشریت، سالها است که این ممالک را در گیر جنگ و بحران ساخته است، در افریقا، مثل کانگو، اتیوپی(حبشه)، رواندا، موزمبیق، انگولا، افریقای مرکزی، سودان جنوبی، و در قاره امریکا، کیوبا، وینزیویلا، نکاراگوا، پانامه و... همه در گیر دسایس غرب اند.

امپریالیزم و سرمایه داران غربی سود جو، پروای مذهب را هم ندارند، تمام کشورهای فوق الذکر افریقایی و امریکایی عیسوی مذهب اند.

دلچسپی و ضرورت برای خرید اسلحه زمانی بوجود میاید، که در داخل یک مملکت بین جناح‌های مختلف قومی، نژادی، سیاسی و مذهبی اختلافات ذات البینی اوج گرفته و به مرحله تصادم برسد، ویا بین همسایگان بر سر مسایل مختلف اختلاف پدید آید، ویا یک منطقه دچار بحران گردد، بهترین مثال اختلافات داخلی عبارت اند از کانگو، سریلانکا، هند، سودان، یمن، نایجریا، کلمبیا، روندا، فلیپین، میانمار و...، در مورد اختلافات بین همسایگان میتوان از اختلافات هند و پاکستان، هند و چین، اذربایجان و ارمنستان، ترکیه و یونان، و... نامبرد، از جمله یک منطقه نا آرام جهان میتوان از شرقمیانان نام گرفت، که مسایل زیادی دامنگیر کشورهای ایران، عراق، سوریه، فلسطین، اسرایل، مصر، لبنان و ... می باشد، در تمام بحران‌های مذکور مداخلات کشورهای بزرگ به لحاظ ملحوظات سیاسی، اقتصادی، ایدولوژیکی و استعماری نهفته است.

بحران (۷۷) ساله در روابط هند و پاکستان زاده سیاست‌های استعماری بریتانیه می‌باشد، در سال (۱۹۴۷) هند ازاد، و انگلیسها ظاهرن از هند خارج شدند، ولی زهر خویش را ریخته و رفتند، در نتیجه پلان ناقص تقسیم هند، این (۷) دهه است که منطقه دچار بحران شدید بوده وایندو

کشور (۳) بار باهم جنگیدند، در نتیجه آن هزاران انسان کشته شده، میلیاردها دالر تاوان اقتصادی به هردو جانب رسید و روند رشد اقتصادی آنها کند گردید، با وجود فقرگسترده، هند سالانه (۴۷) میلیارد و پاکستان (۷.۵) میلیارد دالرا صرف امور نظامی خود می نمایند، هزینه این پول هنگفت در بخش‌های غیر نظامی هردو کشور حتمن باعث بهبود مثبت در وضع زندگی هردو کشور می‌شود، از این مبلغ هنگفت برای خرید سلاح از کشورهای غنی استفاده صورت می‌گیرد، و از طرف دیگر هردو کشور ناگزیر اند برای پوره کردن کسر بودجه خود، از منابع مالی غربی قرضه‌های با سود کمرشکن بگیرند، به این ترتیب منفعت دوگانه نصیب غرب می‌گردد، علاوتن هردو کشور برای جلب حمایت سیاسی، در قضیه اختلافی خود، بازهم به سوی غرب دست دراز میکنند، و اینکار باعث افزایش اثر ورسوخ کشورهای بزرگ می‌گردد.



اعراب (سعودی‌ها، اماراتی‌ها، کویتی‌ها و...) خریداران بزرگ اسلحه غربی اند، ولی اینها مردم جنگ نبوده و سلاح را بیشتر برای گدام کردن می‌خرند!

بعد از شکست خلافت عثمانی طی جنگ اول جهانی، بر شرق میانه و خاصن فلسطین استعمارگران بریتانیایی و فرانسوی قابض شدند، و برای تضعیف هر چه بیشتر جهان اسلام، یهودان را در سرزمین مقدس فلسطینان مستقر ساخته و بلاخره در سال (۱۹۴۸) دولت یهودی را ایجاد کردند، مدت (۷۶) سال است که یهودان متجاوز سرزمین‌های اعراب مسلمان را اشغال نموده و صدها هزار از آنان را طی این مدت به شهادت رسانده، و خسارات هنگفت اقتصادی و مالی را متوجه آنان ساخته است- در جنگ غزه بیشتر (۱۰۰) هزار فلسطینی به شمول اطفال زنان کشته زخمی و مغفودال‌اثر اند.

مطالعه دو قضیه فوق، مشتمل نمونه خروار، بیانگر مداخلات غرب در ایجاد بحران، راه اندازی جنگ‌ها، جابجایی دست نشانندگان خود در نقاط مختلف جهان بوده، و به این ترتیب اهداف سیاسی، اقتصادی، ایدولوژیکی خود را تامین میکنند، واضح است که این سیاست‌های استعمار نوین بیشتر از همه رشد و ترقی این کشورها را متاثر ساخته و در عقب ماندگی آنها نقش دارد.

منافع سرشار نه تنها از فروش سلاح و صادرات ان به خارج برای سرمایه داران امریکایی خیلی مهم است، بلکه این تجارت پرسود باعث بوجود آمدن یک بازار خیلی بزرگ در داخل امریکا نیز گردیده است، سلاح کوچک (تفنگ، ماشیندار کوچک و تفنگچه) امروز زینت بخش هر خانه امریکایی است، از (۸۵۷) میلیون سلاح کوچک موجود در جهان، (۴۶٪) یا (۳۹۴) میلیون ان در اختیار امریکایان می‌باشد، برای هر امریکایی (۱.۲) میل سلاح میرسد، یعنی یک فامیل (۵) نفره، (۶) میل سلاح در اختیار دارد.

خرید سلاح اسانتر از خرید یک ریکشای طفلانه می باشد.

بدبختانه سالانه بیشتر از (۴۰) هزار امریکایی، شامل زن، مرد و طفل قربانی این سلاحها میشوند، کشتارهای دسته جمعی در مکاتب، فروشگاهها، کنسرتها، کلیساها، مساجد، و... صورت می گیرد، ولی به خاطر منفعت، حتی حیات هموطن هم برای سرمایه دار امریکایی اهمیت ندارد! وقتی غربیان برای پول دراوردن، از ریختاندن خون شهروندان خود ابا نه می ورزند، پس خون مردم کشورهای غریب، و خاصتن کشورهای اسلامی، برای آنها چه ارزش دارد. طی کمپاین انتخاباتی سال (۲۰۲۴) امریکا، هردو کاندید، ترامپ و کاملا هریس، آشکارا ازفروش سلاح در داخل امریکا طرفداری کردند.

### **دلایل وضع عدم محدودیت بر تولید و فروش سلاح!**

جواب سوال را در ماهیت، اصلیت، و اخلاق سود جویی و منفعت پرستی سرمایه داری باید جستجو کرد، سرمایه داری بر اصل منفعت جویی استوار است، این سود جویی از لحاظ ایدولوژی انها به هر شکلی بدست آید، برای انها بی تفاوت است، به اساس مقوله مشهور که میگوید: (هدف وسیله را توجیه می کند)، سرمایه داری هم از مرگ دگران منفعت می جوید، هزاران نفر در جنگها کشته شوند، به شرط آنکه اسلحه سرمایه داران فروخته شود، باکی ندارد.

معضلات جهانی قصدن خلق شده توسط استعمار، سالها است که لاینحل باقیمانده، مثلن قضیه فلسطین، مسئله کشمیر، مسئله افغانستان، عراق، سوریه، قبرس، سودان جنوبی، صومالیه، اختلافات بر سر حق حاکمیت ابهای بحیره (اژن) بین ترکیه و یونان، جنگ داخلی کانگو، انگولا و ...

در صورتیکه غربیان در مورد اخلاص میداشتند، برای قضایای مذکور راه حل پیدا میشد، ولی در بعضی موارد، با گذشت ( ۷۷ ) سال از شروع معضلات، هنوز هم وضعیت بهبود نیافته است، زیرا دوام این بحرانات منافع غرب را تامین می کند، تنها بر سر مسئله کشمیر و پاکستان شرقی (بنگله دیش) سه بار جنگ خونین بین طرفین رخداد، اکنون هم هردو کشور در حالت مخاصمه قرار داشته، و جمعن سالانه بیشتر از ( ۵۴ ) میلیارد دالر صرف خریداری اسلحه ( ازغربیان ) مینمایند، بدتر از همه اینکه هردو این کشور به اسلحه اتمی هم مجهز شده اند.

## فصل پنجم !

### سه عامل عمده دگر، تقویت عقب ماندگی:

سردمداران نظام موجود برای تحقق اهداف استعماری و استبدادی شان نه تنها از فشار اقتصادی و سیاسی بر کشورهای غریب کار میگیرند، بلکه عندالضرورت وبخاطر منافع خود از تجاوز مستقیم و استعمال قوه نظامی علیه کشورهای عقب مانده هم باکی ندارند، وازین راه رژیم دلخواه خویش را درین کشورها مستقر میسازند، ضمنن از طریق کودتاهای نظامی در ازبین بردن نظام‌های ملی اقدام نموده و نوکران خود را بر سر قدرت میاورند:

الف: تجاوز مستقیم قدرت‌های غربی بر کشورهای غریب.

ب: کودتاهای انجام شده به حمایت غرب، در کشورهای رو به انکشاف.

ت: موجودیت پایگاه‌های نظامی غربیان در کشورهای دگر.

کشورهای غنی، بارها با حمله و تجاوز به کشورهای غریب، بدون کدام دلیل موجه، و صرف برای تامین منافع خود، میلیون‌ها مردم بیدفاع و بیگناه این کشورها را به قتل رسانده و اقتصاد آنان را به خاک برابر ساخته اند.

### مختصر تجاوزات وحشیانه استکبار بر کشورهای غریب !

تجاوزات بریتانیه علیه افغانستان طی سال‌های (۱۸۳۹-۱۸۴۲)، ( ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰)، و سال (۱۹۱۹) صورت گرفت، که در تاریخ بنام جنگ‌های ( انگلو - افغان ) مشهور است، بریتانیا سعی در اشغال افغانستان داشت، ولی

بالاخر مجاهدت افغانان درین پلان خود ناکام ماند، اما استعمار انگلیس خسارات جانی و مالی بی شماری را به افغانستان وارد ساخت، چنانچه بالاحصار و چهار چته کابل که از آثار تاریخی کشور محسوب میشدند، درین دوره از بین برده شده و الماس کوه نورهم دزدیده شد، که اکنون زینت بخش تاج شاهی پادشاه انگلیس می باشد.

اشغال جزیره کیوبا در (۱۸۹۸) توسط امریکا، بعد از جنگ با اسپانیه، در حقیقت تحقق بخشیدن و تکمیل ساختن به پلان (ریس جمهور جیمز مونرو)، در مورد ختم مداخلات اروپایان در قاره امریکا بود، بعدن امریکا پا را از قاره امریکا فراتر گذاشته، و از طریق جنگ با اسپانیه جزایر فلیپین را هم اشغال کرد، امریکا با اشغال این کشور از انزوا خارج شده و به یک قدرت جهانی تبدیل شده و دست به جهان گشایی مزید زد، جنگ امریکا با مبارزان استقلال طلب فلیپین خسارات جانی فوق العاده را بوجود آورد، از (۲۰۰ هزار تا یک میلیون) فلیپینی در نتیجه جنگ و همچنان مرض (وبا) از بین رفتند، و استعمار امریکا (۴) دهه در فلیپین دوام کرد، در پهلوی تلفات یک میلیونی انسان ها، که بزرگترین سرمایه یک کشور اند، خساره هنگفت مالی هم بر کشور فلیپین وارد گشت، دوره استعمار امریکا بر فلیپین باعث تامین منافع آنان تا به امروز هم می باشد.

اشتراک ایالات متحده امریکا در جنگ جهانی اول، به طرفداری و حمایت از بریتانیه و فرانسه و بر علیه المان، اطیش و ترکیه عثمانی برای امریکا خیلی سودآور بود، زیرا از یکسو سلاح و مهمات زیادی را بالای اروپایان بفروش رساند، و علاوتن ممالک اروپایی ناگزیر شدند، غرض ابادی کشورشان قرضه های با سود بلند از امریکا بدست آورند، امریکا به



بازارهای اروپایی راه یافته و نفوذ سیاسی آن در منطقه خیلی ازدیاد یافت.

جنگ دوم جهانی با خسارات فوق العاده انسانی و مالی در اروپا، آسیا و آفریقا به پایان رسید، ولی آمریکا سود فراوان ازان برد، ازیک سو هزاران سرباز امریکایی در اروپا و آسیا جابجا شدند، جاپان به اشغال امریکا درآمد، از طرف دیگر بنام دفاع در مقابل خطر شوروی کمونیستی کشورهای بی شماری را در اروپا و آسیا تحت نفوذ خود در آورده و سلاح و مهمات فراوان امریکایی را بالای آنان بفروش رساند.

بعد از جنگ دوم و دوقطبی شدن جهان و شروع جنگ سرد، جنگ های تجاوز کارانه زیادی در جهان بوقوع پیوست، که طی آن ده ها میلیون انسان بیگناه این کشورها قربانی متجاوزین غربی و شوروی و چین گشتند.

جنگ کوریا (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، جنگ اول و دوم هندوچین، (۱۹۴۵-۱۹۷۵)، جنگ اسرائیل علیه اعراب (۱۹۴۸ تا امروز)، جنگ کانال سوئز، تجاوز بریتانیه، فرانسه و اسرائیل علیه مصر (۱۹۵۶)، جنگ و تجاوز شوروی علیه مجارستان (۱۹۵۶)، علیه چکسلواکیا (۱۹۶۸)، علیه افغانستان (اواخر ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۸)، جنگ فرانسه علیه آزادی خواهان الجزایر (۱۸۳۰ - ۱۹۶۲)، جنگ بلژیک علیه کانگو (۱۹۶۱) جنگ اسپانیه علیه صحرا، (۱۹۷۶)، جنگ و تجاوز امریکا علیه صومالیه ۱۹۹۳، علیه عراق (۲۰۰۳ الی اکنون)، علیه سوریه، جنگ امریکا علیه افغانستان (۲۰۰۱ - ۲۰۲۱)، جنگ چین علیه تبت (۱۹۵۹)، تجاوز هند علیه نظام حیدر اباد (۱۹۴۸) و علیه کشمیر (۱۹۴۷- الی اکنون) و... .

طی این جنگ‌ها در پهلوی کشته شدن میلیون‌ها انسان، که بزرگترین و قیمتی‌ترین سرمایه یک کشور اند، اقتصاد این ممالک تباہ شده و پیشرفت آنان سد گردید.

کشورهای متجاوز (اعم از غربی و کمونیستی)، برای تامین منافع خود در جهان، در تلاش بودند و استند، درین راه هیچ نوع مانعی را تحمل نموده نمیتوانستند و نمیتوانند، هرگاه ممالک غریب در جهان وجود داشته باشند، که منافع ملی خود را بر اهداف استعماری قدرت‌های بزرگ ترجیح دهند، با عکس العمل خصمانه مواجه میشوند، طوریکه در سطور گذشته متذکر شدیم، این عکس العمل به شکل تجاوز مستقیم میتواند باشد، ولی اگر حمله مسقیم نظامی به دلایلی مقدور نبود، باز از چال ونیرنگ دگری کار میگیرند، وان نابودی نظام دشمن از داخل از طریق کودتا، ذریعه مزدوران خود می‌باشد، اینکار طی قرون (۲۰ - ۲۱) بارها و به کرات و مرات صورت گرفته است، به لست ان توجه فرمایید:

### **کودتاهای صورت گرفته علیه کشورهای عقب مانده:**

کودتای سال (۱۹۵۳) سازمان (سی آی ای) علیه مصدق، جرم وی این بود که صنعت نفت ایران را که در انحصار (۵۰) ساله بریتانیا بود، ملی ساخته بود.

کودتا علیه (نگو دین دیم) ریس جمهور منتخب ویتنام جنوبی، وقتل وی بدست کودتا چیان، در موجودیت قوای اشغالگر امریکایی سال (۱۹۶۳)، جنرال (مانویل نوریگا) رهبر پاناما، در امریکای مرکزی، به سرنوشت سایر مخالفین امریکا دچار شد، وی در اواخر سال ۱۹۸۹، اولین دستگیر و بعدن به امریکا منتقل، و باوی به مانند یک جنایتکار برخورد شده و به حبس طولانی محکوم گشت.

کودتا سال ( ۱۹۷۳ ) علیه سلوادور انده رییس جمهور چلی و قتل وی، یگانه ریس جمهور چپی، که از طریق انتخابات آزاد به قدرت رسیده بود. اقدامات نظامی علیه فیدل کاسترودر سال ( ۱۹۶۱ ) در کیوبا، که به ناکامی انجامید، اقدامات خصمانه و طرفداری امریکا از شورشیان در نیکاراگوا، ویزویلا و بعضی کشورهای دگر امریکای مرکزی و جنوبی، از اواخر قرن (۲۰)الی اکنون.

حمایت از کودتا علیه ( پاتریس لوممبا )، مبارز بزرگ ضد استعمار و محصل استقلال و اولین صدراعظم کانگو، لوممبا در سال ۱۹۶۱ توسط (موبوتو سسیسکو)، ریس جمهور کانگو، به کمک بلژیکی‌ها کشته شده و جسد قطعه، قطعه شده وی در تیزاب حل گردید.

طرفداری و تایید کودتا خونین جنرال (سی سی) علیه (داکتر مرسی)، ریس جمهور منتخب مصر، طی این کودتا هزاران نفر بیگناه کشته شدند و یک حکومت که به زدودن فساد و فقر متعهد بود، از بین برده شد! غرب از رهبر کودتا حمایت کرده و قاتل هزاران نفر فعلن ریس جمهور مصر است.

طرفداری غرب از رژیم کودتاگر و استوار بر تبعیض نژادی اقلیت ناچیز سفید پوستان تحت رهبری ( ایان سمیت )، در رودیشیای سابق ( زیمبابوی موجود )، ( ۱۹۸۰ - ۱۹۶۵ ) .

طرفداری از حکومت غاصب قدرت، سفید پوستان در افریقای جنوبی، ( ۱۹۴۵ - ۱۹۹۰ )، رژیم مذکور به ( اپارتاید ) یا جدایی نژادها معتقد بود، وطی دوران ( ۴۵ ) سال اقتدار آن هزاران سیاه پوست بیگناه به قتل رسیده بودند.

طرفداری امریکا و غرب از سه کودتا در تاریخ پاکستان، کودتای (۱۹۵۸) جنرال ایوب علیہ اسکندر میرزا، کودتای ۱۹۷۷ جنرال ضیاالحق علیہ ذوالفقارعلی بھوتو، کودتای ۱۹۹۹ (جنرال مشرف) علیہ نواز شریف.

شوروی هم به نوبه خود از طریق اجنتان خود کودتاہای راترتیب داده و از ان حمایت کرده است، طور مثال کودتای خونین و ننگین (۷) ثور (۱۳۵۷) را تنظیم و هدایت نمود، ویک رژیم ضد اسلامی و ضد اخلاقی را در افغانستان قایم کرد، درین کودتا ریس جمهور داوود خان با بیشتر از دهها نفر از اعضای فامیل شان، شامل زنان و اطفال به شہادت رسید، در نتیجہ کودتای ثور میلیونہا افغان کشتہ شدہ، بیشتر از (۴۰٪) مردم به خارج مہاجر شدند، مملکت ویران و اقتصاد ان به خاک برابر شد، وبعد از گذشت (۴۵) سال ازین حادثہ شوم، افغانستان روی خوشی را ندیدہ است.

خیانت بزرگ دگر شوروی در حق کشورہای اسلامی، جدا ساختن پاکستان شرقی از پاکستان غربی، و تشکیل دولت بنگلہ دیش به کمک ہند بود، این عمل به تضعیف پاکستان (کشور مہم اسلامی) انجامید.

شوروی در عقب کودتای خونین چپی ضد خاندان سلطنتی عراق در سال ۱۹۵۸ بود، این کودتا برہبری جنرال عبدالکریم قاسم افسر نظامی کمونیست صورت گرفت، طی ان (ملک فیصل دوم) پادشاہ جوان (۲۳) سالہ عراق با تمام اعضای فامیلش بہ قتل رسید، ونفوذ شوروی در عراق گسترش یافت.

شوروی حمایتگر رژیم کمونیستی یمن جنوبی طی سالہا (۱۹۶۷ - ۱۹۹۰) بود، ہکذا رژیمہای بعثی عراق (۱۹۶۷ - ۲۰۰۳)، و رژیم بعثی سوریه (۱۹۶۳ تا اکنون) از حمایت روس ہابرخوردار بودند، ہردو حکومت سکولرواز اسلام بدور بودہ و پایند ایدولوژی سوسیالستی بودند. در زمان حافظ

الاسد ( ۱۹۷۱ - ۲۰۰۰ ) کشتارهای زیادی بدست جلادان بعثی صورت گرفت، چنانچه در سال (۱۹۸۲) تنها در شهر حماه (۴۰) هزار ملکی بیگناه کشته شدند، بشارالاسد قاتل بیشتر از (۴۰۰) هزاراهل تسنن سوریایی است، که طی جنگ داخلی و به کمک ایران، حزب الله و روسیه آنان را قتل عام نمود.

کودتاهای سال (۱۹۵۲) مصر، ۱۹۶۹ لیبیا، که در نتیجه ان دولت‌های سوسیالستی بمیان آمدند، همه از حمایت سیاسی، مالی و نظامی شورویان برخوردار بودند.

این بحث کودتاها خیلی طولانی و مفصل است، به همین قدر اکتفا صورت می‌گیرد، اروپایان و امریکایان در تغییر رژیم‌ها از طریق کودتاها توسط گماشتگان خویش به اهداف اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدولوژیکی خویش نایل شده و دایره نفوذ و سلطه خویش را بر کشورهای غریب بیش از پیش توسعه بخشیدند، آنچه مسلم وانکار ناپذیر است، این است، که در نتیجه آن کشورهای عقب مانده نه تنها از روند پیشرفت باز ماندند، بلکه اقتصاد آنها سیر نزولی را اختیار کرد.

ناگفته نباید گذاشت، که در کودتای ناکام ( ۱۵ ) جولای (۲۰۱۵) علیه رجب طیب اردوغان، دخالت (سی آی ای) کاملن اشکار بود.

### موجودیت پایگاههای نظامی استعماری :

بحث بعدی، ارتباط پایگاههای نظامی موجود در کشورهای غریب، ورول ان در پروسه عقب ماندگی را در بر می‌گیرد.

موجودیت پایگاههای نظامی، وسیله دگری است، جهت تحقق اهداف شوم استعماری، و در نتیجه عامل عمده در عقب ماندگی کشورهای غریب شمرده می‌شود!

کشورهای ایالات متحده امریکا، روسیه، چین، بریتانیه، فرانسه، هند، و... در بسیاری از کشورهای پایگاه نظامی و سرباز دارند. امریکا در پنج قاره جهان (۸۵۰) پایگاه نظامی دارد، منجمله تعداد آن در المان (۲۷۰)، در جاپان (۱۲۴)، در ایتالیه (۸۳)، در کوریای جنوبی (۷۸) و در عراق به (۸) میرسد.

تعداد سربازان امریکایی مستقر در پایگاههای خارج از سرحداتش، به (۵۹۰) هزار میرسد، منجمله (۲۰) هزار سرباز امریکایی، در سرزمین مقدس مسلمانان (عربستان سعودی)، جابجا شده اند. بیشترین پایگاههای خارجی در کشورهای اسلامی، ویا در اطراف انها قرار دارند، مثل شرق میانه، شرق و شمال افریقا، افریقای مرکزی، آسیای میانه و غیره.

درپهلوی تجاوزات مستقیم، حمایت از کودتاها، تاثیرات موجودیت پایگاههای خارجی، رویکار آمدن دست نشاندگان غرب از طریق انتخابات پر از تقلب، وسیله دگری است، که باعث می گردد، مردم مفسد طرفدار غرب بر قدرت تکیه بزنند، و از منافع آنان دفاع کنند، مثل حکومت کرزی، اشرف غنی، زمامداران پاکستانی، تاجکستانی، ازبکستانی، مصری و... .

غربیان با احداث پایگاهها در مناطق مختلف جهان، خاصتن مناطق استراتژیک، اهداف ذیل را دنبال میکنند:

- توسعه نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدولوژیکی.
- تلاش برای یافتن کشورهای متحد و همفکر.
- بهره بردن از امکانات برای رقابت های نظامی و سیاسی، و تحت فشار قراردادن رقبا.
- کنترل بر شاهراههای استراتژیک بری و بحری مهم جهان.

کنترول بر مناطق مهم منابع مواد خام، مخصوصن نفت وگاز.  
- تاثیر گزاری بر سیاست‌های کشورهای پایگاه دهنده، و تضمین فروش سلاح.

سرکوب حرکت‌های سیاسی و یا نظامی خلاف منافع غرب، با اقدام سریع نظامی، تجاوز بر علیه افغانستان و عراق، از پایگاه‌های نزدیک در منطقه صورت گرفت، فعلمن هم فعالیت ( درون‌ها ویا پهپادهای) امریکایی از پایگاه‌های داخل خاک پاکستان علیه افغانستان صورت می‌گیرد.

### جنگ وسیله تهدید نفوس کشورهای عقب مانده !

در جنگ افروزی غربیان، نظریات دانشمند جمعیت شناس بریتانوی توماس مالتوس ( ۱۷۶۶ – ۱۸۳۴ )، خیلی اهمیت دارد، که معتقد بود (( جنگ‌ها وامراض کشنده در جامعه بشری یک مسئله ضروری می‌باشند، زیرا به این ترتیب از افزایش بیدریغ نفوس جلوگیری شده و غذای موجود برای باقیمانده نفوس کفایت خواهد کرد))، بیشترین تلفات جنگ‌ها در کشورهای عقب مانده رخ میدهد، در جنگ کوریا بیشتر از (۳) میلیون مردم بیچاره بومی کشته شدند، در مقابل تلفات امریکا در حدود (۳۵) هزار نفر بود، درجنگ ویتنام تعداد کشته شدگان ویتنامی (۲،۵) میلیون انسان بود، درحالیکه تلفات امریکاییان تخمینن به (۵۷) هزار نفر رسید، هکذا در تجاوز شوروی علیه افغانستان (۱.۵) میلیون افغان بیگناه کشته شدند، در حالیکه کشته شده‌های شوروی در حدود (۳۰) هزار نفر بود، اوسطن تلفات کشورهای مورد تجاوز قرار گرفته (عقب مانده) (۷۱) مرتبه بلند تر از تلفات کشورهای قدرتمند و غنی متجاوزمی باشد، به این ترتیب با تاثیر پذیری از افکار (مالتوس) جنگ‌های غربیان علیه جوامع عقب مانده باعث کاهش نفوس درین مناطق شده است، هکذا بیشترین تلفات امراض هم

در کشورهای عقب مانده رخ میدهد، همچنان ایجاد قحطی‌های عمدی توسط قدرت‌های غربی باعث مرگ کتلوی مردم شده و درینحا هم هدف کاهش و تهدید نفوس، تطبیق شده است، از قحطی‌ها عمدی می توان از قحطی دهه (۳۰) عیسوی یوکرین، وضع قیودات بر حکومت صدام بعد از جنگ اول خلیج که منجر به مرگ بیشتر از (۲) میلیون انسان به شمول اطفال شد، ممانعت عمدی اسراییل از ورود لاری‌های حامل مواد غذایی برای ( ۲.۳ ) میلیون نفوس گرسنه غزه نامبرد، که تعقیب همان سیاست های مالتوس است.

تهدید نفوس کشورهای روبه انکشاف، خاصتن کشورهای اسلامی اندونیزیا، بنگله دیش، پاکستان و... از طریق تطبیق ( پلاننگ فامیلی)، جز همین برنامه‌های غربی است.



حمله عمدی اسراییل بالای لاری های انتقال مواد غذایی برای قحطی زدگان جنگ در غزه، هدف ایجاد قحطی عمدی و مجبور ساختن مردم به تخلیه غزه است.



## استخبارات:

از جمله عوامل برهم زننده صلح، آرامش و یک زندگی خوب در کشورهای عقب مانده، یکی هم اقدامات سازمان‌های استخباراتی کشورهای غنی می‌باشد، این دستگاه‌های جهنمی و خون اشام و دشمن انسانیت، جهت نیل به اهداف شوم سردمداران نظام‌های خویش، از هیچ نوع جنایت در حق مردم کشورهای غریب دریغ نورزیده اند.

کارهای خلافی که آنان علیه کشورهای غریب انجام داده و میدهند: اولین اقدام استخبارات، طرح و تطبیق پلان کودتاها علیه رژیم‌های مردمی، و بر قدرت رساندن مزدوران خویش در کشورهای غریب می‌باشد.

### الف : کودتاها (کی جی بی) علیه نظام‌های ملی در جهان :

- سرنگونی جمهوریت اول، و قتل داوود خان همراه خانواده اش، و به قدرت رساندن اجنتان خود، تحت نام (ح د خ ا).
- از بین بردن نظام سلطنتی (هاشمی) عراق در سال (۱۹۵۸)، قتل عام خاندان سلطنتی، توسط اجنت و کمونیست مشهور (عبدالکریم قاسم).
- حمایت و پشتیبانی از کودتاها (چپی (۱۹۵۲) جمال ناصر در مصر، (۱۹۶۳) حزب بعث سوریه، حزب بعث عراق (۱۹۶۸)، لیبیا سال (۱۹۶۹)، برکناری (هیله سلاسی)، امپراتور حبشه و بعدن قتل وی، توسط کودتاچیان کمونیستی حمایه شده مسکو، (۱۹۷۴)، به قدرت رساندن کمونیستها در یمن (۱۹۶۷)، انگولا و موزمبیق (۱۹۷۵)، تجزیه پاکستان و ایجاد یک دولت چپی بنام بنگله دیش، تحت زعامت ( شیخ مجیب الرحمن) و به کمک مسقیم هند (۱۹۷۱)، و ... .

**ب : کودتاهای سازمان دهی شده توسط ( سی آی ای):**

- طرح و تطبیق کودتا علیه ( داکتر مصدق) در ایران و برکناری وی در سال (۱۹۵۳)!

- حمایت از کودتا علیه (پاتریس لومبا) اولین صدراعظم و محصل استقلال کانگو از استعمار بلژیک، که منجر به قتل وی شد، سال ۱۹۶۱.  
- حمایت از کودتا علیه (نگودین دیم) رئیس جمهور ویتنام جنوبی، قاتلان وی ( جنرال وان تیو و جنرال کاوکی) مورد حمایت امریکا به قدرت رسیدند، (۲ نوامبر ۱۹۶۳)، جالب اینجاست که دقیقن (۲۰) روز بعد از قتل رئیس جمهور بیگناه ویتنام، در (۲۲ نوامبر) جان اف کندی، رئیس جمهور امریکا (تایید کننده کودتا)، در شهر دالاس تکزاس ترور شد!

- دخیل بودن امریکا و فرانسه در کودتای جنرال‌های الجزایری علیه پیروزی قاطع (جبهه نجات اسلامی)، در انتخابات ازاد، مطابق به معیارهای غربی، فبروری ۱۹۹۲!

- طی جنگ داخلی بیشتر از (۲۰۰) هزارالجزایری کشته وکشور شکار توطیه‌های دستگاه‌های استخباراتی غربی شد.

- پشتیبانی از کودتای خونین جنرال (سیسی)، علیه (داکتر مرسی) رئیس جمهور منتخب مصر.

اعمال فشار و تهدید بریکتعداد حکومتها، مخصوصن کشورهای اسلامی، تا از سیاست‌های حکومت امریکا طرفداری نمایند، مثلن کشورهای مصر، اردن، تونس، مراکش، امارات، قطر، سودان، و... از راه و روش‌های مختلف، تطمیع و تهدید به رسمیت شناختن اسرایل مجبور ساخته شدند.

### ترور شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ... :

- (داک‌هامر شولد) سویدنی، دومین سرمنشی ملل متحد، یک شخصیت برجسته بین المللی و برنده جایزه نوبل صلح بود، موصوف دارای شخصیت قوی بوده، و در قضایا و بحران‌های جهانی منافع مردم کشورهای روبه انکشاف را بر منافع قدرت‌های بزرگ ترجیح میداد، در بحران کانگو وی از موقف (پاتریس لوممبا) صدراعظم کانگو، و مبارز خسته ناپذیرعلیه استعمار غرب، طرفداری میکرد، وی قوای صلح ملل متحد را به خاطر حفظ امنیت به کانگو اعزام داشت، غریبان اقدامات وی را برخلاف منافع خود در منطقه تلقی میکردند، همان بود، که ترور وی پلان گردید، و در سال (۱۹۶۱) به اشاره (سی آی ای) قوای جدایی طلبان کانگو مقیم ایالت کاتانگا، تحت زعامت (موسیز چومبه) طیاره وی را سرنگون ساخته و داک‌هامر شولد قربانی گردید.

- اولف پالمه، صدراعظم سویدن و شخصیت قبول شده بین المللی، در سال (۱۹۸۶) در مرکز سویدن ترور شد، وی از حقوق بشر طرفداری جدی مینمود، علاوتن وی مخالف ماجراجویی‌ها در قضایای بین المللی بود، و بعضن در مخالفت با سیاست‌های امریکا قرار میگرفت، گفته می‌شود، وی از جریان مخفیانه فروش سلاح امریکایی به ایران، طی جنگ ایران، عراق با خبر شده بود، که به نام رسوایی (مک فارلین) یاد می‌گردد، اولف پالمه میخواست درینمورد تحقیقات جداگانه انجام داده و نتایج انرا اعلام دارد، بنان (CIA) برای جلوگیری از یک رسوایی بزرگ، ویرا به قتل رساند، ابوالحسن بنی صدر، اولین رییس جمهور ایران، نیز این جریان را تایید کرده بود.

- چندین بار (CIA) کوشش ناکام قتل فیدل کاسترو را هم نموده بود، نلسن ماندیلا هم در لست ترورهای (CIA) قرار داشت، در قتل (کندی)

ریس جمهور امریکا که در سال ( ۱۹۶۳ ) صورت گرفت، نیز از نقش (سی آی ای) صحبت می‌شود.

قتل‌های بی‌شمار شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کشور ما هم به دستگاہ‌های استخباراتی خارجی منسوب می‌گردد.

استخبارات و میدیا در قبال ممالک دگر، بیشتر (روبه انکشاف و اسلامی)، همکاری تنگاتنگ دارند، هدف واضح است، دفاع از منافع و ارزش‌های غربی و مقابله با هر نوع چلنج، که با منافع آنها در تضاد باشد، اکثریت مطلق دیپلماتان، ژورنالیستان، کارمندان ( انجوها )، ... یا پرسونل استخباراتی استند، ویا با آنها همکاری نزدیک دارند، میدیای محلی هم قسمن در خدمت آنها قرار دارند، و خاصتن نهادهای بنام حقوق بشر و جوامع مدنی درصاف اول جاسوسان غربی قرار دارند، بعد از سقوط نظام جمهوریت اینها از اولین کسانی بودند، که فرار را بر قرار ترجیح دادند.

خلاصه استخبارات در سرکوب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع عقب مانده رول انکار ناپذیری داشته، و برای بقای نظام موجود جهانی، با همه نکات منفی ان تلاش دارند. !

یک نکته دگر که خیلی زجر دهنده است، این است که رهبران مفسد، خاین و دزد کشورهای عقب مانده، مثل شاه ایران، اشرف غنی جمع وزرا، وکلا، قومندانان، جنرالان، فامیل بهتو، فامیل نواز شریف، شهزادگان عرب، رهبران یکتعداد کشورهای افریقایی، کانگو، تونس، و ... میلیاردها دلار سرمایه مردم غریب را دزدیده، و به غرب و یا کشورهای حامی غرب مثل امارات، مراکش و غیره فرار کرده اند، کشورهای مذکور هیچ نوع پرسشی را در مورد پول‌های دزدیده شده به عمل نه میاورند، زیرا پول‌های مذکور در کشورهای غربی سرمایه‌گزاری شده و در شگوفایی اقتصاد آنان

رول بازی می‌کند، استخبارات کشورهای مذکور خوب میدانند، که پول‌های مذکور نامشروع و دزدی شده می‌باشد، ولی عکس العمل از خود نشان نمیدهند.

مثال چند رهبر فراری کشورهای غریب، طرفدار غرب، را یاد اوری می‌نمایم:  
- (موبوتو سسه سوکو) ریس جمهور فاسد کانگو، طی دوران (۳۲) ساله زمامداری خویش بیشتر از (۵.۵) میلیارد دالر امریکایی را از مردم نهایت فقیر خود دزدیده و به بانک‌های غربی فرستاد، و در آخر به مراکش فرار کرده، و در آنجا جان داد! وی در قتل (لوممبا) رهبر ملی کانگو و دشمن استعمار غرب دست داشت، بنان غربیان به خاطر این خدمتش، از خیانت‌های وی چشم پوشی میکرد!

- شاه ایران در نتیجه انقلاب اسلامی ایران، در جنوری (۱۹۷۹) برای دومین و آخرین بار از ایران با صدها میلیون دالر فرار کرد، و تا وقت مرگ (۱۹۸۰) در مصر بود و باش داشت، وی در زمان قدرت خود صاحب چندین بانک، منجمله بانک (عمران)، و چندین شرکت و بیشتر از (۱۷) هتل بزرگ بود، همچنان پول‌های فراوان در بانک‌های اروپایی و امریکایی داشت، ضمن در (کوستا دل سول) اسپانیه مالک جايدادهاي غير منقول بود، مجموع دارایی‌های وی به یک حساب محتاطانه بالغ بر (یک) میلیارد دالر امریکایی میگردد!

- همچنان خیلی از زمامداران مفسد و تابع غرب با پول‌های فراوان دزدی شده کشورهای غریب خویش، به دامن غرب پناه بردند، و پول‌های را که با خون مردم کشورهای شان بدست آمده بود، در تقویت اقتصاد غرب و عیاشی خویش بکار میانداختند، مانند خانم مارکوس از فلیپین، صدراعظم اسبق تایلند، پادشاه سابق اسپانیه، خاندان بهوتو و نواز شریف، و... پول و سرمایه گزاف دزدی شده، در صورت بازگشت، در بهبود وضع ناگوار

اقتصادی کشورهای غریب موثر واقع می‌شود، ولی درین رابطه، با وجود تفاهم نامه‌های استرداد مجرمین، هیچگونه اقدام از طرف کشورهای غربی صورت نه می‌گیرد، دستگاه‌های استخباراتی غرب مخالفین سیاسی نظام خویش را در هر نقطه جهان تعقیب و دستگیر نموده وبه مجازات شان می‌پردازند، مثلن رهبران القاعده، ولی در مورد رهبران خاین کشورهای غریب مقیم غرب، که در حقیقت مجرمان واقعی اند، کدام کاری انجام نه میدهند.

### فرار مغزها:

یکی از عوامل عمده دگر عقب ماندگی، فرار مغزها است، اصولن فرار مغزها از جمله عوامل داخلی محسوب می‌شود، ولی نقش کشورهای پیشرفته، در اولویت دادن به پذیریش جوانان و اشخاص تحصیل کرده، آنان را به مهاجرت تشویق و ترغیب میکنند، یک نکته کاملن هویداست، که کشورهای پیشرفته به نیروی کار و ضمنن متخصصین و تحصیل کرده‌ها اشد ضرورت دارند، مصارف گزاف بالای یک جوان صورت می‌گیرد، تا وی در یک رشته، که جامعه غربی به ان ضرورت دارد، تحصیل کند، وبعدن ایفای وظیفه کند، ولی مغزهای فراری، که در سرزمین‌های خودشان بالای تحصیل شان مصارف خیلی زیاد صورت گرفته، مفت و مجانی در اختیار غرب قرار می‌گیرند.

کشورهای غربی وقتن فوقتن برای جلب مهاجرین تحصیل یافته تبلیغات هم مینمایند، چنانچه چند روز قبل پولند، که از جمله کشورهای خیلی پیشرفته اروپایی هم شمرده نه می‌شود، اعلان کرد، که ظرف (۱۰) سال آینده به ( ۲ ) میلیون نیروی کار اضافی (مهاجرین) ضرورت دارد، کشورهای غربی مهاجرین تحصیل یافته را به اغوش باز می‌پذیرند، رشد

نفوس اروپایان خیلی پایین است، طورمثال رشد نفوس در بین جرمن ها منفی می باشد، زیرا فامیل های آنها اکثرا یک طفل دارند، بنان در اروپا به آمدن مهاجرین (البته تحصیل کرده و مساعد برای کار) ضرورت احساس و از آن استقبال می شود. جوانان و خاصتن تحصیل کرده ها، که در تربیه و اعاشه و اباته آنها مصارف خیلی گزاف صورت گرفته است، در حقیقت سرمایه گرانبهای انسانی ممالک خویش میباشند، که موجودیت آنها در پروسه انکشاف نهایت ضروری می باشد، ولی بدبختانه به دلیل نارامی ها، جنگ ها، بیکاری ها، شرایط نا مناسب شغلی، معاش پایین، موجودیت شرایط سیاسی و اجتماعی ناگوار، مخالفتها با نظام ها، نا امیدی از آینده و... و بخاطر رسیدن به یک زندگی مرفه و پولدارشدن، با قبول شرایط مرگبار مسیر مهاجرت، راهی غرب میشوند، سالانه هزاران نفر درین راه جان های شیرین خودرا از دست میدهند، این مهاجرت ها نه تنها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی برای ممالک عقب مانده زیانبار می باشد، بلکه از لحاظ عقیدتی هم خسران بزرگ مذهبی و اخروی را در قبال دارد، یکتعداد فامیل های مهاجر، که از قبل هم چندان پابند مسایل مذهبی نبوده اند، به مجرد رسیدن به غرب، یکباره از مسایل اسلامی و عقیدتی و اخلاقی و افغانی دور گردیده و خودرا اروپایی می انگارند، مخصوصن یک تعداد زنها، پدیده های منفی جامعه غرب، شامل برهنگی، محشورشدن با اشخاص ناباب، پای انان را به محافل بی حیایی رقص، شرابنوشی وارتباطات جنسی نا مشروع باز می کند، مهمترین مسئله تربیه اطفال مهاجر در غرب می باشد، تربیه طفل با اخلاق اسلامی، تلاش خیلی، خیلی زیاد پدر و مادر را ایجاب می کند، که بدبختانه کمتر سراغ می گردد، اطفال در محیط منحط غربی با اخلاق فاسد و دور از ارزش های دینی تربیه و بزرگ میشوند، همجنس بازی، وارتباطات نا مشروع بین پسر و دختر از جمله مسایل

عادی در غرب اند، که اطفال در مرحله اول با آن سروکار پیدا میکنند، در نسل بعدی بیگانگی با فرهنگ و کلتور و شعایر اسلامی خیلی زیاد می‌گردد. فرار مغزها یک تاثیر سو دگر را هم برای کشورهای مبدا در قبال دارد، دو عامل در پیدایش هوش و ذکاوت انسانها مهم اند، یکی وراثت، که این عقل و هوش از طریق (ژن) والدین به اولاد انتقال پیدا می‌کند، دوم محیط، که در شگوفایی استعدادها رول دارد، هرگاه این انسان هوشمند و ذکی در مملکت خود باقی بماند، به اولاد وی هم از نگاه علم وراثت، این هوش و ذکاوت انتقال می‌کند، ولی اگر این مغز از کشور فرار کند، واضح است، که اولاد وی هم در کشورهای غربی سکونت اختیار میکنند، و به غنای هوشمندی و ذکاوتی آن محیط میافزایند.

مغزها نه تنها از لحاظ علمی خسارات هنگفت به کشور مبدا میرساند، بلکه از سایر جهات هم مضر می‌باشد، یکی ازهم ساحه ورزش است، رشد و انکشاف ورزش از یکطرف باعث سرگرمی مردم می‌گردد، از طرف دگر اشتراک ورزشکاران در مسابقات خارجی و کسب مدال باعث بلند رفتن اعتبار کشور در جهان می‌گردد، در زمان ریاست جمهوری داوود خان شهید، ورزش خیلی پیشرفت نموده بود، خاصتن پهلوانی و فوتبال، درین دوره پهلوانان ما افتخارات زیاد کسب کردند، و برای اولین بار با مدال‌های طلا از مسابقات بین المللی برگشتند، قهرمانان مارا جهان شناختند، همینطور فوتبال هم به کامیابی‌های زیادی نایل گشت، ولی بدبختانه با کودتای منحوس ثور (غویی) ورزش هم به قهقرا گراید، تیم‌های مکمل ورزشی به غرب فرار کردند، و ورزش به صفر تقرب کرد، اکنون هم همین وضعیت برقرار است.

ضرر اقتصادی فرار مغزها برای کشورهای غریب بی نهایت زیاد است، هرگاه مصارف یک فرد مهاجرتحصیلکرده (۳۰) ساله از ابتدا تولد سنجیده



شود، که در بر گیرنده مصارف، خوراک، پوشاک، دوا و تداوی، مصارف تعلیم و تربیه (مخصوصن تحصیلات عالی، لیسانس، ماستری و داکتری) می باشد، در آنصورت حد اقل مبلغ مصرف شده بیشتر از (۳۰هزار) دالر امریکایی می گردد، به این حساب تنها ایران با (۱۵۰) هزار مهاجر تحصیل کرده، سالانه (۴۵۰۰) میلیون دالر زیان می نماید، هرگاه تعداد سالهای قبلی و بعدی به ان اضافه شود، مبلغ سرسام آوری از آن بدست میاید، به اساس سنجش یک محقق ایرانی، خسارات ناشی از فرار مغزهای ایرانیان، به مراتب بیشتر از خسارات جنگ ایران و عراق است!

هکذا سایر کشورها، من جمله افغانستان، ازین ناحیه خیلی خساره مند شده اند و میشوند، امروز کمبود این کدرها در ادارات دولتی، مکاتب و موسسات عالی تحصیلی خیلی محسوس است.

کشورهای غربی از وجود این کدرهای تحصیل کرده مفاد خیلی زیاد بدست آورده اند، به اساس برآورد، کنفرانس تجارت و انکشاف ملل متحد (اونکتاد)، بین سالهای (۱۹۶۰ - ۱۹۷۲)، بیش از (۳۵۰هزار) انجنیر، داکتر، کارگر ماهر و... از کشورهای روبه انکشاف به سه کشور (ایالات متحده امریکا، بریتانیه و کانادا) مهاجرت کرده بودند، که ارزش اقتصادی این متخصصین برای کشورهای سه گانه فوق در حدود (۵۱) میلیارد بوده، واگر انرا به نرخهای امروزی محاسبه کنیم، ارزش ان بالاتر از (۵۰۰) میلیارد دالر می گردد.

هندوستان در جمله کشورهای روبه انکشاف، بیشترین مهاجر را در غرب دارد، مخصوصن در بریتانیه، ایالات متحده امریکا، کانادا، استرالیا. از جمله (۱۰۰٪) اختراعاتی که توسط هندیها سالانه به ثبت میرسد، (۴۰٪) ان متعلق به هندیهای اند، که در خارج از هند زندگی به سر میبرند.

## فصل ششم !

کی ها به کی کمک می کنند؟

**شمال، به جنوب کمک می کند، یا اینکه برعکس؟**

تمام کمک کشورهای پیشرفته برای جهان عقب مانده سالانه در حدود (۱۳۰) میلیارد دلار تخمین زده می شود، بادر نظر داشت، اینکه (۸۰٪) مردم جهان در کشورهای عقب مانده زندگی میکنند، میتوان گفت تعداد آنان در حدود (۶.۴) میلیارد نفر می گردد، کمک های یاد شده غرب برای هر فرد این کشورها طور اوسط چیزی در حد (۲۰) دلار می شود، که به هیچ وجه بسنده نیست، حال می بینیم که کشورهای غنی سالانه چه اندازه پول از سرزمین های فقرا (کشورهای عقب مانده) حصول میکنند:

**از درک سود کمرشکن قرضه ها:**

جنوب در مقابل شمال (۲۶۰۰) میلیارد دلار مقروضیت دارد، سود سالانه آن به حساب (۵٪)، بالغ بر (۱۳۰) میلیارد دلار می گردد، به عباره دگر به اندازه تمام مقدار کمک های کشورهای غنی به کشورهای غریب.

**از درک سرمایه گذاری ها :**

به دلیل پرداخت مزد پایین کارگر، استفاده از فساد موجود ادارات دولتی، گریز از مالیاتها و یا پرداخت ناچیز آن، ضمن به دلیل عدم مراعات شرایط صحی و ایمنی محیط کار، پایین آوردن مصارفات ازین ناحیه، گریز از پرداخت خسارت، ویا پرداخت مبلغ اندک تاوان به کارگران، در صورت بروز

یک حادثه مرگبار، مثل حادثه نشر گاز سمی از فابریکه یونین کاربید امریکایی، ساخت مواد کیمیاوی در بهوپال هند در سال (۱۹۸۴).

### از درک عقد قرارداد‌های استعماری:

معادن کشورهای غریب شامل سنگ‌های قیمتی نفت و گاز و غیره به قیمت خیلی نازل توسط کشورهای غنی استخراج میگردید و می‌گردد، مخصوصن نفت و گاز که خیلی مهم بودند و استند، مورد توجه بیشتر کشورهای پیشرفته بودند، در ابتدای قرن (۲۰) انگلیس‌ها امتیاز استخراج نفت ایران را از دولت قاجاری به قیمت خیلی پایین بدست آوردند.

کشور انگلیس ازین ناحیه میلیاردها دالر به جیب زد، ولی سهم ایران صرف (۱۶٪) بود، نفت سعودی را امریکایان در بدل مبلغ ناچیز (۱۳۰ هزار) دالر سالانه در دهه (۳۰) بدست آوردند، درحالیکه مفاد امریکا ازین قرارداد به میلیاردها دالر میرسید، همین ترتیب نفت کشورهای عراق، کویت، عمان، لیبیا، الجزایر و... نیز به عین ترتیب چپاول گردید، با سایر کشور های غریب دارنده مواد خام نیز عین معامله صورت گرفته است، و غرب ازین ناحیه میلیاردها سرمایه این کشورها را غارت نموده اند و مینمایند!

### از درک فرار سرمایه‌های دزدی شده:

دست نشانده‌های فراری غرب مثل شاه اسبق ایران، ریس جمهور اشرف غنی، معاونین، و وزرا وی، و کلا قومندانان و...، روسای جمهور سابق کانگو، فلیپین و غیره، مبالغ هنگفت از پول و سرمایه مردم را به سرقت برده، که بالغ بر میلیاردها می‌گردد، این پولها در سیستم اقتصادی کشورهای غربی شامل گردیده، و در ترقی مزید آن سهم می‌گردد، غربیان هیچگاهی در استرداد پول‌های متذکره به کشورهای اصلی شان اقدامی نکرده و نه نمیکنند!

### از درک انتقال سرمایه از کشورهای غریب!

به دلایل گوناگون، سرمایه داران کشورهای غریب پول‌های خویش را به بیرون برده، و در کشورهای غریب سرمایه‌گذاری مینمایند، طور مثال، شهزادگان سعودی بیشتر از (۱۲۰۰) میلیارد دالر را در ممالک غریب سرمایه‌گذاری کرده‌اند، سرمایه داران افغان بیش از (۲۰) میلیارد دالرا در امارات متحده عربی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، مفاد این سرمایه‌گذاری به کشورهای غنی میرسد، وممالک عقب مانده ازان بی نصیب میشوند.

### از درک فروش سلاح:

بعد از به میان آمدن تشنج‌ها، بحران‌ها و برپایی جنگ‌ها، توسط غربیان، کشورهای غریب مجبور به خرید سلاح از غرب میشوند، این سلاح‌ها خیلی گران بوده، ولی کشورهای غریب برای نجات کشور از یک حمله بیرونی و یا توطیه داخلی مجبور به خرید ان میگرددند، فروش سلاح یک تجارت پر منفعت بوده، که پول ان به جیب کشورهای غنی میریزد، و اکثرن خریداران انرا کشورهای غریب تشکیل میدهند، با وجود غربت شدید، حتی تا (۳۰٪) بودجه عمومی شانرا مصارف نظامی در بر می‌گیرد.

### از درک خرید مواد خام کشورهای غریب به نرخ ارزان:

قیمت امتعه صادراتی کشورهای غریب، که عمدتن مواد خام ویا نفت می‌باشد، به دلیل سیاست‌های تجارتي استعمار گونه غرب روز تا روز ارزش خودرا از دست میدهد، چنانچه قیمت نفت در سال (۲۰۰۸) فی بیرل الی (۱۴۵) دالر رسیده بود، ولی اکنون قیمت هر بیرل الی (۸۰) دالر پایین آمده، که یک کاهش قیمت (۵۵٪) را نشان میدهد، به عباره دگر کشورهای اوپک، که بیشتر اعضای آنرا کشورهای اسلامی تشکیل میدهند، سالانه ازین درک خساره در حدود (۷۴۸) میلیارد دالری را

متحمل میشوند، و برعکس کشورهای غنی به همین اندازه مفاد ازین کاهش قیمت نفت را بر میدارند، این ضرری است که صرف از درک کاهش قیمت نفت به کشورهای عضو اوپک که تعداد آنها به ( ۱۳ ) مملکت میرسد، وارد می‌شود، ضرر ( ۱۴۰ ) کشور دگر عقب مانده و با صادرات دهها اقلام غیر نفتی ارزان خیلی بیشتر ازین است.

### از درک فروش اموال لکس و مصرفی غیر ضروری!

با استفاده از پیوندهای استعماری و نوکر صفتی رهبران کشورهای عقب مانده، غرب آنان را مکلف به واردات از کشورهای خود میسازند، اکثر این واردات شامل اشیای لوکس و مصرفی می‌باشد، و کمتر شامل توريد تجهيزات و ماشين الات می‌گردد، که در بلند بردن سطح تولید و صنعتی شدن کشور کمک کند، به این ترتیب پول و سرمایه کشورهای عقب در راه‌های غیر موثر، که به ضرر آنها و به مفاد غربیان می‌باشد، مصرف می‌شود. در مملکت ما یک جمله خیلی مشهور است که می‌گوید، ( تاجر وارد کننده پوقانه و جرگانه ) .

### از درک فرار مغزها :

درینمورد قبلن صحبت شد، باید متذکر گردیم، که بیشترین ضرر وارده به کشورهای عقب مانده از ناحیه فرار مغزها بوجود می‌آید، سنجش ضرر ان برای کشورهای عقب مانده میلیاردها دالر بوده، و در عوض کشورهای غنی، مفت و مجانی صاحب سرمایه گرانبها میشوند، که در شگوفایی اقتصاد آنان رول به سزا دارد.

هرگاه تمام موارد فوق دقیقن بررسی شود، واضحن دیده می‌شود، آنچه که غرب به کشورهای غریب کمک می‌کند، خیلی، خیلی کمتر از آنچه است، که غربیان از کشورهای عقب مانده حصول میکنند، یعنی بر خلاف

تصور، این کشورهای غریب اند که به کشورهای غنی کمک میکنند، این یک مسئله خشک تبلیغاتی نبوده وبر ارقام دقیق و اسناد و شواهد قوی استوار است.

به اساس ارقام ارائه شده توسط المان، وبه نقل از منابع ملل متحد، تعداد کسانیکه در کشورهای غنی با ریشه خارجی زندگی می کنند، بالغ بر (۲۷۲) میلیون نفر اند، ازین جمله (۵۰) میلیون ان در ایالات متحده امریکا، در عربستان سعودی و المان هر یک (۱۳) میلیون نفر، وبقیه در کشورهای مثل بریتانیه، اروپای غربی، استرالیا، کانادا، کشورهای خلیج زندگی به سر میبرند.

دربین این مهاجرین، به تعداد ده ها میلیون اشخاص دارای تحصیلات و اشخاص با هوش بوده اند، ارزش این مغزها برای کشورهای غنی خیلی زیاد بود، فرزندان این مهاجرین که در انجا تولد شده اند، اکثرن هم دارای تحصیلات عالی اند، بدون مبالغه تعداد انها بیشتر از (۱۰۰) میلیون نفر میگردد، رول اینها در پیش راندن چرخ، علم، اقتصاد، سیاست و... جوامع غربی خیلی، خیلی بزرگ است، موجودیت این طبقه تحصیل کرده در کشورهای غریب و در ازبین بردن فقر و محرومیت خیلی بسیار موثر میباشد، لیکن ما ازین گنجینه پر بها محروم شدیم، ولی غرب از انان سود می برد.

به این ترتیب کشورهای غنی در مقابل کمک (۱۳۰) میلیارد دالری به کشورهای عقب مانده، مبلغ بسیار بزرگتر را ازین کشورها سالانه نفع می برد، مقدار سالانه ان به اساس یک تخمین متخصصین رشته اقتصاد، بیشتر از (۴۰۰۰) میلیارد دالر می باشد، مدرک و منابع (۹) گانه ان را یکبار دگر در ذهن خود مجسم سازید، به عباره دگر کشورهای غنی در مقابل یک دالر کمکی به جنوب، (۳۱) دالر از جیب آنها بیرون کشیده و سود می جوید.

ناگفته پیدا است، این همه ناشی از تسلط نظام سرمایه داری و حاکمیت آن بر جهان می باشد، و تا زمانیکه این نظام پا بر جا است، این وضعیت ناگوار فقر و عقب ماندگی نه تنها دوام می کند، بلکه بر فیصدی آن افزوده می شود، چنانچه طی دوران ( کرنا ) ( ۸۵۰ ) میلیون نفر بر تعداد مردم که تحت خط فقر زندگی بسر میبرند، افزوده شده است. در نظام بر حال نه تنها فاصله بین کشورهای غنی و غریب کم نه می گردد، بلکه برعکس روز تا روز برین تفاوت افزوده می شود.

نظام حاکم بر جهان ارزی تغییر در حالت عقب ماندگی را ندارد، زیرا در انصورت منافع اقلیتی خودشان به خطر میافتد، بنان این مسولیت کشورهای عقب مانده و مردمان آن اند، که با جدیت تمام در تغییر این وضعیت اقدام نمایند. سید جمال الدین افغانی میگفت (( نزد من ظالم و مظلوم هردو مسول اند، ( ظالم به خاطر ظلمش و مظلوم به خاطر اینکه چرا بر ضد ظلم مبارزه نمی کند و خاموش است!) ما منحیث شهروندان کشورهای عقب مانده که صدها سال بالای ما ظلم صورت گرفته و حق ما تلف شده است، حق خود را میخواهیم، انسان در دنیا یکبار زندگی می کند، چرا از مزایای خداداد زندگی مثل غربیان برخوردار نشویم، این کار امکان دارد، چه از راه آمدن تغییرات اساسی در نظام موجود جهانی به شکل صلح آمیز و یا تبدیلی جبری آن!

پول های بی شمار دگر هم از جیب کشورهای عقب مانده به جوال پر ناشدنی کشورهای غنی میریزد:

پول معاشات چند هزار دالری مشاورین دوره جمهوریت، که نه سند تحصیلی میداشتند، و نه هم تجربه کاری و نه هم ضرورت واقعی برای اشتغال آنها وجود می بود.

اخذ رشوت از قراردادیان افغانی، که مواد مورد ضرورت ایساف، و خاصتن امریکایان، را به اساس قرارداد اکمال مینمودند، امرالله صالح هم در مورد اظهاراتی نموده بود، که قبلن تذکر یافت، مقدار رشوتها بعضن به میلیونها دالر میرسید.

بیشترین پول کمکهای خارجی در افغانستان توسط ادارات ملل متحد، مثل یونیسف،(WHO)، (WFP)،(UNHCR)، و... و موسسات غیر دولتی (NGO) ها، و (پی آر تی ها) به مصرف رسید، مصارف بلند اداری و موجودیت فساد درین ارگانها باعث اتلاف پولهای کمکی گردید، ان مقدار پولی که برای ابادی کشور از طرف دولت افغانستان مصرف شده، با وجود فساد حاکم بر دستگاه حکومتی، نتیجه بهتری نسبت به پولهای مصرف شده از طریق مجراهای غیر دولتی و خارجیان داشت، فساد در جانب مقابل بیشتر از حکومت بود، طور مثال، بنده در ان ایام در وزارت مخابرات ایفای وظیفه میکردم، و شخصن شاهد موجودیت فساد ادارات غیر دولتی بودم، اعمار یک باب پسته خانه جدید توسط وزارت مخابرات در حدود (۳۵۰) هزار دالر خرچ بر میداشت، ولی اعمار همچو پسته خانه، توسط (پی آر تی) به (۷۰۰) هزار دالرتمام میشد، علاوتن امریکایان بدون مشورت با وزارت مخابرات افغانستان، یک سیستم مخابراتی را با مصرف (۴۰) میلیون دالر، در هلمند بکار انداختند، ولی سیستم مذکور بعد از گذشت مدت کم، از فعالیت باز مانده و پول گزاف مذکور از جمله کمک ها به افغانستان ضایع شد، کتاب (من و مخابرات) انجنیر صاحب (سنگین) وزیر وقت مخابرات.

توقع ان بود، که با استفاده ازین کمکها، علیه عقب ماندگی به صورت عموم، وبالخصوص علیه فقر، بیکاری، بی سوادی، تجارت ضعیف



(صادرات ناچیز و واردات خیلی زیاد) و... مبارزه صورت گرفته و به حل معضلات میلیون ها یتیم، بیوه زن، معیوب و معلول، مهاجرین مقیم کشورهای پاکستان و ایران، میلیون ها بیجاشدگان داخلی، مردم بی سرپناه پرداخته می شد، زیربنای اقتصادی کشور شامل سرک ها، بند و انهار، تولید انرژی، فابریکات و غیره اعمار می گردیدند، متأسفانه در طول (۲۰) سال سلطه جمهوریت، فساد و تضادهای قومی، سمتی، زبانی و تنظیمی، و جاه طلبی رهبران سیاسی افغانها، و دورویی و منافقت، توأم با فساد گسترده در بین خارجیان مانع ازان شد، که نظام شایسته در افغانستان ایجاد شود، و کشور به سوی ترقی گامزن گردد، نه دیموکراسی پیاده گردید و نه هم به حقوق بشر کدام توجه صورت گرفت، از پولهای کمکی خارج استفاده لازم صورت نگرفت، از اعمار پروژهها، که بر اساس اولویتهای عاجل کشور تنظیم نشده بود، در موجودیت فساد گسترده، نتایج مطلوب بدست نیامد، فقر گسترده تر گردید، و از (۴۰) به (۸۰٪) زیر خط بالاتر رفت، بیکاری افزایش یافت، مهاجرتها، مخصوصن فرار جوانان از کشور زیاد شد، واردات، انهم اقلام مصرفی از (۷) میلیارد دالر بیشتر شد، در حالیکه صادرات کمتر از (۱) میلیارد دالر بود، راههای اعمار شده اسفالت، به دلیل کیفیت خراب مواد بکار رفته، دوباره به خامه مبدل گشت، در تامین انرژی از منابع داخلی اقدامی صورت نگرفت، (اسماعیل خان وزیر اب و برق وقت، بعد از برکناری ازین پست، اظهار داشت، که (امریکیان اجازه ساخت بندهای برق را نمیدادند)، بیشترین پول به نام کمک به زنان داده شده بود، ولی اینها به حل معضلات اساسی زنان افغان ( فقر، بیوه گی، بی سرپناهی، بی سواد، بیکاری، و... ) نپرداخته، بلکه به اساس اجندای امریکایان، کوشش در تغییر هویت، افغانیت، اسلامیت و اخلاق زنان صورت میگرفت، کوشش نهایی بعمل میامد، تا زنان افغان پیرو اخلاق منحط جوامع غربی

گردند، بهترین نمونه و الگوی خوب برای آنان، زنانی مثل (اریانا سعید) بودند، در ختم دوره جمهوریت هیچ یک از معضلات زنان افغان حل نگردیدند، فقر، بیسوادی، تنگ دستی در بین زنان بیشتر گردید، تعداد زنانی که در سرک‌ها و پیاده‌روهای شهر دست به گدایی میزدند، بیشتر از پیش گردید.

خلاصه غربیان، فساد را در دولت و جامعه ما رشد داده، و خود هم در آن فعالانه سهم گرفتند، و مانع ازان شدند، که ازین فرصت طلایی بدست آمده نتیجه احسن گرفته شود، و کشور ما از نکبت عقب ماندگی رهایی یابد، میلیاردها دالر کمکی را هم خود بلعیدند و هم توسط اجنتان خود در دولت، انرا به تاراج بردند، دزدان این میلیاردها دالر امروز با پول‌های دزدیده شده از ملت، در غرب و تحت حمایت باداران خویش زندگی خوش و آرام را بسر میبرند.

این داستان غم انگیز چور و چپاول، یاد اور این حقیقت است، که استعمار گران غربی، بهر وسیله، و لو خیلی غیر انسانی هم باشد، ملل غریب را از دار و ندارشان محروم میسازند.

### مسئله تغییر موسم و گرم شدن زمین!

مشکل عمده و اساسی دگر، که نه تنها سد راه پیشرفت و ترقی کشورهای عقب مانده گردیده، بلکه حیات و زندگی اتباع انرا هم به خطر جدی مرگ تهدید نموده و مینماید، ان مسئله گرم شدن کره زمین و تغییر موسم می‌باشد، طی (۱۰۰) سال اخیر کره زمین گرم تر شده است، مخصوصن از اواخر قرن (۲۰)، از سال (۱۹۹۰) الی (۲۰۱۷) کره زمین، (۱۰) سال گرمترین را طی (۴۰۰۰) سال گذشته تجربه کرده است، سال (۲۰۲۴) گرمترین سال نظر به سال‌های گذشته بود، ما در افغانستان امسال شاهد گرمترین سال زندگی خویش بودیم، به این ترتیب سال‌های بعدی گرمتر و داغ تر از امسال خواهد بود.

مسول این وضعیت بحرانی و خطرناک خود بشر و کشورهای بزرگ صنعتی میباشند، استفاده از سوخت‌های فوسیلی (ذغال سنگ، دیزل، گاز) باعث تولید گازهای گلخانه ای شده و در نتیجه هوای کره زمین به تناسب گذشته گرم تر شده، و ادامه این وضع باعث تباهی بشر و سایر زنده جان‌ها خواهد شد، کشورهای عقب مانده کمترین سهم را در تولید گازهای گلخانه ای دارند، ولی بیشترین ضرر را از گرم شدن زمین متحمل شده و می شوند.



از مجموع ( ۱۰۰٪ گازهای منتشره، چین با (۲۷٪) مقام اول، اضلاع متحده امریکا با (۱۱٪) مقام دوم، هند با ( ۶.۶٪ ) مقام سوم، جامعه اروپا با ( ۶.۴۵٪ ) مقام چهارم، اندونیزیا با (۴.۳٪) مقام پنجم، روسیه با ( ۳.۱٪ ) مقام ششم، برازیل با ( ۲.۸٪) مقام هفتم و جاپان با ( ۲.۲٪) مقام هشتم را دارا می باشد.

**دوثلث گازهای مذکور توسط همین کشورها تولید می شوند؟!**

سالانه (۵۲) میلیارد متریک تن گازهای گلخانه ای تولید می گردد، که برای فی نفر باشند دنیا اوسطن (۶.۵) تن میرسد، اوسط گازهای منتشره توسط امریکا، برای هر نفر امریکایی (۲۰) تن، و برای هر نفر چینیایی (۱۲)

تن می‌باشد، در حالیکه گازهای منتشره در افغانستان برای فی نفر (۰.۹۲) متریک تن می‌باشد، به این ترتیب ایالات متحده امریکا به حساب فی نفر (۲۲) مرتبه بیشتر نسبت به افغانستان در انتشار گازهای گلخانه ای نقش دارد!

نکته اصلی بحث این است، که کشورهای عقب مانده، با کمترین سهم در تولید گازهای گلخانه ای، بیشترین اثرات سو گرم شدن کره زمین و تغییر اقلیم را تحمل میکنند، کشورهای اسلامی افغانستان، پاکستان، سومالیه ازین جمله اند، سیلاب‌های ناشی از تغییر موسم پارسال، خساره در (۱۵) میلیارد دالر به پاکستان وارد کرد، واقتصاد انرا به سقوط قریب ساخت، مبارزه با اثرات سو این سیلاب‌ها از توان پاکستان بالا است، هکذا سیلاب‌های مدهش امسال در افغانستان بی سابقه بود و خسارات زیاد مالی و جانی را وارد ساخت.



### تباهی سیلاب‌های ۲۰۲۲ در پاکستان!

نتیجه به همینجا خاتمه پیدا نمی‌کند، هوای جهان به طور بیسابقه ای گرم شده است، به اساس پیشبینی‌های (ناسا) طی دو دهه آینده، مناطق

مهم از جهان، شامل کشورهای شرقمیانه، جنوب اسیا، شرق چین، سودان، لیبیا، فوق العاده گرم شده، وقابل سکونت نخواهند بود، گرم شدن زمین و تغییر موسم، زندگی مردم کشورهای غریب را بیشتر از غریبان تهدید می کند، در حالیکه مسبب اصلی ان کشورهای پیشرفته اند.

### ایجاد بحرانات جعلی اقتصادی!

وقوع بحرانات در اقتصاد جهان هرچند یکسال یکبار، کدام مسئله جدید و غیر عادی نمی باشد، طی قرون ( ۲۰ ) و ( ۲۱ ) چندین بار اقتصاد دچار بحران های جدی شده و خسارات فراوان مالی را متوجه جهانیان نمود، بحران اقتصادی سال ( ۱۹۲۹ ) و ( ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ ) باعث شد، که زیان فراوان اقتصادی به اقتصاد جهانی وارد شود، درینجا منظورما از ایجاد بحران های جعلی، ساختگی، و عمدی کشورهای غنی، علیه کشورهای غریب می باشد، این نوع بحرانات قصدن وبه منظورضعیف ساختن کشوری ویا کشورهای خاصی، دگر ایجاد می گردد، در نظام سرمایه داری این عمل شنیع یک نوع رقابت محسوب می گردد.



در سال ( ۱۹۹۷ ) کشورهای اندونیزیا، تایلند، مالیزیا، فلیپین، سنگاپور، حتی کوریای جنوبی با بحران بزرگ اقتصادی از طرف غرب و خاصتن امریکا مواجه شدند، کشورهای مذکور قبل از بحران قدم‌های بزرگ اقتصادی را برداشته و وضعیت معیشتی مردم خیلی خوب شده بود، چنانچه کشور اندونیزیا، منحصت بزرگترین کشور اسلامی از لحاظ نفوس، به یک کشور تقریبین پیشرفته تبدیل شده بود، و حتی صنایع هلیکوپتر سازی هم در آن ایجاد شده بود، کشورهای پیرو استعمار نوین از دیدن وضع به تشویش شده و در صدد تخریب وضعیت خوب اقتصادی اندونیزیا و سایر کشورهای منطقه شدند، در اولین ضربه بحران مذکور، نرخ تبادلولی پول‌های داخلی در مقابل دالر خیلی پایین آمد، چنانچه نرخ تبادلولی پول اندونیزیا ( ۲،۸۳٪ ) و از سایر کشورها حد اقل ( ۴۰٪ ) تنزل کرد، این موضوع باعث بلند رفتن قیمت‌ها درین کشورها شده وتادیه قروض خارجی به دلیل کاهش نرخ تبادلولی اسعار دشوار گشت، بیکاری به اوج خود رسید- تولید ناخالص داخلی به تناسب قبل از بحران خیلی پایین آمد، در رابطه به جداول ذیل توجه فرمایید:

^ عواقب

عواقب و اثرات بحران بر روی ارزش پول ملی و تولید ناخالص ملی (GNP) کشورهای درگیر:

تغییرات	تولید ناخالص ملی (US\$1 billion) <sup>[۱۷]</sup>		کشور
	ژوئیه ۱۹۹۸	ژوئن ۱۹۹۷	
40.0% ▼	102	170	تایلند
83.4% ▼	34	205	اندونزی
37.3% ▼	47	75	فلیپین
38.9% ▼	55	90	مالزی
34.2% ▼	283	430	کره جنوبی

تغییرات	قیمت ارز (بر اساس هر \$۱ آمریکا) <sup>[۱۷]</sup>		واحد پول
	ژوئیه ۱۹۹۸	ژوئن ۱۹۹۷	
40.2% ▼	41	24.5	بات تایلند
83.2% ▼	14,150	2,380	روپیه اندونزی
37.4% ▼	42	26.3	پزو فلیپین
45.0% ▼	4.88	2.48	رینگیت مالزی
34.1% ▼	1,290	850	وون کره جنوبی

ارقام خیلی تکان دهنده است، قیمت یک دالر امریکایی قبل از بحران مساوی به ( ۲.۳۸ ) روپیه اندونیزیایی بود، بعداز بحران یک دالر برابر بود

به (۱۴،۱۵) پول کشور اندونیزیا، یعنی نرخ تبادل لوی دالر (۶) مراتبه نسبت به گذشته، بلند تر رفت!

هکذا تولید ناخالص ملی اندونیزیا که قبل از بحران به (۲۰۵) میلیارد دالرمی رسید، به (۳۴) میلیارد دالر، یعنی (۶) مرتبه، سقوط کرد. قدرت خرید مردم کاهش فاحش نموده و به خوراک شب و روز خود محتاج شدند، اقتصاد اندونیزیا (۱۵) سال به عقب رفت! این خباثت نظام بارها علیه کشورهای عقب مانده تکرار شده است!

### بی پروایی غرب در ضایع شدن مواد غذایی، مصرف کالوری بیش از حد!

قبل از موجودیت غذایی کافی برای همه افراد بشر ساکن کره زمین نگاشته بودیم، که برای هرنفر غذا به اندازه لازم و مناسب پیدا می شود، ولی توزیع غیر عادلانه، ضایع شدن مواد به دلایل گوناگون، و پر خوری ها باعث بوجود آمدن کمبود آن در بخش های از جهان، مخصوصن افریقا و جنوب آسیا گردیده، وقحطی شدیدی را بار آورده، که بیشتر از (۱۰۰۰) میلیون نفر دچار آن میباشند، صدها میلیون طفل مبتلا به سو تغذی وحشتناک میباشند، میزان مرگ و میر ناشی از گرسنگی در حدود (۶) میلیون انسان در سال می گردد.

عوامل متعدد که باعث تلف شدن مواد خورا که می گردد:

۱ - سالانه بیشتر از (۱.۵) میلیارد تن مواد غذایی شامل غله جات، گوشت، لبنیات، سبزیجات میوه جات و... در جهان تلف می گردد، که (۷۰٪) آن در کشورهای غنی صورت می گیرد، این ضایعات بیشتر در مارکیت واز آنجا الی آشپزخانه و میز نان صورت گرفته و سالانه هر فرد

۱۳۳۶ // نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

غربی بیشتر از (۹۰) کیلوگرام مواد را ضایع می سازد، که میتوان توسط آن سالانه بیشتر از (۴۵۰) میلیون انسان گرسنه را سیر کرد.



۲ - غریبان در پهلوی ضایع ساختن غذای صدها میلیون انسان، از نگاه پرخوری و خوراک بیش از حد ضرورت یک انسان، هم مقدار زیاد غذا را از دسترس گرسنگان دور میسازند در حالیکه حد اکثر کالوری مورد نیاز بدن یک انسان بالغ (با فعالیت بدنی زیاد) در حدود (۲۲۰۰) می باشد.





درحالیکه مصرف کالوری فی نفر در غرب بیشتر از (۳۰۰۰) کالوری است، این ارقام برای امریکایان در ایالات متحده امریکا بیشتر از (۳۷۰۰) کالوری و در حقیقت ( ۶۸٪) بیشتر از نورم مورد نظر جهانی بوده که این خود باعث چاقی بیش از حد شده و معضلات صحتی و اجتماعی را بیار می آورد، در صورتیکه ازین پرخوری بیجا و مضر جلوگیری شود، با غذا و کالوری پس انداز شده آن حداقل (۷۲۰) میلیون گرسنه سالانه تغذیه درست شده میتواند! ولی بی پروایی، عدم داشتن مسولیت در قبال هموعان گرسنه خود و شکم پرستی باشندگان ممالک غنی باعث هدر رفتن این همه غذا و کالوری می شود!

مسولیت این همه بدوش نظام بی تفاوت به ارزشهای انسانی برسر اقتدار می باشد، که شهروندان ان هم مطابق خصلت مکتب سرمایه داری صرف به منافع خود فکر کرده و از غم، درد و الام مردم محتاج جهان بی خبر بوده و سردرد عادی خود را مهمتر از مرگ دگران میدانند.

### **کمک ناچیز اقتصادی و مالی غرب به کشورهای عقب مانده :**

غرب و کشورهای غنی از امکانات مالی بسیار زیاد بر خوردار اند، مجموع تولید ناخالص داخلی سالانه آن بالغ بر ( ۸۰ ) هزار میلیارد دلرمی گردد، و هر فرد سالانه اوسطن سالانه در حدود (۵۰) هزار دلرعايد دارد، هرگاه (۲٪) مبلغ مذکور سالانه بنام کمک به کشورهای غریب ، وبه خاطر مبارزه بر علیه عقب ماندگی، فقر گرسنگی و... تخصیص یابد، درآن صورت مسلمان بعد از یک دهه اثرات مثبت در زندگی کشورهای عقب مانده رونما می شود، این مبلغ کمتر از پولی است که برای مصارف نظامی همه ساله در جهان هزینه می شود، در صورتیکه واقعن غرب برای حقوق مساوی انسانها حق قایل باشد، باید اینکار را انجام دهد، ولی بدبختانه

تمام کمک‌های کشورهای غنی به ممالک عقب مانده در حدود (۱۳۰) میلیارد دلار یعنی کمتر از (۰,۲٪) تولید ناخالص داخلی کشورهای پیشرفته را در بر می‌گیرد، که (۱۲) مرتابه کمتر از حد قابل توقع آن می‌باشد، در حقیقت نظام بر سر اقتداراراده و علاقه مندی و دلچسپی در جهت بهبود وضع فلاکت بارعقب ماندگی در جهان ندارد، و ترقی این کشورها را در حقیقت را برخلاف منافع خود میداند، محوعقب ماندگی در تحت نظام موجوده دور از توقع می‌باشد!

**مصارف بیجا و بیمورد نگهداری حیوانات و پرندگان خانگی درغرب!**  
تعداد زیاد شهروندان کشورهای غنی به نگهداری حیوانات و پرندگان در خانه‌های خود می‌پردازند، تعداد این مردم به صدها میلیون میرسد، چنانچه در المان (۴۰) میلیون نفر، در روسیه (۹۰) میلیون، در ایالات متحده امریکا درحدود (۱۷۰) میلیون نفر به این کار مبادرت می‌ورزند، سگ و گربه بیشترین این حیوانات را تشکیل می‌دهند، قیمت خرید حیوانات مذکور بلند بوده، علاوه بر مصرف غذا، معاینات صحتی و خرچه نگهداری آنها، در صورت مسافرت صاحب خانه، سالانه اقلن در حدود (یک هزار) دلار می‌گردد، در کشورهای عربی خلیج، مردمان متمول به نگهداری باز، باشه و عقاب علاقه زیاد دارند، که خرید و نگهداری آن خیلی گران تمام می‌شود.

تنها در سه کشور (المان، روسیه و ایالات متحده امریکا) تعداد این حیوانات و پرندگان به (۳۰۰) میلیون میرسد، هرگاه ما بقیه کشورهای اروپایی، کانادا، استرالیا، چین، جاپان، تایوان و کشورهای متمول عربی را به آن اضافه کنیم، تعداد آنها از (۵۰۰) میلیون بیشتر می‌گردد، به یک حساب ساده هزینه نگهداری این حیوانات سالانه بالغ به رقم سرسام آور

(۵۰۰) میلیارد دالر امریکایی می‌گردد، که کاملن یک مصرف بیجا و بیهوده و غیر ضروری است، هرگاه این سگ و گربه‌ها به حال خود رها شوند و گرسنه نه میمانند و هیچ نوع خطری آنها را تهدید نمی‌کند، در تمام جهان منجمله اروپا و امریکا میلیون‌ها سگ و گربه ولگرد در کوچه‌ها سرک‌ها پارک‌ها و... آزادانه گشت و گزار نموده و از غذاهای دور انداخته شده توسط انسانها، تغذیه مینمایند، این حیوانات خانگی هم می‌توانند در پهلوی آنها شکم خود را سیر نمایند، پرندگان خانگی اسیر در قفس‌ها از آزادی خود خیلی خوشحال خواهند گشت زیرا الله (ج) پر و بال را به آنها برای پرواز داده است، و بعد از آزادی با میلیاردها هم‌نوع خود آزادانه در طبیعت پرواز خواهند کرد. با پول پس انداز شده ازین مدرک میتوان حد اقل (۵۰۰) میلیون انسان گرسنه، یا (۵۰٪) مجموع گرسنگان جهان را برای یکسال تغذیه کرد اینکار نا ممکن نمی باشد، صرف به یک وجدان بیدار انسانی، با احساس عمیق هم‌نوع دوستی و درک مسولیت در قبال صدها میلیون بشر گرسنه و محتاج ضرورت احساس می شود، به نظر میرسد اینکار برای غربیان ناممکن باشد، زیرا برای آنان مریضی سگ خانگی شان به مراتب مهم‌تر از مرگ یک طفل گرسنه افریقایی است، در حالیکه زندگی یک انسان خیلی با ارزش تر نسبت به یک سگ می باشد.

### شراب نوشی!

علاوتن بخش‌های دیگری از زندگی در کشورهای غنی وجود دارد، که اصلاح آن از یک طرف به کم شدن جرم و جنایت و خلاها در جامعه می‌انجامد و از طرف دیگر با پول‌های پس انداز شده از آن به فقرا و مساکین هم کمک صورت گرفته میتواند، از آنجمله یکی هم صنعت شراب سازی و شراب فروشی است، فروش سالانه شراب در جهان بالغ بر (۱۵۰۰) میلیارد

دالر می‌گردد، نوشیدن شراب به جز ضرر، مفادی ندارد، خساره بی‌شماری از درک شراب نوشی به جامعه میرسد، جنگ وجدال، قتل‌ها، تجاوزات جنسی، مناقشات فامیلی، حوادث خونبار ترافیکی، و... از شراب نوشی ناشی می‌شود، که بارسنگینی به حساب می‌آید، به اساس ارقام ارایه شده توسط وزارت صحت المان، سالانه بیشتر از (۵۷) میلیارد یورو خساره اقتصادی از ناحیه شراب نوشی و مردمان مست به اقتصاد کشور وارد می‌گردد، خساره ناشی به بقیه اروپا، امریکا و سایر ممالک جهان بالغ بر صدها میلیارد دالر می‌گردد، در صورتیکه صرف (۲۰٪) از مصارف شراب نوشی کم کرده شود، در پهلوی کم شدن اثرات سوان در جامعه، مبلغی که ازین ناحیه پس انداز می‌شود، بالغ بر (۳۰۰) میلیارد دالر می‌گردد، که میتوان از آن در مبارزه علیه فقر، گرسنگی و در مجموع علیه عقب ماندگی کار گرفت!

درینجا میرسیم به اخر بحث سیستم موجود جهانی و خلاها و نواقص آن، که از آن این نتیجه گرفته می‌شود، که نظام موجود اراده و عزم حل معضلات اکثریت مطلق ساکنان جهان را ندارد، و نه تنها در محو پدیده عقب ماندگی کدام گامی موثری بر نمیدارد، بلکه برعکس با تعقیب تفکرات و اندیشه (استعمارجدید) عمدن در راه آن موانع ایجاد می‌کند، سرمایه داری یکبار با بکار گیری هوشیاری و زیرکی توانست با اتخاذ تدابیری موثر در جهت بهبود زندگی کارگران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، جلو انقلاب‌های کارگری در غرب را بگیرد، و نظام را نجات دهد، اکنون یکبار دگر نظام غربی با چالش جدی روبرو است، دیده شود که بازهم نظام با بکارگیری اقدامات موثر، خود را نجات داده میتواند یا خیر؟

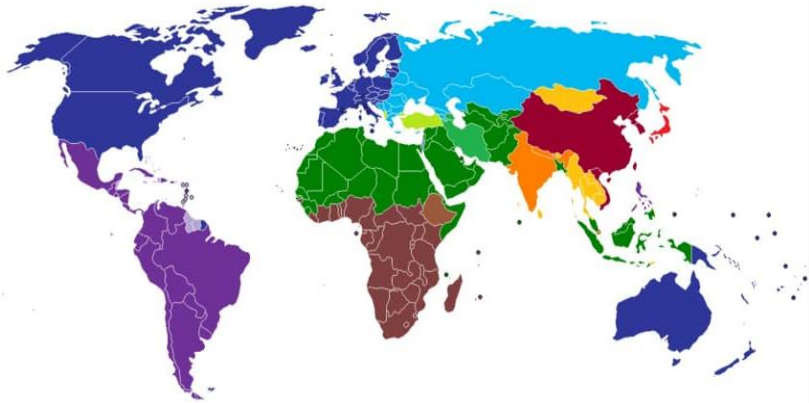
## فصل هفتم!

### بیشترین متضررین در نظام بر حال :

کدام مردمان، پیروان کدام ادیان و یا کدام کشورها شامل این گروه اند؟  
قبلن هم تذکر رفت که اکثریت مطلق مردمان جهان ازین نظام غیر انسانی صدمه فراوان دیده و حالت زار زندگی آنان نتیجه موجودیت و سیطره نظام مذکور بر جهان می باشد، درین بین استند گروهی خاصی که بیشترین نقصان و تاوان را از حالت کنونی متحمل شده اند!  
اینان کی ها اند!

مردمان جهان عقب مانده از لحاظ اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نژادی، مذهبی و... مورد ظلم و ستم و ناروا قرار می گیرند.

مسئله اساسی که بعد از ختم جنگ سرد (۱۹۴۷ - ۱۹۹۲) در غرب بسیار مطرح شده، عبارت است از ( برخورد تمدن ها )، این نظریه بیشتر توسط **ساموئل هانتینگتون** (۱۹۲۷ - ۲۰۰۸)، متفکر، دانشمند علوم سیاسی و استاد (۵۸) سال پوهنتون هاروارد امریکا در دهه (۹۰) ارائه شد، وی اصلن دارای افکار نژاد پرستانه بوده و زمانی هم مشاور برجسته رژیم اپارتاید افریقای جنوبی بود، وی معتقد بود که جنگ های آینده، نه بین کشورها، بلکه بین فرهنگ ها خواهد بود، وی جهان را به (۹) حوزه تمدنی تقسیم کرده است:



این تمدن‌ها عبارت اند از: ۱- تمدن اسلامی ۲- تمدن غرب ۳- تمدن ارتدوکسها ۴- تمدن جاپان ۵- تمدن چین ۶- تمدن آمریکای لاتین ۷- تمدن آفریقا ۸- تمدن بودایی و ۹- تمدن هندویزم. وی تمدن اسلامی را بزرگترین خطرو رقیب برای بقا و دوام سلطه تمدن غربی بر جهان می‌دید.

### تشویش تاریخی و احساس خطر غرب از تمدن اسلامی:

حاکمیت ( ۸ ) صد ساله مسلمانان در ( اندلس ) اسپانیه، مسلمانان در اوایل قرن ( ۸ ) میلادی الی قلب فرانسه رسیده بودند.

فتوحات خلافت اسلامی عثمانی در اروپا، سقوط دولت روم شرقی (فتح قسطنطنیه) بدست آنها، و حاکمیت چند صد ساله مسلمانان ترک بر کشورهای یونان، بلغاریه، رومانیه، یوگوسلاویا، هنگری، شبه جزیره کریمیه و... که از قرن (۱۳) الی اواخر قرن ( ۱۹ ) دوام کرد.

رشک بردن کلیسا و مسیحیان بر تمدن درخشان هزار ساله مسلمانان در سه قاره و نقش آنان در احیای علوم یونان قدیم، و افزودن خیلی چیزها توسط علمای اسلامی بر آن، در حالیکه در اروپا چیزی بنام تمدن عیسوی وجود ندارد، آنچه وجود دارد تمدن غربی است، نه عیسوی!

گرویدن بیحد مردمان در جهان و اروپا به دین اسلام. تشویش اروپا از افزایش نفوس مسلمانان در جهان، فعلاً ( ۲۵٪ ) نفوس جهان را مسلمانان تشکیل می دهند و طی ( ۱۵ ) سال آینده به بزرگترین دین جهان مبدل می گردد.

مسلمانان بر مناطق مهم جهان از نگاه سوق الجیشی مسلط اند، مثل ابنای هرمز، باب المندب، کانال سوئز، کانال مالاکا، جبل الطارق، در دانیل، باسفورس و غیره. این موضوع باعث آزار غرب گردید، که یکی از دلایل مهم مستعمره سازی هم بود.

سیاست دشمنانه غرب علیه اسلام، طی دوران تاریخی و قرون (۲۰ و ۲۱)!

### الف: از لحاظ تاریخی:

۱ - چشم پوشی از خدمات مسلمانان در احیای علوم یونان قدیم، غنای آن توسط دانشمندان اسلامی و انتقال آن به غرب، و نقش آنان در دوره (رنسانس).

۲ - نادیده گرفتن نقش ارزنده و تاریخی مسلمانان در توسعه روابط اروپا با هند، چین، آفریقا و خاصتن تسهیل روابط تجارتي (راه ابریشم).

۳ - مستعمره ساختن شبه قاره هندوستان و خاتمه بخشیدن به سلطه امپراطوری (۳۵۰) ساله مسلمانان در آن سرزمین، اسیر ساختن کشورهای متعدد اسلامی در آفریقا، آسیا و اروپا، چور و چپاول ثروت های بیکران آنان، قتل و کشتار ده ها میلیون مسلمان در کشورهای الجزایر، لیبیا، افغانستان و .... . این کشورهای استعمارگر از هیچ نوع جنایت در حق مسلمانان

دریغ نکرده اند، چنانچه فرانسه علاوه بر کشتار (۱.۵) میلیون مسلمانان بیگناه، از خاک الجزایر برای امتحان بمبهای اتمی خود هم استفاده می کرد!

۴- از بین بردن خلاف ۶۲۴ ساله عثمانی.

۵- زمینه سازی و کمک به استقرار یهودیان در فلسطین و ایجاد دولت یهود در قلب سرزمین فلسطینیان، مسلح ساختن دولت یهود به انواع سلاح کشنده، به شمول بمب هستوی، و شریک بودن در تمام جنایات دولت صهیونیستی علیه مردم بی دفاع فلسطین، منجمله جنگ اخیر یهود علیه غزه.

۶- تجاوز علیه افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، سودان، صومالیه، یمن، مالی، ایران، مصر، چیچین، و...

۷- چشم پوشی از حق خود ارادیت مردم کشمیر و طرفداری از حکومت هند درین موضوع اختلافی، علاوه نشان دادن چراغ سبز به هندوان در مسله اشغال حیدرآباد.

۸- تجزیه سنگاپوراز مالیزیا، و تجزیه سودان جنوبی از سودان.

۹- تجزیه تیمور شرقی از پیکر اندونیزیا.

۱۰- تجزیه پاکستان و تشکیل دولت بنگله دیش تحت تاثیر هند.

۱۱- خاتمه بخشیدن به دولت (۸ صد) ساله مسلمانان در اندلس، محو و مسخ آثار این تمدن درخشان، زجر، شکنجه و مجبور ساختن مسلمان به تغییر دین و اخراج باقیمانده آنان از اسپانیا و به برده کشیدن مسلمانان در افریقا بعد از سقوط اندلس.



۱۲ - انتقال میلیون ها برده مسلمان سیاه پوست از غرب و مرکز آفریقا طی دوران تجارت برده، (بیشتر از (۳۰٪) از (۳۰) میلیون برده انتقال شده به امریکا مسلمان بودند .

۱۳- خاتمه بخشیدن به دولت اسلامی در فلیپین.

۱۴ خاطره تلخ مسلمانان از عملکرد ظالمانه و وحشیانه استعمارگران در کشورهای اسلامی شمال، مرکز و غرب افریقا، شرقمیان، آسیای میانه، قفقاز، خانات سایبریای غربی.

۱۵ - تقسیم شبه قاره هند به طور غیر عادلانه و به ضرر مسلمانان.

#### **ب : از لحاظ اقتصادی :**

چور و چپاول ثروت، دارایی ها و منابع طبیعی مثل نفت، گاز کشورهای ایران، عراق، سعودی، کویت امارات قطر، بحرین لیبیا، الجزایر، نیجریه و ... .

#### **ت: از لحاظ سیاسی:**

برقراری حکومت های دست نشانده در اکثر کشورهای اسلامی.

#### **ث : از لحاظ فرهنگی**

پیشبرد کارزار خیلی گسترده علیه ارزشهای اسلامی، تخریب اخلاق اسلامی، سعی در گمراه سازی جوانان مسلمان، تاثیر گذاری بر ذهنیت مردمان غرب و ترساندن آنها از اسلام (اسلام فوییا ) به کمک میدیای شیطان، تفرقه اندازی بین کشورهای مختلف اسلامی، مثلن ایجاد اختلاف بین اعراب و ایران، افغانستان و پاکستان.

مفکوره (برخورد تمدن‌ها) ساموئل هینتگتون بر سیاست‌های بعد از دهه (۹۰) غرب علیه مسلمانان کاملن سایه انداخته است، وی برای ترساندن غرب از قدرت بالقوه مسلمانان، به ارائه یک سلسله ارقام و فکت‌ها می‌پردازد، و می‌گوید، مسلمانان از لحاظ نفوس خیلی زیاد شده‌اند، وی می‌گوید در اوایل قرن (۲۰) مسلمانان (۱۰٪) نفوس جهان را تشکیل می‌دادند، در حالیکه در (۲۰۲۵) نفوس آنها به (۳۰٪) بلند می‌رود، وی معتقد است که اکثریت نفوس مسلمانان را جوانان بین (۳۰ تا ۴۰) سال با تنفر شدید از غرب تشکیل می‌دهند، که خطر بالقوه برای غرب شمرده می‌شوند، وی بلند رفتن توان اقتصادی کشورهای اسلامی را هم یک خطر قابل توجه می‌داند و می‌گوید که در جنگ‌های آینده مسلمانان یک طرف قضیه‌اند و تمام غیر مسلمانان باید درجه‌به‌مقابل آن قرار بگیرند، برای جلوگیری از قوت گرفتن مزید مسلمانان وی به دولتمردان غربی توصیه می‌کند، تا دست به اقدامات پیشگیرانه بزنند، به نظر می‌رسد که اقدامات نظامی علیه افغانستان، عراق، سوریه، صومالیه، سودان، فلسطین، یمن، مالی و ... که بعد از دهه (۹۰) بوقوع پیوسته متاثر از مفکوره ساموئل هینتگتون باشد، هکذا قرارگرفتن تمام کشورهای غربی به شمول هندوان (حکومت متعصب مودی درهند) در یک صف واحد، و طرفداری از تجاوز اسرائیل ناشی از همین مفکوره است، درجلسه سران گروه (۷) طی ماه جون (۲۰۲۴) اصلن به کشتار بیشتر از (۵۰) هزار مسلمان فلسطینی توسط اسرائیل اشاره هم نشد!؟

نفرت پراگنی علیه اسلام توسط رهبران غربی هم حیثیت ریختاندن پترول بالای آتش را دارد، بوش بعد از واقعه (۱۱ سپتمبر) جنگ صلیبی راعلیه مسلمانان اعلان نمود، در سال (۲۰۰۶) پاپ بندیکت شانزدهم در نشست

در آلمان، اسلام را دین تروریست‌ها دانسته بود، نشریه (شارل ابدو) فرانسوی چندین بار با چاپ کاریکاتورها، به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم توهین کرد، قرآن سوزی توسط افراطیان دست راستی در سویدن دانمارک و... با حمایت پولیس، بیانگر دشمنی ختم ناشدنی غربیان با مسلمانان است.

برخلاف عیسویت که کدام تمدنی را با خود نیاورد، تاریخ درخشان اسلام بیشتر از ( هزار سال ) در سه قاره ( آسیا- اروپا و آفریقا ) سایه افکنده بود، در اسیا دولتهای مختلف اسلامی مثل امویان، عباسیان، سامانیان، سلجوقیان، غزنویان، غوریان، خوارزم شاهان، عثمانیان، ترک تباران، پشتون ها و مغولان در هند، مناطق وسیع از آسیای مرکزی، جنوبی، شبه قاره هند، شرقمیانه، قفقاز، سایبریای غربی، آسیای غربی را تحت تسلط خود داشته و تمدن بزرگی را ایجاد کردند، که از اواسط قرن (هفتم) عیسوی الی اواخر قرن (نوزدهم) دوام کرد، درین دوره درخشان علم و دانش رشد فوق العاده نموده و مسلمانان در احیای علوم یونان قدیم که از ابتدای تاریخ عیسویت به قهقرا رفته بود، همت گماشته و دانشمندان اسلامی در رشته‌های مختلف مثل کیمیا، بیولوژی، فزیک (خاصتن فزیک نور)، الجبر، نجوم طب و... آثار بیشماری خلق کردند، در اروپا اسلام از شروع قرن (هشتم) عیسوی با ورود به اسپانیه یا اندلس تمدن درخشانی را بوجود آورد، که برای رنسانس اساس و بنیاد شمرده می‌شود، غربیان ازین مسله منکر بوده و این خدمت بزرگ مسلمانان را نادیده می‌گیرند، این یک بی عدالتی در حق مسلمانان و چشم پوشی از خدمات آنان می‌باشد، در حالیکه تا اواخر قرن ( ۱۹ ) عیسوی کتاب طب ابوعلی سینا بلخی در پوهنتون‌های طب فرانسه تدریس می‌شد.

شوروی با داشتن ( ۳ ) میلیون سرباز، ( ۳۰ ) هزارسلاح اتمی، ( ۵۰ ) هزار تانک، هزاران طیاره جنگی، ومسلط بودن بر نصف جهان، دشمن خیلی

سرسخت و خطرناک برای امریکا، غرب و دیموکراسی آن شناخته می‌شد، همین ترس از قوت نظامی جنگی شوروی امریکا را واداشت که طی ۴۵ سال دوران جنگ سرد بیشتر از (۵۷۰۰) میلیارد دلار خرج ساختن اردوی (۲.۵) میلیون نفری، تسلیحات نظامی، به شمول بمب‌ها و راکت‌های اتمی، طیارات نظامی عصری، کشتی‌ها و تحت‌البحری‌های اتمی و سلاح‌های مدافعوی و بازدارنده حملات دشمن، پناهگاه‌های اتمی و حفظ و مراقبت و نگهداری آن‌ها نماید، در غرب این تصور موجود بود که نابودی شوروی به هیچ صورت امکان ندارد، و جنگ بین دو بلاک شرق و غرب باعث حتمی جنگ اتمی خواهد شد، که تباهی هردو بلاک و جهان را در پی خواهد داشت، اما بلاخره شوروی با تمام قدرت که داشت و با تمام وحشت و دهشتی که بر غرب و جهانیان برقرار ساخته بود، سقوط کرد و نابود شد، بدون آنکه غرب گلوله علیه آن فیر کرده باشد، این امر صرف ناشی از مقاومت مردم افغانستان علیه تجاوزگران (سوسیال امپریالیزم) بود، قشون سرخ شوروی با تمام قوا و مدت بیشتر از (۹) سال وبا استعمال کشنده ترین سلاح و مخربترین بمب‌ها و راکت‌ها و بمبارانهای دوامدار اراده مقاومت ملت مجاهد افغان را از بین برده نتوانست، در حالیکه در همسایگی ما قرار داشت. روس‌ها با قبول شکست از افغانستان فرار کرده، و نظام کمونیستی آن در کمتر از سه سال بعد آن محو و نابود گردید، شکست شوروی در افغانستان با قربانی بزرگ مردم مسلمان افغانستان همراه بود، و بیشتر از (۱.۵) میلیون افغان درین راه شهید شده و بیشتر از مناصفه نفوس کشور به خارج مهاجر شده، کشور به ویرانه تبدیل شده و خساره وارده به کشور بیشتر از (۲۰۰) میلیارد دالر می باشد، که هیچ دولت افغانستان مطالبه خساره از شوروی سابق (روسیه موجود) را نه نمود، تمام مصارفات غرب در جنگ علیه شوروی بیشتر از

(۲) میلیارد دالر نمیگردید. بدبختانه این قربانی بزرگ و این کارنامه جاویدانه مردم مسلمان افغانستان، که منجر به رهایی جهان و غرب از یک دشمن و مصیبت بزرگ گردید، به هیچ وجه به چشم قدر دیده نشد! آن قوم و پیروان دین که بیشترین آزار و اذیت را در گذشته و جهان امروزی متقبل شده و می‌شوند، مسلمانان اند!

سایر اقوام و پیروان مذاهب مختلف دگر به هیچ وجه مصایب و مشکلات را که بر مسلمانان می‌گردد، تجربه نکرده اند! طورمثال پیروان مسیحیت در اروپا، امریکای شمالی، مرکزی و جنوبی، استرالیا و جنوب افریقا اکثریت مطلق مردمان این مناطق را تشکیل می‌دهند، اکثریت مردمان کشور فلیپین و در حدود (۳۰٪) مردم کوریای جنوبی در آسیا پیرو مسیحیت اند، در هیچ یک از مناطق مذکور هیچ نوع آزار و اذیتی متوجه این مردمان نمیباشد، در کشورهای اسلامی مثل لبنان، ایران، مصر، امارات، عربستان سعودی و.... اقلیت عیسوی از آزادی عام و تام برخوردار اند، یک ماه قبل یک باب مغازه فروش مشروبات الکلی در عربستان سعودی (مقدس ترین مکان مذهبی مسلمانان) ظاهر برای اتباع غیر مسلم گشایش یافت، احیاناً اگر یک شخص مسیحی در یک کشورهای فوق الذکر مورد بیحرمتی و یا توهین مذهبی قرار گیرد، شخص پاپ در مورد مداخله می‌کند. پیروان سایر مذاهب مثل هندویزم، بودیسم، کنفوسیوس و.... هم کدام مشکل خاصی در دنیا ندارند، که بنابر اعتقادات شان مجازات شوند، هیچ یک از پیروان ادیان غیر اسلامی این طور وحشیانه کشتار نگردیده و نه هم دسته جمعی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند.

البته در مورد یهودان مسله یک کمی فرق می‌کرد!

یهودان بنا بر خصلت (سود خوری) و تلاش برای نفوذ در مراکز سیاسی و اقتصادی کشورهای و توطیه چینی در جوامع مختلف، طرف نفرت مردم قرار گرفته از کشورهای که در آن مسکن گزین بودند، به ترک آن مجبور ساخته می شدند، چنانچه از (۱۱۰۰ - ۱۶۰۰ عیسوی) یهودان از کشورهای فرانسه، انگلیس، پولند، المان سه بار، اسپانیه پرتگال و ایتالیا اخراج شدند، یهودان تجربه بیشتر از (۲۰۰۰) سال در مسایل پولی، مالی، اعطای قرضه با سود، داشته و از این درک مالک سرمایه شده واز آن برای بلند بردن وجهه، نفوذ و اعتبار خود در جامعه می کوشیدند، و به مناصب کلان سیاسی و اقتصادی در جوامع اروپایی می رسیدند، ان ها به کمک لابی های خود در داخل حکومت هم نفوذ کرده و سیاست دلخواه خویش را در یک مملکت تحمیل می ساختند، تلاش آن ها رهبری بر جهان بود، که امروز به کمک تمام عوامل فوق الذکر با تسلط بر میدیای فوق العاده قوی و موثر در تحقق بخشیدن اهداف مورد نظر خویش بیشتر از پیش کامیاب به نظر می رسند.

مسلمانان یگانه پیرو یک دین بزرگ ابراهیمی می باشند، که امروز طرف زجر و شکنجه، کشتار قرار می گیرند، مسلمانان از طرف اقوام و مذاهب مختلف مثل یهودان، عیسویان، هندوان، بودایان، کمونیستان، در پنج قاره جهان به شکل فردی، گروهی و حتی طور دسته جمعی مورد عذاب قرار گرفته و در بعضی حالات مثل وضعیت غزه، میانمار با (جینو ساید یا نسل کشی) مواجه اند. مواد انفجاری استعمال شده توسط دولت یهود علیه غزه، در تاریخ جنگ ها مثال ندارد، این حالت وحشتناک و ضد بشری را مردمان هیچ دین و مذهبی دیگری تجربه نکرده اند و مردمان بی وسیله غزه به جرم مسلمانی این عذاب را می کشند.

کفر در دشمنی و مقابله با اسلام ملت واحد است!

پیروان ادیان دگر، در ظلم و تعدی علیه مسلمانان گوی سبقت از یکدیگر ربوده اند! ذیلن مختصرن به این فجایع می پردازیم:

۱- **یهودان:** این قوم از ابتدای ظهور دین مقدس اسلام بر علیه آن دسیسه چینی و توطیه می کرد، در جنگ خندق ویا احزاب که لشکر (۱۰) هزار نفری قریش به قصد نابودی مسلمانان، مدینه منوره را محاصره نموده بود، یهودان بر خلاف عقد پیمان عدم تجاوز و همدست نشدن با دشمنان اسلام، عهد شکنی نموده و با لشکر قریش همکاری نمودند، در طول تاریخ سعی در تخریب اسلام و مسلمین دست داشته و همیشه با متجاوزین و اشغالگران برضد کشورهای اسلامی همکاری صادقانه می نمودند، در اوایل قرن (۲۰) و بعد از شکست خلافت عثمانی و با صدور اعلامیه بالفور (۱۹۱۷) هجوم یهودان به سوی فلسطین اشغالی که در تصرف انگلیسها قرار داشت، شروع شد، با حمایت بیدریغ غربیان، خاصتن انگلیسها، دولت نامنهاد یهود در (۱۴) ماه می ۱۹۴۸ توسط (بنگورین) اولین صدراعظم دولت صیهونیستی، اعلام شد. طی جنگهای متعدد دولت یهود سرزمینهای بیشتری را از فلسطینیان و کشورهای همجوار عربی به زور اشغال نمود.

از سال ۱۹۴۸ الی اکنون بیشتر از (یکصد) هزار عرب فلسطینی و غیر فلسطینی توسط صیهونیستان به شهادت رسیده، وتمام خاک فلسطین به اشغال یهودان درآمد، ظلم وستم و ناروا دولت صیهونیستی حمایت شده توسط غرب حد و حصر نشناخته و دولت یهود یکی از وحشی ترین نظامهای ضد بشری می باشد، غرب درین جنایت مستقیمن شریک است، ولی سازمان ملل و جهانیان و مخصوصن کشورهای اسلامی بی تفاوت اند.

## ۲- عیسویان:

دشمنی عیسویان با مسلمانان هم سابقه (۱۴۰۰) ساله دارد، در اواسط قرن (۷) عیسوی، امپراطوری عیسوی مناطق بیشماری را در مصر، فلسطین، شام و... در مقابل قدرت نو ظهور مسلمانان از دست داد، این مسله بعدن باعث تهاجم گسترده عیسویان (جنگهای خونین دوصد ساله صلیبی) علیه بلاد اسلامی گشت، این جنگها و زدوخوردها بعدها در اندلس و بالکان و اروپای شرقی، بحیره مدیترانه و شمال افریقا تا اوایل قرن (۲۰) عیسوی دوام داشت، نقش اروپا و عیسویان در تضعیف و سقوط خلافت عثمانی، وسلطنت بابری هند کاملن آشکار است. سرزمینهای بیشماری اسلامی، منجمله شبه قاره هند، دهها مملکت در افریقا، شرق میانه، غرب سایبریا، شمال قفقاز، آسیای مرکزی، قسمت‌های شمالی و مرکزی جزیره فلیپین به مستعمرات اروپایان مبدل گشتند. ایجاد دولت یهود در قلب کشورهای اسلامی از شاهکار غرب علیه مسلمانان بود، بیشترین تجاوزات مستقیم علیه کشورهای اسلامی توسط عیسویان صورت گرفته است، تجاوزات سه مراتبه ای انگلیسها علیه افغانستان، تجاوزات روسها علیه بلاد اسلامی در غرب سایبریا، شمال قفقاز، آسیای میانه، اشغال ایران طی جنگ دوم توسط شوروی و انگلیس، اشغال عراق بعد از جنگ اول جهانی، اشغال لبنان دوبار (۱۹۵۸ و ۱۹۸۲)، تجاوز (فرانسه - اسرائیل - و انگلیس) بالای مصر (۱۹۵۶)، تجاوز شوروی بر افغانستان، تجاوز امریکا و غرب بر افغانستان (۲۰۰۱ - ۲۰۲۱)، تجاوز غرب بر عراق (۲۰۰۳)، تجاوز بر سومالیه (۱۹۹۳) تجاوز بر علیه یمن و....

طرفداری از کودتاهای ضد ملی و پشتیبانی از حکومت‌های مفسد و غیر ملی و.....

خلاصه غریبان مسلمانان را دشمنان خود دانسته و در راه رشد و ترقی کشورهای اسلامی مانع بزرگ شمرده می شوند.



### ۳- هندوان:

هندوان- خاصتن حزب بر سر اقتدار (بی جی پی) تعصب و کینه خیلی شدید در مقابل مسلمانان دارند، این کینه ورزان، سلطه یک هزار ساله اقوام مختلف مسلمان (ترکتبار - پشتون - مغول و...) را بر هند و ایجاد تمدن درخشان را نادیده گرفته و از آنان بنام بیگانه و استعمارگر یاد می کنند، هرگاه ریس جمهور یک مملکت بزرگ خارجی مهمان دولت هند باشد، خواهش قلبی خود را اظهار می کند تا از بنای تاریخی (تاج محل) و یکی از عجایب جهان، که یادگار تمدن درخشان مسلمانان برهند می باشد، دیدن بعمل آورد، این عمل بالای هندوان متعصب خیلی گران تمام می شود، و در صدد استند که آثار تاریخی مسلمانان را در هند از بین ببرند، چنانچه در سال (۱۹۹۳) مسجد تاریخی (بابری) را شهید ساختند، این عمل یک تعرض آشکار علیه اعتقادات یک دین بزرگ و توهین به پیروان آن بود، ستره محکمه هند هم با نظر داشت دشمنی دیرینه با مسلمانان، اجازه ساخت مندر هندوان را به عوض مسجد مسلمانان داد و نریندرا مودی در ماه مارچ ۲۰۲۴ و منحیث تبلیغات انتخاباتی آنرا افتتاح کرد.

**تلف شدن حقوق مسلمان ها، در اثنای تقسیم هند :**

### الف - بی عدالتی در تقسیم امکانات:

دربخش که بنام جمهوری هند مسمی شد، بیشترین امکانات اقتصادی، تخنیکی، نظامی و... از طرف بریتانیا استعماری به اختیار هندوان قرارداد شده، در پهلوی سایر کمزوری ها، قوت نظامی تحت اداره پاکستان هم خیلی ضعیف بود و در جنگ اول کشمیر (۱۹۴۷ - ۱۹۴۸) در

صورتیکه ایستادگی، فداکاری و مقاومت قوت‌های قومی پشتون نمی‌بود، پاکستان قادر به کنترل یک سوم حصه کشمیر هم نمیشد.

### ب - غصب کشمیر توسط هندوان:

تقسیم شبه قاره به اساس تعلق مذهبی صورت گرفت، ولی درمورد کشمیر، با اکثریت مسلمان فیصله بعمل آمد تا بعدن تحت اداره و سرپرستی ملل متحد رفراندوم برگزار شده و سرنوشت کشمیر به اساس اراده مردم آنجا منحصراً یک کشور آزاد، الحاق با هند و یا پاکستان تعیین گردد، ولی بد بختانه با گذشت (۷۷) سال از تقسیم شبه قاره هند، دوسوم کشمیر توسط هند و یک سوم آن توسط پاکستان اشغال شده و اداره می‌شود، ولی از مردم کشمیر در مورد تعیین سرنوشت شان سوالی نشد! طی دوران بعد از استقلال هند، که در حقیقت هندوان بعد از (یک هزار) سال حکومت مسلمانان و انگلیسها، دوباره قدرت سیاسی را بدست گرفتند، بنابر عقده مندی تاریخی مظالم بیشمار را در حق مسلمانان روا داشتند و اکنون هم این سلسله دوام دارد.

### ث: اشغال منطقه مسلمان نشین حیدرآباد دکن توسط هندوستان:

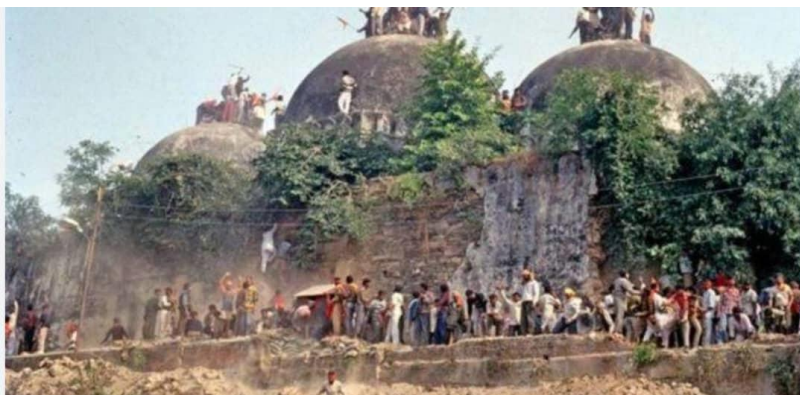
تقسیم هندوستان بر مبنای مذهب صورت گرفت. منطقه مسلمان نشین حیدرآباد دکن، در ابتدای تقسیم هند منحصراً یک سرزمین آزاد اسلامی پذیرفته شده بود، مدت یک سال حکومت تحت سرپرستی مسلمانان بر سر قدرت بود، در ۱۳ سپتمبر ۱۹۴۸ به امر صدراعظم هند ( نهر و پدر ایندراگانندی ) و توسط سردار پتیل معاون نهر و وزیر داخله اشغال شده و به خاک هند ضمیمه ساخته شد، و در قتل عام بعدی بیشتر از (۴۰) هزار مسلمان کشته شدند. در اشغال حیدرآباد نظر ( ترومن ) ریس

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۱۵۵

جمهور وقت امریکا کاملن به طرفداری از اقدام نهرو بود. ملل متحد، جهانیان و منجمله کشورهای اسلامی در مورد خاموش بودند.



منطقه آزاد حیدر آباد متعلق مسلمانان در نقشه هند، که صرف یکسال دوام آورد، بعدن توسط هندوان اشغال شد!



تخریب آثار تاریخی و مذهبی اسلامی، و بعضن مسخ آن!  
تخریب مسجد بابر، و اعمار مندر به عوض آن!

## ج- حذف فصل تاریخ درخشان مسلمانان در هند از کتب درسی

### مکاتب و معرفی مسلمانان منحیث اشغالگران:

هندوان متعصب تاریخ هزار ساله درخشان هندوستان را، که طی آن تمدن بزرگ شکل گرفت و هندوستان را از لحاظ ترقی اقتصادی به اوج رساند، از کتب درسی مکاتب حذف نموده اند، به دلیل اینکه درین دوره مسلمانان بر مسند قدرت نشسته بودند، این یک جفای بزرگ و نشان دهنده تعصب کورکورانه نریندرا مودی و پیروان وی می باشد، تبلیغات این سیاه اندیشان، مسلمانان شبه قاره و خاصتن ( ۲۰۰ میلیون) مسلمان ساکن هند را اولاده اشغالگران خارجی معرفی می کنند. در شبه قاره هند ( هندوستان - پاکستان و بنگله دیش ) در حدود (شش صد) میلیون مسلمان زندگی بسر می برند، تعداد مسلمانانی که هزار سال قبل به سوی هندوستان رخ نمودند، بیشتر از چند هزاری نمی شدند، واکثرن شامل سربازان و مجاهدین مرد می بودند، چنانچه تمام قشون احمد شاهی اعزام شده به صحنه نبرد ( پاتی پت سوم ۱۷۶۱) با نیروهای مسلمان مقیم هند بیشتر از (۶۰) هزار نبود، که ثلث آن هم در جنگ کشته شدند، همینطور قبل از آن، ظهیرالدین محمد (بابر) با (۲۰) هزار سرباز افغان در جنگ پانی پت اول شتراک کرده و برنده شد، به اینصورت تعداد نوادگان این مردمان به هیچ صورت به (۶) صد میلیون نمیرسند، پس واضحن ثابت می گردد، که اکثریت مطلق این چند صد میلیون مسلمان موجوده شبه قاره هند اولاد هندوهای ساکن هندوستان اند، که با درک حقانیت اسلام وتشخیص شرک و تبعیض موجود در هندویزم به اسلام گرویده اند، و امروز بخش بزرگ جهان اسلام ( ۳۰٪ ) انرا تشکیل می دهند، از طریق آزمایش (DNA) مسلمانان هند می توان ثابت ساخت، که اکثریت مطلق

مسلمانان هند، جد مشترک با هندوان دارند. شخصی از یک مسلمان پاکستانی سوال کرده بود، که پاکستان چه وقت تشکیل شد؟ وی در جواب گفته بود (زمانیکه اولین هندو مسلمان شد!) دعوای هندوان متعصب در مورد هویت بیگانه مسلمانان هند بی اساس بوده و صرف بیانگر عقده و احساس کمزوری تاریخی آنان در مقابل مسلمانان و تمدن عالی آنان است.

امروز در هند (۲۰۰) میلیون مسلمان از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... کاملن به حاشیه رانده شده اند، به اساس فیصدی نفوس باید حد اقل چهار نفر مسلمان در کابینه هند عضویت داشته باشند، ولی صرف یکنفر و آنهم وزیر بی اهمیت امور مذهبی بنام (نقوی) عضویت دارد، در حالیکه در زمان اقتدار حزب کانگرس چهار نفر از روسای جمهور هریک (داکتر ذاکر حسین، فخرالدین علی احمد، داکتر هدایت الله و داکتر ابوالکلام) مسلمان بودند، داکتر ابوالکلام دانشمند بزرگ و سازنده و پدر راکتهای بالستیک اتمی هند هم شمرده می شود، در ادارات دولتی هم مسلمانان کمتر به نظر می رسند. در سینمای پر درآمد هند امروز هم فلمهای هنرمندان مسلمانان مثل شاهرخ خان، سلمان خان، عامر خان، سیف علی خان و... پر فروش ترینها می باشد.

رول مدیای هندی، منجله سینما پر بیننده آن در نفرت پراگنی علیه مسلمانان و پروپاگند غلط علیه آنان خیلی منفی است، اکثرن در نقش رهبران باندهای قاجاق، دزدان، تروریستان و آدمکشان، مسلمانان به تصویر کشیده می شوند و نشان داده می شود که اینها در پهلوی انجام دادن جرم، جنایت و آدم کشی مسلمانان معتقد و پابند صم و صلوات هم هستند!



لت و کوب زن بیگناه مسلمان هندی توسط پولیس بی رحم هندو، نشان دهنده وضعیت ناگوار بشری مسلمانان در هندوستان می باشد!

بزرگترین سازمان تروریستی خطرناک موجود جهان، نه داعش است نه القاعده، بلکه سازمان است بنام ( آر اس اس )، بازوی عملیاتی حزب بر سر اقتدار افراطی هندو ( بی - جی - پی )، این سازمان تروریستی در سال (۱۹۲۵) تحت سرپرستی استعمارگران انگلیس و برعلیه مسلمانان بوجود آمد، جنایات بیشماری طی این ( ۹۹ ) سال علیه مسلمانان و هم هندوان مخلص از طرف این سازمان تروریستی انجام شده است، منجمله قتل (گاندی) در ۱۹۴۸، اکثر کشتارهای مسلمانان، تجاوز به زنان، شهید ساختن مساجد و آتش زدن قران پاک بدست همین سازمان مسلح با (۶) میلیون عضو صورت می گیرد، ولی هیچ کسی جلودارش نمی باشد، غریبان هم ازینکه کدام خطری ازان متوجه شان نمیشد، درمورد جنایات ان عکس العمل نشان نمیدهند، و هم میدیای غربی در مورد آن خاموش است.

یک دشمنی بزرگ و آشکارای هندوان علیه مسلمانان توطیه جدایی پاکستان شرقی از پاکستان غربی بود، که هندوستان به کمک شوروی وقت این پلان را عملی کرد، و کشوری بنام بنگله دیش تحت زعامت شیخ مجیب الرحمن ایجاد گردید، بنگله دیش از هر نگاه تحت تاثیر هند قرار دارد، در ماه اگست ۲۰۲۴ بالاثر قیام مردم بنگله دیش، خاصتن محصلین، شیخ حسینہ مجیب رهبرگوش به فر مان هند، ناچار به فرار از کشور شده و به دامان بادار خود پناه برد.

### چ - فیصله‌های ظالمانه محاکم برضد مسلمانان :

محاکم هند در قضایای مربوط مسلمانان بیطرفانه قضاوت نکرده و از هندوهای متجاوز طرفداری می‌کنند.

در قضیه شهادت مسجد تاریخی بابری، نه تنها به عاملین آن جزا داده نشد، بلکه برخلاف فیصله اولی مسلمانان از اعمار مسجد در منطقه منع کرده شدند.

در قضایای حملات هندوان بالای مسلمانان و قتل و کشتار آنان محاکم در صدور فیصله چندین سال تعلل ورزیده و چون اکثرن شواهد وقایع فوت کرده می‌باشند، بنان به دلیل فقدان شواهد متهمین هندو را رها می‌کنند.

در سال ( ۲۰۰۲ ) در گجرات هند در فسادات ( مسلم کش ) بیشتر از ( ۳۰۰۰ ) مسلمان بیگناه به شهادت رسیدند، وزیر اعلی وقت که مستقیمین درین کشتار ملوث بود، به عوض توبیخ توسط محکمه، ارتقای رتبه یافته و امروز صدراعظم هند است - نریندرا مودی!



هندوان افراطی معتقد به عقیده ( هندوتوا ) به این مفکوره اند، که باید ممالک افغانستان، پاکستان، نیپال، سریلانکا، بنگله دیش، بوتان و میانمار جز هند بزرگ ( اکاند بهارت)، و پیرو هندویزم باشند!

### بودایان:

کشورهای بودایی و مردم آن در آزار، اذیت و قتل و کشتار و تخریب خانه و کاشانه مسلمانان هم دست دارند، کشورهای سریلانکا، تایلند، و خاصتن میانمار درین امر خیلی پیشقدم اند، مردم مسلمان روہینگا در شمال میانمار مورد تهاجم دولت قرار گرفته و به هزاران نفر آنان کشته شده و بالای هزاران زن تجاوز صورت گرفت، خانه‌های شان به آتش کشیده شده و به تعداد یک میلیون روہینگایی مجبور به فرار به بنگله دیش شده و مدت ( ۷ ) سال است که در حالت فلاکت بار در منطقه کوکس بازار بنگله دیش در کمپ‌های مهاجرین بود و باش دارند!



عکس العمل جامعه جهانی مثل همیشه در قبال مصایب این مسلمانان هم بی تفاوتی کامل است!



آتش زدن منازل مسلمانان توسط دولت بودایی، در میانمار!

### کمونیستان:

در زمان اوج اقتدار کمونیسم اقلیتهای مسلمان در تحت حکومت استبدادی به اصطلاح کارگری شوروی، مورد ظلم و ستم فراوان قرار داشتند، افغانستان و کشورهای آسیای میانه، قزاقستان و شمال قفقازازان زمره بودند، چینایان با وجودیکه با اتخاذ سیاستهای بازار آزاد و اجازه فعالیت به سکتور خصوصی از کمونیسم فاصله گرفته اند، ولی سیاستهای خشن و ظالمانه کمونیستها در مقابل اقلیتهای مذهبی را حفظ کرده و در عمل به آن می‌پردازند، در حدود (۴۰) میلیون مسلمان در چین، و خاصتن در منطقه سنکیانگ یا ترکستان شرقی زندگی بسر می‌برند، درین منطقه مسلمانان ترک تبار ( اویغور) که تعداد آن‌ها بیشتر

از ( ۱۵ ) میلیون می‌باشد، زندگی نهایت با مشقت را به سر می‌برند، سیاست ضد اسلامی چین در قبال این مردمان، زندگی را بر آنان خیلی تنگ ساخته است، بیشتر از یک میلیون مسلمان در محابس و توقیف خانه‌ها انداخته شده اند، رفتن به مسجد، داشتن ریش، پابندی به روزه و... بهانه خوبی برای زندانی شدن مسلمانان و مخصوصن جوانان می‌شود، حکومت چین پروگرام خیلی شدیدی را برای تغییر عقیده مسلمانان و تلقین افکار کفری در بین آنان بکار انداخته است، در کمپ‌ها روزانه چندین ساعت دروس الحادی تدریس گردیده و واضحن به آنها گفته می‌شود، که اقرار نمایند مسلمان نیستند، کسانیکه در مقابل این فشارها مقاومت کنند، شدیدن مجازات می‌شوند، بدبختانه جامعه جهانی و هم کشورهای اسلامی توجه به حال این مسلمانان نگون بخت ندارند!

در افریقا هم مسلمانان از جور و ستم سایر اقوام، مخصوصن عیسویان عذاب می‌کشند، خاصتن در کشورهای افریقای مرکزی، انگولا و رواندا.

خلاصه در پنج قاره جهان مسلمانان مورد آزار و اذیت و ظلم و ستم و ناروای بیحد قرار داشته و هیچ گروهی مذهبی در دنیا پیدا نمیشود، که به شکلی از اشکال با مسلمانان دشمنی نکرده باشند، این عداوت بیجا بوده و مسلمانان هیچ گناهی ندارند.

بیشترین تشویشی که غرب از دین اسلام دارد، عبارت از آن است که نظام اسلامی از هر لحاظ گزینه خوب و بدیل مناسب برای این نظام ناکارآمد موجود، می‌باشد، خصوصن از لحاظ اقتصادی و مخالفت با نظام ویران کن ( سودی )، طرفداری اسلام ازتأمین عدالت اجتماعی و پابندی به اصول اخلاقی پسندیده و مخالفت با هر نوع تبعیضات .

## جای نهایت تعجب است!

در جهان امروزی پیروان اسلام و کشورهای اسلامی مورد تعدی و تجاوز خیلی ظالمانه قرار دارد، حداقل این مظالم غیر انسانی هیچ نوع بازتاب و عکس العملی در میدیای جهانی ندارد، چه رسد به آنکه به این مسایل مسلمانان رسیدگی شود!

بدترین و وحشیانه ترین نمونه این ظلم و بی تفاوتی قضیه تجاوز بی رحمانه اسراییل بر باریکه غزه است، طی این حملات وحشیانه که در تاریخ جنگهای جهان مثال ندارد، بربریت و وحشت به اوج خود رسیده است، هزارن نفر کشته شده که بیشترین تعداد قربانیان را اطفال و افراد ملکی تشکیل می دهند، غزه به ویرانه تبدیل گردیده و از بود و باش باز مانده است. شفاخانه ها بر خلاف کنوانسیون های جهانی بمبارد شده، پرسونل طبی و زخمیان و مریضان به قتل رسیده اند، امکانات تداوی وجود ندارد، حالت قحطی عمدی بر ( ۲.۵ ) میلیون نفوس غزه مستولی ساخته شده است، اطفال از گرسنگی می میرند، در حالیکه صدها لاری مملو از مواد غذایی در آنطرف سرحد و در صحرای سینا انتظار ورود به غزه را می کشند، ولی وحشیان صیهونیستی و حامیان غربی آن اجازه ورود به آن را نمیدهند، هدف گرسنه نگهداشتن مردم فلسطین و مجبور ساختن آنان به کوچ از غزه است، از گرسنگی دادن منحيث یک اسلحه کار گرفته می شود. بعد از غزه اکنون نوبت بربادی لبنان فرارسیده است، حملات وحشیانه اسراییل علیه مردم ملکی مسلسل دوام دارد، بالاثرب این تجاوزات هوایی و زمینی یهودان بیشتر از ( ۱۴۰۰ ) لبنانی بیگناه کشته شده، مناطق مسکونی فراوانی به خاک یکسان شده، وبشتر از ( ۱،۲ ) میلیون نفر، که ( ۲۵٪ ) تمام نفوس کشور را در بر می گیرد، آواره شده اند. این جنایات علیه بشریت و نسل کشی است، که با قساوت تمام از طرف اسراییل و

امریکا اجرا می‌شود، اکثریت ملل جهان خواهان ایجاد آتش بس و ختم جنگ اند، ولی پلان حامیان دروغین حقوق بشر چیز دگر است، آنان تلاش دارند تا غزه، غرب اردن و قسمت های جنوبی لبنان را از سکنه عرب خالی ساخته ان را به خاک اسرایل مدغم ساخته و بخشی از پلان اسرایل بزرگ را عملی سازند!

مادر فلسطینی با طفل نوزادش که توسط وحشیان یهودی به شهادت رسیده اند!



آفرین باد بر صبر، حوصله، استقامت و پایداری مردم غزه که ازایمان و عقیده راسخ آنان منشه می‌گیرد، هرگاه به عوض (۷۰) هزار تن بمب فروریخته بر غزه (۱۰) عدد بمب (۵۰۰) کیلویی بر تل ابیب و یا حیفا انداخته می‌شد، جهانیان صحنه ترس و وحشت و فرار صیهونیستان را ناظر می‌بودند، چنانچه دراثنای حمله راکتی اول اکتوبر (۲۰۲۴) ایران

بالای اسراییل ما شاهد سراسیمگی و فرار یهودان، به شمول نتانیا هو، بودیم.

جنگ غزه با تمام تلفات انسانی و بربادی که به جانب فلسطینیان به بار آورده است، ولی یک تاثیر فوق العاده بزرگی را به میان آورده است، و ان تاثیرین است که هرگاه یک ملتی کوچک که از لحاظ نفوس، قوای رزمی، امکانات و... به محدودیت‌های زیاد مواجه باشد، ولی اراده کند که برای حقوق حقه خود برزمد وازان دفاع کند، می‌تواند در مقابل بزرگترین قدرتهای طاغوتی ایستادگی کرده و از موقف خود با مردانگی دفاع کند، واین به نظر بنده شروع یک انقلاب است که منطقه، جهان عرب، جهان اسلام و سایر کشورهای دنیا را به حرکت خواهد آورد، مردمان کشورهای عربی و اسلامی که رهبران آن‌ها با بی غیرتی و بی همتی نظاره گر این تراژیدی بزرگ بودند، بلکه در خفا با دشمن صیهونیستی همکاری داشتند، بیش از پیش از رژیم‌های خاین خویش متنفر شده و بیدار می‌گردند و دیر یا زود شاهد تغییرات عمده سیاسی و اجتماعی مثبت درین کشورها خواهیم بود - ان شاءالله!

تجاوز وحشیانه اشغالگران و استعمارگران صیهونیستی بر غزه در تاریخ جنگ‌های دنیا از هر لحاظ مثال ندارد، منطقه خیلی کوچک با وسعت (۳۴۰) کیلومتر مربع با بود و باش (۷) هزار نفر در یک کیلومترمربع، از لحاظ استعمال کثرت قوای نظامی توسط اسراییل (یک نفر سرباز در مقابل ۵ نفر غیر ملکی) مقدار بمب‌های استعمال شده در هر کیلومترمربع و مقدار مواد منفجره برای فی باشنده غزه، فیصدی بلند تلفات وارده بر باشندگان (۷٪) نفوس مجموعی ملکی کشته، زخمی و مفقودالاثربوده و بیشتر از (۸۰٪) منازل رهایشی ویران شده، (۹۰٪) مردم آواره و دربدر

شده اند، تقریباً تمام شفاخانه‌ها بمبارد شده، دوا برای تداوی زخمیان عادی هم وجود ندارد، قحطی شدید عمدتاً بر مردم و مخصوصاً در ماه مبارک تحمیل گشته، ولی اسرائیل به کمک آمریکا و حامیانش اجازه ورود مواد خوراکی را نمیدهند، گرسنگی دادن منحصراً یک سلاح کشنده برای وادار ساختن مردم به ترک غزه استعمال می‌شود، خون ریزی و کشتار خونخواران بزرگ تاریخ مثل چنگیز، اتیلا، هتلر، استالین و... در مقابل این ترور و وحشت خلق شده توسط صیہونیستان و شرکای غربی اش برابر به هیچ است، به این دلایل وجهه و اعتبار آمریکا و سایر شرکایش در جهان خیلی صدمه دیده و دگر دعوی و طرفداری از حقوق بشر و دیموکراسی آن‌ها کسی را فریب نمیدهد، مخالفت با دولت اسرائیل در جهان خیلی زیاد شده و بایکات خرید امتعه شرکت‌های بزرگ یهود در جهان تأثیرات خود را داشته است، کشورهای زیادی در جهان از موقف فلسطینی‌ها طرفداری نموده و به صبر و حوصله و ایستادگی آن‌ها در مقابل وحشت ایجاد شده توسط قوم ظالم یهود آفرینی می‌گویند و این ایثار و فداکاری آن‌ها باعث گردیده که عده زیاد مردم به اسلام بگردند! حقانیت مبارزه فلسطینی‌ها کشورهای زیادی را در جهان غیر اسلامی به طرفداری آنان واداشته است، چنانچه کشور افریقای جنوبی علیه دولت صیہونیست در محکمه بین المللی (لاهاه) اقامه دعوی نموده که نتیجه مثبت از آن حاصل شد و سایر کشورها هم گام‌های مشابه برداشتند.

شهر ویران گشته، ده‌ها هزار طفل، زن و مرد به شهادت رسیده، و به هزاران نفر دگر زخمی اند، غذای کافی وجود ندارد، حکومت‌های خائن اسلامی به آنان پشت کرده و آن‌ها را در مقابل دشمن وحشی تنها گذاشته اند، ولی با تحمل تمام این بدبختی‌ها و مصایب طاقت فرسا، این

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۱۹۷

فامیل داغدیده و شهید داده، فریضه بزرگ خداوندی را بجا آورده و با چهره بشاش و لب خندان منتظر گلبانگ محمدی استند، تا با شنیدن صدای آن از کدام مسجد شهید شده افطار نمایند! این صبر، استقامت، بردباری و پایداری از عقیده محکم و ایمان راسخ یک مسلمان راستین متصور است!



آیا این ملت مغلوب خواهد گشت؟



این تصویر یهودان ترسو را، با تصویر فامیل شجاع و با روحیه فلسطینی در فوق مقایسه کنید!

اصلاح بنیادی نظام و یا تغییر آن بنیادی آن، نکته اساسی بحث ما است! بی عدالتی، ظلم، ناروا، تضادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی موجود در نهاد نظام، وعقب ماندگی اکثریت جهان ناشی ازین سیستم نا میمون و ... اصلاح اساسی و یا تغییر آن را ناگزیر می سازد، این تغییرچه از راه اصلاحات باشد و یا از راه زور آمدنی است، فقد منتظر زمان استیم، که اینکار چه وقت عملی شود!

رسالت مسلمانان در آوردن این تغییر بیشتر از دگران است، زیرا بیشترین ظلم، بیعدالتی و فشار را همین مسلمانان تحمل می کنند، و باید هم درین کار خیر پیشقدم شوند، اسلام بهترین جایگزین برای این نظام غیر انسانی می باشد!



## فصل هشتم!

### عوامل داخلی تاثیرگذار بر عقب ماندگی:

منظور از تحریر کتاب هذا مزمت از نظام ناعادلانه موجود می‌باشد، که بر منافع اقلیت جهان تکیه داشته و پروای اکثریت عقب مانده و نادار را ندارد، پروسه عقب ماندگی که امروزه گریبانگیر مردمان ما شده، ناشی از عملکرد غیر انسانی همین نظام است و با آن ارتباط ناگسستنی دارد، که به آن در صفحات قبلی پرداخته شد، ولی عقب ماندگی عوامل متعدد داخلی هم دارد، که از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و... به آن هم می‌پردازیم:

#### ۱ - سیاسی:

موجودیت نظام سیاسی فاسد غیر ملی، غصب قدرت به شیوه‌های غیر مردم پسند، اکثرن دست نشانده، الیگارشسی (گروه کوچک حکمران غیر منتخب، فاسد، غیر مسول در مقابل مردم، چپاولگر، مورد بیزارای اکثریت مطلق و...).

موجودیت ضعیف فعالیت‌ها واحزاب سیاسی، در صورت موجودیت تکیه بر مسایل قومی، سمتی، لسانی و... .

بیعلاقگی عامه مردم به مسایل سیاسی، وغرق بودن در فقر و غربت خود.

#### ۲ - اجتماعی:

عدم تشکیل ملت، عدم موجودیت وحدت ملی، موجودیت تفرقه و بی اتفاقی در بین مردم، بی‌علاقه گی مردم به مسایل ملی، موجودیت سطح بلند بی سوادی، موجودیت تنبلی و اهمیت ندادن به ارزش وقت!

### ۳ - اقتصادی:

کمبود ویا نبود زیربناهای اقتصادی، صنعت ضعیف، صرف موجودیت صنایع خفیفه، مثل پلاستیک سازی و صنایع غذایی مثل بیسکویت سازی و چپس و ... صادرات کم و صرفن مواد خام، واردات زیاد، بیشتر مواد استهلاکی و مصرفی، مقروضیت زیاد در مقابل کشورهای شمال، مقدار این قروض سال به سال اضافه شده می‌رود، بدترین معضله در کشورهای عقب مانده مقدار همین قرضه‌های کشورهای پیشرفته می‌باشد، که در هر نسل مقدار آن دوچند شده و توان پرداخت آن درتوان ممالک عقب مانده نبوده و تا زمانیکه نظام تغییر نکند، این بدبختی دامنگیر کشورهای عقب مانده بوده و سد راه ترقی آنان می‌باشد.

عاید سرانه درین کشورها خیلی پایین بوده و اکثرن یک فرد روزانه کمتر از (۱.۹۸) دالر امریکایی عاید داشته، که طبق نورم ملل متحد پایینتر از سطح فقر می‌باشد، بیشتر از یک میلیارد نفوس جهان گرسنگی می‌کشند، مصرف کالوری فی نفر درین ممالک کمتر از حداقل نورم جهانی قرار دارد.

امراض کشنده بیداد می‌کند، خدمات صحتی از لحاظ کمی و کیفی در سطح نازل قرار دارد.

کمبود راه‌های مواصلاتی پخته، مشکلات عمده شمرده می‌شوند. بیشتر از (۸۰٪) مردم در سکتور زراعت مشغول بوده ولی از انجایکه زراعت عصری نبوده و به شکل عنعنوی کشت وکار صورت می‌گیرد و بیشتر از گاو و آهن کارگرفته شده، بنان سطح حاصل دهی فی جریب زمین خیلی پایین بوده و تولیدات زراعتی، خاصتن غله و دانه در مقابل اسعار خارجی، واردمی‌گردد، از خرمن تا گدام و مارکیت بیشتر از (۲۰٪) محصولات زراعتی تلف می‌شود.

### مصارف بلند نظامی:

مصارف نظامی در کشورهای عقب مانده خیلی زیاد بوده و فیصدی آن در بودجه دولتی بلند می باشد، در حالیکه فیصدی بزرگ مردم در فقربسر می برند، بکارگیری پول مصارف نظامی می تواند در کم کردن فقر مسلط بر جامعه خیلی موثر تمام می شود.

### فرهنگی:

سطح پایین سواد باعث بوجود آمدن جهالت در جامعه می گردد، در پهلوی آن استبداد درین جوامع بیداد می کند. مشکل عمده کشورهای عقب مانده (خاصتن کشورهای اسلامی) در سه چیز است، استعمار، استبداد و جهالت، بد بختانه امروز هم سه پدیده منفی مذکور دامنگیر این کشورها اند، در مورد استعمار در جایش صحبت شد، جهالت به قوت خود باقی است و استبداد همچنین بر اکثریت کشورهای دور از تمدن حاکم است.

حکومتها در کشورهای عقب مانده معمولن به سه طریقه به قدرت رسیده اند:

- یک تعداد زعمای مستبد، خاصتن در کشورهای اسلامی مثلن عربستان، اردن، امارات، بحرین، عمان، مراکش از طریق میراثی به قدرت می رسند.
- عده از زعمای کشورهای عقب مانده به دلیل وفاداری به استعمار نوین، در جای خود دوباره منصوب و ابقا می شوند، مثل تاجکستان، ازبکستان، قرغیزستان، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و ... رهبران این کشورها، ظاهرن با داشتن نظام جمهوری در حقیقت آمرین موروثی اند، وعده دگر از طریق کودتاها رویکا امده اند، مثل مصر، سوریه، الجزایر، لیبیا، بورکنافاسو، گابون وغیره.

- یک تعداد دگر مثل افغانستان دوره جمهوریت، پاکستان و... بالاثرا انتخابات، اما با تقلب گسترده رویکار آمده اند. این حکومت‌ها با داشتن اجنده از خارج دیکته شده، قصدن در جاهل نگهداشتن مردمان این کشورها رول فعال دارند. هکذا در مسایل و عوامل داخلی نکات منفی دگری هم موجود است که باعث پسمانی جامعه می‌گردد، مثلن مصارف گزاف و بیجا در مسایل عروسی‌ها و مرده داری‌ها، دشمنی یک قوم با دگری ومسله انتقام گیری‌ها، چشم پوشی از حقوق شرعی نسوان، بعضن ندادن حق میراث به آنان، اجازه ندادن بیوه به ازدواج مجدد خارج از فامیل شوهر سابق، محروم ساختن زنان از حق تعلیم و... .

خلاصه عوامل داخلی هم تا اندازه درعقب ماندگی جوامع پسمانده رول دارند، باید متذکر که درینجا هم دست خارج دخیل می‌باشد، مخصوصن در انتصاب رهبری و پشتیبانی از ان، چشم پوشی از پایمالی حقوق بشری درین کشورها، عقد قراردادهای تجارتنی ظالمانه، جلوگیری از صنعتی شدن کشور، تضمین ارسال منظم وارزان مواد خام مورد ضرورت صنایع غرب، فروش سلاح، ایجاد بحرانهای سیاسی و نظامی بین ممالک و... .

راه حل معضلات داخلی هم بعدن به بحث گرفته می شود.

## فصل نهم!

### حل معضلات موجود در بطن نظام برحال:

درینجا بحث معضلات نظام برحال جهانی رابه پایان می‌رسانیم، تا اندازه که لازم بود به آن پرداخته شد، مخصوص اینک این سیستم تا چه اندازه مانع رشد کشورها بوده و در عقب ماندگی رول دارد.

اکنون می‌پردازیم به پیشکش راه حل های تمام معضلات فوق الذکرکه از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، ایدولوژیکی، حقوق بشری و... دامنگیر جامعه بشری است، تطبیق آن شکل صلح آمیز داشته و امکان پذیر است، با تطبیق آن می توان گفت که یک جامعه تا حدی زیاد پیشرفته می داشته باشیم و مسایل فقر، گرسنگی، تبعیضات، عقب ماندگی و... تا اندازه قابل قبول، از بین خواهد رفت!

### راه حل معضلات ناشی از موجودیت نظام موجوده جهان:

مشکلات موجود جهان امروزی ساخته دست بشر بوده و ناشی از موجودیت یک نظام ناعادلانه و استوار بر منفعت اقلیت محدود جامعه بشری می‌باشد، سردمداران نظام برحال هرگاه عاقلانه و هوشیارانه بیاندیشند و بشردوستانه عمل کنند، با صراحت گفته می‌توانیم که بر ناخوشگوارهای جهان فایق آمده می‌توانیم، و در نتیجه آن طی چند دهه شاهد یک جهان پیشرفته خواهیم بود، که در آن از فقر، گرسنگی، بیسوادی جنگ‌های مرگبار، امراض کشنده، تبعیض و عقب ماندگی اثری کمتری دیده شده، و جهان برای زیستن باشندگان آن واقعن به یک مکان

دلخواه مبدل خواهد شد. امروز مواد مورد ضرورت انسان‌ها از قبیل خوراک، پوشاک، پول و سرمایه، امکانات زندگی کم نمیباشند و نیاز باشندگان موجود جهان با ( ۸ ) میلیارد انسان را به خوبی پوره کرده می‌تواند، با مواد غذایی موجود (۳۰٪) نفوس یا (۲.۴) میلیارد انسان دگر هم به خوبی تغذیه شده می‌توانند، پس گرسنگی کشیدن ( یک ) میلیارد انسان برای چه؟

پول و سرمایه کافی برای بهبود جهان عقب مانده و ازبین بردن عقب ماندگی موجود است، دوا کافی در سطح جهان تولید می‌شود، که امراض کشنده در جهان عقب مانده را توسط آن مداوا کرد. بعد از ختم جنگ سرد زمینه خیلی مساعد شده بود که ازبحرانات سیاسی و جنگهای خانمانسوز که سالانه باعث مرگ هزاران انسان می‌گردد، جلوگیری نمود، مسایل دیرینه جهان مانند مسله فلسطین، کشمیر، کانگو، تبت، و... با توجه جدی جامعه بین المللی و اقدامات مسولانه سازمان ملل متحد حل شده می‌توانند، ولی بدبختانه نظام ناعادلانه وموجودیت افکار توسعه طلبانه و منافع استعمار نوین مانع ازینکار می‌شود.

در نتیجه پروسه جهانی شدن، که دنیا و مردمان آنرا خیلی با هم نزدیک ساخته است، حل مسایل و معضلات امروزی بشرخیلی امکان پذیر شده است!

تمام مسایل فوق الذکر قابل حل اند، در صورتیکه توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی ومالی، موادغذایی، امکانات تخنیکی و تکنالوژیکی، تبعیضات ناروا و ... از میان برداشته شود!

حل پرابلم های انسانی، یک اراده قوی و تصمیم راسخ، تقویت روحیه همنوع دوستی، احترام به حقوق بشر، توجه جدی به حالت زار انسان

های کشورهای عقب مانده را از سردمداران نظام موجود طلب می کند، در نتیجه یک سلسله اصلاحات عمیق، تغییرات بنیادی در تمام عرصه های زندگی بشر امروزی رونما شده می تواند، نظام سرمایه داری یکبار قبلن در اواخر قرن (۱۹ و اوایل قرن ۲۰) با چلنجی که از طرف کمونیست ها به میان آمده بود، مواجه شد، و قریب بود که سررشته حکومت داری را در مقابل کارگران انقلابی از دست بدهد، اما عملکرد بموقع و هوشیارانه آنها باعث نجات نظام شد، و آن عبارت از آوردن اصلاحات بنیادی در وضعیت زندگی کارگران جوامع غربی بود، و در نتیجه باعث بهبود نمایان در زندگی کارگران کشورهای غربی گردیده، تا اندازه ای که زندگی یک کارگر آلمان غرب به مراتب بهتر از زندگی کارگران در طی نظام کمونیستی در شوروی و بلاک شرق بود، بهتر شدن شرایط زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... طرز تفکر انقلابی را از دل و مغز کارگران غربی بیرون کرده، و دگر آن ها بر بادی نظام سرمایه داری را نمیخواستند، و هر نوع تقاضای خود را از طریق اتحادیه های کارگری نیرومند خویش مطرح ساخته و از طریق اقدامات صلح آمیز به خواسته های خود می رسیدند، به این ترتیب نفوذ احزاب چپی و کمونیستی در بین کارگران غربی خیلی کم گردید، و نظام های غربی دگر ترسی از کمونیزم به دل راه نمیدادند.

### اکنون یکبار دگر نظام جهانی با یک چلنج بزرگ مواجه است!

از جمله تمام (۸) میلیارد نفوس جهان (۶.۴) میلیارد آن در کشورهای عقب مانده زندگی بسر می برند، این مردمان نه تنها از سطح پایین زندگی به تناسب کشورهای پیشرفته برخوردار اند، حتی که بیشتر از (یک) میلیارد یا (۱۶٪) انسانان آن از گرسنگی رنج برده و فیصدی بزرگ مردم

باعاید کمتر از ( ۱.۹۸ دالر ) در روز زندگی بسر می‌برند، و سالانه بیشتر از ( ۶ ) میلیون مردم، خاصتن اطفال از گرسنگی هلاک می‌شوند، هم چنان از خدمات صحی خوب برخوردار نمی‌باشند، بیشترین جنگ‌های جهان (اکثرن نیابتی ) درین کشور بوقوع می‌پیوندند، این‌ها هم انسانان اند مثل آنان که در کشورهای پیشرفته از زندگی مرفه برخوردار بوده و از امکانات و سهولتهای یک زندگی خوب بهره می‌برند، انسان یک کشور عقب مانده هم باید از یک زندگی بهتری برخوردار گردد، و این حق او است.

زندگی مرفه در غرب، یا بهتر بگویم شمال، مدیون شرق ( جنوب ) است، درست است که (رنساس) و اختراعات و اکتشافات در اروپا صورت گرفته است، ولی این پول و سرمایه و مواد خام متعلق به کشورهای عقب مانده بود که طی دوران (چهار صد) ساله تجارت برده و استعمارکهن از کشور های آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین به سرقت برده شده و در آنجا بکار انداخته شد، که در ترقی و پیشرفت غرب تاثیر اساسی را داشته است، بنان مردمان کشورهای عقب مانده است حق دارند که بگویند اکنون از همان سرمایه خودشان درمحو عقب ماندگی جوامع آنان کار گرفته شود! طوریکه قبلن در صفحات گذشته هم تذکریافته، به شهادت اندیپندنت تنها بریتانیه از هندوستان طی دوره استعماری خویش بیشتر از (۴۴) هزار میلیارد دالر امروزی را به یغما برده است، این مقدار سرمایه است که توسط یک کشور استعماری اروپایی از یک مستعمره دزدی شده است، اینکه از تمام مستعمرات توسط اروپایان چه مقدار سرمایه چور و چپاول شده، حساب آنرا خودتان نمایید! بنان غرب وظیفه، مسولیت و مکلفیت تاریخی دارد، تا در رفع عقب ماندگی شرق سهم اساسی و انسانی بگیرد.



### ضرورت آمدن تغییرات و اصلاحات:

برای تغییر چهره ممالک عقب مانده به کمک جوامع پیشرفته نیاز مبرم است، تا اصلاحات عمیق در هر بخش از سیستم موجوده رونما گردد، این اصلاحات و تغییرات باید در برگیرنده بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مالی، ایدولوژیکی، فرهنگی و... باشد.

بهتر است این اصلاحات از بخش سیاسی آغاز یابد!

### بخش سیاسی:

اصلاحات در بخش سیاسی اولن باید از بزرگترین نهاد سیاسی جهان، یعنی سازمان ملل متحد آغاز یابد!

این سازمان جهانی وظایف محوله خویش را طوریکه لازم است بسر رسانده نمیتواند، عوامل متعدد ذیل باعث اینکار است:

نفوذ بیحد قدرتهای اتمی جهان (ایالات متحده امریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا) و مداخلات آن‌ها در امور سازمان. حق انحصاری (ویتو) و استفاده نامناسب آن به نفع خود وممالک دوست خویش، مشکلات در تشکیلات ولایحه وظایف مجمع عمومی و شورای امنیت، وضع محدودیت ها، قیود وتحریمهای خود خواسته علیه کشورهای رقیب، ناکامی در جلوگیری از بحرانات جهانی و جنگهای بزرگ طی ( ۷۹ ) سال موجودیت آن، کاربرد معیاردوگانه برای قضایای مشابه، ناکامی در حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، صحتی و... جهان.

بیعدالتی در انتخاب سرمنشی ملل متحد و نادیده گرفتن حق مسلمانان درینمورد.

## اصلاحات پیشنهادی برای حل معضلات موجود در سازمان ملل متحد:

### تفکیک صلاحیت‌ها بین مجمع عمومی و شورای امنیت:

بعد از ختم جنگ دوم جهانی، قدرت‌های فاتح آنوقت جنگ ( امریکا - شوروی - بریتانیا - فرانسه و چین ملی- بعد از ۱۹۷۱ چین کمونیست ) در اثنای تشکیل سازمان ملل متحد، برای شورای امنیت با ( ۱۵ عضو، ۵ عضو دائمی شامل قدرت‌های بزرگ و ۱۰ عضوعل البدل برای ۲ سال)، برای خود حق امتیازی (ویتو) را تخصیص دادند، که طبق آن مخالفت هریک از اعضای دائمی، مانع تصویب فیصله نامه شورای امنیت می‌گردد (در حالیکه در منشور ملل متحد کلمه ویتو رسمن ذکر نشده)، این مسله بالای تمام ممالک عضو جبرن قبولانده شده و در منشور ملل متحد درج گردیده است، برخلاف، فیصله‌های مجمع عمومی با داشتن (۱۹۳) عضو دارای ماهیت مشورتی بوده و الزام آور و اجرایی نمیباشد، این موضوع کاملن تبعیضی، غیر عادلانه و بر خلاف منافع اکثریت ملل جهان است. از ابتدا تاکنون بیشتر از ( ۲۶۰ ) بار از حق ویتو کار گرفته شده است، امریکا تنها در حمایت اسرایل اشغالگر بیشتر از ( ۴۷ ) بار از حق را استعمال نموده است، در تجاوز اخیر رژیم یهودی بر غزه، ( ۳ ) قطعنامه آتش بس توسط امریکا ویتو شد، در حقیقت در قتل ( ۴۰ ) هزار فلسطینی و ویرانی غزه دست امریکا دخیل است.

### پیشنهاد اصلاحی و راه حل موضوع:

تمام صلاحیت‌های شورای امنیت به مجمع عمومی انتقال یافته، وقضایای جهانی ارجاع شده به آن به اکثریت آرا به تصویب رسیده وتمام کشورها یکسان حق رای دهی داشته باشند، تمام فیصله‌های آن اجرا یی و الزام

آوربوده و اعضا به تعميل آن مکلف باشند، برای کشورهای که از تطبیق فیصله‌ها خوداری نمایند، جزای لازم مدنظر گرفته شود. فیصله‌های شورای امنیت صرفن جنبه مشورتی را داشته باشد، تعداد اعضای آن به (۳۰) عضوبند برده و حیثیت مجلس سنا در کشورهای اروپایی را داشته باشد، عضویت دایمی (۵) کشور دارای سلاح اتمی در شورای امنیت خاتمه یافته و حق ویتو آنان فسخ شده و منحصی یک عضو عادی موسسه ملل متحد بکار خویش ادامه دهند.

### تثبیت سهمیه کشورها در بودجه ملل متحد:

یکی از دلایل زورگویی قدرتهای بزرگ در ملل متحد پرداخت بیشترین حصه مصارفات سازمان ملل متحد توسط آن‌ها می‌باشد، ایالات متحده امریکا هم پابند همین اصل است، زیرا (۲۴٪) مصارف بودجه ملل متحد توسط ان تامین می‌شود، برای کم کردن نفوذ کشورهای غربی برین سازمان مهم جهانی، کم کردن سهمیه قابل پرداخت ان‌ها ضروری می باشد، اینکار امکان پذیر است.

کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، ایران، برازیل، مکزیکو، کوریای جنوبی، هندوستان، افریقای جنوبی، برونای و... که از توان مالی بهتری بر خوردار اند، باید سهمیه پرداختی خودرا بلند ببرند، چنانچه عربستان سعودی فعلن (۱.۱٪) مصارف سازمان ملل متحد را می‌پردازد، درحالیکه توان پرداخت پول بیشتر را هم دارد، به همین ترتیب بقیه کشورهای فوق الذکر می‌توانند سهم پرداختی خویش را بلند برده، وبه این حساب از نفوذ کشورهای بزرگ در سازمان ملل متحد کاسته شده می‌تواند.

### راه حل‌های ناتوانی سازمان ملل متحد در حل معضله عقب ماندگی:

مسایل حاد جهان عقب مانده امروزی در بر گیرنده مسایل، مثل گرسنگی، بی سوادى، موجودیت امراض کشنده، بیکارى، موجودیت فساد در دستگاه دولتی، سکتور ضعیف صنعت و برقراری سیستم زراعت عنعنوی، سطح زندگی پایین، جنگ‌ها، تبعیضات در تجارت بین‌المللی، اقدامات عمدی کشورهای غربی در جهت دوام عقب ماندگی،... می باشد.

برای حل این معضلات و بهبود کارکرد ملل متحد در وظایف محوله آن لازم است، که مسایل سیاسی و اعطای کمک‌ها به کشورهای عقب مانده باهم مرتبط ساخته نشوند، اینکار باعث کندی رشد کشورهای محتاج شده و فقر را دامن می‌زند، مقدار وجوه اختصاص یافته برای پروگرام‌های مختلف ملل متحد ناچیز بوده و با تناسب گسترده‌گی مصایب و مشکلات ممالک عقب مانده هماهنگی ندارد، علاوه بر مصارف اداری، خاصیت معاشات و مصارف سفر و بود و باش در هتل‌های لوکس و اتخاذ تدابیر امنیتی برای کارمندان ملل متحد، خیلی بلند بوده و بخش قابل توجه بودجه رامی بلعد، درین رابطه باید تجدید نظر صورت گیرد.

ناکامی بزرگ دگر ملل متحد در مسله خلع سلاح عمومی و اتمی می‌باشد، امروز نه تنها از کم کردن سلاح‌های ساخته شده بحث به میان نه می‌آید، بلکه مسابقه و رقابت بزرگ برای ساخت سلاح‌های کشنده جدید به شدت ادامه دارد.

همچنان ملل متحد در جلوگیری از بحران‌های محیط زیستی (گرمایش کره زمین آلودگی زمین از نگاه زباله‌های سوخت‌های دستگاه‌های انرژی اتمی و...) ناکام است.

برای حل معضلات محیط زیستی و گرمایش زمین هر کشور به اندازه فیصدی سهم در بوجود آوردن کاربن دی اکسید، مسولیت کم کردن انرا نیز دارد، این کشورها عبارت اند از چین، امریکا، هند، جامعه اروپا، اندونیزیا، روسیه، برازیل و جاپان.

در مورد استعمار نوین و رفتار تخریبکارانه، سودجویانه و استثمارگرانه آن در قبال کشورهای عقب مانده سازمان ملل متحد بالقوه امکانات زیاد دارد، ولی بدبختانه عملن کاری نه می کند و غرب هنوز هم مشغول بردن مواد خام این کشورها به نرخ نازل بوده و تلاش دارد تا از صنعتی شدن آن‌ها جلوگیری کند.

با تغییر چهره سازمان ملل متحد و صلاحیت یافتن مجمع عمومی و کمتر شدن نقش کشورهای بزرگ در موسسه ملل متحد می توان در زدودن معضلات فوق و کم کردن رول استعمار نوین در جهان بهتر عمل کرد!

یکی از معضلات دگری که گریبانگیر جهان امروزی می باشد، مسله مهاجرت مردمان از کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین به سوی شمال است، میلیون‌ها انسان در جهان به دلیل جنگ ها، فقر و غربت و دلایل سیاسی، رخ به طرف اروپا و امریکا می نمایند، با مخارج هنگفت و قبول خطر مرگ درین سفرها، زمانیکه این‌ها به مقصد می‌رسند، اکثرن با برخورد نامناسب، تبعیض آمیز و دوگانه کشورهای مبدا مواجه می‌شوند، در پذیرش یک مهاجر افریقایی و یا افغان با یک مهاجر یوکرایی تفاوت موجود است، و تبعیض زیاد درین بین وجود دارد.

فقر و عقب ماندگی دلیل عمده این مهاجرت ها می باشد، در صورتیکه شرایط زندگی درین کشورها بهتر شود، با اطمینان گفته می‌توانیم که در تعداد این مهاجرین کاهش فوق العاده بوقوع خواهد پیوست، واضح

است که رول یک موسسه ملل متحد فعال و با صلاحیت درین زمینه هم ممد واقع شده می تواند.

### بیعدالتی در انتخاب سرمنشی:

انتخاب سرمنشی ملل متحد نماینگرموجودیت تبعیض در سازمان ملل متحد و خاصتن قدرتهای غربی، در حق مسلمانان است، از ابتدای تشکیل این سازمان الی اکنون که ( ۷۹ ) سال می گردد، ( ۱۵ ) دوره انتخاب سرمنشی ملل متحد صورت گرفته است، به اساس فیصدی نفوس مسلمانان در جهان و تعداد کشورهای اسلامی در سازمان ملل متحد، باید اقلن ( ۵ ) نفر از سرمنشی‌های سازمان ملل درین مدت مسلمان می بودند، ولی متاسفانه تا اکنون یکنفر هم از آنان به این منصب مقرر نشده اند. در سال ( ۱۹۹۲ ) یک نفر از مصر برای این عهده انتخاب شد، که پطروس پطروس غالی نام داشت، وی مسلمان نبوده و به جامعه پر نفوذ عیسوی ( قبطی ) مصر تعلق داشت، به این تبعیض آشکار علیه مسلمانان خاتمه داده شود، ما برای این منصب کاندیدهای مناسب داشتیم و اکنون هم داریم، در دهه ( ۶۰ ) عبدالرحمن پژواک، نماینده دائمی افغانستان در ملل متحد برای دو سال منحصیث ریس مجمع عمومی ایفای وظیفه کرده بود و کاندید دلخواه برای این منصب بود، ولی مخالفت قدرت‌های بزرگ مانع انتخاب وی گشت.

سازمانهای پایین دست ملل متحد (کمسیون حقوق بشر - دیوان بین المللی عدالت) هم در نشان دادن بی تفاوتی در حق مسلمانان کمتر از سایر ارگانهای این موسسه نه می باشند، پایمالی حقوق بشری مسلمانان در جهان امروزی که مثال عمده آن قتل عام ونسل کشی فلسطینیان در غزه، مظالم هندوان بر مسلمانان در هند و... می باشد، کمترین عکس

العمل این ارگان‌ها را جلب نه می‌کند، که نماینگر تبعیض اشکار این سازمان علیه مسلمانان می‌باشد. هکذا وظایف سربازان حافظ صلح ملل متحد که بنام ( کلاه آبی‌ها) مشهور اند، و وظیفه آنها جلوگیری از مناقشات در مناطق بحرانی می‌باشند، ضرورت به بازنگری دارد، زیرا تخلفات از آنها در فعالیت‌های شان به نظر رسیده است.

مسئله اساسی که از لحاظ سیاسی جهان امروز را تهدید کرده و مانع عمده در راه رشد و ازبین بردن فقر و عقب ماندگی شمرده می‌شود و دوام و موجودیت آن خطری بزرگی برای اکثریت مردمان جهان است، موضوع استعمار (جدید) و نفوذ آن بر سراسر دنیا است، در نتیجه این پدیده منفی، جهان از هر لحاظ اسیر قدرتهای بزرگ بوده و این نفوذ آنان تامین کننده منافع استعماری شان می‌باشد، غرب برای تامین منافع خود از همه وسایل کار می‌گیرد، از کنترل منابع اقتصادی و مالی جهان و تجارت جهانی، نصب اجنتان خود بر مسند قدرت در کشورهای غریب، استعمال و بکارگیری میدیای قوی، ترتیب کودتاها، حتی استعمال سلاح و مداخله نظامی مستقیم، تاسیس پایگاههای نظامی در نقاط مختلف، تا زمانیکه جهان ازین لعنت‌رهایی نیافته است، تا انزمان خوشی و سعادت و بهروزی نصیب مردمان گیتی نه خواهد شد، در حقیقت کشورهای ما بازهم یک مستعمره است و بازهم منافع مختلف استعمارگران نوین را تامین می‌کند، مبارزه اساسی و اولی بر علیه این نظام از ضرورت‌های مبرم جامعه عقب مانده می‌باشد، **بد بختانه ملل متحد توان و اراده مبارزه بر علیه این پدیده شوم را ندارد!**

سرمنشی‌های ملل متحد مجبور به حرف شنویی قدرت‌های بزرگ اند و از خود اراده مستقل ندارند، در صورتیکه قصد کار با اراده مستقل و فارغ از

دایره نفوذ آن‌ها را داشته باشند، به سرنوشت (داک هامر شولد) سویدنی و دومین سرمنشی ملل متحد دچار می شوند.

استعمار قدیم و تجارت برده خسارات هنگفت جانی و مالی را بالای مستعمرات تحمیل کردند، که اثرات سو آن تا امروز به شکل عقب ماندگی گسترده و اختلافات سرحدی و حدود جغرافیایی هنوز هم در جهان باقی است، با خروج استعمارگران اروپایی و استقلال آخرین مستعمرات طی اخیر دهه (۷۰) قرن (۲۰) این خوش بینی پدید آمد، که کشورهای تازه به آزادی رسیده، بتوانند سرنوشت خویش را بدست خود تعیین نمایند، و به سوی ترقی گام برداشته و طی چند دهه از نکبت فقر، غربت و عقب ماندگی خلاصی یابند، اما دریغا که حسرت این آرزو در دل مردمان این سرزمین‌ها باقی ماند، **استعمار از در خارج واز دریچه دوباره داخل شد**، استعمار جدید با تجربه بیشتر، حرص و اشتهاى زیادتر و وسایل و امکانات قویتر، تخنیک و تکنالوجی پیشرفته تر، مجهز با سلاح اتمی، که علیه مردم بیدفاع جاپان استعمال هم شد، وارد صحنه گردید، دایره و شعاع عملیات استعمار جدید خیلی وسیع تر و متنوع تر از گذشته بود، اینبار استعمار همه جهان را زیر سیطره خود در آورد، حتی کشورهای را که قبلن مستعمره نبودند، هم دربر گرفت، استعمار قدیم در فکر ربودن ثروت و مواد خام مستعمرات بود، ولی استعمار جدید علاوه ، بر طرز تفکر، مغز، اخلاق، عقیده و حتی دربین فامیل‌های آن‌ها، و با کارگیری ازمیدیای پر قدرت خود مسلط شد، و جنگ فکری را پیش می برد، و این خیلی خطرناکتر از گذشته می باشد، درین راستا از خدمات مزدوران خود در رهبری مستعمرات سابق هم بر خوردار می باشد، استعمار جدید بدنه اصلی و جز لاینفک نظام بر سر اقتدار بوده و بدون آن دوامی نخواهد آورد.



طرق صلح امیز برای اصلاح نواقص، کمبودی‌ها، بیعدالیتی‌ها، تبعیضات بی تفاوتی‌ها، کارشکنی‌ها و.... سیستم موجوده در دسترس است، البته همکاری سردمداران نظام با آن شرط اساسی است، و می‌توان بدینوسله از یک سو بهبود قابل ملاحظه ای را در زندگی مردمان ممالک عقب مانده وارد کرد، و از طرف دیگر از نابودی نظام هم جلوگیری نمود. این اصلاحات باید سازنده و عمیق باشد و در صورت تطبیق طی چند دهه محدود نتایج مثبت آنرا می‌توان عملن لمس کرد!

### مسله اقتصادی و مالی !

چنانچه قبیل هم تذکر رفت غرب با ۲۰٪ نفوس بر (۸۰٪) اقتصاد جهانی کنترول کامل دارد، بیشتر از دوثلث تولید جهانی در انجا صورت گرفته و ضمنن کنترول تجارت جهانی را با (۶۸٪) سهم در اختیار دارد.

در مسایل مالی هم غرب و خاصتن امریکا شریان های مالی جهانی را در اختیار دارند، بزرگترین سرمایه‌ها و مراکز مالی و بانک های بزرگ در اختیار آنان می‌باشد، بانک های ایالات متحده امریکا بیشتر از (۲۰) هزار میلیارد دالر سرمایه دارند، علاوتن دارایی‌های جهانی به ارزش (۳۰) هزار میلیارد دالر تحت مدیریت ایالات متحده امریکا قرار دارد، ضمنن بانک جهانی و صندوق وجهی بین المللی پول کاملن تحت نفوذ آنان قرار دارد. وضعیت تجارت جهانی ازین هم بدتر می‌باشد، سهمیه کشورهای عقب مانده به تناسب نفوس و جغرافیه وسیع آن ناچیز بوده، و اکثرن صادرات کشورهای غریب شامل مواد خام می‌باشد. سیستم تعرفه‌های گمرکی ناعادلانه غرب در قبال این ممالک هم بر بدتر شدن وضعیت عقب ماندگی افزوده و مانع واضح در توسعه تجارت و پروسه صنعتی شدن کشورهای جنوب می‌باشد.

وضعیت خیلی ناعادلانه می‌باشد، چه از لحاظ توزیع عاید و چه از لحاظ نفوذ غرب بر امور مالی و بانکداری و موسسات اقتصادی جهان و اعطای قرضه با سود ظالمانه و شرایط سنگین سیاسی و همچنان امور تجارت جهانی. بنان وضعیت باید تغییر کند و اصلاحات بنیادی درین قضایا وارد گردد، درغیرآن توقع بهبود زندگی اکثریت مردمان جهان متصور نه می‌باشد.

### **اصلاحات اقتصادی باید در برگیرنده نکات آتی باشد:**

توزیع عادلانه عاید، برداشتن موانع در مقابل صادرات کشورهای عقب مانده و بیرون کشیدن نهادهای مالی جهان از نفوذ غرب!  
توزیع عادلانه عاید وقتی صورت گرفته می‌تواند، که مقدار کمک‌های غرب خیلی بیشتر از مقدار قلیل موجوده آن شود، به این ترتیب شکاف عمیق موجوده بین سطح عاید هردو جانب تا اندازه ای تقلیل می‌یابد.

### **بدیل برای نظام سودی موجود است!**

سود (ربا) قرضه‌های اعطایی غرب به کشورهای غریب خیلی گزاف و کمر شکن بوده و روز تا روز بر مقدار آن افزوده شده و این ممالک از پرداخت دوباره آن عاجز می‌باشند، این پروسه باعث می‌گردد که کشورهای عقب مانده در (گرو) غرب مانده و اینکار باعث حرف شنویی و اطاعت مزید از دستورات ناروا غرب می‌گردد، وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی را در قبال دارد، اصلن پرداخت سود یک عمل کاملن زیان بار برای قرضه گیرنده بوده و سراسر به نفع قرضه دهنده می‌باشد. برای رهایی ازین مصیبت دایمی، باید به عوض قرضه به اساس (ربا)، سیستم قرضه با اصول (مضاربت، مشارکت و...) برقرار گردد، که به نفع هردو جانب بوده و جامعه هم از آن متضرر نمیگردد، بلکه از آن منفعت می‌برد، این موضوع کدام نظریه خیالی نبوده بلکه فعلن این سیستم در

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۱۸۷

جهان عملن بکارافتاده و موفقانه پیش می رود، طوریکه در ابتدای بحث بیان شد، صدها بانک با میلیاردها دالر سرمایه در (۵) قاره جهان با کامیابی بدون اخذ (سود) به داد و ستد ادامه داده و سالانه فعالیت و تعداد آن‌ها افزایش می یابد.

طبق نوشته ویکی پیدای المانی در حدود (۵۰۰) بانک اسلامی در بیشتر از (۷۰) کشور جهان خدمات ارایه می نمایند.



طوریکه در صفحات قبلی تذکر یافت، نظام استوار بر پایه سود نه تنها برای کشورهای عقب مانده زیانبار است، بلکه برای مردمان طبقه متوسط و پایین جوامع غربی هم خیلی مضر و نقصان آور ثابت شده است .

نفوذ موجود غرب بر نهادهای مالی جهانی مثل بانک جهانی، صندوق وجهی بین المللی و... باید پایان یابد، سیستم قروض با سود از بین برده شود. ممانعت قصدی و عمدی در راه توسعه تجارت کشورهای عقب مانده از میان برداشته شود، تا امکان رشد و ترقی سکتور صنعت هم فراهم شده برود.

### بهبتر ساختن شرایط سرمایه‌گذاری‌ها :

مخالفتی با اصل سرمایه‌گذاری‌ها صورت نمی‌گیرد، و در اصول با آن موافق استیم، زیرا بکار انداختن سرمایه در اشتغال زایی رول داشته، سطح بیکاری را پایین آورده، سطح زندگی مردم بهبود می‌یابد، باعث صنعتی شدن کشور گردیده، صادرات بلند می‌رود، خلاصه کشور به سوی ترقی گام می‌برد، به دلیل مزد پایین کارگر، نرخ ارزان کرایه زمین و محصول برق، قیمت پایین مواد خام و ... سرمایه‌گذاران در کشورهای عقب مانده به تناسب غرب مفادی بیشتری را بدست می‌آورند، ولی برای کشور که سرمایه‌گذاری در آن صورت گرفته مفاد مورد نظر کمتر از انتظار است، بنان به دلایل ومشکلات عینی و شکایت از نحوه استفاده نادرست سرمایه‌گذاری باید نکات آتی درین پروسه جدن مراعات شود:

### الف: سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید محصولات مضر و خطرناک نباشد:

سرمایه‌گذاری در بخش‌های صورت گیرد، که فعالیت آن و تولیدات آن برای کشور خطرناک نباشد، مثلن فابریکات تولید مواد کیمیاوی وزه‌ری، مثال عملی آن انتشار گاز از فابریکه یونین کاربید امریکایی در بهوپال هند در سال (۱۹۸۴) بود، که باعث مرگ (۲۰) هزار نفر و معلولیت (شش صد) هزار نفر گردید.

### ب: تقسم عادلانه سهم مفاد از عواید سرمایه‌گذاری‌ها :

به دلیل حرص و آز و بی انصافی بیحد سرمایه‌گذار و موجودیت فساد دردستگاه رهبری و سطوح پایین در داخل کشور، سهم عاید در نظر گرفته شده برای کشورهای عقب مانده خیلی پایین و حتی ناچیز می‌باشد و

بیشترین مفاد راسرمایه گزاری برد، بدترین مثال‌های آن، عقد قرارداد استخراج نفت ایران توسط شرکت (داریسی) انگلیس در ابتدای قرن (۲۰) بود، که طبق آن سهم ایران از مفاد (۱۶٪) تعیین شده بود، همچنان سهم یک تعداد کشورهای افریقایی از استخراج معادن الماس آن ناچیز بوده، در حالیکه سالانه به ارزش میلیاردها دالرالماس استخراج گردیده ولی بیشترین سهم را کشورهای اروپایی و قدرتمندان فاسد انکشوربه جیب زده و مردم این کشورها در حالت فقرزندگی به سر می‌برند.

**ت: پرداخت مزد مناسب با در نظرداشت مخارج زندگی کارگران:**

**ج: تامین شرایط کاری برای کارگران:**

از لحاظ صحی، امنیت جانی، غذای مناسب، ساعات کاری طبق قانون کار، امکانات حمل و نقل آنان.

**چ: احترام به حقوق کارگران از لحاظ سیاسی:**

قایل شدن حق اعتصاب، مظاهره، تشکل اتحادیه‌های صنفی و کارگری و احزاب سیاسی برای کارگران.

**ح: مراعات حفظ محیط زیست و اجتناب از آلوده ساختن آن و**

**جلوگیری از تولید گازهای گلخانه ای:**

جلوگیری از اقدامات که به محیط زیست آسیب برساند و هم چنان باعث گرمایش زمین شود.

**خ: احترام به قوانین ملی و بین المللی در صورت بروز اختلافات:**

در صورت بروز اختلافات ناشی از کار، مخصوصن در حالتیکه موضوع مرگ و یا صدمه دیدن کارگران در بین باشد، اقدامات جدی و فوری صورت گیرد، پرداخت خسارت به مقدار مناسب و در کمترین وقت باید انجام پذیرد، در فاجعه اخراج گاز از فابریکه که توسط امریکایان در

بهوپال هند اداره می شد، بعد از ( ۲۰ ) سال انتظار برای هر متضرر اوسطن در حدود ( ۶۵۰ ) امریکایی پرداخته شد.!!؟؟

### د: پرداخت مکمل مالیات و تکسها بوقت وزمان آن :

از پرداخت مالیات، به کمک ادارات فاسد محلی، گریز صورت نه گیرد.

### تجدید نظر در عقد قراردادهای استخراج معادن و منابع طبیعی :

کشورهای عقب مانده اکثرن دارای منابع طبیعی فراون مثل نفت، گاز، الماس، طلا، لیتیوم، مس، آهن، زمرد، اورانیوم، ذغال سنگ و تولیدات زراعتی مثل پنبه، صنایع دستی مثل قالین و... می باشند، برای استخراج و استحصال و صدور آن به بیرون مملکت، به سرمایه، وسایل و تجهیزات مدرن، مهارت تخنیکی و مارکیتنگ خوب ضرورت احساس می شود، که کمبود آن در داخل مملکت اکثرن محسوس است، و ناگزیر دست به دامان کشورهای پیشرفته زد، متاسفانه کشورهای پیشرفته منحیث میراث خوراستعمار، کهن سعی دارند تا مواد و منابع مذکور را به نرخ خیلی ارزان بدست آورند، که شکل استعمارگرانه و ظالمانه دارد.

مهمترین قلم صادراتی کشورهای عقب مانده، که برای غرب اهمیت حیاتی دارد، عبارت است از نفت و گاز، که ارزش سالانه صادرات آن بیشتر از (یک هزار و پنج صد) میلیارد دالر است، ولی بدبختانه قیمت های آن دچار نوسانات شدید می باشد، چنانچه در سال (۲۰۰۸) قیمت فی بیرل الی (۱۳۰) دالر رسید، ولی فعلم قیمت آن در حدود (۸۰) دالر است، که به این حساب قیمت ۱۶ سال قبل نفت (٪ ۶۲.۵) نسبت به قیمت سال (۲۰۲۴) بلند تر بود، درحالیکه قیمت امتعه صادراتی کشور های غربی سال به سال بلندتر می شود.

عقد قراردادهای استخراج منابع طبیعی و معادن، با در نظر داشت  
مجبوریت‌ها، و کمزوری‌های این کشورها و با استفاده از فساد رایج در  
دستگاه حاکمه این ممالک، به صورت یکجانبه و به نفع کشورهای غنی  
صورت گرفته و بیشترین قسمت مفاد حاصله هم نصیب شرکت‌های آنان  
می‌گردد و هنوز هم می‌گردد.

برای جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های جهان عقب مانده و چور و چپاول آن  
توسط استعمارگران جدید، نکات آتی در حین قراردادها مراعات شده و  
قراردادهای ظالمانه قبلی هم اصلاح گردد:

الف: استخراج معادن و منابع طبیعی به اساس داوطلبی و به طور شفاف  
به برنده داده شود.

ب: نرخ‌ها و نورم‌های بین‌المللی در معامله مدنظر گرفته شود.

ث: کوشش شود که حداکثر کارگران و کارمندان پروژه از داخل مملکت  
باشد و مزد و معاشات شان مناسب باشد.

ج: مواد استخراج شده حتی الامکان در داخل مملکت پروسس شود، مثل  
تصفیه نفت خام، تولید سیخ گول، انگلارن و... از سنگ آهن استخراج شده.  
چ: خوداری از تطمیع کارمندان حکومت.

ح: خوداری از مداخله در امور داخلی کشور با استفاده از اثر و رسوخ  
خویش، چنانچه یکی از دلایل سقوط دولت چپی سلوادور انده در چلی،  
تحریک کارگران استخراج مس به اعتصاب، توسط سرمایه گزاران  
امریکایی بود.

خ: ضرورت تربیه پرسونل داخلی در بخش‌های مورد نظر.

د: پرداخت مالیات و تکس‌ها بوقت و زمان آن.

و غیره.

## برخورد باتهاجم فرهنگی، و رویکرد مخرب میدیای غربی:

قدرتهای استعماری امروزی در جهت تحقق اهداف شوم خود در قبال کشورهای عقب مانده از یک سلاح کشنده و مخرب دگر هم کار می گیرند و آن عبارت است از تهاجم فرهنگی، ازین طریق فرهنگ، رسم و رواج و اخلاق پسندیده، دین و مذهب، ارزشهای معنوی، خودباوری و... در کشورهای عقب مانده مورد تاخت و تاز قرار گرفته و سعی و تلاش صورت می گیرد که به عوض آن اخلاق فاسد و فرهنگ منحط و دور از انسانیت جوامع غربی جای گزین شود، هدف اصلی این کمپاین ضد اخلاقی اکثرن طبقه جوان درین کشورها می باشد، درین کارزار بزرگ ضد اخلاقی مسایل دورساختن مردم از دین و مذهب، محیط فامیل، تشویق به ازدواج نکردن، ترویج فرهنگ مادیات پرستی و دور شدن از معنویات، سست ساختن علایق فرزندان با والدین، تشویق به عیاشی و فحاشی، شراب نوشی، بی اهمیت جلوه دادن مسله ناموس و ناموس داری، ازبین بردن احترام به بزرگان، ترویج همجنس بازی، تشویق به تغییر جنسیت، تشویق روابط جنسی خارج از ازدواج، دامن زدن به اختلافات زن و شوهری، که اکثرن باعث طلاق می شود، تشویق دختران جوان به فرار از منزل، دور نگهداشتن مردم از مسایل و پرابلمهای واقعی جوامع امروزی از قبیل فقر، گرسنگی، عقب ماندگی، جنگهای تحمیلی و نیابتی، تبلیغ و تشویق جوانان به مسایل پورنوگرافی، ترویج فرهنگ زندگی مصرفی، هم چشمی و مود و فیشن، به عوض فرهنگ صرفه جویی... تشویق می گردد، اینکار باعث می شود که مردمان کشورهای عقب مانده از درس و تعلیم و آموزش باز مانده و در نتیجه پروسه عقب ماندگی بازهم تشدید گردد، واستعمار با اینکار خود بر اندیشه، طرز تفکر، جهان بینی و مغز این مردمان و خاصتن جوانان مسلط شده و با تغییر رفتار و کردار آنها، از آنان



منحیث مهره‌های خود در جهت تطبیق سیاستهای استعماری خویش کار می‌گیرد، مثال برجسته آن شست و شوی مغزی یک تعداد مردمان و بالخصوص قشر رهبری کشورهای اسلامی و بطور مشخص رهبران بعضی کشورهای عربی می‌باشد، این قشر خاین با فراموشی مسایل ملی خود در خدمت استعمار قرار گرفته اند، چنانچه در قضیه تجاوز اسرائیل بر غزه و قتل عام هزاران فلسطینی بیگناه و تخریب تمام باریکه و آواره شدن میلیون‌ها انسان، این رهبران خاین نه تنها این جنایات اسرائیل را تقبیح نکرده، بلکه قلبن طرفدار نابودی مقاومت بوده و با اسرائیل غاصب روابط حسنه برقرار داشته اند، این است نتیجه جنگ فکری که تاثیرات منفی خود را نمایان می‌سازد.

این خطرناک ترین حربه و سلاح غرب علیه کشورهای عقب مانده می‌باشد، که بدون سر و صدا و به آهستگی، بدون برانگیختن حساسیت‌ها، نامحسوس و نامریی برای اکثریت مردم، با استفاده از برنامه‌ها و پروگرام های گسترده خیلی همه جانبه و فراگیر عملی می‌گردد. این پروسه دراز مدت و دیرپا بوده، ریشه ای و عمیق می‌باشد، ذهن و قلب انسان‌ها را نشانه گرفته و تسخیر می‌کند، تلاش برین است که در بین مردمان کشورهای عقب مانده، خاصتن جوانان یک نوع احساس ناتوانی، ضعیف بودن، بی باوری به خود، عقب ماندگی ذهنی و فکری و احساس خود کمتر بینی نسبت به غربیان را تلقین کند، که نتیجه اش همان غرب زدگی است.

برای پیشبرد این پلان شوم، میدیای غربی کردار اهم و فوق العاده را به سرانجام می‌رساند.

میدیای شیطانی غربی در استحکام نظام ظالمانه موجود رول بارز داشته و ستون مهم و پایه بنیادی آن شمرده می‌شود، در پهلوی آن در ترویج

فرهنگ پست و منحط غربی در کشورهای عقب مانده نقش اساسی داشته و نه تنها به معضلات و پرابلم‌های فراوان جوامع عقب مانده توجه ای نکرده، بلکه برعکس در تشدید عقب ماندگی در جهان هم کوشا می باشد.

### راه حل کم کردن تهاجم فرهنگی و زایل ساختن اثرات سو میدیای غربی:

اقدامات داخلی و خارجی درین راستا مهم اند:  
اقدامات داخلی می‌تواند در بر گیرنده مسایل عقیدتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی وغیره باشد:

اولین قدم مهم در راه مبارزه بر علیه تهاجم فرهنگی و میدیای غربی این است، که ما اعتقاد پیدا کنیم که همچو چیزی واقعن وجود دارد، و غرب بدینوسیله سیاه شوم و نا میمون می خواهد برافکار، اذهان، طرز تفکر، عقاید، رفتار و کردار ما مسلط شده ودر نتیجه بر اقتصاد و سیاست ما هم کنترل حاصل کند، دانستن این موضوع برای همه ما خیلی مهم است، یکی از بزرگان اسلام می فرماید ( **کسیکه عالم و آگاه به زمان خود باشد، شبهات بر او هجوم نه می آورند!** )، عده از ما که به این حقیقت پی نبرده اند، فریب ظاهررا خورده، غرب را بهشت و مردمان آنرا فرشته فکرمی کنند ( نعوذ بالله) این مردمان به غرب زدگی عمیق دچار شده و استحاله گردیده و همه چیزبه شمول دین و معنویات را از دست داده وبه مهره استعمار جدید مبدل گردیده اند، با همچو اشخاص بی هویت وبی شخصیت در بعضی معافل حتمن مواجه شده ایم.

دومین قدم مهم این می باشد، که درتربیه اولاد خود سعی بلیغ و نهایی نمایم، که ان‌ها با ارزش‌های اصیل اسلامی (نه خرافات) تربیه شده و با

تاریخ درخشان مسلمانان به خوبی آشنا شوند، و به آن‌ها تفهیم گردد، که مسلمانان تمدن بزرگی را در سه قاره جهان ایجاد کرده، که صدها سال دوام کرد، و اینکه مسلمانان در ایجاد (رنسانس) یا دوره نشاط ثانیه نقش انکارناپذیری داشتند و عقب ماندگی امروزی ما نتیجه دور شدن ما از ارزشهای اسلامی، فراموشی هویت دینی و ملی و عدم توجه کافی به مسایل علمی می باشد، بیرون شدن از وضع موجود چنگ انداختن به ارزشهای اسلامی و توجه جدی به کسب تعلیم و تربیه و تخنیک و تکنالوجی جدید است، تا به این ترتیب جایگاه تاریخی خویش را دوباره در جهان اعاده نماییم، نه غرب گرایی کورکورانه و فراموش کردن هویت دینی و ملی، که هیچگاهی مارا درین راه یاری نه می رساند.

مسئله بعدی مهم درین رابطه اتخاذعمل متقابل بالمثل می باشد، مثلن، در مقابل رسانه‌های چاپی غربیان حاوی مطالب مستهجن و ضد اخلاقی و منحرف کننده، کتب معرف هویت اسلامی و آموزنده و مفید را نشر نماییم، هکذا در بخش میدیای صوتی فرستنده‌های رادیویی با پخش پروگرام‌های خوب، با اندیشه‌های انحرافی غربی بایدمقابل نماییم، همچنان در پخش ساختن فلم، خاصتن فلم‌ها و انیمیشن‌ها برای اطفال خیلی توجه صورت گیرد، زیرا اطفال و جوانان هدف خاص در تبلیغات غرب می باشند، در بخش انترنت، با تهیه مطالب مفید و پخش آن از طریق یوتیوب، فیس بوک و سایر شبکه‌های اجتماعی هم باید خیلی فعال باشیم، با این ترتیب ما می‌توانیم با فعالیت‌های استعماری غربیان مقابله نموده و پرده از چهره کثیف آنان و پروگرام‌های دروغ پراگنی و تحریف واقعیت‌های جهان برداریم، اینان خودرا علمدارو مدافع حقوق بشر وانمود می سازند، در حالیکه خود آن‌ها بزرگترین ناقضین حقوق بشری اند، در قضیه حملات وحشیانه و نسل کشی اسرائیل علیه مردم بیدفاع غزه و قتل

(۴۰) هزار مرم بیدفاع فلسطین و ویرانی تمام غزه، غرب در پهلوی اسراییل قرار دارد، میدیای غیر انسانی غرب از نشر تصاویر جنایات دولت ظالم یهود درغزه خوداری کرده و با تحریف واقعیت از اسراییل یک چهره مظلوم را نشان می‌دهد.

در مسایل اقتصادی کوشش شود با جلوگیری از فساد، از منابع داخلی به شمول مواد و سرمایه استفاده اعظمی صورت گرفته و کمتر از منابع مالی و پولی غرب، که استوار بر سود و ربا و ناروا می باشد، قرضه نگرفته و با ترویج مزید بانکداری ( بدون ربا اسلامی)، که فعلن در ( ۷۰ ) مملکت و در ( ۵ ) قاره ( صدها ) بانک با میلیاردها دلار سرمایه با موفقیت به کار ادامه می دهند، این پروسه را باز هم انکشاف دهیم، وابستگی کمتر اقتصادی به غرب، به مفهوم جلوگیری از تهاجم فرهنگی و نفوذ سیاسی آنان می باشد.

جلوگیری از مصرف گرایی و تجمل گرایی بی حد و حصر، که باعث خالی شدن جیبها و اتلاف سرمایه ما و باعث تقویت مزید اقتصاد جهنمی غرب می شود، می تواند خیلیها مثر ثمر باشد، مصرف گرایی و زندگی لاکچری گراف جرم و جنایت را در جامعه بلند می برد، زیرا عده برای تهیه پول برای خریداریهای لوکس دست به دزدی و حتی اختطاف می زنند، ترک خوراکیهای (فست فود) مثل مکدونالد، گینگ برگر، نوشابههای نظیر کوکاکولا، پیپسی، فانتا وغیره نه تنها باعث تقویت اقتصاد ما می گردد بلکه وابستگی فرهنگی ما را هم کمتر می سازد. تجلیل از روزهای ( هالوین، کریسمس، سال نوعیسوی وغیره ) یک عمل ناروا بوده و ترک آن ضروری است.

## عوامل خارجی موثر در کمتر شدن اثر و رسوخ فرهنگ غربی :

در جهان امروزی فرهنگ‌های متفاوتی وجود دارد، که نمایندگی از تمدن‌های عالی و پیشرفته در گذشته می نمایند، مثلن تمدن اسلامی، لاتین، چینی، هندی، افریقایی، بودایی و... که در ایجاد تمدن امروزی نقش بسزایی داشته اند، مخصوصن تمدن اسلامی، تمدن غربی از لحاظ قدامت از جمله آخرین‌ها حساب می شود، کوشش غرب در تهاجم فرهنگی و مسلط ساختن ارزش‌های غربی بر تمام جهان، در حقیقت نادیده گرفتن ارزش و اهمیت سایر تمدن‌های جهانی و خاصتن اسلامی می باشد، بنان زورگویی غرب در تحمیل فرهنگ خویش یک عمل ناروا و غیر عادلانه است، زیرا هیچ امکان ندارد که در تمام جهان صرف یک فرهنگ (غربی) مسلط باشد، بنان ازترویج، تبلیغ و انتشار مظاهر منفی و ضد اخلاقی تمدن غرب مثل توجه بی حد و حصر به مسایل مادیات، همجنس بازی، تعییر جنسیت، سقط جنین، عیاشی و فحاشی، شراب نوشی، ترویج قمار و شرط بندی، مصرف گرایی بی‌پهوده، عدم توجه به معنویات و بیخبری از حال و احوال والدین در ایام پیری و حاجتمندی، نگهداری سگ، گربه و پرندة ها و احساس بی تفاوتی و بی مسولیتی در مورد گرسنگی، امراض و عقب ماندگی اکثریت مطلق مردمان کره زمین و غیره، خوداری صورت گیرد.

میدیای غربی از تبلیغات زهر آگین علیه کشورهای عقب مانده و بعضن مخالف غرب خوداری نماید و تبلیغات غلط و اشاعه اخبار نادرست و غیر واقعی را کنار گذاشته، و زمینه ساز اقدامات خصمانه حکومت غربی علیه دگر کشورها نه گردد، چنانچه وضع تحریمات علیه یک تعداد کشورها در آسیا، افریقا و امریکای لاتین... و طرح و اجرای کودتاها و

تجاوز مستقیم علیه یک تعداد ممالک، ناشی از تبلیغات میدیای غربی بود.

اسلاموفوبیا روابط غرب با مسلمانان را خیلی مکدر ساخته است، قران سوزی و توهین به مقدسات اسلامی در غرب همه منشه از تبلیغات ناروا میدیای غربی دارد.

ظلم و بیعدالتی و پایدالی حقوق بشرکه در جهان امروزی حکمفرما است، مثل قتل عام فلسطینیان بدست یهودان، وضعیت غیر انسانی حکومت متعصب (مودی) در قبال مسلمانان در هند، نسل کشی در میانمار وغیره هیچگاهی در نشرات میدیای غربی جا ندارد.

خلاصه تهاجم فرهنگی غرب و رول میدیای پایه‌های بنیادی نظام ناعادلانه موجوده شمرده شده و کاملن به ضررکشورهای عقب مانده بوده و مانع بزرگی در محو فقر، گرسنگی و عقب ماندگی محسوب می شود.

### **خوداری از نظامیگری، مسابقات تسلیحاتی و تجارت سلاح!**

پدیده‌های منفی فوق برای جهان خیلی مضر و کشنده بوده و باعث بربادی‌های زیادی خاصتن در قرون (۲۰) و (۲۱) گردیده و می گردد. نظامیگری ممتد قدرتهای بزرگ با هدف توسعه و گسترش ساحات تحت نفوذ خود، باعث ایجاد رقابت شدید بین آنان شده و مسابقات تسلیحاتی بزرگی را دامن زده است، سلاح کشتار دسته جمعی (اتمی - بیولوژیکی کیمیاوی و رادیولوژیکی) و سلاح‌های متعارفی حیات انسان‌ها و دوام بشریت را تهدید می کند، و جهان را به لبه سقوط کشانده است، جنگ‌ها و منازعات منطقوی امروزه بیشتر از هرزمان دگرصلح جهان را به مخاطره انداخته مثال‌های عمده آن جنگ یوکراین، تجاوز وحشیانه اسرایل به غزه

ولبنان و... می باشد، چنانچه سرمنشی ملل متحد در شورای امنیت ملل متحد وضع منطقه را خیلی خطرناک توصیف نمود.

استعمار قدیم و جدید مستعمرات سابق را به فقر، گرسنگی و عقب ماندگی کشاندند، اکنون سردمداران این نظام بیرحم با قدرت طلبی و نظامیگری جهان را در یک قدمی جنگ سوم جهانی، و تباهی قرار داده اند. عقل سلیم و وجدان بیدار انسانی تقاضا دارد، تا ازین عمل جنون آمیز و وحشتناک این حریصان پول و قدرت جلوگیری بعمل آید.

### اقدامات جدی، برای جلوگیری از تباهی جهان:

#### الف: خلع سلاح کشتار دسته جمعی:

محو سلاح کشتار دسته جمعی (اتمی - بیولوژیکی - کیمیاوی و رادیولوژیکی)، نهایت ضروری می باشد، سلاح اتمی دوبار در (اگست ۱۹۴۵) بالای شهرهای هیروشیما و ناگازاکی جاپان استعمال شد، که باعث مرگ صدها هزار انسان بیگناه گردید، در موجودیت نظام وحشی برحال، استعمال مجدد آن دور از انتظار نه می باشد.

#### ب: خلع سلاح عمومی:

شامل محدودیت ساخت راکت های بالستیک و کروز غیر اتمی، طیارات رادار گریز و بمب افکن های سنگین، تانک ها و راکت ها و توپ های سنگین، منع ساخت و کشت مین های زمینی باشد.

#### ت: کم کردن تعداد سربازان:

کشورهای که دارای پرسونل نظامی زیاد اند، مثل ایالات متحده امریکا، چین، هند، روسیه، از تعداد سربازان خود بکاهند.

ث: کم کردن بودجه‌های گزاف نظامی ( ۲۶۰۰ ) میلیارد دالر سالانه.

ج: خوداری از مداخله در امور کشورهای عقب مانده:

- به شکل حمایت از کودتاهای اجنتان غربی، خوداری از احداث پایگاه‌های نظامی در کشورهای دگر.

- به شکل مستقیم، تجاوز امریکا بر افغانستان، عراق، سوریه ... .

- به شکل مداخله در انتخابات کشورها، انتخابات دوره جمهوریت.

چ: ختم پیمان‌های نظامی جنگ طلب:

بعد از ختم جنگ سرد (۱۹۹۲)، با ازبین رفتن دولت کمونیستی شوروی و انحلال پیمان وارسا، دلیلی برای دوام فعالیت پیمان نظامی (ناتو) دیده نه می شد، ولی برعکس به عوض انحلال، پیمان مذکور توسعه بیشتریافته و می یابد.

مقابله با عزایم شوم و غیر انسانی نظامیگری سیستم حاکم بر جهان که بشریت را به سوی تباهی می کشاند، یک امر خیلی مبرم و ضروری می باشد، در غیر آن این دشمنان انسانیت همه چیز را فدای منافع خود می نمایند.

یک عمل شنیع و غیر انسانی دگرنظام موجود، که ماهیت اصلی آنرا برملا می سازد، اعتقاد ان‌ها به نظریات (توماس مالتوس) دانشمند انگلیسی دیوانه صفت قرن (۱۹) می باشد، این شخص وقوع جنگ‌ها و بروز امراض وبایی کشنده را در جهان ضروری و مفید می دانست، زیرا به فکروی، به این ترتیب نفوس کم شده و مواد غذایی و سایر مواد مصرفی برای باقیمانده مردم کفایت می کند، اکثریت جنگ‌ها در جهان امروزی در کشورهای عقب مانده رخ داده که بعضی با تلفات میلیونی انسانی همراه می باشد، چنانچه تجاوز شوروی و امریکا بالای افغانستان (۲) میلیون، جنگ الجزایر (۱.۵) میلیون، جنگ های کوریا و ویتنام بیشتر از (۵.۵)



میلیون تلفات داشتند، در حالیکه چه در زمان مالتوس، و چه اکنون غذای کافی برای ساکنان کره زمین وجود داشت و دارد، ولی توزیع ناعادلانه، پرخوری و بی پروایی در نگهداشت مواد خوراکی، باعث قلت آن در افریقا و جنوب آسیا شده و گرسنگی را بوجود آورده است. قحطی‌های عمدی زیادی در طول تاریخ و اکنون هم توسط قوت‌های استعماری، حکومت دیکتاتوری و حاکمان ظالم بر مردم تحمیل شده و اکنون هم تحمیل می شود، آخرین نمونه آن اعمال قحطی عمدی از طرف نیروهای اشغالگر اسرائیل بر مردم مظلوم غزه می باشد، که در نتیجه آن بیشتر از (۲۰۲) میلیون نفوس غزه به قحطی شدید روبرو شده اند. هدف تطبیق نظریه مالتوس در عمل می باشد.

### مبارزه با نقش مخرب استخبارات غربی:

در راه تحقق اهداف و منافع نظام، دستگاه‌های استخباراتی هر نوع وسایل و امکانات غیراخلاقی و غیر انسانی را بکار انداخته اند، که ترور و قتل شخصیت‌های سیاسی، رهبران دولتی، دانشمندان، افراد و اشخاص ملی و مذهبی و طرح و اجرای کودتاها در کشورهای مختلف را در برمی گیرد، که در صفحات قبلی به آن مفصل اشاره شده است، حتی در کشت و تجارت مواد مخدر هم سهمیم بوده اند، چنانچه در دوران (۲۰) سال موجودیت امریکایان نه تنها کشت و تجارت تریاک، هیروین و سایر مواد مخدر در افغانستان کاهش پیدا نکرد، بلکه رونق بیشتری هم یافت، زیرا از عواید میلیارد دلاری آن، دستگاه استخبارات امریکا مستقیم سهم بدست می آورد. در اثنای جنگ ویتنام (سی آی ای) در سرحد برما و چین، علیه دولت چین کمونیست فعالیت تخریبی انجام می داد، و درین راستا به حمایت اقوام برمایی ساکن سرحد نیاز داشت، برای همکاری

مزید این مردمان، (سی آی ای) منحیث زمینه حصول عاید، زمینه کشت تریاک را در منطقه فراهم ساخته و مواد مخدر آن توسط طیارات امریکایی به سایر کشورها انتقال یافته و به فروش می رسید، از آن تاریخ تا امروز کشت و تجارت مواد مخدر در منطقه مروج و ادامه دارد. ختم فعالیت‌های خصمانه این دستگاه‌های جهنمی علیه جهان عقب مانده نهایت ضروری بوده و دوام آن به ضرر مردمان اکثریت جهان تمام می شود.



دو شخصیت برجسته بین المللی، طرف راست (داک هامر شولد) سوئدنی، دومین سرمنشی ملل متحد که هیچگاه تحت تاثیر نفوذ قدرت های بزرگ قرار نگرفت، طرف چپ (پاتریس لوممبا)، چهره ضد استعمار و اولین صدراعظم منتخب و محصل استقلال کانگواز استعمار بلژیک، هردوی آنها بالاثرتوطیه استخبارات غربی، خاصتن (سی آی ای) در سال ۱۹۶۱ در کانگو به قتل رسیدند !

### ممانعت از فرار مغزها :

فرار مغزها ضرر جبران ناپذیری اقتصادی، تعلیمی، اجتماعی و... به کشورهای عقب مانده وارد کرده و یکی از دلایل عمده پسمانی و عدم

پیشرفت آن محسوب می گردد، اصولن در فرارمغزها و اشخاص تحصیل کرده یک مملکت دلایل و وجوهات عمده داخلی از قبیل موجودیت جنگها، نا آرامیها، اختلافات قومی، مذهبی، نژادی، سیاسی، آینده نا معلوم، وضع خراب معیشتی، مزد و معاشات پایین، بیکاری و... دخیل می باشند، ولی دلیل اساسی آن ضرورت غرب به همچو کدرها می باشد، شرایط بهتر قبولی، معاش و امتیازات بلند باعث تشویق فراراین قشر با اهمیت، به غرب می گردد، ضرر فرار مغزها برای کشورهای ( جنوب ) خیلی زیاد می باشد، چنانچه به اساس گزارش بانک جهانی تنها کشور ایران ازین ناحیه در سال ( ۲۰۱۷ ) عیسوی بیشتر از ( ۵۰ ) میلیارد دالر ضرر کرده است، یعنی بیشتر از عواید فروش نفت ایران در همان سال!؟

ضرر کشورهای مثل هند، مالیزیا، نایجریا، حتی روسیه هم ازین ناحیه هم خیلی زیاد می باشد، فرار این سرمایه ( انسانی ) برای کشورهای عقب مانده خیلی ناگوار تمام می شود، و در فقر و غربت آن نقش به سزایی دارد، ولی برای کشورهای شمال ثروت باد آورده و تحفه گرانبهای است، به اساس تحقیقات بانک جهانی فرار یک فرد تحصیل کرده ایرانی اوسطن ( ۳۳۰ ) هزار دالر برای ایران ضرر می رساند، که غرب مفت و مجانی انرا بدست آورده و از مصارف تربیه یک فرد تعلیم یافته در داخل کشورهایی می یابد، که حداقل مصارف آن بالغ بر ( یک میلیون ) دالر می گردد، مفاد حاصله غرب که ازین ناحیه از جنوب بدست می آورد، خیلی، خیلی بیشتر از مجموع کمک ( ۱۳۰ ) میلیارد دالری آنها به کشورهای جنوب می باشد!

برای جلوگیری ازین نقصان و تاوان بزرگ ( فرار مغزها ) اتخاذ اقدامات بازدارنده نهایت حیاتی می باشد، در غیر آن پروسه عقب ماندگی هرگز ازین نخواهد رفت. بهتر شدن شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در

کشورهای عقب مانده، و ممانعت از تشویق بیجا و دادن امتیازات کشور های غنی برای کدرهای کشورهای غریب می تواند به طور چشمگیری ازین پروسه بکاهد!

فرارمغزها یگانه منبع بزرگ عایداتی غرب نه می باشد، بلکه آن ها از منابع مختلف دگر که قبلن به تفصیل بیان گردید، نیز به صدها میلیارد دالر منفعت اقتصادی از کشورهای غریب حصول نموده و هنوز هم می نمایند، قبلن به تفصیل به آن پرداخته شده است، درین بخش مختصرن به آن اشاره می شود:

### منافع حاصله اقتصادی غرب از کشورهای عقب مانده :

#### الف: ازدرك عقد قراردادهای مواد خام به قیمت ارزان:

خاصتن نفت و گاز، درابتدای انقلاب صنعتی و بکار افتادن ماشین الات در فابریکات و هم چنان در لکوموتیف های ریل ها و کشتی ها از قوه بخار و بعضن چوب منحیث انرژی کار گرفته می شد، ولی استخراج نفت و استفاده آن در وسایط نقلیه، فابریکات، کشتی ها و ... اهمیت آنرا خیلی بلند برده وبه یک ماده انرژی استراتژیک مبدل ساخته که تا امروز کم وبیش ادامه دارد، کشف نفت در کشورهای عقب مانده خاصتن کشورهای اسلامی شرقمیانه باعث تحریک حرص غربیان گردیده و مواد مذکور را با عقد قراردادهای استعماری با دولت های فاسد منطقه بدست می آوردند، نفت ارزان این کشورها برای صنعت غرب حیثیت خون در وجود را داشت و دارد، ازین ناحیه مفاد هنگفت نصیب غرب شده ومی شود، ولی سهم کشورهای دارنده آن ناچیز است. داستان سایر مواد خام کشورهای غریب هم ازمین قرار است.

### ب: از درک حصول سود هنگفت قرضه ها:

کشورهای جنوب سالانه از درک قروض (۲۶۰۰) میلیارد دالری در مقابل شمال حد اقل ( ۱۳۰ ) میلیارد دالر سود می پردازند، پرداخت این مبلغ گزاف و کمرشکن برای اقتصاد کشورهای مقروض خیلی مهلک تمام می شود.

### ت: از درک مفاد بی حساب سرمایه گذاری ها در کشورهای عقب مانده:

سرمایه گذاری غرب در کشورهای عقب مانده، منافع بیشتر اقتصادی را برای آنان به تناسب سرمایه گذاری ها در داخل ممالک شان به بار می آورد، دلیل عمده آن بکارگیری فشار و نفوذ سیاسی و سو استفاده از فساد موجود درین کشورها می باشد، که باعث ضایع شدن منافع اقتصادی کشورهای عقب مانده می گردد.

### ث: از درک سرمایه گذاری در غرب:

کشورهای دارنده مواد معدنی، خاصتن نفت، پولهای مازاد مورد ضرورت خویش را در غرب سرمایه گذاری می نمایند، چنانچه کشورهای عربی سعودی، امارات، کویت، قطر، بحرین، عمان، برونای دارالاسلام بیشتر از (۱۵۰۰) میلیارد دالراز عواید نفتی خویش را در غرب سرمایه گذاری نموده اند، در صورتیکه پول مذکور در داخل ممالک عقب مانده اسلامی بکار انداخته می شد، مسلمان در کم کردن عقب ماندگی نقش مهمی را ایفا می نمود، ولی اکنون مفاد آن به غرب می رسد.

### ج: از درک فرار سرمایه های دزدی شده توسط حکام فاسد:

شاهان، روسای جمهور، اعضای کابینه و احزاب بر سر اقتدار کشورهای مثل افغانستان، پاکستان، شاه ایران، مصر، تونس، کانگو، فلیپین و... میلیاردها دالر را در اثنای زمامداری ویا در اثنای فرار به بانک های غرب

اتنقال داده اند، تنها (موبوتو سی سی کو) ریس جمهورکشور عقب مانده کانگوبیشتر از (۵.۵) میلیارد دالر از دارایی‌های دزدی شده مردم خود را در بانک‌های غرب جابجا ساخته بود، حکومت غربی با دانستن حقیقت موضوع هیچگاهی در مورد استرداد مبالغ مذکور به کشورهای اصلی شان اقدام نه نموده اند.

### چ : از درک فروش سلاح:

ایجاد بحران‌ها و تشنج‌های عمدی توسط استعمار نوین و بحرانهای باقیمانده از زمان استعمار قدیم زمینه خوب برای فروش سلاح در کشورهای غریب می‌گردد، سالانه بالغ بر (۱۵۰) میلیارد دالر سلاح در شرقمیان و جنوب آسیا به فروش می‌رسد، کشور سعودی بیشتر از (۳۰٪) بودجه سالانه خویش را صرف خریداری اسلحه می‌نماید، پول مذکور همه به جیب غرب می‌ریزد، در حالیکه مصرف آن در داخل ممالک غریب باعث ایجاد تحول مثبت در وضعیت معیشتی آن شده می‌تواند.

### ح: فروش مواد لوکس و استهلاکی غیر ضروری:

فروش تجهیزات لوکس غربی بالای کشورهای غریب سرمایه بی حد آنان را ضایع می‌سازد!

با تحلیل و تجزیه مطالب فوق و ارقام بدست آمده از آن به صراحت ثابت می‌گردد، که برخلاف تصور که غرب به شرق کمک می‌کند، این کشورهای غریب اند که به کشورهای غنی مدد اقتصادی می‌رسانند، زیرا در مقابل (۱۳۰) میلیارد دالر کمکی غرب، بیشتر از (۴) هزار میلیارد دالراز کشورهای غریب به غرب سرازیر می‌شود، به مفهوم دگرغرب در مقابل هر دالر کمک (۳۰) دالر را از کشورهای غریب بیرون می‌کشد!

تا زمانیکه این سیستم استعماری بر جهان مسلط است، این وضعیت ظالمانه دوام خواهد داشت، صرف تغییرنظام می تواند باعث تحول این وضعیت نا مطلوب گردد!

### جلوگیری از اسراف مواد غذایی، و ضیاع آن :

موجودیت بیش از یک میلیارد انسان گرسنه ( اکثریت اطفال ) جهان امروزی مسله حاد بشری بوده، وسالانه بیشتر از (۶) میلیون انسان در افریقا و جنوب آسیا از گرسنگی می میرند، در حالیکه خالق کاینات خوراک و غذای کافی برای همه موجودات (نه تنها برای انسان ها ) پیدا نموده است، توزیع و مصرف ناعادلانه و بی پروایی در نگهداشت مواد مذکور، عامل عمده و اساسی این پدیده منفی می باشد، برای یک انسان با فعالیت فیزیکی زیاد (خاصتن مردها ) مصرف ( ۲۲۰۰ کالوری ) کاملن کافی است، ولی اوسط مصرف کالوری یک فرد امریکایی بالغ بر (۳۷۵۰) یعنی (۷۰٪) بیشتر از نورم معینه ضرورت بدن یک انسان است! در تمام کشورهای غربی و غنی وضع مصرف کالوری باشندگان آنان بر همین منوال، و بیشتر از نورم معینه است، این اسراف نه تنها باعث اتلاف مقدارزیاد غذا و آذوقه می گردد، ازطرف دیگر مبارزه با اثرات سو پر خوری (اضافه وزن، فشار بلند و...) باعث ایجاد مصارف گزاف و تاثیرات سو اجتماعی در غرب می گردد، در صورتیکه این نورم به (۲۵۰۰) کالوری پایین آورده شود، و غذای اضافی آن ها برای مردمان گرسنه اختصاص داده شود، در حدود(۲) هزار کالوری برای هر نفر در آسیا و آفریقا خواهد رسید، به عباره دیگر بیشتر از ( ۲ ) میلیارد انسان با آن تغذیه درست شده می توانند.

مسئله دوم که در به میان آمدن گرسنگی رول دارد، عبارت است از بین رفتن و ضایع شدن غذایی و خوراکه درجهان می باشد، به اساس مطالعات (سازمان ملل متحد) سالانه در حدود ثلث مواد خوراکه شامل غله جات، حبوبات، گوشت و مواد پروتین دار، میوه جات، سبزیجات و ... که مقدار آن بالغ بر (۱.۵) میلیارد تن می شود، از بین رفته و نابود می گردد، دلایل آن در صفحات قبلی به وضاحت بیان شده که ناشی از سهل انگاری، بی تفاوتی، عدم موجودیت مدیریت درست، کمبود امکانات ذخیره و نگهداشت، تخنیک و تکنالوجی قدیمی و کهنه، اقدامات عمدی دولتهای غربی (نابودی مواد خوراکه برای ثابت نگهداشتن قیمت آن در مارکیت) و ... می باشد. کشورهائی غنی (۷۰٪)، و کشورهائی عقب مانده (۳۰٪) درین مسئله مسولیت دارند. اتخاذ اقدامات موثرکه در برگیرنده مراحل کشت، برداشت، انتقال، ذخیره کردن را در بر بگیرد، می تواند از اتلاف مواد غذایی به وجه درست جلوگیری نمود، هکذا ذخیره مواد غذایی تحت شرایط مناسب در سوپر مارکیتها و مغازهها از ضایع شدن مقدار خوراکه جلوگیری می نماید، دقت و توجه فامیلها و مصرف کننده هادر استفاده درست ازمواد غذایی، و احساس مسولیت در مورد هموعان گرسنه، هم به نوبه خود در جلوگیری از اتلاف مواد غذایی نهایت مهم است.

گرسنگی عامل عمده در عقب ماندگی یک کشور شمرده می شود، زیرا یک شخصیکه در طفولیت گرسنگی کشیده باشد، حتمن از صحت خوب برخوردار نبوده و از درس و تعلیم هم باز مانده است و اگر هم درس خوانده باشد، طوریکه لازم بوده از آن مستفید نشده است، بنان عضو فعال جامعه هم شده نه می تواند وجامعه از یک نیروی کار فعال محروم می گردد.



جلوگیری از اسراف (پرخوری) مواد خوراکی و غذایی، و ممانعت از اتلاف و ضایع شدن آن از چند جهت برای بشریت و دوام و بقای آن ضروری است:

الف: سیر شدن شکم (یک میلیارد) انسان ورهایی یافتن آن‌ها از گرسنگی.  
ب: جلوگیری از اتلاف ثلث غذا باعث می‌شود که بیشتر از (۲) میلیارد انسان دگر هم از همین مواد خوراکی تغذیه شوند.

ث: تلف شدن و خاصتن گندیدن مواد غذایی فوق الذکر باعث آلوده شدن محیط زیست، گرم شدن هوا و پیدایش امراض نیز می‌گردد، با جلوگیری از اتلاف و فاسد شدن آن می‌توان از مصیبت‌های فوق هم قسمن جلوگیری کرد.

ج: مخارج اضافی مبارزه علیه اضافه وزن و سایر عوارض پرخوری صرفه جویی شده می‌تواند.

چ: با بهبود وضع تغذیه یک میلیارد انسان گرسنه، آن‌ها به زندگی عادی یک انسان نورمال در جامعه برگشت می‌نمایند، سهم‌گیری آنان در امورات جامعه مربوطه از یک سوبه بهبود وضع معیشتی آنان و فامیل‌شان انجامیده و از طرف دگر در بهبود وضعیت جوامع مربوطه هم موثر واقع می‌شوند.

خصلت غیر انسانی و بی تفاوتی نظام موجوده در مورد منافع دگران، مانع از آمدن تغییرات در بخش فوق خواهد شد، که در آن صورت تغییر نظام به امر ضروری مبدل می‌گردد.

### گرم شدن زمین و تغییر خطرناک موسم:

زمین به طور بی سابقه ای گرم شده، چنانچه سال ۲۰۲۴ گرم‌ترین سال در طی تاریخ بشر ثبت گردیده است، موسم عادی تغییر نموده، و وضعیت غیر نورمال می‌باشد، خشکسالی‌های ممتد، برف و بارش بعضی بی موقع

و بی سابقه که باعث وقوع سیلاب‌های خطرناک و ویرانگری گردد، همه این مصیبت‌ها ناشی از استفاده مواد سوخت فسیلی ( نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ)، خاصتن کشورهای بزرگ صنعتی می‌باشد، ( ۸۰٪ ) از انرژی مورد ضرورت جهان امروز از مواد معدنی فسیلی بدست می‌آید و سهم آن در بوجود آمدن گازهای گلخانه ( ۸۹٪ ) است. چین، امریکا، هند، جامعه اروپا، اندونیزیا، روسیه، برازیل و جاپان دوثلث گازهای گلخانه ای را تولید می نمایند، و یک ثلث باقیمانده را بقیه تمام جهان بوجود می آورند، بدبختانه اثرات سو این پدیده گریبانگیر کشورهای عقب مانده (با کمترین تولید سرانه گازات گلخانه ای ) می گردد، افغانستان، پاکستان، ایران و تمام کشورهای شرقمیانه، شمال افریقا و... در تیررس این جریانات آب و هوایی قرار دارند، تا اخیر قرن حاضر اکثر مناطق فوق الذکراز بود و باش انسان‌ها خارج می گردد، قبلن ما باشندگان این کره خاکی، از موجودیت بم‌های اتمی و استعمال احتمالی آن از طرف گروه‌های متخاصم تشویش وترس داشتیم، ولی اکنون خطر بزرگتر از آن بشریت و جهان را تهدید می کند و آن مسله گرم شدن زمین است که در صورت عدم توجه به حل عاجل آن، باید منتظر نابودی زندگی در روی زمین باشیم.

راه حل آن واضح و عملی است، استفاده کمتر از مواد سوخت فسیلی و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، تطبیق فیصله کنفرانس‌های جهانی در مورد، تاکنون موسسه ملل متحد ۲۶ کنفرانس را در رابطه به اشتراک رهبران کشورهای بزرگ برگزار ساخته است، که آخرین آن در سال (۲۰۲۱) در بریتانیه دایر گشت، تطبیق تعهدات این کنفرانس‌ها می‌تواند حیات در روی کره زمین را نجات دهد، در غیر آن بشریت به سوی تباهی تمام روان است، اکنون هم سطح گازهای گلخانه ای خیلی بلند می باشد، ولی در صورت که اقدامات بازدارنده به عمل نه آید، در سال ( ۲۰۴۵ ) عیسوی

دانشمندان ارزو خواهند کرد، که کاش سطح گازهای گلخانه ای به سطح سال (۲۰۲۴) پایین آورده شود!

اقدامات بازدارنده پروسه گرم شدن زمین و تغییر آب و هوایی طبعن مصارف را ایجاب می کند و بعضی کندی فعالیت های اقتصادی را هم به دنبال دارد، از انجائیکه سردمداران نظام موجوده صرف به حصول ثروت و عاید بیشتر می اندیشند، بنان توقع خیر از آنان در رابطه بعید به نظر می رسد!

### جلوگیری از ایجاد بحران های اقتصادی :

استعمار جدید و کشورهای غربی، خاصتن امریکا بر علاوه استفاده از زور و فشار سیاسی علیه کشورهای غریب، با ایجاد بحران های قصدی و عمدی به اقتصاد این کشورها هم صدمه فراوان وارد می کنند، چنانچه در بحران قصدن ایجاد شده توسط غرب در سال های اخر قرن گذشته، در جنوب شرق آسیا کشورهای زیادی به دلیل سقوط زیاد ارزش پول داخلی شان در مقابل دالرخساره فراوان دیده و پروسه پیشرفت اقتصادی آنان برای چندین سال به عقب افتاد، با بلند بردن و پایین آوردن قصدی نرخ نفت به کشورهای دارنده نفت و مصرف کننده هر دو ضرر وارد می شود، با کم کردن سهمیه تولید نفت، قیمت آن بالا رفته و کشور مصرف کننده نفت مثل چین، هند، برازیل صدمه می بینند و برعکس با پایین آوردن عمدی قیمت نفت و پایین آمدن عاید فروش، به کشورهای دارنده نفت مثلن روسیه و ایران صدمه شدید وارد می شود.

همچو حيله ها و نیرنگ ها نباید در معاملات جهانی جای داشته باشد.

## فصل دهم

### کمک ناچیز غرب به محو کمپاین پروسه عقب ماندگی:

عقب ماندگی دامنگیر اکثریت کشورهای جهان و مردمان آن بوده و میلیاردها دالر سرمایه، تخنیک و تکنالوجی پیشرفته و دهها سال زحمت و تلاش و اراده جدی به سطح جهانی بکاراست، تا بشریت ازین عذاب رهایی یابد، غرب توانایی مالی، اقتصادی، تخنیکی و تکنالوژیکی کافی در اختیار دارد، که درین پروسه انسانی سهم شایسته بگیرد، ولی بدبختانه فقدان و کمبود اراده قوی، نبود احساس همنوع دوستی و مسولیت پذیری در برابر قضایای حاد جهانی و عدم سخاوتمندی و منفعت پرستی مانع ازین تعاون و کمک درین امر نهایت مهم می گردد.

کمک موجوده غرب به کشورهای غریب خیلی ناچیز بوده و به هیچ وجه کفایت نه می کند.

### امکانات بالقوه غرب برای مساعدت:

غرب قدرت بزرگ اقتصادی بوده و از امکانات خیلی زیاد شامل پول و سرمایه، سطح بلند دانش، امکانات زیاد تخنیکی و تواناییهای فنی و مشورتی و مدیریتی برخوردار است، در صورتیکه با این امکانات بزرگ اراده قوی و اخلاص مندی توأم باشد، مبارزه علیه فقر و عقب ماندگی در جهان نتیجه مطلوب و موثر بار آورده می تواند.

مختصرن به امکانات و تواناییهای موجود غرب می پردازیم:

### الف: عاید سرانه بلند:

از جمله (۱۰۰) تریلیون تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۲۳ (۸۰٪) آن یعنی (۸۰) هزار میلیارد دالر آن سهم کشورهای پیشرفته بود، هر نفر در غرب طور اوسط سالانه (۵۰) هزار دالر عاید دارد، در صورتیکه غرب صرف (۱.۵٪) عواید ناخالص داخلی خود را برای کمک به فقرزدایی و محو عقب ماندگی تخصیص دهد، مبلغ حاصله از آن بالغ بر (۱۲۰۰) میلیارد دالر می گردد، که با استفاده از آن کمک شایانی در مبارزه علیه عقب ماندگی صورت گرفته می تواند.

### ب: کم کردن ازمصارف گزاف نظامی:

مصارف نظامی جهان در سال (۲۰۲۳) به مبلغ ریکارد (۲۶۰۰) میلیارد دالر رسید، اوسط مصارف نظامی جهان در حدود (۲.۶٪) تولید ناخالص جهانی است، ایالات متحده امریکا (۳.۵٪) تولید ناخالص داخلی خویش را صرف امور نظامی می نماید، که مقدار آن برای سال ۲۰۲۴ مبلغ (۹۱۶) میلیارد دالر می باشد، کم کردن حد اقل مصارف نظامی جهان، و بکار گیری آن درمسله عقب ماندگی، نشاندهنده نیات نیک غرب در قبال برادران شان در کشورهای غریب خواهد بود.

### ت: جلوگیری از اتلاف مواد غذایی و خوراکه:

قبلن در صفحات گذشته توضیح داده شد که مواد خوراکه به اندازه کافی موجود است و نه تنها کفایت (۸) میلیارد نفوس جهان را می نماید، بلکه برای تغذیه دومیلیارد نفوس دگر هم کافی است، دلیل موجودیت یک میلیارد گرسنه در جهان دونکته است:

- یکی ضایع شدن ثلث مقدار مواد خوراکه و مواد غذایی به دلایل مختلف!

- دوم پرخوری در کشورهای غنی!

مردم در آنجا بیشتر از نورم علمی غذا صرف نموده و کالوری اخذ شده روزانه توسط آنان بعضن تا ( ۷۰٪ ) بیشتر از ضرورت بدن یک شخص می باشد، جلوگیری از هردو پدیده امکان پذیر است، به این ترتیب غذای کافی برای گرسنگان مهیا شده می تواند، وظیفه غرب درین راستا خیلی مهم است، زیرا (۷۰٪) ضیاع مواد خوراکه در ممالک آن‌ها صورت می گیرد، و مصرف کالوری اضافی هم زاده جوامع غربی و غنی می باشد.

**ث: صرف نظر کردن از نگهداری سگ، گربه و پرندگان (منجمله پرندگان شکاری:**

طوریکه قبیلن تذکر یافت در کشورهای متمول و غنی مردم در خانه‌های شان حیوانات مختلف و پرندگان را نگهداری می کنند، نظر به احصاییه های موجود تعداد آن‌ها به بیشتر از ( ۵۰۰ ) میلیون می رسد، مصارف خریداری، نگهداشت، قیمت خوراکه، مصارف تداوی و... آن‌ها سالانه خیلی زیاد است، در کشورهای عربی خلیج نگهداری پرندگان شکاری معمول می باشد، که بعضن قیمت آن‌ها بالغ بر هزاران دالر می گردد، مصارف سالانه این عمل تفننی و غیر ضروری به میلیاردها دالر می رسد، در صورتی که سگ و گربه‌ها به حال خود رها شوند، از گرسنگی تلف نخواهند شد، زیرا غذای کافی دور انداخته شده توسط انسان‌ها در کثافت دانی‌ها، برای خوراک آن‌ها موجود است، آزاد شدن پرندگان اسیر در قفس‌ها باعث خوشحالی آن‌ها می گردد، زیرا (الله ج) پر و بال را برای پرواز به آنان داده است، به این ترتیب وجوه هنگفتی پس انداز می گردد، که از آن در تغذیه انسانهای گرسنه کار گرفته شده می تواند.

**ارزش یک انسان خیلی بالاتراز یک حیوان است !**



برای یک فرد غربی مریضی سگش، بیشتر از مرگ یک طفل سیاه پوست گرسنه اهمیت دارد!



... و تشویش یک زن افریقایی از حالت زار طفل گرسنه اش، در حقیقت غذای این طفل گرسنه را سگ فوق الذکر می خورد!

**ج: کم کردن از شراب نوشی، قمار بازی، شرط بندی ها و زندگی خیلی تجملی و لوکس:**

شراب نوشی سالانه مبلغی در حدود ( ۱۵۰۰ ) میلیون دالر خرچ بر می دارد، در قمار بازی ها و شرط بندی ها میلیارد ها دالر دگر نهفته است، زندگی تجملی هم میلیارد ها دالر دگر را ضایع می سازد، و غیره. ( ۱۰٪ ) از مصرف شراب خوری کم شود، مبلغی گزاف که بیشتر از مجموع کمک های غرب به کشورهای نادار است، از آن بدست می آید، علاوتن فیصدی جرم و جنایت ناشی از شراب نوشی در جامعه هم کاهش قابل ملاحظه خواهد یافت، هکذا با کم کردن فعالیت ها در قمار بازی، شرط بندی و زندگی خیلی پر تجمل می توان پول های بیشماری را برای محو غربت و فقر در جهان از آن بدست آورد، به اساس ارقام بدست آمده صرف مقدار شرط بندی در فوتبال سالانه بیشتر از ( ۱۵۰ ) میلیارد دالر می باشد.

**چ: محدود ساختن عیاشی و صنعت سکس ( روسپیگری ):**

جهت فراهم آوری زمینه عیاشی و فحاشی، صنعت روسپیگری رشد فوق العاده یافته و با ارزشی در حدود ( ۴۰۰ ) میلیارد دالر، یکی از ( ۱۰ ) صنعت پردرآمد جهان محسوب می گردد، این صنعت باعث بوجود آمدن قاچاق هزاران دختر و پسر نابالغ گردیده و انسان های بیشماری از جاده اخلاق و عفت به دور ساخته شده و به برده جنسی مبدل ساخته می شوند، جلوگیری از این عمل نا پسند نه تنها باعث نجات انسان های بیشماری از ارتکاب گناه، فلاکت و بدبختی می گردد، بلکه مردمان بیشماری از امراض مختلف مثل ایدز، سفلیس و... نجات می یابند و از مخارج بیجا و بیهوده هم جلوگیری شده می تواند، که می توان از آن در جاهای مناسب کار گرفت.



غرب امکانات و توانمندی فراگیر دارد، که کارگیری از آن در جوامع غریب باعث تغییرات مثبت می گردد، و رول انسانی آن‌ها درازبین بردن فقر و عقب ماندگی ادا می گردد، مسله حقوق بشریک اصل عمده در جوامع غربی شمرده شده و تاکید خاص برتامین حقوق اساسی انسان‌ها شامل ( خوراکه، خانه، لباس، تعلیم، داشتن حق بیان و...) دارد، بنان سهمگیری غرب در فقر زدایی و محو عقب ماندگی در حقیقت ایفای وظیفه وجدانی آنان می باشد.

### غرب چه مسولیت در قبال کشورهای عقب مانده دارد؟

مکلفیت‌های غرب در مورد کشورهای غریب و عقب مانده عبارت اند از:

الف- مکلفیت‌های انسانی در مقابل هموعان محتاج و بی وسیله، با در نظر داشت این نکته که احترام به حقوق بشر یک اصل قبول شده در جهان غرب می باشد.

ب- موجودیت امکانات اقتصادی، تخنیکي تکنالوژیکی، علمی به سطح بالا در غرب .

ث- گلوبالیزم یا جهانی شدن، بالاثر این پروسه دنیا خیلی به هم نزدیک شده و حیثیت یک قریه را پیدا کرده است، بنان ایجاب می کند که باشندگان یک گوشه قریه که از وضعیت خوب اقتصادی و معیشتی برخوردار اند، با مردمانی که در گوشه دگر قریه با فقر و حسرت زندگی بسر می برند، کمک کنند.

ج- فراموش نباید کرد که اروپا و غرب مدیون کشورهای عقب مانده افریقایی و آسیایی و امریکای لاتین اند، زیرا در دوران استعمار مستقیم

ثروت و سرمایه بیشمار نقدی و جنسی ازین کشورها توسط استعمارگران اروپایی به یغما برده شده است، و حتی در دوران تجارت برده به تعداد میلیون‌ها انسان سیاه پوست آفریقایی به بند کشیده شده و در بازارهای امریکا به مثل چهارپایان به فروش رسانده شدند، از عواید دو منبع فوق سرمایه انکشاف و ترقی غرب فراهم شد، و به برکت آن به مدارج بلند ترقی نایل شدند، بنان غرب باید با سهمگیری در آبادی و عمران مستعمرات سابق، دین خویش را در مقابل آنان ادا نمایند.

با یادآوری یک نکته که تکرار احسن شمرده می شود، دوباره به نظام غربی تذکر می دهیم که در پهلوی مراعات نکات فوق، مداخلات در امور داخلی کشورهای عقب مانده را متوقف ساخته و سعی نکنند که منابع اقتصادی و مواد خام و مواد معدنی آنان را به حيله و نیرنگ‌های مختلف طور ارزان بدست آورند، زیرا این منابع داخلی و عواید ناشی از آن، ارزش استراتژیک و حیاتی در ترقی این کشورها دارند.

بحث غرب و تاثیرات آن بالای پیشرفت و یا عقب ماندگی شرق را به پایان رسانده و کنون می پردازیم به این مسله که خود مردمان کشورهای عقب مانده در رفع پدیده عقب ماندگی خویش چه کارهای را انجام داده می توانند.

## فصل یازدهم

نقش مردم و دولت های غریب در محو پدیده عقب ماندگی:  
توانایی و امکانات دولت ها و مردمان سرزمین های عقب مانده در از بین بردن عقب ماندگی جوامع شان:

ابتدا به موجودیت عوامل داخلی عقب ماندگی کشورهای غریب که ناشی از مسایل، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می باشد، می پردازیم و بعدا راه حل های ممکنه انرا به تحلیل می گیریم!

### علل عمده عقب ماندگی !

- موجودیت حاکمان فاسد، ظالم، نا مشروع و دست نشانده استعمار.
- موجودیت بی اتفاقی و نبود وحدت ملی.
- تشکلات ضعیف سیاسی که جنبه ملی و سرتاسری نداشته و کمتر توانایی جمع ساختن مردم به دور یک تشکل و حزب سیاسی، با یک برنامه ملی را دارند، و اکثرن صرف گروه خاص قومی و لسانی و سمتی را به سمت خود کشانده و به عوض اتحاد ملی نفاق ملی را دامن می زنند.
- سطح بالای بیسوادی (مخصوصن در بین زنان).
- مسولیت پذیری ضعیف در قبال مسایل ملی.
- تنبلی و عدم استفادهء درست از وقت.
- جنگ و باقی بودن اثرات بد آن.
- فیصدی بلند بیکاری.
- عدم رشد سکتور صنعت.

- مصروف بودن ( ۸۰٪ ) مردم در سکتور زراعت توأم با کشت و کار به شکل عنعنوی با سطح پایین محصولات زراعتی، که ضرورت داخلی را هم مکمل پوره کرده نه می‌تواند، و سالانه مقدار زیاد تولیدات زراعتی مخصوصن غله و دانه از خارج وارد می‌گردد. صادرات بیشتر مواد زراعتی بوده که پول حاصله آن کم می‌باشد، چنانچه صادرات افغانستان دو میلیارد دالر و واردات آن در حدود هشت میلیارد دالر است.

- مصرف پایین انرژی.

- کمبود زیر بناهای اقتصادی.

- فرار مغزها و علاقه مندی جوانان برای مهاجرت به کشورهای غنی.

- حاکمیت ضعیف قانون و عدم احترام به آن در جامعه.

- سطح پایین توسعه انسانی همراه با ناامیدی به آینده و غمگین بودن مردم.

- سطح پایین عاید.

- موجودیت فقر و سوء تغذی به خصوص در اطفال.

- سطح پایین خدمات صحتی و موجودیت امراض گوناگون در میان مردم.

- مصرف بلند نظامی.

و غیره.

مشکلات عمده کشورهای عقب مانده (خصوصا کشورهای اسلامی) در مثلث استعمار، استبداد و جهالت است، در مورد استعمار در جایش صحبت شد، متأسفانه استبداد و جهالت امروز هم به قوت خود باقی است.

باید گفت که در بین (۵۵) مملکت اسلامی، حکومت‌های محدودی مانند مالیزیا، اندونیزیا و ترکیه، وجود دارند که از طریق انتخابات شفاف روی کار آمده‌اند.

حاکمان مستبد نه تنها با ظلم خود مانع پیشرفت مملکت می‌شوند، بلکه با دزدی از خزانه دولت و اخذ پول رشوت از ممالک خارج و بستن قراردادهای ظالمانه، زمینه چور و چپاول سرمایه مملکت را فراهم می‌سازند.

طبعن در موجودیت این چنین حاکمان خاین، دزد و قاتل نمیتوان از پیشرفت سخن گفت، اولن باید به طریقه‌های صلح آمیز از شر این ظالمان خلاصی یافت و بعدن به سراغ حل سایر مشکلات رفت!

جهالت، بی تفاوتی، عدم احساس مسولیت در قبال مسایل جهان اسلام هنوز هم گریبانگیر جوامع عقب مانده، اسلامی می باشد، من حیث یک مسلمان از مسولیت و مکلفیت دینی خود بی خبر هستیم، دوم در قبال سیاستمدارهای مستبد، نوکر صفت، و بیعقیده نه تنها موقف اصولی و شرعی را اختیار نه می نمایم، بلکه دنباله رو وحامی سیاسی آنان نیز می باشیم، برنده شدن احزاب سکولردر اکثر انتخابات پاکستان مثال برجسته آن می باشد. عکس العمل یک تعداد کشورهای غیر اسلامی و تشکل‌های سیاسی آن در برابر تجاوز و وحشیانه اسرایل بر غزه و کشتار هزاران مسلمان بیگناه، ستودنی و قابل تحسین است، مثل دولت افریقای جنوبی، کولمبیا، بولیویا، نیکاراگوا، ویزیویلا، کیوبا و... ولی بدبختانه اکثر دولتهای عربی و اسلامی عکس العمل مناسب از خود بروز ندادند، حتی عکس العمل احزاب اسلامی و سایر تشکل‌های سیاسی، مناسب به وضعیت خیلی ناگوار فلسطینیان و لبنانیان نبود.

## عوامل تاثیرگذار بر فقر و عقب ماندگی :

### ۱ - اقتصادی:

اقتصاد ضعیف و ناتوان مشخصه اصلی وعمده فقر و تنگدستی می باشد، عاید سرانه پایین، قرار گرفتن اکثریت مردم تحت خط فقر، بی سوادگی، عدم موجودیت امنیت غذایی، مصرف پایین کالوری، زراعت عنعنوی و عقب مانده، صنعت پسمانده، مصرف پایین انرژی، بیکاری، تجارت ضعیف، سکتور خدمات ناتوان، مصارف بالای نظامی، موجودیت امراض گوناگون جسمی و روحی و روانی و سکتور کمزور خدمات صحتی، به یغما رفتن معادن و منابع طبیعی، فرار سرمایه، فرار مغزها و... .

### ۲ - عوامل سیاسی:

تاثیرات استعمار کهنه و نوین، اکثرن موجودیت حکومت‌های فاسد و غیرملی و غیر منتخب و دست نشانده، حکمرانی دیکتاتورها، رژیم‌های کودتایی، جنگ‌های داخلی و جنگ‌های تحمیلی، عقب ماندگی و پسمانی مردم از لحاظ تفکر سیاسی، عدم موجودیت و یا ضعیف بودن احزاب ملی سیاسی، بی علاقه‌گی مردم به مسایل ملی، عدم عکس العمل مناسب در قبال فیصله‌های غلط رهبری حکومتی.

### ۳ - عوامل اجتماعی:

موجودیت شرایط قومی، قبیله‌ای، لسانی، سمتی، تنظیمی و رجحان آن بر مسایل ملی، عدم موجودیت ملت، کم اهمیت بودن علم و دانش، نرسیدن به مرحله پختگی از لحاظ اجتماعی، نپرداختن به حقوق شرعی زنان، موجودیت خرافات در جوامع، بی سوادگی سیاه و سفید، ترس و عدم اطمینان از آینده و... .

#### ۴ - عوامل طبیعی:

مسئله تغییر موسم و گرم شدن کره زمین، سیلاب‌ها، خشکسالی‌ها، زلزله، طوفان‌ها و... هم در عقب ماندگی نقش دارند. در مورد بوجود آمدن فقر در کشورهای غریب بحث مفصل صورت گرفته است، وطور واضح بیان شد که عوامل داخلی و خارجی در مدت طولانی درین مسئله دخیل بوده است، اکنون به جستجو راه حل‌های این پدیده شوم، که در توان حکومت و مردمان خود کشورهای عقب مانده می باشد، پرداخته می‌شود:

#### راه حل‌های پدیده عقب ماندگی در داخل ممالک:

##### از لحاظ اقتصادی:

۱- بلند بردن عاید: اولین گام برای برداشتن فقر دریک جامعه عقب مانده، بلند بردن عاید سرانه می باشد، به اساس راپور بانک جهانی اکثریت مردم جهان به حالت فقر زندگی می کنند، ( ۴،۵ ) میلیارد مردم روزانه با کمتر از ( ۱۰ ) دالر در روز زندگی به سر می برند، ودر حدود ( یک ) میلیارد انسان با کمتر از ( ۱،۹۸ ) دالر ، که فقر مطلق گفته می شود، زندگی می کنند. زندگی اکثریت بقیه مردمان جهان در (افریقا، جنوب آسیا وقسمن امریکای مرکزی و جنوبی ) با استندرد زندگی امروزی عیارنمیباشد، واز بسیاری ضروریات حیات روزمره مثل داشتن موتر شخصی، مسکن مناسب، تجهیزات عصری مورد ضرورت خانه، امکانات سفر و سیاحت در خارج و داخل مملکت، توان پس انداز پول و... محروم می‌باشند، احساس خوشحالی و امید به آینده کمتر در آن‌ها مشاهده می‌شود.

اولین اقدام موثر برای بلند بردن عاید (اشتغال زایی) می باشد، بیکاری درین کشورها خیلی زیاد بوده، که کمترین آن (۱۰٪) در ایران و بلند ترین آن (۳۳.۲٪) نیروی فعال کار، در نیجریا می باشد، با بلند رفتن تعداد افراد شاغل در یک کشورو پایین آمدن سطح بیکاری، از یک سوعاید یک فرد و یک فامیل بلند می رود و از طرف دیگر (تولید ناخالص داخلی) هم افزایش پیدا می کند.

اشتغال زایی در کشورهای عقب مانده به چند طریقه صورت گرفته می تواند:

### طرق اشتغال زایی جهت بلند بردن عاید:

الف- ایجاد و اعمار پروژه های زیربنایی مثل سرک سازی، احداث بند و انهار، کانال های آبیاری، شهر سازی، احداث فابریکات و... که زمینه کاربرای صدها هزار مردمان بیکار بوجود آمده ویک پروسه عاید افزایشی پیشبرده شده و در پهلوی آن ترقی و پیشرفت نصیب مملکت می گردد.

ب- اعزام کارگران به کشورهای خارجی نیازمند به قوه کار بشری، مثل امارات، قطر، کویت، عربستان سعودی و حتی ایران به اساس قراردادهای دولتی، اینکار باعث اشتغال کارگران بیشمار شده واز طرف دیگر ( اسعار خارجی) وارد کشور می گردد. هند، پاکستان، بنگله دیش، فلپین با فرستادن میلیون ها کارگر به خارج اسعار بیشماری را بدست می آورند.

ت- معادن سرمایه بزرگ یک کشور می باشد، مخصوصن افغانستان که سرشار از معادن مختلف می باشد، این معادن که با شرایط خوب و عادلانه به قراردادیان داده شود، منافع زیادی را نصیب مملکت ساخته و رول بزرگ در بکار انداختن خیل بیکاران دارد!



## ذغال سنگ قلم درشت صادرات ما را تشکیل می دهد!



ث - رشد و تقویت سکتور خصوصی، در اقتصاد بازار آزاد رول بخش خصوصی نهایت مهم است، در کشورهای مثل ایالات متحده امریکا فیصدی نقش آن بالاتر از ( ۹۰٪ ) است، بنان در پیشرفت جوامع عقب مانده نقش این بخش کاملن سازنده و حیاتی می باشد، این سکتور می تواند در همه بخش های اقتصاد ( زراعت، صنعت، خدمات، تجارت و ... ) نقش ارزنده خود را ادا کند، و صدها هزار و حتی میلیون ها شغل را ایجاد کند، مردم بکار افتاده، و پروسه عاید آفزایی صورت گیرد، یکی از دلایل عمده سقوط نظام کمونیستی شوروی، نبود و عدم حضور سکتور خصوصی در آن کشور بود، که تمام فشار بالای دولت وارد می گردید، و دولت از عهده آن بر آمده نتوانست، و نظام دولتی از هم پاشید . علت موفقیت اقتصادی چین مرهون بخش خصوصی است، که بیشتر از ( ۶۰٪ ) اقتصاد بزرگ چین را در دست دارد.

### ج - جلب سرمایه خارجی:

سرمایه‌گذاری خارجی که توسط یک حکومت ملی جلب شده و تحت شرایط منفعت‌بار برای مملکت مدیریت گردد، مسلمان در رشد اقتصاد، اشتغال‌زایی و کم‌کردن بیکاری و افزایش عاید، سهم به‌سزایی ایفا خواهد کرد!

### چ - توریسم و گردشگری:

صنعت توریسم در اشتغال‌زایی و درآمدزایی در جهان امروزی نقش به‌سزایی دارد، ( ۱۰٪ ) از شغل‌های جهان به این صنعت وابسته است، گفته می‌شود که با ورود (۵) گردشگر به یک مملکت (یک شغل) جدید بوجود می‌آید، (۲۱۰) میلیون شغل در جهان به این ارتباط ایجاد شده است، سالانه در حدود (۱.۲) میلیارد مردم به گردشگری و سیاحت می‌پردازند، و عواید حاصله از آن بالغ بر (۱۶۰۰) میلیارد دالر می‌گردد. فرانسه (۶۵) میلیون نفوس دارد، ولی سالانه در حدود (۸۰) میلیون توریست از آن کشور بازدید بعمل می‌آورند.

افغانستان با داشتن جاذبه‌های طبیعی و تاریخی فراوان از دوران حاکمیت (ظاهر خان و داوود خان شهید) مورد توجه گردشگران خارجی قرار داشت و سالانه به هزاران نفر از طریق هوا و زمین وارد کشور می‌گردیدند. هرات، غزنی، کابل، بامیان و... بیشتر مورد توجه این جهانگردان قرار می‌گرفتند، و عاید زیاد نصیب دولت و بخش خصوصی می‌گردید، اداره بنام (ریاست گزندوی) با پرسونل فعال و وسایط نقلیه خورد و کلان در خدمت توریستان قرارداداشتند، بدبختانه با وقوع کودتای (شوم‌ثور) جریان ورود جهانگردان به افغانستان قطع شد، و افغانستان از یک منبع مهم کسب عاید محروم گردید.

در یکی دو سال اخیر و با بهتر شدن شرایط امنیتی، گردشگری داخلی رونق یافته است، مردمان شهر کابل و یک تعداد ولایات دور دست مثل کندهار و هلمند از نقاط دیدنی بامیان، نورستان، پکتیا، بدخشان و... بازدید می‌نمایند، چنانچه از ابتدای سال الی اواخر اسد سال (۱۴۰۲) بیشتر از ( یکصد هزار ) نفر از بامیان دیدن نموده اند، هرگاه یک گردشگر صرف (یک هزار) افغانی مصرف نموده باشد، جمعن مبلغ (یک صد میلیون افغانی) عاید نصیب برادران بامیانی شده است، و علاوه بر هزاران نفر تحت عناوین مختلف صاحب کار شده اند!



جمع و جوش گردشگران در بند امیر بامیان!

### ح - صنعتی سازی:

در کشورهای فقیر و غریب بخش اعظم نیروی کار فعال، در بخش زراعت مشغول می‌باشند، به دلیل سطح پایین تولید و قیمت نازل محصولات زراعتی، عاید زیادی نصیب مردم نه می‌گردد. صنعتی سازی یک کشور اساسی ترین قدم در پایین آوردن سطح بیکاری، افزایش عاید، رونق

صادرات، بلند رفتن سطح تولید داخلی و بلاخره رشد و انکشاف کشور شده و وضعیت اقتصادی مملکت و مردم بهبود قابل ملاحظه می یابد!

بدبختانه پروسه صنعتی شدن یک مملکت کار ساده و سهل نبوده و عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... داخلی و خارجی بالای آن تاثیرگذار است، تازمانیکه یک کشور پروسه صنعتی شدن را طی نکرده باشد، نه می تواند از معضلات فقر (گرسنگی، بیکاری، عاید پایین و...) رهایی یابد، درین مورد طی صفحات گذشته بحث مفصل صورت گرفته است، سکتور زراعت به دلایل فوق الذکر تابع بودن به شرایط جوی، ضایع و فاسد شدن مقدار زیاد حاصلات به دلیل عدم موجودیت سردخانه ها و شرایط خراب نگهداری و مشکلات ترانسپورتی، وابستگی بیش از حد دهاقین به یک واحد محدود زمین، عاید کافی نصیب دهاقین نمیکند، و یگانه سکتور نافع برای مردم سکتور صنعت و خدمات می باشد.

### خ - توسعه سکتور خدمات:

سکتور خدمات در جهان امروزی از اهمیت فوق العاده برخوردار است، درجهان پیشرفته بیشترین تعداد نیروی فعال کار درین سکتور مشغول بوده و بیشترین عاید را هم نصیب کشور می کند، چنانچه در ایالات متحده امریکا بیشتر از (۷۵٪) نیروی فعال کارآن درین بخش مشغول اند، و بیشراز (۷۸٪) تولید ناخالص داخلی مربوط به سکتور خدمات می باشد. بنان برای پیشرفت جامعه عقب مانده رشد سکتور خدمات نهایت ضروری است.

### د - کم کردن مصارف نظامی:

فیصدی بزرگ بودجه دولتی کشورهای عقب مانده صرف امور نظامی می گردد. با صرفه جویی یک مقدار ازین مبلغ و بکار انداختن آن در بخش

تولیدی، از یک سو سطح تولیدات بلند می‌رود، و از طرف دیگر سطح بیکاری پایین آمده و هم عاید افزایشی صورت گرفته، و هم از منازعات فیما بین کشورها به اندازه کافی کاسته می‌شود.

#### ذ - جلوگیری از فساد گسترده:

موجودیت فساد مهمترین عامل داخلی در عقب ماندگی یک جامعه شمرده می‌شود، دولتهای غیر مردمی در کشورهای عقب مانده با ترویج فساد در جامعه، منافع شخصی، گروهی و بعضن تنظیمی و قومی خویش را تعقیب نموده و به این ترتیب سرمایه هنگفت ملت را به هدر می‌دهند. مبارزه با انواع فساد از اتلاف سرمایه ملی جلوگیری نموده و استفاده درست از منابع مالی در جای مناسب آن به پیشرفت مملکت کمک نموده و با بهبود وضعیت اقتصادی، فقر و غربت در مملکت کمتر خواهد شد.

#### ر - جلوگیری از فرار مغزها :

اشخاص تحصیلکرده یک مملکت، که بالای تعلیم و تربیه آن‌ها مبالغ هنگفتی به مصرف رسیده، درحقیقت سرمایه بیش بهای یک کشور شمرده شده و درپروسه انکشاف مملکت موجودیت آن‌ها نهایت ضروری می‌باشد، این افراد و اشخاص به دلایل مختلف وطن را ترک نموده و به امید یک زندگی بهتر به سوی غرب مهاجرت می‌نمایند، درغیاب این قشر با اهمیت روند پیشرفت مملکت کند می‌گردد، بکارگیری متخصصین خارجی، بعوض این کدرها در بخشهای مورد ضرورت اقتصادی برای یک مملکت خیلی گران تمام می‌شود! بنان دولت‌ها باید به هر قیمتی که باشد از فرار مغزها جلوگیری نمایند!

بهترین کار برای جلوگیری از فرار مغزها، اشتغال زایی می‌باشد.

## ز - جلوگیری از فرار سرمایه:

به دلایل گوناگون بعضی سرمایه داران پولهای خویش را به خارج انتقال می‌دهند، فرار سرمایه از یک کشور غریب از لحاظ اقتصادی خیلی ناگوار تمام می‌شود، زیرا موجودیت سرمایه برای پیشرفت یک مملکت تحرک فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال افزایی، رشد صنعت، افزایش صادرات و بهبود مثبت بیلانس تجارت خارجی، استخراج معادن و... نهایت ضروری می‌باشد، حتی بسیاری از دولت‌ها به گرفتن قرصه‌های با سود گران و جلب سرمایه‌گذاری خارجی دست می‌زنند، درحالیکه سرمایه خود مملکت به خارج انتقال داده می‌شود، این عمل نتایج فاجعه بار را برای اقتصاد ممالک ضعیف به بار می‌آورد، بنان دولت‌ها مکلف می‌گردند، تا بستر مناسب از هر لحاظ را فراهم آورند، تا باعث اطمینان خاطر سرمایه گزاران گردیده و پولهای خویش را دوباره بوطن آورده و در پروسه پیشرفت وطن خویش سهم بگیرند، گفته می‌شود که سرمایه داران افغانی مبالغ خیلی کلان را در (۵۱) کشور جهان سرمایه‌گذاری نموده اند، از آنجمله مبلغ بیشتر از (۲۰) میلیارد دالر تنها در امارات متحده عربی در بخشهای مختلف بکار انداخته شده است، هکذا در کشورهای ترکیه، ایران، ازبکستان و تاجکستان هم افغانان سرمایه زیادی را بکار انداخته اند، سرمایه‌گذاری یک میلیون دالر در کشور مثل افغانستان (۷۵۰) کارگر را بکار می‌اندازد، در صورتیکه نصف پول مذکور به افغانستان آورده شده و در بخشهای موثر سرمایه‌گذاری شود، در حدود (۷.۵) میلیون شغل را بوجود می‌آورد، که باعث شگوفایی اقتصادی شده، بیکاری به اندازه زیاد کم گردیده، عاید افزایی صورت گرفته و سطح زندگی مردم بالا می‌رود،

علاوتن ضرورتی به اخذ قرضه از موسسات مالی جهان با سود کمرشکن نمیباشد.

### س - تشویق صادرات و جلوگیری از واردات بی رویه :

تقویت صادرات در شگوفایی اقتصادی یک مملکت رول اهم دارد، دولت‌ها باید درین راستا تلاش خستگی ناپذیر نمایند، واز واردات اشیای لوکس مثلن ( موترهای آخرین مودل) واموال مصرفی بیمورد باید جلوگیری شود، ضمنن از سیاست حمایوی برای پشتیبانی صنایع داخلی کار گرفته شود، تا صنایع نوپای داخلی رشد کنند، مخصوصن کوشش شود در بخش انرژی، کشور به خود کفایی برسد، زیرا ازیکسو برای خریداری ان سالانه مبالغی هنگفت اسعار خارجی پرداخته می‌شود، افغانستان سالانه در حدود (۲) میلیارد دالر را به این منظور می‌پردازد، از طرف دیگرکشور درصورت بروز بحرانهای بین المللی انرژی به مشکلات عمده دچارانه می‌شود، زیرا منابع کافی داخلی انرژی موجود می‌باشد.

### ش - مدیریت بهتر منابع آبی:

آب منبع حیات است، به علت عوامل متعدد از قبیل تغییر اقلیم و گرم شدن هوا، زیاد شدن نفوس، اضافه شدن به مقدار اراضی زراعتی، خشکسالی‌ها و... مقدارآب شرین در جهان کمتر و کمتر می‌گردد، مشکل کمبود آب نه تنها در بخش سکتور زراعت محسوس است، بلکه مسله کمبود آب آشامیدنی در شهرها هم به حد بحرانی رسیده است، سطح آبهای زیر زمینی به حد خطرناکی پایین رفته است، اختلافات روی مسله حقایب دریاهای مشترک در بین کشورهای همسایه تاسرحد کشمکش نظامی نزدیک می‌شود. کشورهای بیشماری در جهان ( خاصتن کشورهای عقب مانده) به این معضله دچار اند، افغانستان هم در زمره همین ممالک

شمرده شده و مشکل زیادی درینمورد دارد، مقدار آبهای جاری افغانستان (۷۵) میلیارد متر مکعب در سال بوده (به استثنای حبابه افغانستان از دریای سرحدی آمو)، ولی فیصدی بزرگ آبهای مذکور به کشورهای همسایه سرازیر گشته و یا هم استفاده درست از آن صورت نه می گیرد.

ضرورت اشد احساس می گردد، که افغانستان آبهای خود را بهتر مدیریت کند، مدیریت سالم و بهتر آبهای افغانستان در پیشرفت اقتصادی، پایین شدن سطح بیکاری، عاید افزایی، رشد حاصلات زراعتی، پس انداز اسعار خارجی و... رول به سزایی دارد، ولی افغانستان باید با کشورهای همسایه درمورد استفاده از آبهای دریاهای افغانستان که به پاکستان، ایران و ترکمنستان (دریای مرغاب) سرازیر می شود، به توافق برسد و قراردادهای در مطابقت به قوانین بین المللی عقد گردد، افغانستان صرف با ایران، آنهم در مورد استفاده از آب دریای هیرمند، قرارداد سال (۱۳۵۱) را امضا نموده است، در مورد دریاهای هریرود و فراه رود تا هنوز با ایران به کدام موافقه نرسیده ایم، با پاکستان که دریای خروشان کابل به طرف آن جریان دارد، متاسفانه تا اکنون کدام معاهده صورت نگرفته است، تثبیت حبابه هردو کشور از آب دریای کابل و قانون مند شدن آن یک امر خیلی ضروری و بجا می باشد، زیرا فعلن این مسله درخرابی هرچه بیشتر روابط نه چندان خوب دو کشور، رول منفی بازی کرده است، حکومت های مختلف پاکستان همواره کوشیده اند به ذرایع مختلف، حتی اقدامات استخباراتی، جلو اعمار پروژه های آبیاری و بند وبرق را در مسیر دریای کابل بگیرند، کشته شدن (داکترناکومورا) جاپانی، متخصص آبیاری در شهر جلال آباد، در زمان جمهوریت، را می توان طور مثال یاد اوری کرد. امارت اسلامی با حفر کانال ( قوش تیپه) در شمال کشور، که طول آن



به (۲۸۰) کیلومتر می‌رسد، بزرگترین پروژه آبیاری را در منطقه (بعد از کانال قراقرم ترکمنستان که یک هزار کیلو متر طول دارد) براه انداخته است، غرض مقایسه باید گفته شود، که کانال آبیاری ننگرهار صرف (۷۰) کیلومتر طول دارد و حد اکثر (۲۶) هزار هکتار معادل (۱۳۰) هزار جریب زمین را آبیاری می‌نماید، که از لحاظ اراضی تحت کشت (۲۳) مراتبه کانال خوش تیپه از آن بزرگتر است، کانال مذکور از ولسوالی کلدار ولایت بلخ شروع و بعد از گذشتن از ولایت جوزجان الی ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب امتداد میابد، و در حدود (۶) صد هزار هکتار مساوی به (۳) میلیون جریب زمین را سیراب می‌سازد، این پروژه که نتیجه مدیریت بهتر منابع آبی کشور می‌باشد، در ترقی و پیشرفت کشور و افزایش محصولات زراعتی رول به سزایی دارد، سهم افغانستان از آب دریای آمو (۲۸٪) می‌باشد و آب قابل استفاده مجموعی دریای آمو در یکسال بر (۸۲) میلیارد مترمکعب می‌گردد، آب وارد شده به کانال خوش تیپه در یک ثانیه بالغ بر (۶۰۰) متر مکعب می‌شود، از آنجائیکه یکسال بالغ بر (۳۱،۵۴) میلیون ثانیه می‌باشد، بنان برداشت افغانستان از آب آمو به (۱۹) میلیارد متر مکعب در سال می‌رسد، که در حدود (۴) میلیارد متر مکعب کمتر از سهمیه اش می‌باشد، به این ترتیب جای تشویش برای کشور همسایه شمال کشور باقی نه می‌ماند!

هکذا در سمت شمال غرب افغانستان دریای خروشان (مرغاب) جریان دارد، که از آب آن کشور ما هیچ نوع استفاده نمیکنند و تمانن مورد استفاده ترکمنستان قرار دارد، تثبیت حقایق افغانستان درین مورد هم نهایت ضروری می‌باشد.



کانال خوش تیپه، با پل قطار آهن اعمار شده بالای آن !



تصویری از دریای خروشان مرغاب، و پل تاریخی ویران شده روی آن!

مدیریت بهتر منابع آبی ما، تثبیت حقایقها با همسایه ها و تعیین رژیم حقوقی دریاها باعث می شود:

۱- افغانستان به حق مسلم خود می رسد، و از حقایقهای خود به شکل درست استفاده خواهد کرد.

۲ - عقد قراردادهای با (۵) کشور همسایه می تواند از معضلات و بحرانیهای احتمالی آینده در روابط ما با همسایگان بکاهد.

۳ - افغانستان می تواند با این حساب و با اطمینان پروژههای آبیاری خود را تطبیق کند.

۴ - به اساس سنجش ای علمی در افغانستان می توان از دریاهای فراوان آن در حدود (۲۰) هزار مگاوات برق بدست آورد، در حالیکه برق تولید شده در بندهای برق افغانستان صرف (۳۰۰) مگاوات است، یعنی ما صرف از (۱،۵٪) توان بالقوه خویش درین مورد استفاده می کنیم، افغانستان برای رفع نیازمندی های خود کاملن به برق وارداتی از کشورهای همسایه متکی است.

۵ - افغانستان با مدیریت بهتر این مسایل می تواند با سرعت زیاد به جلو برود و با آمدن رونق اقتصادی وضع زندگی مردم بهبود قابل ملاحظه خواهد یافت.

منابع هنگفت پرداخت شده برای انرژی وارداتی، پس انداز شده، علاوه بر این با صدور انرژی اضافی برق، می توان اسعار خارجی بیشماری را بدست آورد. باید علاوه نمود، که افغانستان با داشتن (۳۰۰) روز آفتابی و شدت زیاد حرارت افتاب، کشور خیلی مناسب برای تولید انرژی آفتابی می باشد، با سرمایه گزاری مناسب می توان هزاران مگاوات برق ازین ناحیه بدست آورد، چنانچه در مناطق روستاها و دهات افغانستان مردمان ما با نصب تخته های سولر، مشکل خود را تا حدی حل می کنند، و در پهلوی استفاده

۲۳۳۴ // نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

از انرژی خورشیدی درخانه‌ها، در بخش آبیاری هم از آن کار می‌گیرند، که باعث تحول زیاد در نحوه زندگی آنان شده است



این نیروگاه ۱۵ مگاوات برق را وارد شبکه برق قندهار کرد

### نوت:

برای عاید افزایشی بیشتر در یک مملکت عقب مانده، خاصتن در بخش زراعت، یافتن نباتات جدید و کشت وزرع آن، می‌تواند خیلی نافع باشد، چنانچه در افغانستان ترویج زعفران، انغوزه ( هنگ )، گیلاس ایرانی، املوک،

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۳۳۷

کیله و... نتیجه خیلی خوب به بار آورده است، تنها از درک صادرات زعفران مبلغی در حدود (۲۰) میلیون دالر نصیب افغانستان می گردد، که مساوی است به (۴۰٪) ارزش تمام صادرات میوه تازه افغانستان!



زعفران افغانستان، بهترین نوع آن در تمام دنیا می باشد، و هرکیلو آن در حدود ( یک هزار ) دالر امریکایی قیمت دارد!



شیره انغوزه ( هنگ )، یک کیلو آن تا ( ۱۵۰ ) دالر فروخته می شود، و درصحات شمال کشور کشت و زرع می گردد!

عوامل متعدد دگر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و... در داخل کشور در کم کردن فقر، ازبین بردن غربت، بیکاری، بهتر شدن وضع عایداتی و معیشتی افراد رول دارند، پرداختن به این مسایل ویافتن راه حل‌های آن در داخل مملکت باعث می‌شود، که در پیشرفت به سوی رفاه اقتصادی و اجتماعی بدون چشم داشت کمک غرض آلود از خارج، با استفاده از امکانات خود زمینه میسر گردد!

### - در بخش سیاسی:

موجودیت فضای باز سیاسی، فعالیت آزادانه احزاب و نهادهای ملی و دیموکراتیک، برگزاری انتخابات شفاف و فارغ از تقلب و تزویر و مداخله خارجی، پارلمانی و ریاست جمهوری (نه به شکل انتخابات افتضاح آمیز دوره ۲۰ ساله جمهوریت) باعث خواهد شد، که یک رهبری سالم، ملی و دور از فساد و متعهد به منافع علیای کشورها، قدرت را بدست گرفته و با تپ وتلاش صادقانه و پر خلوص در بهبود وضع مملکت بکوشد، که حتمن نتیجه موثر بار خواهد آورد، مثالهای متعدد از همچو یک رهبری سالم در جهان موجود است، که رهبران فارغ از فساد کارنامهای درخشان از خود به یادگار گذاشته اند، کوریای جنوبی، تایوان سنگاپور، مالیزیا و... را می‌توان ازین جمله دانست!

شرط اساسی باز هم عدم مداخله کشورهای خارجی در مسایل داخلی این ممالک می باشد.

کوریا کشور کوچکی است، با (۲۰۰) هزار کیلومتر مربع مساحت و در حدود (۷۰) میلیون نفوس، که از دوبخش شمالی و جنوبی تشکیل شده است، کوریای شمالی دارای رژیم کمونیستی و جنوب آن با اصول دیموکراسی غربی اداره می‌شود.

کوریا از سال (۱۹۵۰ الی ۱۹۵۳) یک جنگ خونین نیابتی قدرت‌های بزرگ را پشت سر گذشتاند، که طی آن بیشتر از (۳.۵) میلیون انسان بیگناه کوریایی قربانی جاه طلبی‌های شوروی و امریکا شدند، این جنگ بدون نتیجه به پایان رسیده و در ختم جنگ مدار (۳۷) درجه عرض البلد شمالی دوباره سرحد بین دوکوریا تثبیت گردید، کوریای شمالی از جمله محدود کشورهای باقیمانده کمونیستی بوده و توسط یک دیکتاتور مستبد اداره می‌شود، و حالت اقتصادی آنهم خیلی ناگوار است، عاید سرانه فی نفر آن به (۹۰۰) دالر می‌رسد، ولی کوریای جنوبی دارای اقتصاد خیلی قوی بوده و از جمله غول‌های اقتصادی به سطح جهان شمرده می‌شود، و عاید سرانه آن در حدود (۳۳) هزار دالرمیباشد. این کامیابی آسان بدست نیامده است. سالهای اول بعد از ختم جنگ مردم کوریای جنوبی با فقر، گرسنگی، ضعف اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کردند و پلان‌های اقتصادی حکومت‌ها هم چندان موثر تمام نه می‌شد، در ابتدای دهه (۶۰) عیسوی، وضعیت اقتصادی کوریای جنوبی بدتر از بعضی کشورهای عقب مانده جنوب افریقا بود، و عاید سرانه آن به (۸۰) دالر امریکایی می‌رسید، ولی بعد از سال (۱۹۶۳) عیسوی وضعیت تغییر کرد، درین سال یک ژنرال قوای مسلح بنام (پارک چونگ هی) از طریق کودتا زمام امور را بدست گرفته و با ایجاد یک اداره سالم فارغ از فساد و با اراده قوی در صدد مبارزه با بحران اقتصادی کوریای جنوبی شد.

اقدامات بجا و پلانهای انکشافی (پارک چونگ هی) نتیجه مثبت داده و حالت اقتصادی کوریا بهتر شده رفت. طی دوران (۱۶) ساله حکومت وی (از ۱۹۶۳ الی ۱۹۷۹ زمان مرگ وی) کوریا از یک کشور عقب مانده به یک کشور بزرگ صنعتی و اقتصادی مبدل گشت، شرکتهای بزرگ کوریایی مثل (سامسونگ، ال جی، هیوندای و...) همه درین دور قد علم کردند،

باوجودیکه رهبری کشور انتخابی نبود، ولی اخلاص، و در اولویت قرارگرفتن منافع ملی، باعث آمدن تغییرات مثبت در کشور گردید، اکثرن در کشورهای عقب مانده حکومت‌های ملکی به دلیل موجودیت فساد رایج دران باعث بحرانهای اقتصادی می‌گردند، ولی زمانیکه قدرت به دست نظامیان می‌رسد، وضعیت اقتصادی مملکت به دلیل پایین آمدن سطح فساد بهتر می‌شود، پاکستان بهترین مثال برای ان است!

راز موفقیت حکومت (پارک چونگ هی) درین بود، که وی بعد از طرح و ترتیب پلانهای اقتصادی، آنرا غرض تطبیق به ژنرال‌ها و اعضای کابینه نه می‌سپرد، بلکه آنرا مستقیم بدست متخصصین اقتصادی می‌داد، تا بدون درنظرداشت مسایل سیاسی، صرف از جنبه اقتصادی در تطبیق ان سعی و تلاش نمایند، همان بود که پروژه‌ها به خوبی تطبیق شده و کدام سکتگی در ان رخ نمیداد!

مثال دوم کارکردگی و عملکرد خوب یک دولت و هم یک حزب را می‌توان در جزیره تایوان و در شکل (دولت چین ملی) مشاهده کرد!

قبل از رویکار آمدن حکومت کمونیستی در خاک چین اکتوبر (۱۹۴۹) عیسوی، حزب (کومین تانگ) به رهبری جنرال چیان کای شک، بر تمام چین حکومت می‌کرد، این حزب از زمان سقوط نظام امپراطوری، از (۱۹۱۱) الی (۱۹۴۹) قدرت را در خاک اصلی چین در دست داشت، ولی کمونیستان در همین سال زمام امور را در خاک اصلی چین بدست گرفته و جنرال (چیان کای شک) با بقایای اردو و حزب به جزیره تایوان (فارموسا) در (۱۵۰) کیلومتری شرق خاک اصلی چین فرار کرده و در انجا حکومت خودرا ادامه دادند.



دولت کمونیستی چین بعد از اشغال خاک اصلی چین، بدنبال چیان کای شک و دولت فراری وی به سوی جزیره تایوان لشکر کشی نمود، ولی برخلاف توقع، اینبار حزب کومین تانگ و دولت چین ملی (جمهوری چین) شجاعانه در مقابل کمونیستان ایستادگی کرده و از دولت خود دفاع کردند، کمونیستان بارها با تمام قوا سعی در نابودی قوای چیان کای شک نمودند، ولی موفق نشدند و دولت چین ملی به حکومت خود دوام داده و تا امروز نه تنها از لحاظ سیاسی دوام آوردند، بلکه از لحاظ اقتصادی هم از جمله شش قدرت برتر آسیا با عاید سرانه (۲۳) هزاردالر حساب می‌شوند!

جریان قابل بحث برای ما از ذکر این مطلب این است، چگونه دولت چیان کای شک توانست، با وجود ناکامی‌های اولی در مقابل کمونیست‌ها در خاک اصلی چین، در جزیره تایوان دوام بیاورد و در مقابل حملات متعدد و سنگین نظامی طرفداران (مایوستی تونگ) مقاومت کند.

در مدت زمان (۳۸) ساله سلطه حزب کومینتانگ بر خاک اصلی چین، حزب و دولت به فساد گسترده دچار گردیده بود، کمک‌های بیدریغ غرب، و خاصتن امریکا موثریت خویش را از دست داده بود، سرازیر شدن میلیونها دالر امریکایی دردی را دوا نکرده و فساد روز تا روز بیشتر می‌شد، در نتیجه حزب و دولت مبارزه لازم در مقابل کمونیست‌ها را انجام داده نتوانستند، و به شکست تن داده و به جزیره فارموسا (تایوان) با رقبه در حدود (۳۶) هزار کیلومتر مربع پناه بردند، مساحت خاک اصلی چین در حدود (۹.۵) میلیون کیلومترمربع است، یعنی تفاوتی در حدود (۲۶۴) مرتبه در بین موجود بود، دلیل کاملن واضح بود، این مردم نابودی خود را در مقابل کمونیست‌ها حتمی می‌دیدند، بنان در فکر چاره شدند،

این‌ها خوب می دانستند که ناکامی‌های قبلی آنان در مقابل کمونیست‌ها ناشی از ضعف و فساد داخلی بود، تا قوت و توان کمونیست‌ها، بنان تصمیم در محو این پدیده منفی را در وجود خود گرفتند، مبارزه جدی و شدید برعلیه فساد در حزب و دولت آغاز شده و نتیجه موثری ازان گرفتند، اولن در میدان جنگ با یک اراده قوی و عزم متین با کمونیست‌ها مقابل شده و برخلاف گذشته کامیابی‌های زیادی را نصیب شده و کمونیستان از اشغال جزیره تایوان باز داشتند، در اداره مملکت هم با یک بازنگری دقیق جلو فساد را گرفته و باازبین رفتن سواستفاده از پولهای کمک خارجی (عمدتن کمک امریکا) اقتصاد مملکت رونق یافته و دوران ترقی و شگوفایی تایوان آغاز یافت، امروز تایوان با (۲۳) میلیون نفوس (۱۹ مین) اقتصاد برتر جهان بوده و حجم صادرات آن در حدود (۳۵۰) میلیارد دالر می‌باشد، که با صادرات اقتصاد بزرگ هند برابری می‌کند!



### مقایسه تایوان با خاک اصلی چین از لحاظ وسعت جغرافیایی:

مرام از توضیحات فوق نشان دادن رول و اهمیت دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در پیشبرد عملیه پیشرفت اقتصادی و از بین بردن فقر و عقب ماندگی در کشورهای غریب می‌باشد، رول مثبت دولت‌ها نه تنها باعث

رفاه اقتصادی می‌گردد، بلکه در بخشهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... نیز دستاوردهای بزرگی نصیب کشور می‌گردد.

کشورهای دارای نظام‌های فاسد هیچگاهی نخواهند توانست که مدارج ترقی و پیشرفت را طی کنند، زیرا همچو دولت‌ها مانع و ترقی پروسه پیشرفت بوده و در موجودیت آن، تلاش اشخاص، افراد، احزاب، سازمانهای اجتماعی و مدنی و... ملی و خیرخواه وطن به جایی نمیرسد، به همین دلیل است که انقلابات بیشماری در همچو ممالک جهت تغییر نظام فاسد و جایگزینی آن با یک نظام سیاسی ملی، به وقوع پیوسته و می‌پیوندد.

توضیح مثالهای کشورهای کوریای جنوبی و تایوان برای این هم مهم است، که حتی دولتهای فاسد هم می‌توانند با تغییر در عملکرد خود و اختیار یک سیاست ملی در آوردن تغییرات مثبت در جامعه رول داشته باشند!

مشکل عمده کشورهای عقب مانده و خاصتن اکثریت مطلق کشورهای اسلامی موجودیت همچو رژیم‌های فاسد و وابسته به خارج بوده و می‌باشد، حکومت‌های مذکورنه تنها سد راه ترقی و رفاه اقتصادی کشور می‌باشند، بلکه در قبال مسایل ملی و حیاتی کشورهای خویش بی تفاوت بوده و هیچگاهی اراده ملی را تمثیل کرده نمیتوانند، و برای بقای خود و خوشنودی باداران خویش از موضعگیری ملی در مسایل حیاتی خودداری می‌کنند، چنانچه در قضیه تجاوز اسرایل برغزه و کشتار و نسل کشی فلسطینیان زعامت اکثریت کشورهای اسلامی و خاصتن عربی نه تنها خاموشی بیشرمانه اختیار کردند، بلکه در ایام که کشتار فلسطینیان

۲۰۲۴ // نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری!

توسط اسراییل ادامه داشت، از ریس جمهور وسایر رهبران اسراییل متجاوز با گستردن فرش سرخ استقبال جانانه نمودند!

رهبران کشورهای عربی (امارات) همزمان با قتل عام فلسطینیان، از ریس جمهور کشور دشمن (اسراییل) رومن استقبال می نمایند!



### مسایل فرهنگی!

با کمک گرفتن از بخش فرهنگی، می توان در بهبود وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی مردمان کشورهای عقب مانده تاثیرات مثبت وارد نمود.

عادت‌ها، رسم و رواج‌ها، بدعت‌های بیشماری در جوامع عقب مانده وجود دارند، که بالای زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم تاثیرات ناگوار و منفی دارد، طور مثال:

- تنبلی و بیکارگی

- مصارف عروسی گزاف

- مراسم پر خرچ مرده و کفن و دفن وی

- مسله عدم مراعات حقوق زنان، حتی در مطابقت به احکامات دین، مثلن ندادن حق میراث به زنان مسله توجه کمتر به تعلیم و تربیه آنان، زن باسواد با داشتن شغل ( با رعایت حجاب و عدم اختلاط) و عاید مستقل در جامعه رول بیشتر می تواند داشته باشد.

این رسم و رواجها ناپسند و بعضن کمر شکن از لحاظ اقتصادی بالاتر از توان افراد این جوامع بوده و تاثیرات سو را بار میاورد، مصارف گزاف عروسیها باعث می گردد، که جوانان نه توانند در وقت وزمان ازدواج نمایند و فامیل پسر مجبورن دست به قرض بزند، که باز پرداخت دوباره آن سالها وقت و تلاش فراوان کار دارد، اکثرن پسران جوان ناچار برای پیدا کردن پول مصارف عروسی ویا بازپرداخت قروض سالها در کشورهای خارج (کشورهمسایه و یا خلیج) کارهای پر مشقت را انجام دهند، وسالها از فامیل بدور باشند.

از طرف دگر فامیلهای متمول و پولدار عروسیهای خویش را در هوتلهای مجلل و خیلی لوکس شهرها برگزار می کنند، که مصارف ان خیلی گزاف بوده و بالغ بر میلیونها افغانی می شود، برگزاری این عروسیها بیشتر روی رقابتها و هم چشمی و سیالی صورت می گیرد، که یک عمل ناپسند میباشد، در مملکت فقر و غربت بیداد می کند، با پول این عروسیها می توان صدها فامیل را در یکسال اعاشه و اباته کرد.



یک سالون مجلل عروسی در کابل!



مرده هنوز دفن نشده است، اما دیگهای خیرات برای پلو خوران ( نه برای غربا و فقرا ) بار است!

همچنان مرده داری در اکثر کشورهای عقب مانده، منجمله افغانستان، بیشترین مصارف را متوجه فامیل متوفی می‌نماید، اکثر این مراسم تابع عنعنات بوده و جنبه شرعی ندارد، مرده دار بخاطر هم‌چشمی مصارف بیجا پول قرض می‌کند، که چندین سال باز پرداخت آن دوام می‌کند.

عده در کشورهای عقب مانده علاقه ای به کار نداشته و یا کار به اندازه کافی نه می کنند، بنان این اشخاص بار دوش فامیل و جامعه می گردند، لازم است تا علمای کرام دینی، دانشمندان و اهل قلم و میدیا، خاصتن تبلیغات دولتی در روشن ساختن اذهان همچو اشخاص تلاش بیدریغ نموده و آنان را به کار و فعالیت موثر در جامعه تشویق کنند، حتی این بیکارگی در بین مهاجرین این کشورها که به غرب رسیده اند، نیز موجود می باشد، وبه عوض کار کردن، به پول سوسیال و یا معاش اطفال گزاره می کنند.

### نقش دین ومذهب در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردمان کشور های عقب مانده!

عقب ماندگی در کشورهای غریب آسیایی، افریقایی و بعضی کشورهای امریکایی تنها از لحاظ اقتصادی نمیباشد، بلکه جنبه های گسترده اجتماعی هم دارد، نه تنها نابرابری اقتصادی و شکاف خیلی عمیق بین دارا ونادار و غریب و معتبر وجود دارد، بلکه تضادهای اجتماعی و طبقاتی نیز بیداد می کند، چیزیکه باعث دوامدار شدن پروسه عقب ماندگی از هر لحاظ می گردد. برای حصول و دستیابی به پیشرفت وترقی درین کشورها، مبارزه پیگیر و مستمر برای ازبین بردن این تفاوتها ضرورت مبرم است، وتا زمانیکه این تلاشها نتیجه مثبت ندهد، مشکل است که معضل عقب ماندگی حل گردد. بدبختانه معضلات مذکور یکی دو نبوده و تعداد آن بشمار است، مسایل قومی، لسانی، سمتی، نژادی، و... در بر گیرنده این مشکلات می باشد. درممالک عقب مانده مردم پیروان ادیان بزرگ ابراهیمی ( اسلام، عیسویت، یهودیت)، و ادیان غیر آسمانی مثل هندویزم، بودیزم و غیره بوده، و مردم اکثرن با اعتقادات

از آن پیروی می‌کنند! بدبختانه در بسیاری ممالک غیر اسلامی جهان به دلایل مختلف ناشی از تعصبات، نافهمی و یا تحریک کارکنان احزاب سیاسی متعصب، اقلیت‌های مذهبی و قومی با تعرضات و حملات گروه‌های اکثریت مواجه می‌گردند، این وضعیت نه تنها باعث کشتار پیروان مذاهب اقلیت شده بلکه تخریب عبادت گاه‌ها، توهین به مقدسات آنان را نیز در بر می‌گیرد، وضمنن از سایر حقوق حقه خویش مثل برخوردارشدن از حق تعلیم و تربیه، حق آزادی بیان و اندیشه، حق کار، حق مشارکت در پروسه سیاسی کشور و... محروم می‌گردند، **خاصتن اقلیت مسلمانان درین کشورها** بیشترین ضرر را متقبل می‌شوند، این مظالم باعث می‌گردد که این اقلیت‌ها به طبقات محروم مبدل شده و به شهروندان درجه دوم در جامعه تبدیل گردند. بدترین مثال برای همچو تبعیضات و تعصبات مذهبی واجتماعی کشور بزرگ **هندوستان** می‌باشد. هندوستان با (۱۴۵۰) میلیون نفوس، بزرگترین کشور ازین نگاه در جهان می‌باشد، این کشور از لحاظ مذهبی، لسانی، نژادی خیلی متنوع می‌باشد، متأسفانه از لحاظ اقتصادی واجتماعی مجموعه از تضادها می‌باشد، تضاد طبقاتی خیلی عمیق در جامعه وجود دارد، اکثریت مردم در حالت فقر و ناداری زندگی بسر می‌برند، بیشترین تعداد مردمان فاقد سرپناه در ینجا بودوباش دارند، بیشتر از (۶۰٪) مردم در زیر خط فقر قرار دارند، آب اشامیدنی صحی به مشکل بدست می‌آید و بزرگترین تعداد گرسنگان جهان در جنوب آسیا زندگی بسر می‌برند.

حکومت هند بدبختانه در از بین بردن فقر وعقب ماندگی کار نامه خاصی ندارد وروز بروز شکاف بین فقیر و غنی بستر شده می‌رود، علت



آن تا اندازه همان مشکلات کشورهای فقیر درین ساحه است، ولی دلایل خاص و مناسبات پیچیده و بغرنج اجتماعی و مذهبی موجود در جامعه هند به این بحران دامن زده و سد راه حل معضلات اقتصادی می‌گردد. عقب ماندگی هند به دو دلیل از سایر کشورهای عقب مانده تفاوت دارد:

۱- موجودیت مسله طبقات در هندویزم.

۲- بر سر قدرت بودن یک حزب افراطی مذهبی هندو.

طبق تحقیق بانک جهانی هند (۳۳٪) مجموع فقرا جهان را در خود جا داده است!

به اساس عقاید هندویزم، مردم از روز اول پیدایش به چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

این چهار طبقه به لحاظ اهمیت عبارت اند از:

۱- برهمن‌ها:

طبقه روحانیون و کاهنان

۲- کشاتریاها

طبقه شهزادگان و جنگاوران

۳- ویشایاها

طبقه بازرگانان، صنعتکاران و کشاورزان

۴- شودراها یا سادراها

طبقه کارگر

هر آن شخصی که درین چهار کاست شامل نباشد، نجس شمرده شده و غیر قابل (لمس) یا (دالیت) شناخته می‌شود!

یک فرد یک طبقه با فرد طبقه دگر ازدواج کرده نمیتواند، افراد یک طبقه به شغل افراد دگر وارد شده نمیتوانند. بدترین حالت اجتماعی و اقتصادی را افراد طبقه دالیت (نجس) دارند، افراد طبقات دگر هیچ نوع تماس و ارتباط به اینان ندارند، نان شانرا نه می‌خورند و نه در خانه خود ازانها پذیرایی می‌کنند، پست ترین وظایف مثل پاک کاری بدرفت‌ها و تشناب‌ها در شهرها و پر مشقت ترین کارها در سکتور زراعت و مالداري بدوش این بدبختان است. فقیرترین طبقه جامعه همین مردمان اند.



یک کارگر متعلق به طبقه (دالیت) در هندکه وظیفه پاک کاری را به عهده دارد! نفوس طبقه (دالیت) (۲۵۰) میلیون یا (۱۷٪) نفوس مجموعی کشور را در برمیگیرد، این تعداد مردم مساوی است به نفوس (روسیه + جرمنی + فرانسه).

یک نفر از طبقه دالیت که خدمات شایسته برای حزب (BJP) مذهبی هندو انجام داده ولی بعد از مشاهده تبعیض آشکار از سوی طبقات بالایی نه تنها از حزب کناره کشید، بلکه کتاب بنام (دگر نه می‌خواهم هندو باشم!) را نوشت که خیلی مشهور است! این تبعیض آشکار ضد انسانی برعلیه کتله عظیم (دالیت‌ها) باعث گردیده که این (۲۵۰) میلیون انسان زحمت کش جایگاه اصلی خود را در جامعه هند بدست نیاورند و از بسیاری حقوق انسانی خود محروم گردند، این تبعیضات باعث شده که این مردم از حق تعلیم تا اندازه زیاد محروم گردیده و در جامعه به مقام شایسته یک انسان، آنهم در قرن (۲۱) نرسند، پایدالی حقوق حقه انسانی دالیت‌ها تا اندازه زیاد به مقام هند منحیث یک کشور تاریخی و بزرگ لطمه شدید وارد می‌کند، ضمن به حاشیه راندن آن‌ها باعث عدم مشارکت موثران در جامعه شده و مانع بزرگی در مسله فقر زدایی می‌شود، و تا زمانیکه رهبران این کشور نخواهند و نتوانند این معضله بشری را حل نکنند، دعوی کشور بزرگ و پیشرفته را نه نمایند!

برای حل این موضوعات رول روحانیون هندو خیلی با ارزش می‌باشد و می‌توانند به کار گرفتن از اثر و رسوخ خود در بین مردم، برعلیه این چنین پدیده‌های منفی در اجتماع مبارزه کنند، ولی بدبختانه حزب مذهبی رادیکال (BJP) هندو، که از طرفداری بیدریغ روحانیون متنفذ نیز برخوردار است، با اعمال سیاست‌های تبعیض طلبانه و تفرقه برانگیز به این نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زنند و هندوستان امروز نظر به گذشته، (زمان حکومت کانگرس) برای اقلیت‌ها جای نا امن تری شده است!

این مسله باعث گردیده که (فقر زدایی) در هندوستان طوریکه لازم است، پیش نرود، زیرا بخش بزرگی از شهروندان درین پروسه و مبارزه طوریکه لازم است، سهیم شده نه می‌تواند.

### **عملکرد افراطی حزب (BJP) هندو، عامل افزایش معضلات هند!**

عوامل اجتماعی در یک کشور بالای مسایل اقتصادی هم تاثیر گزار اند، موجودیت شرایط مناسب اجتماعی و خاصتن برقرار بودن مناسبات نیک اکثریت با اقلیت‌ها نه تنها باعث ایجاد فضای صلح و آرامش در کشور می‌گردد، بلکه با موقع دادن به اقلیت‌ها از سعی، تلاش، نیروی کار، استعدادها و امکانات بالقوه آنان در پیشرفت و ترقی کشور و مبارزه علیه فقر، و بهبود حالت اقتصادی کشور استفاده اعظمی صورت گرفته می‌تواند، و در حالت معکوس ان نتیجه کاملن منفی و مضر برای جامعه و اقتصاد آن بدست میاید! بعد از کسب استقلال ۱۹۴۷ عیسوی، هند سالهای زیادی توسط حزب کنگره سکولر اداره می‌شد، درین مدت با اقلیتهای مذهبی ساکن هند، خاصتن مسلمانان، برخورد نسبتن نیک صورت می‌گرفت، و زمینه مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی واقتصادی توسط حزب ودولت های وقت مهیا گردیده بود. شخصیت‌های زیاد سیاسی و مذهبی مسلمانان از ایده و مفکوره ایجاد پاکستان طرفداری نکرده و در پهلوی حزب (کنگره) قرار گرفته و در تشکیل اولین دولت هند بعد از استقلال سهم ارزنده گرفتند، چنانچه مولانا ابوالکلام (آزاد) منحیث وزیر معارف هند بعد از آزادی ایفای وظیفه می‌کرد، با تناسب نفوس مسلمانان، حد اقل چهار نفر مسلمان در کابینه هند عضویت می‌داشتند، علاوتن چندین روسای جمهور هند از جمله مسلمانان تعیین شده بودند (داکتر ذاکر حسین، فخرالدین علی احمد،

داکتر ابوالکلام (دانشمند بزرگ و پدر راکت‌های اتمی هند)، علاوه بر بخش فرهنگی و هنری (صنعت سینمای پر درآمد هند) نقش مسلمانان خیلی برجسته بود و است، علاوه بر بخش اقتصادی مسلمانان نیروی با ارزشی محسوب می‌شدند، ضمن در بخش ورزشی (خاصتن کریکت و تینس) مسلمانان در کامیابی‌های کشور هند سهم خود را ادا کرده و می‌کنند! ولی متأسفانه با ظهور حزب افراطی مذهبی و نشنلست هندوان (BJP بهارتیا جناتا پارتی) در صحنه سیاسی هندوستان، وضعیت در جهت منفی تغییر کرد، حزب مذکور از یک خط مشی کاملن افراطی مذهبی هندو و نشنلیستی پیروی می‌کند، این حزب عقیده به ( هندوگرایی یا بنیاد گرایی هندو) دارد، این‌ها هند را صرف برای هندوان می‌خواهند و ( دگران) در آن جای ندارند، این‌ها علاوه بر ( اکاند بهارات) یا هند بزرگ، که شامل افغانستان، پاکستان، نپال، بوتان، بنگله دیش، برما و سریلانکا می‌باشد، عقیده دارند، که تمامن تحت مذهب هندو قرار داشته باشند، بر اساس همین تفکرات پیروان این حزب و دولت بر سر اقتدار آن تحت رهبری (مودی) دشمنی خاصی با (۲۲۰) میلیون مسلمان دارد. این‌ها از تاریخ (۱۰۰۰) ساله مسلمانان هند منکر بوده و تمدن درخشان ایجاد شده توسط آنان را قبول ندارند، در حقیقت این تنگ نظران از تاریخ انتقام می‌گیرند.

خوشبختانه تبلیغات ناروا حزب بر سر اقتدار هندوهابرعلیه مسلمانان، تاثیر معکوس بالای رای دهندگان نموده، و مردم از برنامه (نریندرا مودی) استقبال نه نموده و در نتیجه انتخابات، در پارلمان به تناسب انتخابات گذشته (۵۰) کرسی را از دست داده و مجبورن یک حکومت ایتلافی را تشکیل دادند.

### پیشنهاد (BJP) برای مسلمانان مقیم هند :

۱- اسلام را ترک نموده و دین هندویزم را بپذیرید!

۲ - به پاکستان بروید!

۳ - ویا به قبرستان بروید!

این است طرز تفکر جاهلانه این بدبختان!

فعلن در جامعه هندوستان جای بردباری، تساهل و تسامع سابق را تحمیل اراده و افکار یک مذهب خاص بالای پیروان سایر مذاهب، و خاصتن اسلام، فرا گرفته است.

مسلمانان کاملن به حاشیه رانده شده اند، در کابینه هند که سابقن اقلن (۴) نفر اعضای آن را مسلمانان تشکیل می دادند، فعلن صرف یکنفر مسلمان (وزیر امور مذهبی اقلیتها) آنهم از اقلیت شیعه، مسلمانی دگری وجود ندارد، از مشارکت مسلمانان در بخش های مختلف جامعه جلوگیری می شود، در بخش تعلیمی این تبعیض اعمال شده در مقابل مسلمانان خیلی شدید است، مسلمانان حیثیت اتباع درجه دوم را اختیار نموده اند، مساجد، قران پاک و سایر اماکن مقدس آنان سوزانده می شود و بالای زنان شان تجاوز صورت می گیرد، سازمان (RSS)، یا بازوی عملیاتی (BJP) با (۶) میلیون عضو مسلح، بزرگترین سازمان تروریستی در جهان شناخته می شود، و در تمام تجاوزات علیه مسلمانان دخیل اند، این وضعیت نه تنها باعث کندی روند پیشرفت هند شده، بلکه نا آرامی های خطرناک اجتماعی را بوجود آورده و کشور را به سوی جنگ داخلی سوق خواهد داد.

مقصد ما از ذکر مطالب فوق بیان دو مسله اساسی است:

۱ - اینکه مسایل اجتماعی بالای مسایل اقتصادی تاثیر مثبت و منفی وارد می کند، چنانچه وضع قیودات شدید اجتماعی در هند نه تنها بالای

زندگی اقتصادی مسلمانان، که بیشتر از (۱۶٪) نفوس هند را تشکیل می‌دهند، تاثیر منفی وارد کرده، بلکه بالای اقتصاد ملی هند نیز تاثیر ناگوار دارد.

۲ - رول روحانیون در پیشرفت جامعه نیز محسوس است، در مورد هندوستان بدبختانه حزب مذهبی هندو بر سر اقتدار با سو استفاده از احساسات مذهبی مردم، اکثرن بی سواد و ساده لوح جامعه راه سوی بربادی سوق می دهند، در حالیکه طبقه با نفوذ روحانیون (پندت ها) با استفاده از اثر و رسوخ خود در بین مردم، می‌تواند احساسات مذهبی آنان را در جهت بهبود مناسبات فیما بین مردمان طبقات مختلف هندو (مسله دالیت ها) و هم داشتن روابط نیک با اقلیت‌های سایر مذاهب (مسلمانان) سوق دهند!

بدبختانه طبقه روحانی برهمن هند بر خلاف، با تایید اجندای افراطی (BJP) بر معضلات اجتماعی هندوستان افزوده است، وبه دلیل موقف غیر انسانی روحانیون مرتجع هندو، جان، مال، سر، جایداد، عبادگاه و کتاب مقدس و ناموس مسلمانان در امان نبوده و در نتیجه در چنین یک حالت دشوار از نگاه روانی و روحی و آگنده از فشار و تبعیض نمیتوانند جایگاه اصلی و واقعی خویش را در جامعه بیابند ودر پروسه اقتصادی طوریکه لازم است، سهمیم گردند، وازهر نگاه عقب مانده و روز تا روز فاصله شان با دگران اضافه شده می‌رود، ( دالیت ها ) هم به عین معضله سردچار اند.

توزیع ثروت و عاید در جهان غیر عادلانه بوده وعده محدودی مردم بر اکثریت ثروت ودرآمد جامعه کنترل دارند، ولی این بیعدالتی در هند خیلی عمیق می‌باشد، چنانچه (۱۰٪) طبقه بالا بر ( ۶۷٪) ثروت جامعه تسلط دارند، این بیعدالتی در توزیع عاید هم به نظر می‌رسد.

نقش روحانیون هندو در کم کردن این تفاوت های اقتصادی می تواند برانزده باشد، چنانچه سال ها قبل یکنفر روحانی با نفوذ هندو بنام (وینو بابا) کمپانی را بنام ( زمین برای دهاقین بی زمین) براه انداخته و زمینداران بزرگ را تشویق می کرد، تا یک اندازه زمین را غرض توزیع به دهاقین بی بضاعت به اختیار وی بگزارند، وی بعدن این زمینهارا برای دهاقین غریب همان قریه توزیع می کرد، به این ترتیب هزاران هکتار زمین ازین طریق برای مردم تقسیم شد و در زندگی هزاران فامیل بهبود قابل ملاحظه از لحاظ اقتصادی نمودار گشت، **ولی فعلن طبقه روحانی**

### **هندو در پهلوی یک حرکت ناروا ایستاده اند!**

طبقه روحانی هندو می تواند با استفاده از اثر ورسوخ خود در بین عوام هندو تغییرات مثبت در جامعه، ودر نتیجه در پروسه اقتصادی کشور وارد نمایند.

سه مسله اساسی در هند طالب کمک طبقه روحانی هندو میباشد:

۱ - مسله دالیت ها .

۲ - مسله برخورد تبعیض آمیز با مسلمانان

۳ - مسله تشویق و ترغیب طبقه غنی در جهت کمک به طبقه نادار.

در مسله دالیت ها و اقلیت مسلمان قبلن توضیحات زیاد داده شد، فعلن این صرف اشاره می نمایم، که بهبود وضعیت اجتماعی این دو گروه بزرگ و قایل شدن به رول پر اهمیت آنان در جامعه وسهمیم ساختن آنان در تمام مسایل مملکتی، نه تنها باعث بهبود وضعیت اجتماعی و معیشتی آنان می گردد، بلکه در کمتر شدن فقر وبهبود حالت اقتصادی مملکت خواهد شد.

موضوع پر اهمیت کمک و دستگیری طبقه نادار توسط طبقه غنی

هند، وسایر کشورهای غیر اسلامی:



طبقه ثروتمند در هند از امکانات خیلی زیاد اقتصادی برخوردار است، بیشتر از دو ثلث ثروت و در آمد هند به این طبقه تعلق می‌گیرد، ولی کمک آنان به طبقه نادار ناچیز است، در پهلوی علل گوناگون، مسله اعتقادات مذهبی هندوها خیلی مهم است.

هندوها به تناسخ روح اعتقاد دارند، یعنی روح ابدی بوده بعد از مرگ یک انسان در جسم انسان، حیوان، پرنده، حشره و... دگرزنده جان حلول می‌کند! کردار، گفتار و پندار خوب و بد یک انسان در زندگی قبلی باعث می‌گردد، که روح در زندگی بعدی در یک جسم خوب و یا بد حلول کند، بنان در مورد انسانهای ضعیف از لحاظ وضعیت اجتماعی و معیشتی اینطور قضاوت می‌شود، که این‌ها در زندگی قبلی مردمان خوبی نبوده اند و وضعیت موجوده زندگی آنان ناشی از اعمال غلط آنان در زندگی قبلی بوده و این وضعیت فعلی آنان در حقیقت یک نوع جزا و عذاب برای آنان می‌باشد، بنان به نظر آنان کمک و مساعدت به همچو اشخاص عمل درست نبوده و خلاف آموزه‌های هندویزم می‌باشد، **در حالیکه این موضوع ساخته و پرداخته خودهندوها بوده و واقعیت ندارد**، درینجا رول و نقش روحانیون هندو نهایت اهم و بارزش است، تا مردم را قناعت دهند، که کمک به مردمان بی بضاعت وجیبه هر انسان با وجدان می‌باشد، و حس و تفکر مساعدت به مستمندان جامعه را در آنان تقویت کند، تا باشد با این کمک وضعیت زندگی طبقات پایین ودالیت‌ها تغییر کند! البته درین مورد بازهم آموزه های دینی آنها مانع می‌باشد.

ممالک و مناطق اروپا، امریکای شمالی، مرکزی و جنوبی و جنوب افریقا و یکی دو مملکت در آسیا پیرو دین عیسوی اند، اروپا و امریکای شمالی از سطح بالای رفاه اقتصادی برخوردار اند و امکانات زیادی برای کار کردن و اشتغال وجود دارد، درین ممالک تصور برین است، هر کسی غریب

است، خود مسول است، زیرا تنبلی کرده و تلاش نه نموده است که وضع زندگی خود را بهبود بخشد، چنانچه (پل گیت) میلیاردر مشهور امریکایی می گوید، (هرکسی غریب به دنیا بیاید ملامت نیست، ولی اگر غریب بمیرد خود ملامت است!) بنان درین جوامع کمک کردن به غربا چندان معمول نیست، درین جوامع هم مردمان، به استندرد غربیان، زیر خط فقر زندگی می کنند، ولی فقر انان با فقر مردمان سایر کشورها فرق دارد.

در سایر کشورهای پیرو مسیحت مثل جنوب افریقا و بعضی کشورهای امریکای لاتین که فقر دامنگیر ان می باشد، رول کلیسا در بهبود زندگی ان مهم است و کلیسا می تواند با دو طریقه ذیل به غربا کمک کند:

۱ - از طریق تشویق و ترغیب سرمایه داران.

۲ - کلیسا از جمله پولدارترین نهادها در جهان شمرده می شود، پیروان کلیسا در اروپا و امریکا از طرف مردم، شرکتها و سرمایه داران بزرگ سالانه مبالغ هنگفتی را بدست میاورند، چنانچه در المان پیروان کلیسا ماهوار (۸٪) معاش خود را به کلیسا می پردازند، جمعن کلیسای پروتستانت و کاتولیک المان سالانه بیشتر از (۲۵) میلیارد یورو ازین ناحیه درآمد دارند، ضمنن اگر کدام شرکتی به کلیسا یک مبلغ را کمک کند، نه تنها مبلغ مذکور از تکس معاف می گردد، بلکه عین مبلغ دگر شرکت هم از تادیه تکس معاف می گردد، علاوتن کلیسا از جایزادهای وقفی خود که مقداران نهایت زیاد است و همچنان از سرمایه گزاری خویش در سکتورهای صنعت و خدمات هم عاید سرشار بدست میاورد.

بدبختانه کلیسا ازین پولهای گزاف در بهبود معیشت زندگی عیسویان کشورهای عقب مانده کار نمیگیرد، بلکه انرا در راه جلب مردمان بی بضاعت و فقیر غیر عیسوی جهان به سوی مسیحیت مصرف می کنند، چنانچه ما شاهد این فعالیت تبشیری کلیسا در کشور خود بودیم، حتی

در زمان جهاد این نهاد در بین کمپ های مهاجرین خیلی فعال بودند، کلیسای ناروی، المان، کوریای جنوبی و... فعال تر از دگران اند! سرمایه کلیسا ایالات متحده امریکا در حدود (۱۲۰۰) میلیارد دالراست، که از مقدار تولید ناخالص داخلی ترکیه (۵۰٪) بلندتر می باشد.

استعمارگران اروپایی کشورهای جنوب افریقا و قاره امریکا را به کمک مسقیم کلیسا مستعمره ساخته و مردمان آنرا به تغییر دین مجبور نمودند، ولی این مردمان بعد از رو آوردن به دین جدید فقیرتر شدند، زیرا استعمار اروپایی و کلیسا سرمایه این کشورها را به یغما بردند، درینجا مسیحیت منحیث یک دین رول منفی بازی کرده است.

### دین مبین اسلام در مبارزه علیه فقر، گرسنگی و عقب ماندگی !

کمک به غریب، مسکین، فقیر و نادار از وجیبه و مکلفیت دینی هر مسلمان می باشد، ز کات منحیث بنای چهارم اسلام درین مورد خیلی اهمیت دارد، دادن زکات و عشر بر مسلمانان غنی واجب است، کسانیکه تابع دادن زکات و عشر هم نباشند، باید به انسان های محتاج ( اگر غیر مسلم هم باشند) در حد توان خود کمک نمایند، مقدار کمک ها تعیین نیست حتی دادن یک دانه خرما هم ثواب دارد، شخصی که دست خیر و خیرات داشته باشد، در جامعه به نیکویی از وی یاد می گردد، و مورد احترام مردم می باشد. علمای کرام هم در منابر مساجد در خطبه های نمازهای جمعه و عیدین درین مورد موعظه نموده و مردم را تشویق به کمک می نمایند، مخصوصن در حالات وقوع حوادث طبیعی مثل زلزله و سیلاب ها رول علما و ملا صاحبان در جلب کمک به محتاجان، بسیار با ارزش می باشد. تبلیغ علما در جلوگیری از رسم و رواجهای بیجا، همراه با مصارف کمرشکن، در عروسی ها و مرده داری ها خیلی با اهمیت است.

تلاش بیشتری ضرورت است، تا طوریکه لازم است مردم مطابق احکام دین مکلفیتهای شرعی خود را بدانند، طور مثال:

۱ - عده از خانمها که صاحب طلا اند، نمیدانند که نصاب آن از چند گرام شروع می شود، بنان توضیح و تشریح آن توسط علما برای آگاهی زنان نهایت ضروری است.

۲ - عده از تجار و اشخاص متمول که زکات بر آنان واجب است، یک مقدار پول را به نام زکات به مستحقین می پردازند، که کمتر از حد معین آن می باشد، در نتیجه از یکطرف مکلفیت شرعی این اشخاص طور مکمل ادا نمیشود، و از طرف دیگر پول کمتری به مستحقین و بینوایان می رسد، بنان علما و خاصتن دولت در مورد جدیت به خرچ دهند.

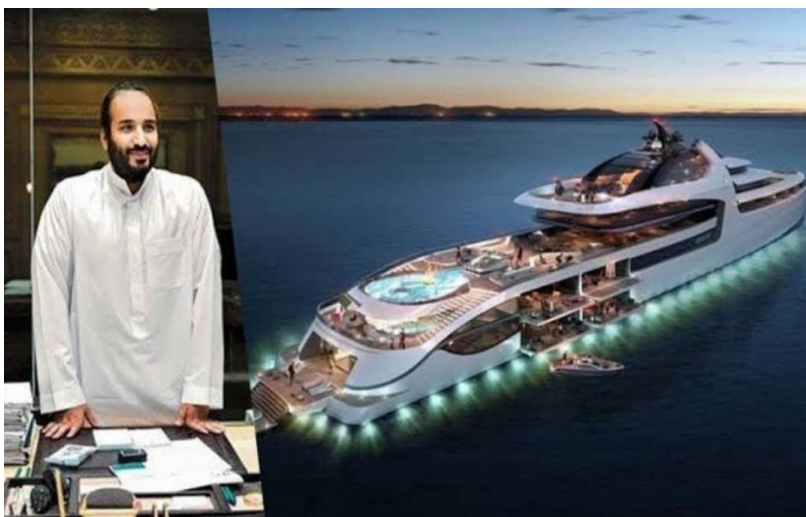
۳ - مشکل دیگری که درین چهار دهه دامنگیر کشور و مردم ما شده موجودیت جنگها و ناآرامی های دوامدار می باشد و شرایط کاری مناسب برای تجاران و سرمایه داران موجود نمیباشد، که اینکار باعث شده که سرمایه زیادی از کشور خارج شده و در کشورهای امارات، پاکستان، ایران تاجکستان و... بکار انداخته شود، چنانچه در ایران افغانان بزرگترین سرمایه گزاران در بین خارجیان می باشند، اگر این پول به افغانستان انتقال کند، باعث بکار افتادن میلیون ها بیکار می گردد، به این ترتیب از یکسو بیکاری از بین رفته و عاید افزایی به عمل میاید، و از طرف دیگر پول زکات آن که بالغ بر صدها میلیون دالر می شود، در کم کردن فقر رول عمده خواهد داشت. درینمورد هم وظیفه دولت است تا زمینه کار و فعالیت را برای تجار مقیم خارج، در داخل کشور فراهم سازد و از طرف دیگر علما و روحانیون هم با تبلیغ خود، سرمایه گزاران را به آمدن بوطن تشویق نموده و وجیبه و رول آنان را در تغییر زندگی مردم بی بضاعت به آنان یاداور شوند!

یک افت و بلای بزرگی که در کشورهای عقب مانده گریبانگیر مردمان شده است، مسله اعتیاد به انواع مواد مخدر، مخصوصن هیروین، چرس، تریاک وسایر انواع مواد نشه آور است، در کشور ما افغانستان، مخصوصن در دوره نکبت بار (۲۰) ساله جمهوریت، بیشتر از (۳) میلیون نفر، خاصتن جوانان، به این بلای خانمانسوز معتاد شدند، این موضوع باعث وارد شدن خساره بزرگی اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی در کشور گردید، موجودیت میلیون ها معتاد، آنهم از طبقه جوان باعث ضایع شدن بخش بزرگی از نیروی کار گردیده، علاوتن باعث افزایش جرم و جنایت در کشور شده، وهم چنان باعث شد که میلیون ها دختر وپسر جوان از ازدواج باز بمانند، و انعهه که متاهل بودند، سرنوشت فامیل های شان تباه گردید، علاج و معالجه این توده چند میلیونی به میلیاردها دالر بودجه ضرورت دارد، که در توان هیچ دولت برسراقتدار نمیباشد. برای از بین بردن این پدیده منفی در جامعه بازهم کمک و معاونت علمای دین نهایت با اهمیت است، روحانیون بزرگوار با بیان ضررهای مواد مخدر از لحاظ شرعی، اقتصادی، اجتماعی و... می توانند در گم کردن این مرض کشنده در جامعه، مصدر خدمت بزرگ شوند!

یک نکته خیلی منفی در کشورهای متمول و دارنده مواد نفتی اسلامی مثل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، بحرین، عمان، برونی دارالاسلام و... که تمان دارای رژیم های شاهی استند، به نظر می رسد، ان اینکه مقدار زیاد پول عاید فروش نفت به جیب پادشاهان و اعضای خاندان شاهی می ریزد. چنانچه در سعودی از عاید فروش سالانه نفت آن که بالغ بر (۳۰۰) میلیارد دالر امریکایی می گردد، مقدار (۱۰٪) آن که (۳۰) میلیارد دالرمیشود، بالای خاندان شاهی که تعداد انان در حدود (۷) هزار نفر است، تقسیم می گردد، که برای هر نفر اوسطن (۳،۴) میلیون

دالر می‌رسد، ازین مدرک اعضای خاندان شاهی مالک ده‌ها، صدها و میلیاردها دالر می‌باشند، بدبختانه ازین پولهای گزاف در راه بهبود زندگی و بهتر شدن شرایط معیشتی و کم کردن فقر و عقب ماندگی مسلمانان کمتر کار گرفته شده و بیشتر در عیاشی و خوشگذرانی شهزادگان از آن کار گرفته می‌شود، از پول‌های مذکور خریداری‌های قصرهای لوکس در اروپا و امریکا، در تهیه کشتی‌های خیلی قیمت بها، خریداری تابلوهای نقاشی چند صد میلیون دالری استفاده می‌شود.

کشتی تفریحی (۵۵۰) میلیون دالری محمد بن سلمان!



در صورتیکه پول مذکور در یک کشور اسلامی سرمایه‌گزاری می‌شد، از مدرک آن (۶۰۰) هزار نفر صاحب کار می‌شدند و یا یک میلیون مسلمان محتاج با آن برای یکسال مکمل اعاشه و اباته می‌شدند، و این مشتم نمونه خروار است!

کشور سعودی به عوض کمک به کشورهای غریب اسلامی در افریقا، افغانستان، بنگله دیش، پاکستان (که در بحران شدید اقتصادی قرار

نظام ناعادلانه جهانی و ناکامی آن در حل مسایل بشری! // ۲۶۳

دارند)، میلیاردها دالر را در کشور اسلام دشمن هندوستان سرمایه‌گزاری می‌کند! و هم چنان ده‌ها طیاره مملو از مواد کمکی را به یوکرین فرستاده است!

در اینجا بازهم علمای دینی حقیقت‌گو وظیفه دارند، تا مصارف بیجا فوق‌الذکر را غیر مشروع شمرده و جدن مقامات ذیصلاح این کشورها را به استفاده درست و بجا سرمایه بیت‌المال متوجه سازند! این بود یاد اوری مختصر رول علمای دین در بهبود زندگی اقتصادی مردمان کشورهای غریب که واقعن ارزنده و موثر است!

## فصل دوازدهم

### خلص مطلب و نتیجه گیری:

بحث پیرامون موجودیت فقر، غربت، گرسنگی، جنگ ها، حکومت‌های فاسد، مهاجرت‌ها، بی سوادى، بی کارى، بیماری‌های اپیدمیک و در نهایت پروسه عقب ماندگی در جهان امروز است، که دامنگیر اکثریت مطلق مردمان در آسیا و افریقا می باشد، برخلاف در گوشه دگر از جهان (بهتر است بگویم گوشه دگر از قریه) اثری از بدبختی‌های فوق الذکر به چشم نخورده و مردم، و خاصتن اطفال از یک زندگی مرفه برخوردار بوده و از احساس خوشی و خوشحالی برخوردار اند، تفاوت خیلی بزرگ درین بین موجود است، مواد خوراکه و غذایی، منابع طبیعی، منابع اقتصادی و مالی به اندازه کافی به سطح جهان و برای تمام باشندگان آن موجود است، پس دلیل این همه تفاوت‌ها چه است؟ تفاوت در توزیع ناعادلانه نعمات مادی و عدم دسترسی اکثریت مطلق مردمان غریب به سایر سهولت‌ها و امکانات زندگی عصری، باعث این وضعیت ناگوار گردیده است، علاوه بر اعمال تبعیضات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... در بوجود آمدن این پروسه ناخوشایند رول دارد.

سوال پیدا می شود باوجود امکانات گسترده و موجودیت فراوان مواد غذایی و خوراکه چرا این نابرابری و بیعدالتی وجود دارد و کدام علل و انگیزه‌ها باعث دوام این حالت ناخوش آیند و دلخراش می گردد؟



## جواب آن موجودیت نظام حاکم بر جهان است!

این سیستم غیر انسانی بر تمام شونات زندگی امروزی بشر مسلط بوده و کنترل عام و تام بر همه بخش‌های زندگی بشر امروزی را دارد، کشورهای غربی منحصیث میراث خوران استعمار کهنه سیاست‌های سودجویانه و استثمار گرانه را در قبال مردمان سرزمینهای مستعمرات سابقه را در پیش گرفته که منحصیث (استعمار جدید) شناخته شده است، اینان اصول نظام ظالمانه سرمایه داری را که متکی بر منافع اقلیت می باشد، در نظر داشته و در فکریه مردمان جهان نه می باشند، کشورهای اروپایی با صدها سال دوره بدنام تجارت برده و استعمار مستقیم بیشتر از (۱۴۰) کشورهای آفریقایی، آسیایی و امریکای لاتین را از سرمایه و ثروت مادی و انسانی بی بهره ساختند، اکنون هم سیاست مذکور با شدت بیشتر و با وسایل جدید و امکانات پیشرفته تخنیکی و تکنالوجیکی و قدرت بزرگ نظامی ( به شمول بمب اتمی) پیش برده شده و مانع بزرگ در از بین بردن عقب ماندگی می باشند، سردمداران غربی در الفاظ خود را حامی و طرفدار حقوق بشر قلمداد می کنند، اما در واقعیت با اقدامات غیر انسانی خویش حقوق حقه اکثریت را زیر پا نموده و حتی برای حصول منافع خود به حیات باشندگان جهان هم رحم نکرده و نه می کنند، تاریخ گواه است که از زمان برقراری سرمایه داری در جهان (۳۰۰ سال قبل الی امروز) ده‌ها میلیون انسان بیگناه با الاثر ظلم و استبداد استعمارگران، جنگ‌های جهانی و نیابتی و تحمیلی ویا گرسنگی‌های تحمیلی از بین رفته اند، این نظام پروا حیات انسان‌ها را ندارد، بنان توجه به بهبود زندگی اقتصادی کشورهای عقب مانده مسله کاملن پیش پا افتاده برای آنان تلقی می شود. مانع عمده در راه محو عقب ماندگی کمبود امکانات اقتصادی و تخنیکی نبوده، بلکه موجودیت روحیه

منفعت جویی، نبود اراده قوی، کمبود احساس مسولیت، فقدان هم نوع دوستی، موجودیت بی تفاوتی و بی پروایی، عدم توجه به سابقه تاریخی استعماری و... در کشورهای پیشرفته می باشد.

موانع و مشکلات مختلف داخلی در عقب ماندگی تا اندازه رول دارند، ولی عمده ترین عوامل درین مسله حساس انسانی نقش منفی غرب می باشد، این کردار منفی جنبه تاریخی داشته که به اشکال مختلف ظاهر شده، گاهی به شکل فروش میلیون ها انسان بیچاره افریقایی من حیث برده در بازارهای قاره امریکا، و اندوختن زر وسیم فراوان ازین راه، و زمانی هم به شکل حکمرانی طولانی بر مستعمرات و دزدیدن سرمایه فراوان آنها و در (۱۰۰) سال اخیر، در قالب پیشبرد اهداف استعمار جدید. دانستن علل و ریشه فقر و غربت و عقب ماندگی و اینکه چرا وضعیت چنان به این حالت اسفبار رسیده، خیلی ضرور است، زیرا در موجودیت همچو عوامل توقع پیشرفت و تغییر در وضعیت موجوده ناممکن است.

فقر، غربت، گرسنگی، حالت زار اقتصادی، بیسوادی، موجودیت امراض ساری همه گانی، جنگهای نیابتی، مهاجرت های اجباری و... داغ ننگینی است بر جبین جامعه متمدن و خاصتن بر حاکمان نظام موجوده مسلط بر جهان، تا زمانیکه این پدیده های منفی از بین نرفته باشند، وجدان انسانی نباید دمی به راحت بزند.

برای حل آن همه باید دست بکار شویم، اولن افراد، اشخاص، سازمانهای ساکن کشورهای عقب مانده و نظام دولتی برسر قدرت آن دست و آستین بر زده و با یک عزم جدید و روحیه قویتر از گذشته وارد صحنه مبارزه علیه پروسه عقب ماندگی شوند، اینکار برای آنها ضرور است که عده در غرب مردمان کشورهای عقب مانده را متهم می کنند که درین راستا

کاری چندانی انجام نه می دهند، پس بهتر است که اول از خود شروع کنیم.

سهم کشورهای غنی درین میان خیلی مهم وارزنده است، زیرا آنان با در دست داشتن امکانات وسیع اقتصادی، اساس و بنیاد قوی تخنیکی و تکنالوژیکی، مدیریت کارا، موجودیت دانشمندان و متخصصین ورزیده و... می توانند درین پروسه نقش برارزنده و کارساز ایفا نمایند، قبلن به این سوال که چرا باید غرب درین پروسه نقش به سزای ایفا کند جواب مفصل ارایه شده است، ولی بازهم مختصرن به بعضی مکلفیت های غرب اشاره می نمایم:

الف: مکلفیت انسانی در قبال هم نوعان محتاج، خاصتن احترام به حقوق بشر، زنان واطفال.

ب: استفاده از امکانات وسیع خود برای کمک کردن، از لحاظ اقتصادی، تکنالوجیکی، علمی و... .

ت: مدیون بودن در مقابل کشورهای غریب از زمان استعمار کهن و دوره تجارت برده، که ثروت بی شمار مستعمرات به ارزش هزارها میلیارد دالر به غرب انتقال گردیده و در شگوفایی تمدن اروپایی سهم ارزنده را ادا نموده است.

### اکنون نوبت ادای دین دیرینه فرارسیده است.

قبلن تذکر رفت که نظام سرمایه داری در اواخر قرن (۱۹) و اوایل قرن (۲۰) توسط طبقه کارگر و احزاب کمونیستی شدیدن مورد فشار قرار داشت، این جریانات نابودی نظام سرمایه داری را در سرلوحه مبارزات خود درج نموده و تلاش داشتند تا از طریق انقلاب های کارگری قدرت را

بدست گرفته و نظام کمونیستی یا همان ( دیکتاتوری پرولتاریا ) را جایگزین آن سازند، این مطالبات بعد از استقرار دولت کمونیستی تحت رهبری، ( لینن ) در روسیه، قوت بیشتر گرفت، و اگر وضع به همان شکل دوام می کرد، سرنگونی نظام سرمایه داری خیلی محتمل به نظر می رسید، ولی این امر تحقق نیافت، زیرا سردمداران زیرک نظام سرمایه داری با درک حقیقت موضوع تن به اصلاحات بنیادی دادند، این اصلاحات شامل بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... کارگران شاغل در کشورهای سرمایه داری شده و در نتیجه در زندگی کارگران بهبود قابل ملاحظه رونما گردیده و روحیه و شور و شوق انقلابی آنان را تا اندازه زیاد کم کرد، و فکر انقلاب و تغییر نظام از راه زورکاهش یافت، و نظام سرمایه داری توانست خود را از یک شر یک دشمن ایدولوژیکی قوی خلاص نماید.

اینک بازیک باردگر نظام سرمایه داری با یک چلنج خیلی قوی و خطرناک تر از گذشته مواجه شده است. میلیاردها انسان ساکن کشورهای غریب که اکثریت مطلق باشندگان جهان را تشکیل می دهند، و از فقر، ناداری، گرسنگی و در مجموع از عقب ماندگی رنج می برند، و دلایل آنرا در وجود نظام و ماهیت آن می دانند، خواهان تغییر مثبت در زندگی خویش گردیده و تلاش دارند ازین حالت زار به هر شکلی که است، رهایی یابند، اینان در پهلوی تلاش خودی، توقع دارند که کشورهای پیشرفته درین پروسه سهم خویش را با آوردن تغییرات بنیادی و اساسی در شکل و ماهیت نظام برحال، ادا نمایند، مردمان کشورهای غریب با درنظرداشت سوابق غیر قابل انکار تاریخی و رویکرد موجوده، اروپایان را در بوجود آمدن فقر و عقب ماندگی و دوام آن در کشورهای خود مسول می دانند، و

امیدوار اند که این اصلاحات عملی گردد و طی چند نسلی وضعیت در کشورهای آنان بهتر شود، زیرا اینان حق خود می دانند تا منحصیث یک انسان از مزایای زندگی مرفه و بهتر مثل مردمان کشورهای غنی برخوردار شوند، این رویارویی برای کشورهای غنی خیلی خطرناک تر از چلنج کمونیست‌ها در (۱۲۰) سال گذشته می باشد.

تذکر یک نکته مهم تکرار احسن شمرده می شود، که غرب منابع مالی و اقتصادی کافی در اختیار دارد، تا در پروسه محو عقب ماندگی در جهان سهیم شود، در اینجا مسله (نتوانستن) مطرح نیست، بلکه (نخواستن) مطرح است! زیرا تمرکز روی منافع خودی مانع در راه تحقق شراکت موثر کشورهای غنی در امر زدودن پدیده منفی عقب ماندگی می گردد.

امکانات بالفعل جهان پیشرفته در بخش‌های مختلف خیلی زیاد می باشد، که با استفاده از یک فیصدی و مقدارنه چندان زیاد آن در امر مبارزه علیه فقر، گرسنگی، بی سوادی، امراض و... نتایج خیلی موثر و موفقیت بزرگ بدست آمده می تواند، مکرر اینکه این امکانات شامل بخش‌های آتی می شود:

### الف: ازدرك توليد ناخالص داخلي هنگفت!

توليد ناخالص داخلي غرب به (۸۰) هزار ميليارد دالر در سال می رسد، که عايد سرانه هر نفر باشنده آن بالغ بر (۵۰) هزار دالر می شود، در صورتیکه کشورهای غربی صرف (یک ونیم فیصد) آنرا که مبلغی در حدود (۱۲۰۰) ميليارد می شود، برای امر مبارزه علیه فقر و عقب ماندگی تخصیص دهند، تاثیر خیلی بزرگ را در وضعیت ناگوار کشورهای عقب مانده بوجود خواهد آورد.

### ب: از درک جلوگیری از اتلاف مواد غذایی و پرخوری!

به اساس تحقیقات سازمان ملل متحد سالانه بیشتر از (۵،۱) میلیارد تن مواد غذایی مختلف باالثر عوامل متعدد ناشی از بی احتیاطی، بی پروایی موجودیت تکنالوجی کهنه و... ازبین می رود، کشورهای غنی (۷۰٪) درین مسله مسول اند، ضمنن در کشورهای غنی اوسط مصرف کالوری یک فرد (۷۰٪) بیشتر از نورم مورد ضرورت بدن یک شخص نورمال می باشد، با اتخاذ سیاست‌های معقول و جلوگیری از پر خوری نه تنها یک میلیارد انسان گرسنه موجود ازین مصیبت رهایی می یابند، بلکه غذایی کافی برای نفوس بیشتر هم بدست می آید.

### ت: از درک جلوگیری از مصارف بیهوده تفننی و بعضن مضر برای جامعه!

صدها میلیون پرنده، سگ، گربه و پرنده‌ها توسط افراد کشورهای غربی و بعضن کشورهای متمول خلیج نگهداری می شوند، قیمت خرید، نگهداری، خوراکی، تداوی و حتی بعضن عملیات آن‌ها بالاتر از میلیاردها دالر در سال می شود، یک فامیل افغان در وانکوور کانادا مبلغ (۵) هزار دالر را برای مصارف عملیات سگ خویش پرداخت نموده است. رها کردن این پرندگان و حیوانات در طبیعت آزاد باعث رسیدن کدام آزار واذیت برای آنان نه می گردد، با وجوه پس انداز شده ازین ناحیه که بالغ بر (۴۰۰) میلیارد دالر می گردد، می توان میلیون‌ها انسان گرسنه را تغذیه نموده و باعث نجات زندگی آنان شد.

**ث: کم کردن از مصارف شراب نوشی، تجارت جنسی، شرط بندی و قمار!**

سالانه مبلغ هنگفت (۱۵۰۰) میلیارد دالر بر ای شراب نوشی، مبلغ بیشتر از (۴۰۰) میلیارد دالر برای تجارت جنسی، بیشتر از (۴۰۰) میلیارد دالر برای شرط بندی‌ها، خاصتن در فوتبال و اسپ سواری، مبلغ بیشتر از (۴۰) میلیارد دالر در قمارخانه‌ها به مصرف می‌رسد، در صورتیکه (۱۰٪) فیصد ناچیزترین مصارف مضر کم کرده شده و به پروسه مبارزه علیه عقب ماندگی به مصرف برسد یعنی (۲۴۰) میلیارد دالر، نه تنها در امر مبارزه علیه فقر و گرسنگی رول مهم وارزنده محسوب خواهد شد، بلکه به اندازه کافی از اعمال زشت و خلاف اخلاق و جرم و جنایت در جامعه نیز کاسته خواهد شد.

**ج: کاستن از مخارج نظامی و جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی!**

در سال (۲۰۲۴) عیسوی بودجه نظامی جهان به مبلغ گیج کننده (۲۶۰۰) میلیارد دالر رسید، که (۳۴٪) آن متعلق به ایالات متحده امریکا می‌باشد، هرگاه کشورهای جهان در حدود (۱۵٪) از بودجه نظامی خویش کاسته وانرا در اختیار صندوق مبارزه علیه عقب ماندگی قرار دهند، نه تنها مبلغ (۳۹۰) میلیارد دالربه این پروسه کمک صورت می‌گیرد، بلکه از طرف دیگر کم شدن بودجه نظامی به معنی پایین آمدن سطح جنگ‌ها و بحران‌ات در جهان می‌گردد.

به یک حساب ساده مبلغی که ازین مدارک بدست می‌آید، به استثنای جلوگیری ازاتلاف و ضایع شدن مواد غذایی و پر خوری، بالغ بر (۱۸۰۰) میلیارد دالر می‌شود، که می‌توان به شکل نقد آنرا بکار برد، که به تناسب کمک‌های موجوده زیاد

بوده و در زندگی مردمان کشورهای عقب مانده تحولی بزرگی را ایجاد خواهد نمود.

مشاهده می شود که بالقوه و بالفعل امکانات کافی به شکل نقد و مواد در جهان موجود است، که با استفاده از آن فقر و غربت حاکم بر زندگی اکثریت مردمان جهان از بین برده شود، طوریکه در صفحات گذشته بیان گردید، ثروت، دارایی نقد و جنس و ثروت انسانی موجود در کشورهای عقب مانده با استفاده از نفوذ و قوت کشورهای پیشرفته با استفاده از پالیسی‌های منفعت جویانه استعمار نوین ازین کشورها خارج گردیده و به دسترس دولتهای غنی قرار می گیرد.

به اساس محاسبات انجام شده، ثروت و سرمایه سرازیر شده از شرق به غرب خیلی بیشتر از مقدار کمکهای غرب به شرق می باشد، به حساب دگر، این کشورهای غریب اند که به کشورهای غنی کمک می کنند، البته آنچه در دوران تجارت برده داری و استعمار مستقیم چند صد ساله، کشورهای اروپایی از افریقا، آسیا و امریکای لاتین به یغما برده اند، بحث جداگانه بوده و درین محاسبه شامل نه می باشد.

کتاب هذا با درنظرداشت حقایق مستند تاریخی و واقعاتهای روشن و غیر قابل انکار امروزی، وبا اتکا به منابع موثق و تجربه و چشمدید و تجربه شخصی ( ۶ ) دهه نگارنده از رویدادهای منطقه و جهان به رشته تحریر در آمده است، از مطالعه آن به این نتیجه می رسیم، که وضعیت زندگی اکثریت مردمان جهان امروزی ناخوشایند بوده و درشرایط ناگوارزندگی فلاکت باری را تحت نظام موجوده تجربه نموده و می نمایند، با وجود فراوانی ثروت، منابع اقتصادی کافی، امکانات تخنیکی و پیشرفت های تکنولوژیکی و مواد وافرغذایی و خوراکه، این مردمان نه تنها از یک



زندگی مرفه برخوردار نیستند، بلکه صدها میلیون آن در گرسنگی بسر برده و به یک لقمه نان برای سیر کردن شکم اولاد خود محتاج اند، این وضعیت باعث بوجود آمدن بیعدالتی بزرگ اجتماعی گردیده، ما خود منحیث باشندگان یک سرزمین عقب مانده تمام این ناملایمات را با گوشت و پوست خود لمس نموده و تلخی انرا تمام و کمال چشیده ایم، و دوام این وضع را دگر تحمل کرده نه می توانیم و خواهان تغییر مثبت در زندگی خویش هستیم، به هر قیمتی که شود، مردم حق دارند که در طول حیات خود از نعمات مادی و معنوی اعطا شده از طرف خالق کاینات استفاده لازم نمایند، انسانها فارغ، از تفاوت رنگ پوست، نژاد، محل سکونت، ایدولوژی و... باهم برابر اند، مردمان افریقا، جنوب آسیا و امریکای لاتین آرزو دارند به مانند مردمان اروپایی و شمال امریکا از یک زندگی مرفه انسانی برخوردار باشند!

همه امکانات برای تغییر و تحول کیفی در وضع زندگی مردمان جهان عقب مانده آماده است، پس انتظار برای چه است؟

توپ در میدان کشورهای غنی افتاده است، وهمه توقع عکس العمل مثبت از طرف آنان را دارند، تقاضای ما از غرب درین موقع حساس این است که منحیث اختیاردار نظام برحال، برای مقابله با این چلنج داخل اقدام شده وبا آوردن اصلاحات بنیادی و اساسی چهره انسان دوستانه خودرا نشان دهند، تا به این ترتیب از یک طرف بهبود کلی در زندگی مردمان غریب و بیچاره جهان رونما شده و از طرف دگر نظام از بربادی نجات پیدا کند.

اقدامات غرب باید در برگیرنده مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و... باشد، که بالترتیب به آن می پردازیم:

## اقدامات غرب در جهت آوردن اصلاحات عمیق در سیستم موجوده:

### الف: ترک سیاست‌های خصمانه استعمار نوین:

احترام به حقوق بشر، تقویت روحیه همکاری جدی و واقعی در خود، در جهت محو عقب ماندگی منحنی یک ضرورت مبرم جامعه امروزی، مبارزه با افکار نژاد پرستانه و تبعیضی در داخل ممالک خویش.

### ب: احترام به منشور ملل متحد:

فیصله‌های مجمع عمومی احترام شود، فراموشی استفاده از حق ویتو در شورای امنیت، احترام به فیصله‌های دیوان عدالت بین المللی (محکمه لاهه) و محکمه جزایی بین المللی، امریکا فیصله دیوان عدالت بین المللی در مورد ختم جنگ در غزه را قبول ندارد.

### ت: ختم سیاست زورگویی:

عدم دوام سیاست‌های جنگ طلبانه، کم کردن بودجه نظامی و تقلیل تجارت سلاح، دست برداشتن از سیاست (برخورد تمدن‌ها)، جلوگیری از جنگ‌های تحمیلی.

### ث: عدم مداخله در امور کشورهای دگر:

خاصتن در کشورهای عقب مانده، به صورت مستقیم ویا غیر مستقیم .

### ج: برداشتن موانع از سر راه تجارت بین المللی:

دادن سهم بیشتر به کشورهای غریب در داد و ستدهای اقتصادی بین المللی، ترک موانع از سر راه صنعتی شدن کشورهای عقب مانده.

### ج: دستبرداری از تهاجم فرهنگی و جنگ فکری:

کنترول میدیای غربی، جلوگیری از پیشبرد پروسه اسلاموفوبیا، جلوگیری از ادامه جنگ فکری و تبلیغات ناروا علیه سایر کشورها، عدم ترویج و تبلیغ فرهنگ منحط غربی.

### ح: طرفداری از برقراری حکومت های دلخواه مردم :

منجمله طرفداری از ایجاد حکومت‌ها به اساس انتخابات آزاد ( مانند غرب ) در جهان عقب مانده، و پذیرش نتیجه انتخابات شفاف و احترام به فیصله مردم. چندین بار در گذشته نتایج شفاف انتخابات در کشورهای عقب مانده به دلیل عدم موافقت با منافع غربی، منحل و حکومت‌های بر سر اقتدار توسط کودتاهاى فرمایشی غرب سرنگون ساخته شده اند.

### خ: سهم گیری جدی و مخلصانه در محو پروسه عقب ماندگی:

با استفاده از تمام امکانات قوی که در اختیار دارد، و قبلن به تفصیل و جزوار به تشریح و توضیح آن پرداخته شده است.

### د: جلوگیری از محو صدها میلیون تن مواد خوراکه:

غرب مسول بربادی ( ۷۰٪ ) مواد تلف شده خوراکی در جهان می باشد، باید از آن جلوگیری شود، چه این بربادی مواد غذایی ناشی از سهل انگاری و بی پروایی باشد و یا رفتار قصدی.

### ر: کنترول فعالیت‌های مخرب (انجوها):

موسسات غیر دولتی که تعداد آن‌ها در هر کشور به هزاران می رسد، بنام کمک به کشور های عقب مانده، و در حقیقت فعالیت های

استخباراتی، تبلیغ عیسویت و ترویج مظاهر غیر اخلاقی تمدن غرب را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده اند، کنترل شوند.

غرب توانمندی انجام این کارها را دارد، در صورتیکه بخواهد، انجام این اصلاحات به نفع همه است، از یکسو تغییرات کیفی عمده در نحو زندگی اکثریت مردمان جهان وارد می‌گردد، که این یک عمل خیرخواهانه و بشر دوستانه بوده، و توسط آن بخش بزرگی از جهان و مردمان آن از فقر، فاقه، گرسنگی، بیکاری، بی‌سواد، امراض گوناگون و... نجات یافته و به یک زندگی جدید توأم با خوشی و آرامش که شایسته هر انسان است، دست می‌یابند، از طرف دیگر نظام موجود چانس ادامه حیات پیدا می‌کند.

عدم قبولی پیشنهادات عاقلانه و منطقی فوق توسط کشورهای غنی، ودوام سیاست ظالمانه موجود، باعث خشم مردمان کشورهای عقب مانده شده، که عکس‌العمل قهرآمیز آنان را به دنبال خواهد داشت، آنچه که برای غرب خطرناک ثابت تمام خواهد شد!

### یک خبر خوش منعیث آخرین نکته قابل تذکر!

آثار ضعف و ناتوانی در نظام موجوده به نظر می‌رسد، غرب در حال از دست دادن سیطره خود بر جهان است و دنیا در حال عبور از یک نقطه عطف تاریخی می‌باشد، ما شاهد ظهور مراکز و کانون‌های قدرت‌های جدید غیر از غربی هستیم، جهان در حال ورود به عصر ( غرب زدایی ) است، دلایل آن کاملن روشن است:

۱- ظهور گروه ( بریکس ) شامل کشورهای برازیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی، که خواهان مقابله با نظام غربی اند، با پیوستن کشورهای عربستان، مصر، امارات، ترکیه، اتیوپی و ایران به آن تقویت مزید می‌یابد.

۲- خروج ویا فرار امریکا از افغانستان، پاینت منفی دگری برای نظام غربی است.

۳ - نفوذ غرب و خاصتن فرانسه بر افریقا کاهش یافته است.

۴ - کم شدن اهمیت دالر منحث یک ارز قوی بین المللی.

۵ - تجاوز و بمباری وحشیانه اسرایل بر باریکه غزه، که از لحاظ بربریت در تاریخ جنگ‌ها مثال ندارد و باعث قتل عام، نسل کشی فلسطینیان و ویرانی تمام ساحات رهایشی شده، باعث ایجاد تنفر شدید در مقابل امریکا و سایر کشورهای حامی اسرایل، در جهان گردیده است.

۶ - اختلاف نظر در بین امریکا و شرکای اروپای اش بوجود آمده است، کشورهای اروپایی طرفدار آتش بس فوری در غزه استند، کشورهای مثل اسپانیه، هنگری و مجارستان و حتی فرانسه بیشتر از سایر ملل اروپایی از سیاست حمایوی بیدریغ امریکا در قبال اسرایل دفاع نه می کنند، یک تعداد کشورهای اروپایی ارسال سلاح به رژیم صیهونیستی را متوقف ساخته اند.

۷ - بایکوت امتعه و تولیدات امریکایی و خاصتن اسراییلی تاثیر خود را داشته است، برای جلوگیری از پایین آمدن مزید سطح فروشات، شرکتهای متضرر شده، اقدامات را رویدست گرفته اند، مثل مکدونالد و کوکاکولا، یک نمونه آن در کشورما هم به مشاهده رسیده است، بوتل کلان کوکاکولا که قبلن (۶۰) افغانی به فروش می رسید، به دلیل نزول سطح فروشات آن، اکنون همان بوتل به (۵۰) افغانی عرضه می گردد! اعلانات این تخفیف جبری در سراسر شهر نصب گردیده است.



.....و

خلاصه تغییرات خیلی مهم در راه است، که طی چند سال آینده جهان را متحول خواهد ساخت!

## ماخذ و منابع:

- ۱- اندیپندنت فارسی - مورخ ۱۳ جنوری ۲۰۲۲
- ۲- ویکی پیدیای المانی - موضوع بانکداری اسلامی
- ۳- سایت خبر انلاین ۲۴ حوت ۱۴۰۲
- ۴- سایت دانش نامه اسلامی قابل تذکر
- ۵- مجله امید انقلاب - شماره ۴۰۳ - ۱۳۸۸
- ۶- سایت دنیای اقتصاد - شماره ۵۸۳۱ - مورخ ۳-۷-۱۴۰۲
- ۷- **online nachrichten-t** سایت المانی
- ۸- روزنامه ملی انیس - حمل ۱۴۰۲
- ۹- گزارش بانک جهانی - سال ۲۰۱۷ - ضرر فرار مغزها به کشورهای عقب مانده
- ۱۰- سایت انترنیتی الامو
- ۱۱- سایت وزارت زراعت المان
- ۱۲- استفاده از چشم دید و تجربه شخصی (۶۰) ساله نگارنده از رویدادهای مملکت، منطقه و جهان.
- ۱۳- سایت‌های مختلف فارسی در منطقه
- ۱۴- نشرات مختلف صوتی، تصویری و چاپی معتبر جهانی
- ۱۵- کتاب از لینین تا گورباچوف، اثر محمود طلوعی - چاپ تهران ۱۳۷۰
- ۱۶- کتاب افغانستان در مسیر تاریخ - اثر غلام محمد غبار - چاپ کابل - ۱۳۴۶
- ۱۷- کتاب من و مخابرات - نویسنده انجنیر صاحب امیرزی سنگین - وزیر سابق مخابرات